

دائرہ و مجملہ



۲۰ گنہ ۱۳۵۱ مکر

دخپلو اکی د شلو پچو ستم تلیس پو ویا



شرح فوتوی روی جلد:

اعلیٰ حضرت معظمہ ہمایونی سر قوماندان اعلیٰ اردوی شاہی افغان و علیا حضرت
ملکہ معظمہ رسم گذشت قطعات اردوی شاہانہ را مشاهده میفرمایند.

ACKU

دَارُ وَجَلَّةٍ

ویا پرچم و گولکن بہ ہوا و خیلو اکر و پرتہ اچستلو و شلو رچو سہی کالیز
دنا تخنیر لہ کبلہ و زبرہ لہ کو مخریپ صمیمانہ تبرکات و محبوب تلو لک
مغظم ہمایونرا علی حضرت الامیر علی اللہ محمد ظاہر شاہ

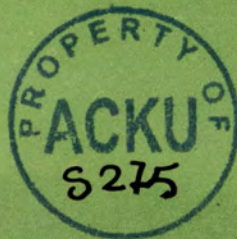
دارد و اعلیٰ سر قوماندان ، علیا حضرتی

مغظم بلدیہ و سلطنت درونی کورنی

واقعات پیار و قهر مانخ

ارو و نسو بیوا و تلو و طنوالو

عرض کور





اعلیٰ حضرت معظم ہمایونی سر قوماندن اعلیٰ اردوی شاہی افغان
و حامی بزرگ استقلال کشور عزیز .

ارشادات قیمتدارا علیحضرت معظم

همایونی بمناسبت آغاز پنجاه و سومین سال استقلال کشور



اعلیحضرت معظم هما یوای سر قوم ائدان اعلی اردوی شاهی افغان
هنگامیکه ارشادات قیمتدار شاهانه شانرا ایراد مفرمایند

بسم الله الرحمن الرحيم

هموطنان عزیز!

پنجاه و سومین سال استقلال وطن را به کافه شما تهنیت گفته پیروزی همه را در ایفای وجایب اجتماعی و ملی شان از خداوند یکه بارگاه اومصد ر همه پاوربهاست مسئلت مینمایم .

شرایط جغرافیائی و تاریخی ملت ما را همواره با امتحان دفاع از وجود و حیثیت خود از توأمیس نرهنگی و از تمامیت زادگاه خویش در برابر اطماع بیگالگان رو برو ساخته است . بیکار مردم افغانستان در برابر نیروها و سیاست توسعه طلب استعمار مرحله ای بود از تسلسل مجاهداتیکه نیاکان ما در امتداد تاریخ کهن و معاصر خود پیهم برای حفظ موجودیت ملی خویش به کار برده اند .

همه این مبارزات و تحلیل نتایج آن در ادوار مختلف تاریخ ما کلید موثری برای فهم خصوصیتی شناخته میشود که در نیروی بشری مردم افغانستان نهفته میباشد . پیروزی ملت مادر آخرین معرکه مقدس آن به منظور بدست آوردن دوباره آزادی ثابت ساخت که هر زمان فرزندان این خاک به مقصد بر آوردن هدفهای لجبی ملی در سایه قیادت بی شائبه و با درایت گرد آورده شده اند . مساعی شان برغم نارسائی ها و ناهمواری ها ثمر موفقیت نهایی را بار آورده است .

سالی بعد از حصول استقلال نخست صرف جبران آن همه زیانها

سر چشمه میگیرد که اکنون در نیمه دوم آن با آرزوی تثبیت کردن و مشمر ساختن دیموکراسی در ساحه سیاست اقتصاد و دیگر شئون اجتماعی خویش بسر می ریم .

انتخاباتیکه دوبار در سراسر کشور جهت بوجود آوردن شورای جدید افغانستان صورت گرفت نخستین تجربه ای بود برای ظهور اراده توده های وسیع مردم همچنان طرز کار شواری مرکب از نمایندگان انتخاب شده همین توده ها تا یک تجربه نوین در تطبیق اصول دیموکراسی شناخته میشود حکومتها نیز در راه وفق دادن روش کار خود با آن احکام قانون اساسی که به حقوق و وظایف مردم و به صلاحیت

گردید که دست استعمار چه مستقیماً و چه هم به صورت غیر مستقیم به کشور ما وارد کرده بود . در عین حال ادامه زندگی و بهتر ساختن شرایط آن با ایجاد مؤسسات نوین سیاسی اجتماعی و اقتصادی تمرکز بیشتر مساعی را به صورت پیهم تقاضا داشت .

افغانستان از عرصه تقریباً هفت سال باین سو برای تنظیم و مشمر ساختن مساعی خود در راه ایجاد یک زندگی متناسب با خواسته عصر تهداب نظامی را به روی پای همه های ثقافت اصیل خویش بنیان گذاشته امر و وزیک بار دیگر و بیک لیبج کاملاً تازه بهمان نیروی نهفته در ضمیر ملت خود دست استعانت دراز میکنند . تا زگی این لیبج از طبیعت قرلی

شوری و قضا را تباط دارد وارد يك تجربه جدید گردیده اند. همچنان قضا با استقلال و مسؤولیتی که تازه بد آن بحیث رکن عمده از ارکان يك نظام دیموکراتیک نفوذ یافته شده مرحله يك امتحان بکلی جدا از همه سوابق دیرین خود را می بیناید. و همینکه بقیه عناصر این نظام مطابق به اصول و اهداف کلی مندرج قانون اساسی تکمیل گردد این همه تجارب تازه بحیث اجزای بهم بسته يك کل یعنی نظام جدید کشور بسوی تنظیم بهتر فعالیت های کنونی و تامین اهداف فردا براه انداخته خواهد شد.

راخ شدن دیموکراسی در هیچ کشور بدون تماس مستقیم و متداول بین ارکان دولت و بین آنها و مردم و بدون تامین افهام و تفهیم متقابل امکان پذیر نیست. آرزوی همیشگی ما و هر سه رکن دولت در مورد لزوم تفاهم و تساند یکدیگر روی درک همین حقیقت بنایافته است. این نوا باید حقوق و همچنان حدودی را که قانون اساسی به منظور براه انداختن فعالیت های شان جهت بر آوردن بهترین اهداف ملی تعیین نموده به دقت و جدیت رعایت کنند. دقت و جدیتیکه بتواند بین نگرانی قانونی بر امور حکومت و آزاد گذاشتن آن در حدود قانون برای انجام وظایف و مواجه شدن با مسئولیت های روزمره توازن لازم را برقرار سازد.

دیموکراسی همچنان بهمانه ای که به مردم این اسل تعلق دارد سپردن آن با تکامل بیشتر به نسل های آینده و وظیفه مهم ما و حق ثابت فرزندان این شناخته میشود. پروردن فرزندان این خالک بر مبنای اصول علمی و تربیت و بی بردن ایشان به ارزش های ناشی از دین - تاریخ و فرهنگ ملی و به لزوم هم آهنگی با سیر توقف ناپذیر مقتضیات زمان چنان يك وجهیه اساسی می باشد که هیچ دلهلی نمی توان برای آن سراغ کرد در عین حال فریضه ملی نسل امروز است که تمام سعی خود را برای ایجاد و حفظ سلسله تفاهم با نسل فردا بکار برد پرورش متداول آن رابطه روحی و فکری که نسلها

باید بر شته محکم آن بیک دیگر بسته باشند شرط اساسی تشکیل سلیم جوامع و رسیدن به اهداف عالی مربوط به زندگی امروز و فردا بشمار میرود یاد بود آزادی اساسی بهنگامی فرا می رسد که با تأسیف زیاد مظاهر خشکسالی بیابانی را در مناطق مختلف کشور و اثرات ناگوار آنرا بر اقتصاد ملی مشاهده میکنیم. امیدواریم حکومت بتواند با اتخاذ تدابیر عاجل مقدار کافی مواد غذایی و علوفه را چه از راه بکار انداختن مؤثر همه وسائل و منابع میسر در داخل کشور و چه هم از راه بدست آوردن کمک های بین المللی فراهم نماید. روحیه تفاهم و تساند و در نتیجه اشتراک مساعی که درین راه بین حکومت و شورای افغانستان بمشاهده رسیده مورد تقدیر و مایه مسرت و امیدواری ما میباشد. ما موقف کافه کشور های دوست و همه موسسات جهانی را که درین مورد به نفع ای حکومت افغانستان گوش همدردی قرار داده در راه حل این بحران بهر نحوی که توالسته الله به ما دست مساعدت دراز کرده بخواهند کرد به نظر قدردانی عمیق می نگریم و وظیفه دولت است تا امر رسیدگی به مشکلات فعلی را منحصر به رفع عواقب کنونی آن ندانسته بر بنای روش مؤثر علمی چنان مطالبات را آغاز و اقداماتی را عملی سازد که در نتیجه آن این کشور زراعتی بتواند در حالات عادی بر محصولات خود متکی گردد.

مردم افغانستان وظیفه تاریخی علاوه گرفتن به سر و شت برادران پشوتولستانی خود را همواره درک نموده و مینمایند. دولت مساعی خود را برای آنکه مردم پشوتولستان بحقوق کامل خود نائل گردند با احساس همین وظیفه تاریخی و با تاسی از تصامیم لویه جرگه های افغانستان دوام خواهد داد.

سیاست خارجی افغانستان مانند همیشه روی اصول بیطرفی فعال و مثبت عدم السلاک اجتناب از داخل شدن در کتله بندی های نظامی و سیاسی، قضاوت

آزاد در مسایل جهانی، مساوات بین دول و عدم مداخله در امور یکدیگر استوار است. ما از منشور ملل متحد و اصل جهانی بودن آن و از تمام اقدامات آن مؤسسه بمنظور تقویت صلح الغای استعمار بهمه اشکال و انواع آن و سعی در راه بهتر ساختن شرایط زندگی گانی ما لک رو با تکشاف حمایت میکنیم. بعضی های آزادیخواهی در همه نقاط جهان و مبارزه علیه تبعیض اثرادی بهمه مظاهران همواره از طرف افغانستان پشتیبانی گردیده و میگردد. حل عادلانه قضیه برادران عربی ما اهل فلسطین و موقف دول عربی دائر بر ضرورت تخلیه خاکهای اشغال شده مصر، سوریه و اردن از طرف اسرائیل مورد تأیید کامل و همیشگی افغانستان می باشد. ما امیدواریم در وقت نام شرائطی بوجود آید که در هر تو آن حقوق مسلم مردم آن سرزمین به آنها برسد و در منطقه مذکور مطابقی موافقات ۱۹۵۴ ژنیو بدون مداخله دیگران صلح و وحدت و بیطرفی حکمروائی کند. دنیا بصورت عام و کشورهای جهان سوم که بشدت مشغول بهتر ساختن وضع حیاتی خود هستند بصورت خاص نیازمند آرامش می باشند و بنا برین خلق سلاح تام و کلی يك ضرورت میبرم برای نسلهای امروز و فردای بشر بوده امیدواریم آن همه مساعی که درین راه بذل میگردد بزودی قرین گسایا می شود. درین لحظات تاریخی و ظریفه خود میدانیم از ایثار راد مردانیکه در راه استقلال و وطن از نعمت زندگی به شهادت چشم پوشیدند با احساس امتناع عمیق ملی یاد کنیم.

با اتحاف دعا به روان همه آن شهیدای راه آزادی و بر روح قائد بزرگ شان اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید رحمة الله علیه و با استعانت از بارگاه پروردگار توانا و مستعان در رفع نیازمندی های مردم ما مراسم تجلیل پنجاه و سومین سال استقلال افغانستان را بنام هالک و برگزیده او افتتاح می نمایم.



علیاحضرت ملکہ معظمہ مادر معنوی ملت کہ سہم بارزو موثر معظم لها
در راه رشد معنوی و فکری طبقات نسوان مملکت و نهضت های اخیرہ
بانوان وطن روشن و نمایان است

ضمیمہ امین این شمارہ:

صفحہ	نویسنده و مترجم	عنوان	شماره
۱	جگرن فیشن محمد عاطفی	۱- نیرومند باد درخت بارور استقلال	
۵	تورن شمس الدین ظریف صدیقی	۲- دلاوران آریانا	
۸	تورن سید امیم علمی	۳- احمد شاه بابا	
۱۱	جگتورن حبیب الرحمن مزاروال	۴- دژوند دہقا یا آزادی بہ خاطر مبارزہ	
۱۵	صدیق رھو	۵- عسکر کوچک	
۲۱	تورن غلام سخی اتمر	۶- حماسہ بک دوشیزہ	
۲۳	دہلوم انجنیر محمد اکبر سروری	۷- استفادہ از اشعہ لایزر در مخابرہ عصری	
۳۰	الحاج تورن میر حسام الدین محشمی	۸- نظر دہگران راجع بہ استقلال کشور	
۳۲	جگرن سید نصر الدین	۹- درود بروان پاک شہدای راہ آزادی	
۳۳	دگروال عیدانقوس (صاحبزادہ)	۱۰- استقلال	
۳۴	تورن محمد معروف ہیلتوت وراکھ	۱۱- طیارہ لاینک	
۳۷	تورن عبدالغیاث	۱۲- زمولیر خلیک او آزادی	
۳۹	عاطفی	۱۳- عمر دی در شہ بادشاہ	
۴۱	دکتور قہرال دین اکسیری	۱۴- ما و آزادی	
۴۲	محمد اسمعیل اختیاری	۱۵- قلب مصنوعی و چگونگی آمیزش آن . . .	
۴۶	جگرن محمد یونس شمکنی	۱۶- دلبری دعوادونوبہ آزادی کی	
۴۹	جگرن فضل ربی	۱۷- خیلواکی دہرملت طبیعی او قانونی حق دی	
۵۴	تورن عبدالغیاث بیدار	۱۷- سرزمین آزادگان	
۵۶	ادارہ	۱۸- حرب	
۵۷	جگرن محمد یوسف ہمالی	۱۹- حرکات منطقہ بلتیز	
۶۲	دگرمین غلام محمد مخابرہ	۲۰- اتم در خدمت بشر	
۶۹	سید سلطان محمد جگتورن	۲۱- دہوائی دسپلین	
۷۱	تورن مہرچو	۲۲- ما و اطفال ما	
۷۴	تورن نور محمد رسولی	۲۳- سرود آزادی	
۷۵	تورن سید جلال	۲۴- جیو ہولتیکز	
۸۰	تورن ہوشمند	۲۵- خلاصہ وقایع مہم قرن بیستم	
۸۲	جگتورن ارکانجرب علی احمد جلالی	۲۶- مفہوم دفاع ملی . . .	
۹۳	حبیب اللہ خورمین محامی	۲۷- دافغانستان تیرووگرتہ یوہ لئوہ کتتہ	
۹۶	محشمی	۲۸- ورزش، جوانان و اہمیت آن در شرایط . . .	
۹۹	عاطفی	۲۹- ما و خواتندگان	
۱۰۲	- . . -	۳۰- سیستم مخابرات مارکئی	
۱۰۳	ظریف صدیقی	۳۱- اردو در خدمت اجتماع	

خطابه اعلیحضرت سعیدشہید محمد نادر شاہ غازی

در موقع افتتاح جشن سال سیزدهمین استقلال

حال خدا ما تیکہ اردوی افغانستان در راه اقامت امنیت داخلہ فداکارانہ ایفانمودہ اند الیتہ ما وملت ما فراغوش نخواہیم نمود.

راجع بہ توحید واتحاد افکار عمرمی چارہ بہترین را کہ در عالم متمدن ہستند ومتکاسمت همان دانستن حکومت ملی و مجلس شورا است کہ ما نیز این چارہ را بعون اللہ تعالی عملی ساختیم و امید میکنم کہ مجلس مقدس شوری ما بتواند درین راہ بہترین خدمتی را انجام داند و اسباب نظم و نسق مملکت را فراهم سازد.

بعلاوہ ما و حکومت ما درین عرصہ دو سال خدا را شکر میکنیم کہ در قایم کردن امنیت داخلہ نشر معارف نظم عسکروادارت تمدید طرق وشوارع ترقی مطبوعات تہیہ آلات وادوات حربی وامثالها توانستیم خدمتی بنمائیم ولی نصب العین ما چون ازین ہا بلند تر است از خدای متعال توفیق می خواہیم کہ بنوانیم درآیندہ خیالات وطن پرورانہ خویش را از قوہ بمیدان عمل آریم.

ای ملت عزیز من!

من بہمہ شما توصیہ مینمایم کہ متحداً و متفقاً فی القول والاعمال در راہ حصول این مقاصد مقدس ملیہ و ترقی و تقدیم وطن عزیز از ہیچگونہ سعی و ایثار مضایقہ و درین نمایندید. از ملت ودولت انتظار داریم کہ در ایفای وظایف منتهای جدیت وصمیمیت را ابراز نمایند و از ہیئت شورای مقدس خواہش مینمائیم کہ با قدم های سریع در تنظیم اجتماعی این ملت طی طریق نمایند. من یقین میکنم کہ تمام طبقات ملت عزیز دست بدست دادہ متحداً و متفقاً در راہ تقدیم و تمدن مملکتی قدم می بردارند و از مخالفت های قولی و عملی کہ باعث تشتت آرا وافکار اقوام و منتج بہ نتایج سوء و پیش آمد های بربادی قوای مادی ومعنوی ملت است اجتناب خواهند کرد.

درینصورت شکک نیست کہ مملکت عزیز ما انانسانان بزودی مراحل ترقی و تمدن را طی خواهد نمود و وظایف دینیہ ملیہ ما وشما در مقابل باز پرس خداوند عادل ادا خواہد گردید. زیادہ از خداوند قادر و توانا مسئلت مینمایم کہ بملت افغانستان موقع آن بخشد کہ تا قرن های درازی با مسرت خاطر و ترقیات روز افزون بیادگار جہاد پاک استقلال ملی خویش جشن های مقدسی دایر و افتتاح نمایند.

بنام خداوند فیاض و توانا این جشن مقدس سال سیزدهمین استقلال ملی را آغاز و افتتاح مینمایم و ملت عزیز افغانستان را بورداین دورہ فرخندہ و بہترین یادگارہای افتخارات ملی تبریک و تهنیت میگویم.

ای ملت عزیز و دایر من!

استقلال ملت ہا از جملہ آن نعمت ہای بزرگ خداوند قدیر است کہ در مقابل آن ما لها وجانہا را قہر و قیمتی نمی باشد. زیرا مالہا وجانہا برای زندگی چند روزہ دنیا و این زندگی بحکم حقیقت و فطرت آدمیت برای استقلال و مخصوص آزادی نوع انسان است.

افغانستان کہ بفضل و مرحمت خداوند وحیمت و غیرت ملت نجیب خود سیزدہ سال بیشتر استقلال خود را تحصیل و مالک آن گردیدہ والی ماشاء اللہ در سایہ استقلال زندگی پاشرفانہ بسر بردہ استقلال شان برقرار و بردوام خواهد بود. اینستکہ امروز بیادگار همان جہاد پاک ملی و حصول استقلال افغانستان این جشن مقدس را افتتاح میکنیم و دوبارہ بکافہ ملت عزیز خویش تبریک و تهنیت میگوئیم.

ای ملت عزیز و شجاع من!

وظایف ملیہ ما در راہ حفظ استقلال وطن بسی مهم و سنگین است. مقتضیات عصر حاضر و ایجابات مدنیت جهان بعلاوہ داشتن استقلال ملی برای ما وظایفی تعیین و مقرر میکند کہ در عدم ایفای آن بنیان استقلال ملی متزلزل و ناپدیدار است.

این وظایف مهمہ کہ گفتیم عہارت از استقلال اقتصادی و صنعتی و عہدانی مملکت است. سنگهای اولین این تہدایہا نشر معارف صحیح و ترقی صنایع، ترویج زراعت، تکثیر محصولات وطنی، سہولتہ حمل و نقل تمدیدراہها وامثال آن است و اینها از ہمہ اولتر محتاج امنیت داخلہ توحید و انفاق افکار ملیہ است.

چون حفظ موجودیت یک ملت محتاج بقوت منظم عسکری است. لہذا قبلاً ما و حکومت ما حتی المقدور در تشکیل باقاعدہ آن کوشیدہ ایم و امید می کنیم کہ بمعانت خداوند در سایہ حسن مساعی و فداکاری وزارت حربیہ و افسران اردوی افغانستانی عسکری افغانستان بزودی دارای قدرت و انتظام مکمل عصری گردند و ناگفتہ نماند کہ در آن عصر تا



اعلیٰ حضرت شهید سعید محمد نادر شاہ غازی محصل بزرگ
استقلال افغانستان

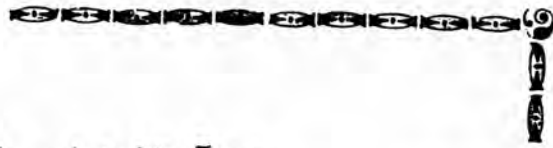
قهرمانان معرکه استقلال



اعلیحضرت شهید سعید معرکه آرای جهاد استرداد
آزادی با برادران رشید وقهرمان خویش والاحضرت
مارشال شاه ولیخان غازی فاتح کابل آو مرحوم
والاحضرت سپه سالار غازی سرارشاه محمود خان



جلالته آب دكتور عبدالظاهر صدر اعظم

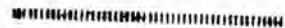


نیرومند باد

درخت

بارور

استقلال



ما در آستانه پنجاه و چارمین سالگرد استرداد استقلال کشور و ملت عزیز خویش قرار داریم و از بن‌رو بسابقه احساسات ملی و جذبات اخلاقی، دل‌های ما بسی اختیار بوجود و طرب می‌درآید و در پهلوی این احساسات و جذبات، شاید نظرات و افکار ما هم در پیرامون آزادی از خط سیر اعتدالی قدری انحراف باید و نتوانیم حق مطلب را آن‌طور که انتظار می‌رود بر منہج صواب و انصاف ادا کنیم با وصف آن می‌کوشیم در تنگی مجال این صفحات، تا جائیکه قدرت فهم و شعور نویسنده اجازه می‌دهد شرح مبسوطی در پیرامون عنوان بالا بخوانندگان ارجمند مجله اردو تقدیم بداریم :

آزادی، گوهر گرانبه‌ای است که فطرت بشر در جستجوی آن از بدو پیدایش تاکنون، مضطربانه می‌تپد و تلاش‌های پیگیر و همه‌جانبه افراد بشر اعم از سیاه و سفید و غربی و شرقی برای بدست آوردن این در کمیاب ادامه دارد. آزادی بشکل مجرد و مطلق هرگز وجود ندارد اما بصورت نسبی و نوام با رشد و تکامل جوامع بشری در کشوری بشکل خلص و محلی آن کم یا بیش موجود شده می‌تواند اساساً جامع‌ترین تعبیر آزادی آن است که استقلال هر کس در چوکات قوانین و معیارهای اخلاقی و اجتماعی آن محیط و ملل باعث سلب آزادی دیگران نشود متأسفانه مرد می‌هستند که در ارزیابی حدود آزادی برای خود از افراط کسار می‌گیرند و این افراط‌ها و تند رویها به مصالح آزادی دیگران صدمه می‌رساند و بنا بر این مفهوم حقیقی آزادی ارزش خود را از دست می‌دهد. آزادی مزاحمت نیست بلکه ایجاد فضای انسانی و صمیمی و اخلاقی بین نوده‌ها و اجتماع است که فره مسؤولیت کاملی در محافظت آن بهمه دارد.

ملتی که بتواند از نعمت آزادی بر اساس حق و وظیفه و بر بنیان حفظ روابط نیک ذات البینی و معاملات حسنه بین افراد خویش بر خوردار شود شایستگی افتخار بدست داشتن آزادی حق مسلم اوست.

ما آزادی را به نیروی ایمان بخدا و بقدرت ملت نجیب خویش و بشمشیر اردوی فدا کار و مردان نامور خویش از چنگک علمبردران استعمار و استثمار بدست آوردیم و از پنجاه و سه سال با اینطرف سعی و همت مردم ما درخفا و علانیه بر این بوده است که نهال نورس آزادی روز بروز هارور تر گردد و شاخ و برگ آن در پهنه کشور ما دمدم گسترده تر شود. ما در این مقال بوقایع تاریخ تماس نمی گیریم زیرا تکرار آن تحصیل حاصل است و جوانان ما چه در مدارس و چه در مطالعات خصوصی خوبتر و آگاهانه تر از جریانات تاریخ و طریق وبالخاصه تاریخ معاصر کشور اطلاع دارند. توجه ما بر این است که با بدست داشتن نعمت آزادی چنان میتوانیم طرق اساسی را برای حفاظت آن در مرحله اول جستجو و بکار اندازیم؟

اساساً رشد و تکامل اقتصاد برای یکملت پایه و مایه اصلی استقلال

کشور است که زمینه رشد آزادی و فعالیت های انکشافی دیگر را در راه تعمیم و تکمیل آزادی فراهم میسازد ملتی که بنیان اقتصادش قوی و بر اساسات علمی استوار است و افراد آن با همنوائی و همفکری و همدلی

انسان ۱۰۰۰!

انسان کسی است که ایمان به زندگی داشته و بداند که چگونه روز خود را بخیر و برکت بگذراند، کاریکه بر ثمر و سود بخش باشد انجام دهد. انسان کسی است که دلی دارد که در او تخم برادری برای همگان کاشته و هرگز سعادت خود را از نیکیبختی سایرین جدا نمیداند. در اجتماع یار و مددگار همه است و در هر مقامی سعی و کوشاست. او نوع بشر را همچون بستگان خود و مانند افراد وطن خویش با تمام مهر و هیجان باطنی و با تمام فداکاری دوست دارد. انسان کسی است که بوجود خویش تسلط کامل دارد و منافع دیگران را بر منافع خود ترجیح میدهد و دهنة توسن سرکش شهوات و تمایلات خود را کاملاً بدست دارد. هرگز برای سود خود درصدد آزار و اذیت سایرین بر نمیآید و بالاخره آنچه را که با موازین و عدالت استوار است انجام میدهد و اجرا مینماید. انسان کسی است که میداند تنها به نیکی دوستی و عشق است که بایست برای همه و در راه نیل بآنها مبارزه کرد.

و بالاخره انسان کسی است که که مرگ را استقبال میکند و میداند مردن او راه فنا و نیستی نمیکشاند بلکه ویرا نجات ابدی میبخشد.

دست بکار و فعالیت ثمر بخش میزنند قاعدتاً قدمهای مثبتی در راه رشد اقتصاد وطن بر میدارند و بنا بر آن استقرار امور اقتصادی بنیان اساسی و نهاد اصلی آزادی را تشکیل میدهد.

ثانیاً کار و فعالیت و عرقریزی مردم یک کشور و سهم گیری عادلانه آنها در راه پیشبرد پلانیها و پروژهها اساس اقتصاد را پیش می برد یعنی در پهلوی تدوین یک اقتصاد سالم کار و فعالیت مردم کشور نهاد اساسی برای انکشاف اقتصاد و بالمآل برای حفاظت آزاد است و از همین جا است که کار را اغلب دانشمندان جزوی از آزادی و طریق محافظت آن میدانند.

ثالثاً استحکام وحدت ملی و روح ملیت خواهی در دل های افراد ملت را مستحکمتر میسازد.

اینها رؤس اساسی استقرار و استحکام و رشد آزادی یک کشور است که با انفاذ و تحکیم شان حفاظت و نگهداشت آزادی بدرستی مستحکم می گردد اما امکانات اصلی در باره نگهداشت آزادی، وابسته به موجودیت قدرت است. قدرت با گفتار و طمطراق و ادعا بدست نمی آید بلکه قوای مسلح یک مملکت همان امکان اصلی

مملکت را برای حفظ آزادی تشکیل میدهد ملت هائی که از لحاظ قدرت دفاعی بپای خود ایستاده باشند یعنی متکی بخود باشند هرگز هراسی از تزلزل و یا ضیاع آزادی بدل راه نمی دهند موافق و پیمان ها و قراردادهای و مقاولات مختلف ممالک عالم ، عالی الا کثر بر مبنای ظاهر داری و حفظ مبادی آداب و ضرورت های عاجل و زود گذر تنظیم میشود همینکه زمینه تجاوز و استفاده جوئی برای یکی از طرفین میسر گردیده و یا موازنه قوت و قدرت بنفع و یا ضرر بیکه برهم خورده است عارف قوی برای طرف ضعیف مجال نفس کشیدن نداده است و همه آن قرارداد های کاغذی را با دندسیان برده است و این نکته ثابت است که در قاموس سیاست های جهانی معنای و واقعاً برای تعهدات قیمتی وجود ندارد بلکه قدرت هیچ تعهدی را نمیپذیرد سیاست همان قدرت است که هرگز عاطفه ندارد .

باین مختصر قبول کنیم که محافظت و نگهداشت آزادی بیک ملت مستقیماً ارتباط به قوای دفاعی و مسلح و مجهز آن دارد که عبارت دیگر بنام اردو یاد می شود: اردو مرکز قدرت دفاعی و مشت آهنین بیک ملت بمقابل تجاوز گران حق و

آزادی آن مردم است. اردو آنطور که بعضی ذهنیت های ساده و کوتاه فکر تصور می کنند تشکیل زاید و بیلزوم نیست بلکه موجودیت ملت ارتباط بلا فصل با اردو دارد. ملتی که بافتخارات خویش پاینده است ملتی که با آزادی خویش علاقه دارد: ملتی که میخواهد حقوق و حیثیت او در قطار سایر ملل راقیه عالم محفوظ و مسلم باشد ، ملتی که میخواهد دنیا برایش ارزش و احترام انسانی قابل باشد هرگز و هیچگاه نمیتواند بدون بیک اردوی منظم و فدا کار ملی و مقتدر باین آرزوهایش برسد چنین اردویی در چوکات وظایف و مقررات خویش مهدملیت و کانون وحدت ملی است ، و حافظ استقلال کشور است برای پرسونل و سر بازان خویش درس فدا کاری و وطن پرستی و ملیت

دیو عمانو ویناوی
 وینه دتولنی تاریخ سنگاروی
 او آزادی بی تثبیتوی . (افغالی)
 له هرغه له لور، هاك فکرونه
 او هاك زره دی . « شیلر »
 دتاسی دزرونوبه تل کی دایکی
 داسی چینه شته چه هیخکله هم نه
 وچیری خو په دی شرط چه تاسی نی
 هروخت په پاکولو موظف اوسی .
 « مارکوس »
 ددی دپاره چه په خپل ژوندانه
 کی له لغزش سره مخامخ له شیء
 نو هر وخت خپل زره هاك وساتیء
 « کارمیل »

میدهد چنین اردویی نگهبان شباروزی و پاسبان تمام امتیازات و افتخارات ملی است ، در صاحت مقدس این اردو همانطور که لباسش بکرننگ است ، نفاق و تبیض و دورویی از میان میرود .

اردوی افغان و ملت افغان به شهادت تاریخ در کشمکش ها و مجادلات مختلف آنجا که پای آزادی و حیثیت ملی در میان بوده است مردانه و ارعلیه دشمنان خویش پنجه داده و در هر جا به نیروی ایمان بخدا و در پناه روحیه عالی افغانیست دما را از روزگار متجاوزین بر آورده است .

پنجاه و سه سال قبل ملت افغان و اردوی افغان با چنین انگیزه پر شور که از جذبات اسلامی و احساسات ملت ما سر چشمه داشت به جنگ دشمنان آزادی شتافت و امروز از برکت قربانی های نیاکان و راد- مردان غیور خویش آزادی و حاکمیت ملی اش را به دست دارد و با موجودیت (قانون اساسی) در راه رشد و انکشاف آزادی روز بروز قدمهای موثر و عمیق بر میدارد .

شاد باد روح شهدای راه آزادی و تیرو مند باد درخت بارو راستقلال در پرتو ارزشهای عالی قانون اساسی! زنده باد پادشاه محبوب ما :

قسمتی از ارشادات

ذات شاهانه در جشن سال ۱۳۴۷

بیکار ملت افغانستان حتی بعد از آنکه حکمروایی استعمار در خود هند و در اراضی افغالی تحت اشغال آن رسوخ و استحکام گرفته بود سرخوین خود را ادامه داد .

چنگ سوم افغان و انگلیس در آغاز عصر مرحوم امان الله خان پادشاه سابق افغانستان مرحله جدیدی از مبارزات د و امدار ملت مادر برابر همان قوت توسعه جوی استعمار بود .

تا آنکه در نهایت پیروزی مردم این سرزمین قطعات اردوی آن تحت قیادت اعلیحضرت محمدنادر شاه شهید رحمه الله علیه با آخرین نشانه از قیود سیاسی تحمیل شده اجاب خاتمه داد و استقلال کامل افغانستان مجدداً بدست آمد .

در این موقع که خاطره مرور نیم قرن از آن آوان تاریخی را تجلیل میکنیم فریضه ماست بنام ملت افغانستان برروان قاطر شهدای معرکه استقلال و آن قهرمان بزرگ آزادی وطن

دروود بفرستیم و از کافه آنها تیکه با احساس وطن دوستی کامل چه در جبهات مختلف میدان جنگ و چه در عقب جبهه ، چه در مقام امر و تصمیم و چه در طول مذاکرات سیاسی

وظیفه نجیب دفاع از حقوق و مصالح کشور را در اوضاع بسیار دشوار انجام داده اند مخصوصاً از رشادت سیاسی پادشاه آنوقت افغانستان به نیکوئی و با احساس احترام و تقدیر

یاد کنیم .

بیانیه اعلیحضرت

شهید سعید محمدنادر شاه غازی رحمه الله علیه
در جشن پانزدهم سالگرد استقلال

بنام خداوند متعال جشن سال پانزدهمین استقلال وطن را افتتاح می نمایم چون استقلال وطن عزیز از احساس فطری و آمال دیرین ملت ماست لذا امروز عامه اهالی قلبا درین جشن سرور و افتخار دارند . من عاجز از بارگاه کبر پایی طول این خرسندی و بقای این افتخار را برای ملت عزیز خود الهی الا بدخواستارم

بلی ! ظاهر است - ملت شجاع - ملت باناموس - ملت قابل و مستعد دارای روح آزادی خواهی و غیرت دوستی میباشد . من عاجز خداوند توانا را شکر گذارم که این ملت شریف و مردانه و عسکر دلاور در موقع حرب استقلال وطن نظر بهمین سنجیه مردانه برای حصول استقلال وطن خود شاترا لیک نام نمودند

ای ملت عزیز ! استقلال شما محتاج با تحاد و ایثار و فدا کاری شما است . استقلال شما تعلیم و تربیه عصری را لازم دارد . بایده اولاد خود را مطابق به روحیات مردانه خود و لیاقت و مقتضیات عصری امروزه تربیه کنید تا آنها شئون ملی و وطنی را بدرستی حفظه کرده بتوانند . استقلال وطن محتاج بقویه عسکر به است بایده پیشه سپاهیگری و عسکریت را محترم بشناسید .

استقلال وطن بیشتر به تنظیم امور مالی و اقتصادیات علاقه دارد . لهذا وطن شما که خاک زرخیز و مستعدیست باید مطابق سلیقه و ایجابات عصر برای ترقی و انتظام زراعت تجارت - مانداری و صنایع وطن خود بکوشید تا مانند ملل فعال و بیدار امروزه از سرمایه های خاک خود استفاده

کنید استقلال وطن بداشتن فرزندان غیور و صاحب اخلاق محتاج است . اولتر سعی باشید که فرزندانشان خود را به تربیه اخلاقی مرد های با غیرت فردا بسازید و اخیراً بقای مملکت و ملت افغانستان را تحت لوای شریعت احمدی

(ص) خواستار بوده میگویم زنده باد ملت افغانستان پاینده باد استقلال افغانستان .



دلداران آریانا

دربارہ آزادی و افتخارات پر شکوہ آن ہرچہ بنویسیم بجماعت و ہرچہ دوبارہ تحقیق نمائیم شایستہ است۔ چون ابن مویبت بزرگ درحقیقت زلدگی است و انسان وقتی میتواند خوشبخت باشد، وقتی میتواند از زیبائیهای لذت برد و وقتی میتواند بارز و ہای خود برسد کہ بمعنی واقعی، زلدہ باشد و زلدگی کند۔

و زندگی میسر نیست جز بازادی، ہمینطور از فرد گذشتہ تا اجتماع، تاملتہا اگر آزادی نباشد ہیچ اجتماعی و ہیچ ملتی نمیتواند خوشبخت باشد و موجودیت خود را بعنوان یک جامعہ و یک ملت نگہدارد ماملت افغان و مردم افغانستان کہ حفظ آزادی را در طی ہزارہا سال با خون گلگون جوانان فداکار خود ثبت اوراق تاریخ پرشکوہ خود نموده ایم۔ ارزش آزادی، ابن مویبت الہی را خوب میدانیم و ابن شکران نعمت خداوندی است کہ یادبود استرداد آزادی خود را تجلیل میکنیم و با قدردانی و یاد آوری از خدمات مردانیکہ در قرنہای گذشتہ و منجملہ ۵۳ سال قبل کہ آخرین برخورد بین ما و استعمار جویان صورت گرفت حقتناسی نمائیم و اہمیت این کار بزرگ را بہ اخلاف توصیه نمائیم۔ اگر پیشرفتی وجود دارد، اگر سعادت ملی نصیب ملتی باید گردد، اگر ہا کمیت ملی باید وجود داشته باشد، آزادی قبل بر ہمہ و مقدم بر ہمہ باید حصول گردد۔ مملکت ما چہ زمانیکہ جزو آریانای کبیر بود و چہ ہنگامیکہ

بعنوان خراسان درخشان ترین کار نامہ ہا راثبت تاریخ نمود و چہ موقعیکہ تحت نام افغانستان بعنوان پیش آہنگ ملتہای اسیر شرق، لیرومند ترین قوت عصر را بزانو در آورد ہمیشہ از فداکار یہای ہد ران خود سپا سگزار بودہ و بخاطر آزادی حاضر شدہ ہمہ نوع قربانی و ایثار را قبول کند۔ این داستان ہرچند از قلب قرنہا ہمارسیدہ و خاطرہ دوری از گذشتہ ہا و جوانردی ہای دلاوران سرزمین آریانا میباشد با زہم خواندنی است و بدین مناسبت کہ ما ہنجاہ و چہارمین سال استرداد استقلال خود را تجلیل مینمائیم بہ شما فرزندان خلف آریا تقدیم میشود۔

* * *

بہار بود و زیبا ئیہای دل انگیز آفرینش ہمہ جا، مردم را بخود میکشاند در چنین فصل بود کہ بزرگترین جشن ملی بمناسبت انتخاب ہاد شاہ در معبد لونہار بلخ برپا شدہ بود، ہزاران تن از زن و مرد، پیرو جوان در معبد و نواحی آن جمع شدہ بودند تا انتخاب

ہاد شاہ محبوب خود را بہ بینند۔ براستی ہم ما تیرا را یک قہرمان بود، او سالہا در برابر ہجوم دشمنان در شمال، در ماورای آمو، دلیرانہ جنگیدہ بود و اسروز، مردم، سرکردگان قوم مردیکہ صمیانہ او را دوست داشتند، در معبد لو بہار بخاطر او بخاطر محبتی کہ نسبت بہ قہرمانا، خود داشتند مراسم تاجپوشی را برگزار ساختہ بودند۔ مراسم ہمچنان باشادیم و رقص ہا ادامہ داشت کہ نا گہان جوانی خودش را بسوی تخت شاہی نزدیک گردانید، ماتو را ہمینکہ جوان را دید، صدا کرد: بگو چرا باعجلہ آمدی؟

فراشترا قدم بجلو نہاد و گفت: معذرت میخوام ہم کہ در چنین لحظات ہر سروری باید خبر ناخوشی بدہم۔ سکوت ہمہ جا مستولی شد ہمہ میخواستند این خبر تلخ را زودتر بشنوند آن جوان کہ فراشترا نام داشت لحظہ مکث کرد و گفت:

دشمن بہ سرزمین ما حملہ کردہ است چون قوای دشمن از اندازہ بیرون بود

دمور زره

عاشق او معشوق دوبالی پر غاړه ناست اورازو لياژنی کاوره :

ځوان ورته وويل: ای زما محبوبی آیا نورهم زما دعشق به پاك والی اوصداقت کی شکک لری؟

څککه چه ما خپل قیمتی گوهر چه هغه ز ما زره دی تانه در کړیدی .

نجلی جواب ور کړ: دعشق په لارکی زره ور کول لومړی گام دی .

ته یوبل بار زبیت هی هم لری چه د هغه په را کړه به زه ستا پر عشق اعتماد ولرم . اوځان به ستاد عشق پابند و بولم :

هغه ستا دمور زره دی که ته دمور زره بری کړی اومانه بی راوری :

زه هغه قیمتی گوهر له تاڅخه غواړم داخبره دځوان په زره کی طوفان جوړ کړ .

مگر دعشق قوت دمور تر محبت زیات شو . دځایه را پاڅیده اودجنون په حال کی ولاړی دمور زره هی دشکوی او په لاس کی هی را واخیست

پر لاری دیر چنک چنک تلی .

ترڅوچه هی پښه وښوئیده اوغوزار سود مور زره هی له لاسه لویدلی او چه تول په خاوره ککړه شو . دهغه زره څخه یواز پورته شو .

آه زو په صدمه خو درته پښه نه سو .

دا آلمانی ادبیاتو څخه

بامی در معاصره التاد در حالیکه فراشترا و ماتورا به قاریاب و بامیان عقب لسته بو دند .

بزودی خبر این عقب نشینی به ولایات

شرق وغرب رسید . آرتا کوانا فرما لروای

آریا از شنیدن خبر هجوم دشمن بر بلخ

بخشم آمد وفرمان داد تا همه مردم

برای کمک به برادران خود بشتابند

خودش نیز باقوای بزرگی از راه پشت

وغور بسوی بامیان نزد ماتورا حرکت

انمود ، بلخ با همه دفاع قهرمانانه سقوط

کرد و تورا لیاها تصمیم گرفتند تا قبل

از رسیدن اردوی آریا (هرات) فراشترا

و ماتورا را ازین ببرند پس بدو قسمت

شده وباشتاب برای نابودی آخرین

مقاومت های ملی در بامیان و قاریاب

بان حوالی رفتند ، هنوز آفتاب لبر آمده

بود که دولشکر در منطقه دره (سرخ در)

با هم روبرو شدند . سرخ در محلی بود

بطرف جنوب غرب بامیان در میان تپه

های خاکی و گردنه هی واقع شده بود

که مانند اکثر نقاط بامیان رنگ آن

سرخ سبز ، در اینجا معروف بود که

اژدهای حظرنا کی وجود دارد و هنوز هم

افسانه آن وردز بانست (۱)

مجاربه باشند اداسه بافت تورا لیا

با تمام قوا میکوشیدند آخرین لیروی

ماتورا را لایه سازند ، لاگهان فریاد

وحشتنا کی برخاست و از سوی دره سرخ

در ، هیولای عجیبی پیش آمد ، این

طلیعه لشکر آرتا کوانا فرما لروای

آریا بود که بموقع خودش را از راه

دره های غور بالجار سالیله بود ، هیچکس

میسوختند ، آباد بها را ویران میکردند

و با کمال تساوت از سرگه هیچ زنده جالی

روی گردان نبودند ، ماتورا که لخواست

بود قبل از بر طرف نمودن هجوم دشمنان

تاج سلطنت را بر سر گذارد با فراشترا

سرحد دار که دوست دیرینه وی بود

وسالها در کنار وی جنگیده بود از دو

جناح بسوی دشمن شتافت . ولی حمله

دشمن چنان سریع بود که به هیچوجه

امکان جلوگیری آن میسر نمیشد ، بلخ

با سرعت خودم را با اینجا رسالدم تا هر چه

زود تر برای جلو گیری این خطر

اقداماتی بعمل آید .

ماتورا قهرمانیکه در حال انتخاب

شدن بمقام سرقیا دت اردو بود خطاب

بمجاورین کرد و گفت :

شنیدید سرحد دار چه گفت ، بلی دشمن

بر خاک ماتجاوز لموده ، من نمیخواهم

رهبر مردمی باشم که در خطر حمله دشمن

باشند . من این مراسم را در همینجا ترک

مینمایم ، وقتی توالستم دشمن را عقب

برالم باز هم وقت خواهیم داشت تا

دوباره در معبد گرد آئیم .

* * *

کار جمع آوری قوا با سرعت صورت

گرفت ، آریائیهای مسلح و همیشه بخاطر

حفظ آزادی شان یکدل و یک زبان بسوی

دشمن می تاختند ، اما حمله ناگهانی دشمن

مثل سابق نبود ، در حدود چهل هزار

نفر مسلح وحشی که بطوائف تورانی

منسوب بودند دیوا له وار بسوی بلخ

پیش می آمدند ، سر راه شان هر چه بود

۱- مورخ شهر کشور پناغلی کمزاد در باره افسانه اژدهای سرخ در چنین

می نویسد :

من تا وقتی که چشمه (اذان) را در غور لیده بودم موضوع تشکل

طبقات اراضی اژدهای سرخ در را خوب نمی فهمیدم . در غور چشمه ایست معروف

به (چشمه اذان) که دارای آب مخلوط به مواد آهنی است و آب چشمه

ساری به طول ۶ یا ۷ متر تشکیل داده است ، این آب معدنی به تدریج سرد

و منجمد میشود و در مجاورت خط منحنی جریان خود برجستگی کج و معوج شبیه ما

تشکیل میدهد و خط جریان آب چترمانده و شقی تولید میکنند که در هشت اژدهای

سرخ در نظر به ظرفیت بیشتر آب بسیار عمیق دیده میشود .

(ص ۲۲۹ - سطر اول ، کتاب افغانستان در هرتو تاریخ)

امیدالد هروی آن هیولارا چطور ساخته بودند، اما هرچه بود ازدهان این هیولا آتش میریخت و عسا کردشمن را بوحشت می انداخت، آرزوهایان نرسید که تورانیها با دادن تلفات سنگین بعقب نشستند، آرتا کوتا و ماتورافاتحانه بسوی باخ روی آوردند از طرف دیگر فراشترالیز یکمکه قوای امدادی لشکر مهاجم را به شکست مواجه ساخت و تورانیها در حالیکه خاطرۀ ازدهای سرخ سخت آنها را ترسانیده بود باورای آموهزیمت کردند. تدبیری که فرامانروای آریابعمل آورده بود خیلی مؤثر افتاد و تا سالها بعد اسالۀ ازدهای سرخ در بعنوان واقعه

پهروزی دلاوران آریاا نسل به نسل بیادگارمانند، تورانیان دیگر جرئت نکردند سرزمین آریاا را مورد حمله قرار دهند، بزودی، جشن بزرگی در حضور آرتا کوانا برقرار گردید. تاج پوشکوه سلطنت در میان فریادهای تحسین آمیز مردم به سرما توری گذاشته شد. اما ماتورا لخواست که درین پهروزی تنها خودش متهم باشد پس باسر کردگان قوم مشورت کرد و تصمیم گرفت تا فراشترارانیاز افتخارات بزرگ ملی برخوردار سازد. در همان محفل فرا شترارا بعنوان پاسدار معبد نوبهار که بزرگترین مقام مذهبی را در بر میگرفت برگزید. و نام

ویرا نوا کرمیکا گذاشت که بعدآدر تاریخ این کلمه به برمک تبدیل شد. (۲)

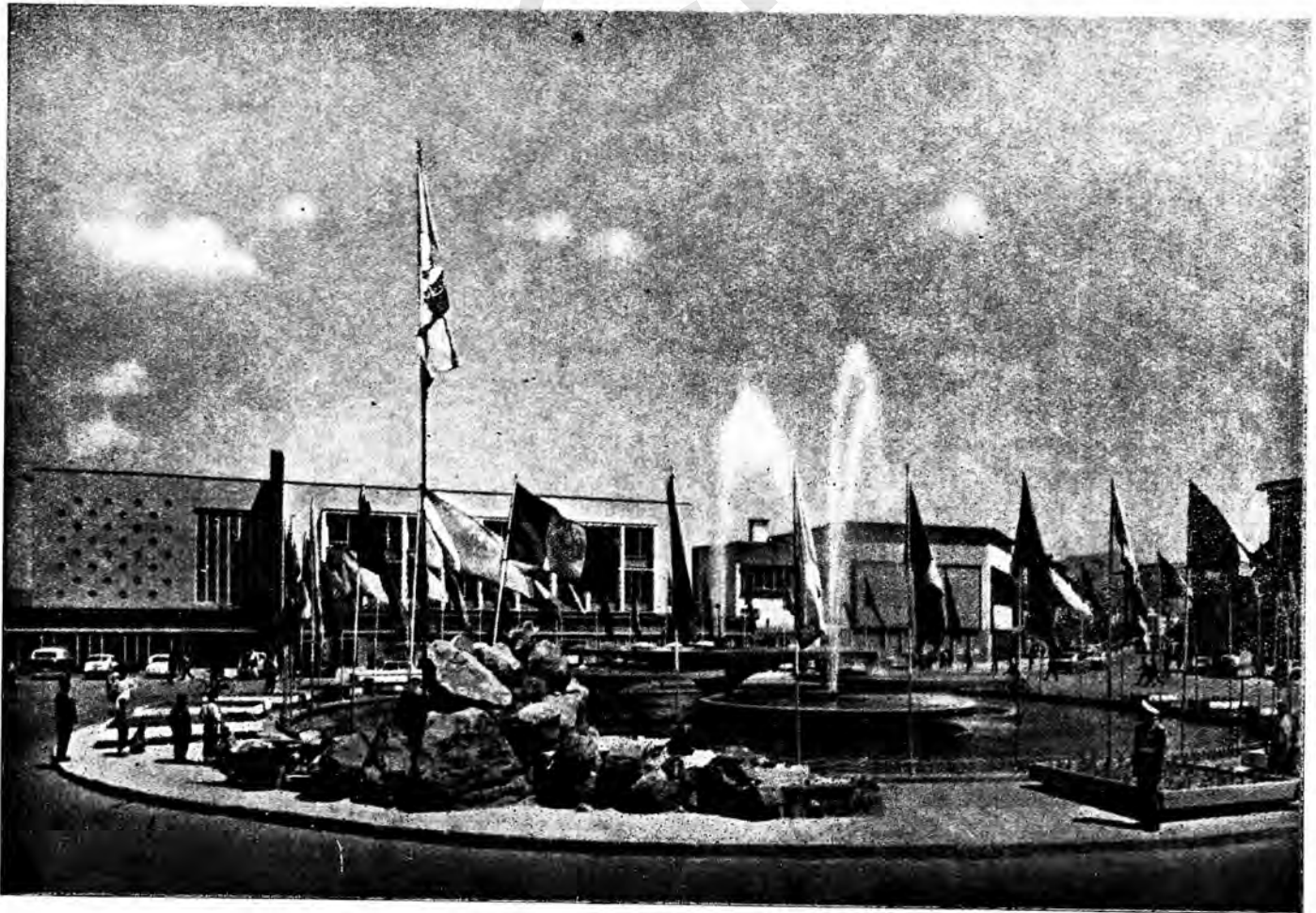
* * *

از آن روزگاران هزارها سال میگذرد. اما داستان سلجشوری و مردانکی دلاوران آریاا هرگز فراموش نگردیده است تا جائیکه شهنامه های بزرگی را بوجود آورده و حماسه های جاویدانی را در تاریخ و فرهنگ ملی ما بیادگار گذاشته است، اسالۀ شیرین ازدهای سرخ در چیزی جز یک حماسه نیست حماسه که میتواند هنوز هم بعنوان خاطره ای از قهرمانهای پدران ما در راه حفظ استقلال ملی ما تجلیل گردد.

۲ - موسیو فوشه ریشه کلمه (برمک) را در کلمه (نوا کرمیکا) می بیند و مینگارد که مقصد از نوا کرمیکا عهده بزرگی بود که نظارت عمارات شاهی را در بر میگرفت و این مقام باندازه رفیع بود که (پادشاه) و (نوا کرمیکا) را یکجا انتخاب میکردند. (مقاله شصت و یکم، افغانستان در پرتو تاریخ).



م ————— ظره از جشن است ————— ق ————— لال



احمد شاه بابا

شاهنشاهی که افغانستان را احیا کرد

تورن سید لعیم علمی آمر مجله تخنیک

بنام افغانستان خدمات قابل قدر و هر ارزشی نموده است. هنگامیکه آزادی این سرزمین از دست رفته بود احمدشاه بابا به کمک کشور شتات و نه تنها استقلال ملی را حصول کرد بلکه سرحدات کشور را تا مرز امپراتوریها گسترش داد و اساس مبنی را بنیاد نهاد.

خانواده احمدشاه بابا سا اها در هرات فرمانروا بودند و سرزمین خود را تا جائیکه مقدور بود آزاد و مستقل اداره مینمودند. احمد شاه بابا پسر



اوسنده مضمون

زمان خان ابدالی بود که بین سالهای ۱۱۴۱ و ۱۱۴۲ هجری قمری هرات فرمانروایی میکرد، وی در سال ۱۱۳۵ هجری قمری مطابق ۱۷۲۳ میلادی در شهر هرات متولد گردید. این طفل هوشمند از همان کودکی در کنار پدرش تربیت میگردد تا اینکه پدرش را از دست داد، احمدشاه تا سال ۱۱۴۲ دوره صباوت را با آرامی پشت سر نهاد. در سال ۱۱۴۶ که برادرش ذوالفقار خان به حکومت هرات برگزیده شد با برادرش یکجا بسر می برد تا اینکه در سال ۱۱۴۸ هجری قمری به حکومت باخرز و پسان به حکومت مرو چاق مقرر گردید.

در حمله لادر افشار کمال مردانگی را در مقابل قوای دشمن از خود نشان داد اما سر انجام برای جلب کمک با برادرش ذوالفقار خان نزد شاه حسین هوتکی به فندهار رفت، شاه حسین هوتکی ذوالفقار خان و احمد خان را به مجلس انداخت احمد خان بعد از سقوط دولت هوتکی و مدت شش سال حسن آزاد گردید مگر نظر به موقفی که داشت با برادرش در

هر ملت از خود افتخاراتی دارد و این افتخارات هسته شکوه تاریخی آن ملت را تشکیل میدهد. ارلست رنان مورخ معروف عقیده دارد که ملتی را میتوان ملت زنده نامید که تاریخ داشته باشد، زیرا تاریخ سازنده ملیت - هائیت که اصل به نسل کارنامه های درخشانی را ثبت نموده و باخلاف می سپارند.

کشور عزیز ما افغانستان چه از آوانیکه بعنوان آرپانای کبیر حماسه های جاویدانی را بوجود آورد و چه

هنگامیکه بنام خراسان بهرمانان نام آوری را باغوش خود پرورانید تا آنکه تحت لوای افغانستان فرزندان رشید این مرزبوم تا اقصای هند پیشرفتند و سالها بخاطر آزادی و استرداد حق خود اذیت خویش علیه استعمار جوان مبارزه کرده اند همواره از شکوه و عظمت افتخارات ملی بر خوردار بوده است، ما اگر در میدان علم و دانش شخصیت های چون ابن سینا امام فخر رازی، ابوریحان بیرونی، جامی هروی، حکیم سنائی مولوی جلال الدین بلخی، عبدالحی گردیزی و سید جمال الدین افغان و امثال آن هارا پرورانیده ایم. قهرمانانانی چون استاد سید یادغیسی، ابوسام خراسانی، محمود کبیر، میرویس خان هوتکی، شاه محمود هوتکی، احمد شاه بابا و غازی وزیر پدا کبیرخان و در آخرین مبارزه خود علیه استعمار مردانی چون اعلیحضرت شهید سعید و برادران غیور شان نیز داشته ایم.

احمدشاه بابا فرزند دلیر این مرزبوم برای تاسیس کشوری



احمد شاه بابای کپیر



جوان ۲۵ ساله بزودی دست به تأسیس کشوری زد که هنوز هم بنام افغانستان یا برجاست، احمد شاه بابا ۲۶ سال را با کمال عدالت، جوانمردی و فعالیت سلطنت نمود. وی بزودی قلمروهای متصرفه را بدست آورد و سرتاسر مملکت را بصورت یک پارچه بهم پیوست نمود.

احمد شاه بابا با کارنامه های درخشان خویش، قدم بقدم و وجب بوجب کوه، دشت و صحرای کشور را پیمود و خاطره آنرا حتی در تخت دهلی، در مراکز امپراتوریهای بزرگی از یاد نبرد و چنان به کشور خود علاقه و عشق شدیدی داشت که یک سنگ و یک توته خاک آنرا بر بزرگترین قصرهای ممالک جهان ترجیح میداد. این رادمرد بزرگ برای بهم پیوستن سر زمین های اردست رفته، زحمات و تلاش های خستگی ناپذیری را متحمل شد و رنجهای فراوانی کشید بطوریکه درس ۵۱ سالگی زندگی را وداع نمود، احمد شاه یکی از بزرگترین مردان تاریخ کشور ما بلکه سیاست که از چهار قرن باینطرف گذشته اند و ملت حق شناس افغان همواره این فداکاری ها را بخاطر خواهد داشت و هرگز فراموش نخواهد کرد که این مملکت همیشه مرهون احسان اوست.

اردوی افغانستان در عصر احمد شاه بابا قرارهکه دایرة المعارف آریانا مینویسد سر کب از عسکر منظم بنام فوج نظام و عسکر

سال ۱۱۵۱ هـ ق به مازندران تبعید شد و تا سال ۱۱۵۴ در آنجا اسیر برد.

در سال ۱۱۵۴ که نادر شاه افشار از فتح هند برگشت احمد خان جوان ۲۱ ساله در هرات با وپیوست و نادر افشار بزودی فهمید که با جوان فهمیده و شجاعی روبروست. احمد خان چنان در اداره و تنظیم امور از خود کاردانی نشان داد که بعد از نور محمد خان میر افغان غلجائی قوماندان عمومی قوای نادر شاه افشار شخص دوم عسکری اردو بحساب میرفت، وی بقیادت قطعات میخانف منصوب شد و شجاعت های بی نظیری را از خود بروز داد.

بعد از قتل نادر شاه افشار در سال ۱۱۶۰ قمری در خیوشان خراسان موعیکه حرم شاه تحت حمله قرار گرفته بود. با سواره افغان و از یک تحت قیادت خود مردانه وار قدعلم کرد و از حرم نادر شاه حمایه نمود بطوریکه اهل و عیال شاه مقتول به سلامت بجای امنی انتقال یافتند و ملکه برای قدردالی از احمد خان الماس کوه نور را بوی هدیه داد.

احمد خان در رجب سال ۱۱۶۰ به قندهار مراجعت نمود و در جرگه بزرگان و شخصیت های برگزیده افغانی در مزار شیر سرخ در سال ۱۱۶۰ مطابق اکتوبر ۱۷۴۷ عیسوی پادشاهی انتخاب گردید، احمد شاه بابا که بعدها لقب (بابا) را حاصل کرد در آن هنگام فقط ۲۵ سال عمر داشت. اما این

احمد شاه بابا با این اردودر سال ۱۱۶۱ قمری ولایات کابل، پشاور و سندو ملتان را از حکام هندی مسترد و پنجاب را با شهر لاهور تصرف نمود. در سال ۱۱۶۲ ق، ولایات هرات بلوچستان بلخ و بدخشان را بدست آورد. در سال ۱۱۶۵ کشمیر را فتح و سواحل راست در یای سند را تنظیم کرد.

در سال ۱۱۶۶ قمری در ولایات خراسان خاص سوقیات و در نیشابور مجار به نمود و در ماههای ۶۷-۱۱۶۸ قمری بکلی آن ولایت را به افغانستان مسترد کرد.

در سال ۱۱۷۰ هندوستان را با دهلی مرکز آن کشور فتح نمود در سال ۱۱۷۴ هجری با شصت هزار عسکر نیم میلیون اردوی سرهته های هند را در مجار به معرف پالی پت مغلوب و هندوستان را مسخر نمود.

در سال ۱۱۸۱ هـ سایس بخارا در شمال عقیم ورود جیحون (آمو) را حد فاصل مملکتین قرار دارد.

احمد شاه بابا کشور کشای بزرگ و موسس افغانستان بعد از ۲۶ سال سلطنت بر افتخار در شب جمعه ۲۰ ماه رجب سال (۱۱۸۶ هـ ق) به عمر ۵۱ سالگی در موضع (کوه توبه) واقع ۴۵ ملى شرقی شهر قندهار بر حمت ایزدی پیوست و در شهر قندهار در جوار خرقه مبارکه دفن گردید، ولی هرگز یاد او از خاطره هانزفت و داستان زندگی او که از هرات طلوع کرد و در قندهار هسته یک مملکت قوی، مستحکم و پایدار را بنهاد نهاد همواره در صدر تاریخ پرشکوه و رنگین کشور ما جای خواهد داشت.

همیر منظم بنام خوانین سوار و فوج گشاده بوده که اول - الذکر ثلث و موخر الذکر ثلثان اردو را تشکیل مینمودند روی هم رفته اکثریت را سواره اردو داشته و صنف پیاده در اقلیت بود. عساکر منظم خویش برضا برای مادام العمر استخدام و اسلحه از طرف دولت و در سفر ما کولات به حساب معاش و گاهی هم بخشش داده میشد، خوراکه و پوشاکه و اسب سواری بخود عسکر تعلق داشت، جز اینکه قیمت اسب را دولت به حساب معاش سپاهی می پرداخت این عسکر که بصنوف ثلاثه (سواره، پیاده و توپچی) منقسم میشد دارای دلگی های ده نفر بود که از طرف خورده ضابطان بنام «ده باشی» اداره میگردد. صد نفر زیر امر «یوز باشی» و هزار نفر زیر امر «امیر لشکر» بود. در صنف سواری آسار - سواری «قللراقسی» و در صنف توپچی خفیف «جزاثرچی باشی» و در توپچی ثقیل «توپچی باشی» و قومالدان عمومی توپچی - «میرانش» عنوان داشت.

اسلحه اردو عبارت بود از شمشیر، تفنگ فنیله، و قرابین و نیزه، در استعمال سایر اسلحه نیز آزاد شمرده میشدند، گاردشاهی بداشتن زره ممتاز بودند. در تعلیمات اردو اسب، اشتر، خر، گاو و احياناً فیل مورد استفاد، واقع میشدند. عسکر منظم شان سه ماه رخصتی داشت و هر پیاده در ماه شش روپیه نقره و هر سواره فی ماه دوازده روپیه بخته نقره معاش از خزانه دولت میگرفت، غله خوراکه دادگی دولت نیز درین حساب مجزا میشد. البته معاش گاردشاهی نسبت به سایر عساکر بیشتر بود.

اما عساکر غیر منظم معاش نقدی و جنسی خودشان را که عوض مالیات مملکت در وجه افسران محل آنها حواله داده میشد از افسران خود میگرفتند، جز و تمام های عساکر غیر منظم از پنج سوار شروع و به ده سوار ختم میشد. صد سوار یک افسر بنام «بیرقدار» و ده خورد ضابط بنام «حواله دار» داشت. کند کمای سواره عبارت از پنجصد سوار تاهزار سوار بودند. اسلحه و اسب از طرف افسر قطعه داده میشد که او در عوض از دولت معاش نقدی و جنسی قطعه خودش را با جاگرداشت و یا عوض مالیات مملکت حواله میگرفت. روی هم رفته مجموعاً اردو منظم و غیر منظم احمد شاه بابا به (۱۲۰/۰۰۰) یکصد و بیست هزار نفر میرسید که نود هزار آن سواره و سی هزار نفر آن پیاده بود. بودجه مصرف و معاش این اردو تقریباً به (۱۹) میلیون روپیه بالغ میشد که ثلث عایدات سالانه مملکت را (۲۱) میلیون روپیه) احتوا مینمود.

مروت

مروت، صفت آدمیان آزاده است.

مروت، خصلت انسان های با ایمان است.

مروت، آدمی را در جامعه ممتاز میگرداند و او را محبوب همگان می سازد.

مروت، درست بصوی بهشت جاویدان.

مروت، انسان را از چشمه محبت سیراب می کند.

مروت، راه ترقی و پیشرفت آدمی را هموار میگرداند.

مروت، خداوند را از مخلوق خشنود میگرداند.

دژوند

دبقایا ازادی په خاطر مبارزه



لیکونکی: جکتورن حبیب الرحمن
مزاروال دهرلی پوهنتون ښوونکی

دژوند د ډیرو خوږو نعمتونو لکه ازادی او خپلواکۍ غځه په گټور وي.

کوم قامونه چه په دې لار کښې هلې ځلې نه کوي، او یا د استعماري لور لگولو دچال او چلند سره ښه اشیالنه وي او یا ښان غولوي، لود موزي ملت نوم په دې دېغرافيايي نقشې څخه ورک کيږي. په بل شکل هغه اولس چه د ښکانتگانو او استعمارگرانو په مقابل کښې د خپلو ملي مقدساتو اوملي گټو ساتنه ونه کړې شي اويا په دې لار کښې چوپ اوغلي پاتې شي ښکله دژوند پاتې کيدار حق نه لري، او نه بايد ښانته دژوند يو اسبت ورکړي.

زموږ غيرتمن او نجيب اولس چه د استعمار په ضد او دهغوی دشوم عملونو په ضد کومه مقابله کړې، او کومې ويښې نې توښې کړې دي، لاتراوسه دچا دخطر څخه نه دي وتلي په هغه وخت کښې چه مونږ د نړۍ ډير ستر استعماريه داسيا په زړه کښې ساتي ور کړې، او دهغوی په وينو مروويالي رواني کړې، د نړۍ زيات هيوادونه لاسغسي داستعمار په مخکيږ تړلي ؤ. په اسيا او افريقي کښې هيڅ ډول مبارزه داستعمار په ضد نه وه شروع شوي. خو کله چه زمونږ انگيالو او تور زولو لیکه گانو دخونکار غلېم په مقابل کښې بری وسول او دژوند دبقا په منظورتي دبرياليتوب مدال وگاټه، نويا نورو محکومو اوضونو زمونږ دقهرمان اولس او سیرنيونیکونو بل تعقيب کړه په توبه اسيا او ځينو افريقايي هيوادونو کښې داستعمار ضد نهضتونه ورځ په ورځ قوي کېدل، هر نهضت دخپلي ملي بقا او ازادی گټلو په خاطر جدي مبارزه شروع کړه، په هر ځای کښې خواري بيگو نه روان ؤ. چيرته اوس او چيرته به استعمار غالب پريښيږد. څرنگه ده ازادی دپاره جگړې دحق اوباطل جگړه وه لومخکه په اړخ اوهر گون کښې ازادی غوښتو نکي

دشرافستد ژوند اصیل کاروان په سوؤ نه بدليد ولکوي، نظمې او سطقو اساسونو باندې ولاړ دي، چه دغه اساسونه د نړۍ په هر گون او اړخ کښې پر ټولو موجوداتو بې له ډير کم توپير څخه تطبيق کيږي. چه يو ټي دژوند پاتې کولو او دژوندالنه دبقا او پايښت اصل اوبل نې چه پر همدې لومړني اصل تکیه لري په سوله سره ازادويي کړاوه ژوند کولو څخه عبارت دی. دجهان ټول مخلوقات او ژوي دخپلي بقا ازاد او خپلواک ژوند دگټو په خاطر يو له بل سره په جنگ او جگړه بوخت دي هر څوک دخپل ازاد او آرام ژوند په ليار کښې قرباني ورکوي اوعمان نارامه کوي. خود مجادلي او مبارزي په دې ميدان کښې کاسيايي او بری هغه چا نصب کيږي چه دنورو څخه خپلي خپلواکۍ ته ډير ارزښت قابل شي او دهر ډول قرباني څخه مخ وانه روي. اود مبارزي په نگر کښې دقوي عزم او تينگي ازادی په زور دښانگ پر ځای پر مخکښک وکړي، وړاندې لارښي او دهرې ماتي څخه دبرياليتوب دپاره سم او وړ درس زده کړي. لومخکه هغه اولس چه له يوې ماتي او غلطې څخه پنداوگټه وانخلا، دنورو ماتو او غلطو څخه ونه ايسي اصلاً نوموړي ولس دژوند په کولو او پرمخ بيولو په چل نهو هيرې ضرور به دبل دحکم او امر لاندې ژوند کوي.

لن هغه چاته مړني او با تور او خپلواک ويل کيږي، کومو چه دخارجي سلطې دنکي ماتي لرولي، دې اتفاقي تخم او زړې نې له منځه وړي دخوږ اباد او واحدو ملي ښيگټو دلاسته راوړلو په لار کښې کار کوي.

هغه ملتونو چه دزمانې دغوښتنو سره سم خپل روزگار پرمخ بيولي او ياد دغه منظور په لار کښې دنورو څخه ډيري خولي توپشوي او نه سترې کيدونکي کارونه کوي، زيار باسي. لوارو سره به ددوي دژوند کاروان دمنزل پراوته رسي

برای کیدل اودهرلوی ازاد شوی هیواد به منخ
ته راتلو سره به دحق غلبه زیا تیدله- باطل کده
تپلی وه اومخ هر کوچ و .

د استعمار به مقابله کبئی هغه ملتونه مات
اوناکام شول کوموچه یادزیره له کومی کلکه
مبارزه نه کوو اوپائی واکئی دهال اوریا به
لاس کبئی و . اوپا خوئی سترگی دوسره پتی
ساتلی شوی وی چه دازاد او خپلواک ژولد
مخه ورته دمریتوب ژولد بیه بیکاریده . به
هر صورت سره . خرنکه چه استعمار ډیر زرنک
اوزور فریبکار دی به هررنک اوهر ډول چه
وی یوه ډله ملیکونه لاتر اوسه هم دخپل غیر
انسائی جیغ لاندی ساتلی دی، چه دغه محکوم
اوسوله هم دخپلی ازادی اوبقا په لار کبئی چوپ
نه دی ناست، اومبارزه ئی دلاسه نه ده ور کړی .
خویبهم به اوسورو هیوا دونو کبئی غنی غیر ملی

عناصر او د استعمار ایجتیا ن موجود دی چه هغوی دخپل ملی
عناصر و به مخ کبئی دسترخند او مانع به شکل لمان بیکاره کوی
او نه پریددی چه ملی نهضتونه دتولو په گټه بریالی شی، د
محکومو اومستعمرو ملتونو دغه ډول خلکو لشی کولی دخپل وقار
حیثیت او ازاد ژوند کولو په لهار کبئی فدا کاری او قربانی
ور کړی، ترخو دناوولی او کثیف استعمار دناها کوپنجو غخه
خلاص شی، دوی به نه چه خپل منخ کبئی سړی کوی وینی
توتیوی اود استعمار به مقابل کبئی ئی دلیر غه جرئت له کار
اخیستلو دپاره ملاماته وی. نو مخکه ډیر وخت دپاره دازادی
ومقدس نعمت غخه بی برخی وی .

په هر قام او هر اولس کبئی چه دهغی اولس زلمی او جوان نسل
دخپل ملیت، وطن او خپل فرهنگ سره سینه ونه لری. نوموړی
ملت به په خامخا په نورو ملتونو کبئی محو کبیری .
ملتونه د کمیت په لحاظ ډیر نفوس ولری که لیر، ارزیت
او قیمت نه لری. لیر عسکراو لیر زلمی کفایت کوی خو چه د کیفیت
په لحاظ صحیح او بیه روزل شوی وی، د وطن پالنئی لیکه او
شریف احساسات ولری، د ملی مقدساتو غخه دفاع وکړی .
اوهم دخپلی بقا وازاد ژوند دلاسته لاوړلو دپاره دسراو
مال غخه دریغ ونکړی دپورتنی حقیقت دتپوتولو په خاطر د عرب
او اسرائیلی دولت مثال ذکر کولی شو .

دلری تپواو خلکو ته مخرگنده ده چه عرب د اسرائیلو
په نسبت له هره حیثه غوغو چنده و خو خرنکه چه به
عربی دنیا کبئی هر سر بیله سودا ئیر له په زرگونو ډوله
بی اتفاقی گانی به کبئی موجودی دی ورور ورور، اوپلار
دزوی سره فیکری او ذهنی اختلاف درلود. هیشکله بودبل سره
په اخلاص او وروری سره ناسته ولاړه نه کوله . په لیر غه ئی



والاحضرت شهزاده احمد شاه هغه وخت چه دارو د تخنیکي ټولون وینی

یوبل وژل او په هر غه ئی داسرائیلو مقابلی ته جدی او قاطع
تصمیم نشو نیولی . ددی کار اصلی علت هم په دی کبئی دی
چه دمودو استعمار په دوی کبئی ژوری دپسمنی گانی پیدا کړی
اوتر بگنئی ئی جوړی کړی دی . عربی ذمیت او فکری طرز
کوم چه اوس په دوی کبئی موجود شته دی اجازه نه ور کوی
چه داسرائیلی خونسکارانو غخه خپله دلاسه تللی مخکه په لاس
راوړی .

هر هغه ملت او اولس چه خپلی مادی اومعنوی پالنکی
دوطن دپسگنئی، آبادی، او آزادی په لار کبئی مصرف
اوپه کار واچوی، هیشکله به غلام اوبه لری کبئی شرمنده
نشی . هر هغه خوک چه خپله آزادی، فرهنگ، او خپل ملی
مقدسات، سپیخی و بولی او دهغی غخه دفاع په لار کبئی
مرگ، ژوبله، کپراؤ اوتناوالونه قبول کړی، هیشکله پاتی
نه راغی اوهیشکله به بیکانه قامولوته د تسلیم او غلامی
سرتیپ نه وکړی .

زمونږ پیری دنیولو او تسخیر پیری له بلکه
دویتنام دفرمان نسل دبریا لیتوب اوتینکی مبارزی او کلک
مقاومت عصر دی، مخکه که دستورو نیولو پوهی په زاړه
جهان کبئی اوی زیا حوزد کړه نودویتنام زړه ورو اسانلو
د استعمار په ضد جهاد کبئی د استعمار دسی ساری تخنیکي
اوساینس پرمختک سره سره دخپلی بقا و آزادی په خاطر د جهاد
اوپیکار کولو لوی باب پرانست . دلری ډیره ستره او پرمخ
تللی تکتیک، لوژی چه په آسمانونو کبئی لاره خلاصه کړه یوه
په ویتنام کبئی بنده پاتی شوه، هغه کسان چه پرون په سووسی
کبئی فاتح شول ان په ویتنام کبئی بنداونا کام مات بریښی ،
اوپه دی جنک کبئی ئی هغه غه و پایل چه حق ئی نه وه هغه غه

چه دویتنام تاریخې دمعاصر تاریخ تاج وگرخواوه دهغوی له ستومالیدونکې او په شانه تلونکې مبارزه ده چه دخپلې بقا او آزادی په خاطرې شروع کړیده . لکه دوی یقین لری چه دبل دخاوری دپاسه ئې په نورو انسانانو تیری اوتجاوز له دی کړی ، دایگانگان دی چه پردوی باندي په خپلو کورونو کښې بملونه اچوی مړینه او ژوبله کوی . داستعماری قوتونه دی چه ایستلی توره اوبرچه پکې توپکې په لاس دخلکو کورونوته غی ، بی عفتی کوی ، اووینی توئی کوی هغه غوک چه دخونکار او ظالم میلمه او ییگانه استعمار په مقابل کښې چه په خوله کښینی اودخپل وقار ، حیثیت داغادی په خاطر په مبارزه گوتی پوری نکړی ، حتماً به غلام اودمړنی په غیر ژوند کوی . لوله دی امله دویتنام خلک هم سنکرته لارل او دغلیم دمقابلې دپاره ئې بی له جنسی تفاوت څخه ملاتړ له . ددغه ډول زوروا انسانانو دپښوالدی لکه سوری کښی اودنوموړو سورو څخه دآزادی دلاری نور مترقمه زمان او ملی لیدران راهورته کښی چه بیا همدا انسانان په جهاد کښې دکامیابیدو په ایمان په شولیدو موسکا ، دغلیم اواستعمار دتاوړه اوغیر انسانی اعمالو له در که په زړه ژور زخم لری . دوی په دی کلک ایمان لری چه دخپلې بقا او آزادی په خاطر مبارزه کښې حتماً کامیابی او بریالیتوب ددوی پرخوا دی .

ننی عصر چه تخنیک او علومو دلاهر مخکک اود استعمار څخه دپوره کړکی اوتنفر عصر دی ، پر استعمار لعنت وائی ، هیڅکله اوبخ وخت داستعمار غیر انسانی او وحشیاله عمال نشی قبلولی ، لکه دغه بهی دچالا که او سریع پرمختک اوحرکت بهی ده . هر هغه عامل چه وغواړی په چال اوریا سره خلک غلام اوجاهله وساتی اویائی دحرکت اوتکامل مخه ولسی په قطعی توگه به نا کام ، پشیمانانه او د آزادو

اوبشر دوستو خلکو دا اعتراض سره مخامخ شی . باخبره دی وی هغه کسان چه دپېورا هیسی ئې دخلکو وینی چینی اودولسونو شتمنی چور کړی ، اتحاد اواتفاق ئې ورته گډ وډ کړی اودژوند دبقا په خاطر ئې دهغوی مبارزی شنهی کړی اودمنځه وړی دی حتماً به دخپلو شومو اعمالو جزا وگوری اودنړی دگردو اویلو پچوله خوا به دبدل اخستلو په لاسه سرکوب اوریزمریزشی . هیله ده چه دنړی گرد سوله دوست انسانان یوزره ، یولاس په پوره یووالی سره دجنایتکار استعمار زندان ته محان تسلیم نه کړی اوهم دآزادی په لار کښی دهیڅ ډول قربالی څخه محان ونه ژغوری .

مولیر اوس چه پوهیږو چه مور او پرمخ تللی جهان دنړی دوروسته پاتی هیوادونو دخلکو دجذب کولو اودغولولودپاره تر کومی الدازی پوری داخلاقی اصولو اوبشری پرتسپوړو مراعات اواحترام کوی ، او په څه توگه دخیرو اوجملو اومنځ خالی خپوورینو دغدار اوتورو شیطانی عملونو په واسطه خپلواکشو ته دوام ور کوی . دغریبواوروسته پاتی هیوادونو دشتمنیو دلویت کولو دپاره تری کار آخلی . ماړه هیوادونه کښی پوهیږی چه په څه چال اوپه څه لار لکه سره دستعمره ملکونو دقحمتی کانیو اوارزشتمنو شتمنیو څخه خپل جیبونه اوبالکونه پک اوهم پری عیش اوعشرت تازه کړی ، په داسی حال کښی چه په وروسته پاتی ملکونو کښی له دریوبرخو څخه دوه برخی وگړی په لوږه ، فقر ، بدسرفی اوناپوهی کښی شی ورځی تیروی .

همدا استعماری هیوادونه دی چه دستعمره ملکونو خام مواد لکه وړی من په ۲۰۰ افغانی اخلی اویا له هغه یومن وړپه څخه دشلو مترو څخه زیات توکر جوړوی وی ، چه بیرته هماغه جوړشوی توکر په وروسته پاتی ملک هاندی متردینه سوه څخه ترزور وړپه پلوری چه په دی حساب دبیرته پاتی هیواد څخه د۲۰۰۰ افغانیو په مقابل کښی دلسوزرو څخه ترشلوزرو افغانیو پوری گتی چه دا مسئله په خپل ذات کښی دبیرته پاتی هیوادونو داسعارو دلوت کولو دپاره نوی چال دی . چه دشتمنو اوهیوادونو ترمنځ فرق زیاتوی .

همدغه استعمار قوتونه دی چه وروسته پاتی هیوادونو دپاره وسلی جوړوی سربې مهمات له لوتکی ، بملو اورا کتونه تیاری اویا همدوی دی چه په خپلو مستعمرو کښی ئې په ډیره بیرحمانه توگه استعمالوی په زرگونو ، ماشومان ، کولیدی ، تورسری اوناړینه دنهالام دپونو په سرولمبو کښی سوزیږی ، کلی بالدی ، کښت او کرټول دهمدی پرمختللی بشری تخنیک قربالی شی . اویا همدازوراور قدرتونه وی چه خپلو وگړوته دقناعت ورکولو په خاطر دطمرق څخه پک لفظونه اویا لپی ورکوی اودسئولیت څخه محان ژغوری . همدوی دی چه محان دنړی



والاحضرت شهزاده احمد شاه دحربی فابریکی جوړشوی توپکونه داردو تخنیکې پاولیون کښی ملاحظه کوی



(عمر دی دی دیر شه پادشاه) غوغه شعار دی چه خپلو ا کی دیان گار دنو پو نوسره
یو غای چه په گلو او کښی ښکلا شوی دی دافغان شاهي اردو داحترام ممثل دی

د آزادی او خپل واکي ځامن اوساندوی
بولی او والی چه داتول دذروی
اوعادی وسلو گدامونه خاص دخلکو
لجات، آزادی اودسولی دتامین دپاره
جوړ شوی دی. په داسی حال کښی چه
هدا دوسلو ټیکه داران له بوی خو
دسولی، خپلواکی او لجات چغی
دهی اوله بلی خوانی ایستلی چری
دمتلو پوه مری ایښی دی او په زوره
لی دغلامی دپاره مجبوره وکوی.
همدوی دی چه دخلکو دلجات په نامه
ددکتاتوری، ادم کشی، وحشتاک
قتلونه او لوټونه کوی! پرتکالی
استعمار چه دالکولا موزنیق او گښی
غریب او دفاع خلکو سره کوم چال
اوچلند، کوم قتل او غارت کړی دی
د دنیا دهیخ سترگو دانسان غځه یت
اوپناه نه دی.

دجنوبی افریقا دحکومت وحشت ته ډک توپیری سیاست کوم
چه دتور پوتکو په اکثریت تمهیل کښی، دپری خلک تری
بی خبره نه دی. خو غه وکړی همدغه شوم او توپیری سیاست
دپری داستعماری سترو هیوادونو له خوا ملاتړ کښی.
همدارنگه درودشیا دسپین پوتکو یوه کوچنی ډله (افلیت)
دتور پوتکو په قاطع اکثریت (غځه ټوانه) بالدی حکمونه
چلوی، او تیری پری کوی او دژوندانه دهر ډول حقوقو
غځه ټی محروم او بی اړخی کړی دی.
په همدی توگه په امریکي او انگلستان کښی جوړی شوی الوتکی
اوتالکونه چه داسرائیلی استعماری کوداگانو په واسطه
دعربی اولس، کورونه، مکتبونه، شفاخانې اودنفوس
غځه ډکی سیمی بمباری کوی. په سوونوی گناه ماشومان
داستعماری لاولو غرضونو له درکه مخکښی له وخت غځه
دژوند د نعمت غځه بی اصبیه کوی، داد کوم زړه لرونکی
انسان چه عاطفه هم ولری دمنلو ورده؟، دغه ډول سپک
عملونه دکومه شول؟ اودچا په واسطه کښی؟ اوولی
په بشری نسل باندي په خپله دپسر په لاس دومره اویساری
ظلمونه کښی؟ ددی ټولو ناکردو اوناوړو عملواو تخم
داستعمار په بطن (گڼه) کښی پروت دی. هدا استعماری
چه دښکلی اوچنتی نری غځه ټی د دنیا په سره دوزخ جوړ کړی دی
اودمیایونونو غځه زیات انسانان ټی په اور کښی سوز پری.
همدغه اسرائیلی حکومت چه اساس ټی د لندن غځه کښی ډول
شود دپروخلکو دآزار او بدسغی موجبات را ټول کړیدی.
حتی په خپله اسرائیلی روشنفکران او مترقی عناصر دانگلیسی
استعمار په دغه ډول حرکت چه داسرائیلی دولت لیاکلی ټی

دعربو په خلک کښی یو اخی عربو سره دجنک بدسغی اودښمنی
دپاره شیخ کړی دی اودغی په واسطه ټی دسوسلیو غځه زیات
شریف، بی گناه فلسطینی غرب له کورولو. جلا کړی دی، بخلقت
کوی اودلن په دغه شوم عمل اعتراض کوی. دغه مترقی
اسرائیلی عتاسر فکر کوی چه کولی ټی ټی له خارجی مداخلی غځه
دورونو، شیردښلو عربی ورونو په اړخ کښی دسولی اوسلم نه
ډک ژوندو کړی اودیبول په مرسته ترنی سوزونکی صحراگانې
په کښت او کرېدلی کړی، په دی شرط چه داسرائیلو حکومتی
عناصر چه دوی په خپله ورته داستعماریجی وانی دهره غځه ښکته
شی، دپراخی غوښتنی سیاست ورک کړی، او که داسی لوی نو
حتماً به عربی اولس دغیلي بقا، آزادی او ورک شوی وقار اوعادی
په خاطر بخار دپوره کسات اختل دپاره چمتو کړی چه دغه عمل
په هم داسرائیلو په گټه نه وی.

داسرائیلو یوه منفکراو درد من انسان (ونیسینوک) داسی
لیکلی دی: داسرائیلو دولت ټی قبول کړی که نه، مسلم
واقعیت دادی چه داسرائیلو اوسنی تنگ لار، کړنلار او کپو
ورو دلو موزی دولت غځه په منظمی ښکته کښی داپریالیزم
دقوی پایگاه او هلی مرکز جوړ کړیدی. هر کله که دغه شکل
بدلون ومولد یعنی ځان ټی داستعمار دگو ډاگیتوب غځه
وژغوره په هماغه وخت به دعربو سره دسولی له ډک ژوند
شروع کړی.

دلته به داسرائیلو ددولت دناوړو عملونو یوه وپوه غولدی
تراژیدی دملگرو د معلومات دپاره وړاندی کړو چه یوه فرانسوی
لیکوال لیکلی ده:
یوی ښکلی عربی لجلی چه لوی پیغله شوی او هم نوی لاسزد

شوی وه دیت المقدس د بياره يوه اسرائیلي روغتون کښی د نرس په حیث کار کاوه. نوموړی تجلی د غومودی راهیسی له روغتون څخه تری تم شوه، لودروغتون ناروغوالو خپله مهربانه او ښکلی نرسه نشوه لیدلی، هر ناروغ به دهغی اتمه کوله خو هیچاته ئی درک معلوم نه ؤ. . . بلی مهربانه نرسه نور دروغتون په عوض دیوی وړوکی تورتم اوخبرنی کوتی په منځ کښی په خورا چوپه چوپیانی سره شپي ورغی توری . . . ټول وخت ئی دژړا اوغم سره ملگری ؤ. له حرکت لویدلی اودانسانو سره ئی اړیکي پرېکړ شوی وی هیچانلشوه لیدلی. مهربانه او ښکلی نرسه چه فاطمه نومیده داسرائیلی تیری

کونکو پولیسوله خوا زندان ته وړل شوی وه. یوه ورځ اسرائیلی پولیسو له دی څخه دزدان په منځ کښی دلوړو فلسطینی بندیانو په منځ کښی استنطاق شروع کړ. څرنګه چه فاطمه پرخپله عقیده مینه وه نه ئی غوښتل چه خپل اسرار غلجالوته ښکاره کړی نو مقاومت ئی وشود. هغه ؤ چه ظالمو پولیسو ددی کمیس او پرتوګ په لټو کولو، سنگلواو غاښونو څیری کړ. سپهني، ښکلی متی اوسینی ئی ورته دسګر توبه اورود اغلی، اسرائیلی ماسورینو په کت کت سره خنډل، اودی به دهر داغ سره اوښکی توتیولی. دهغی ور وسته ئی دفاطمی ځوان اوښکلی نوی ځلمی شوی نامزد راوست، دسرته ترېښو پوری ئی وجود په وینو ککړ ؤ. ظالمو او شر منځ صفتهماسورینو قاطع دخپل لاسزده معکښی دغیر انسانی تجاوزلاندی ونيوله، عفت او عصمت ئی ورته په داسی حال کښی چه گر د فلسطینی بندیانو په وینو ژړل پایمال کړ. اوبیانی له هغی زندان نه بل زندان ته ولېږدول، هلته ئی هماغه ناوړه عمل دفاطمی په نامزاد بالدی اجرا کړ. اوبیانی وروسته له هغی دواړه په زخمی شوؤ بدلوانوسره په بېله بېله پنجره کښی چه یومتر مکعب حجم ئی درلود واچول، پنجری ئی دزدان په زیر زمینی کښی کیښودلی داسی شرایط ئی جوړ کړل چه دوی ولکړی شول سترگی پټی کړی یاویده شی. له پنځه ویش ورو وروسته ئی له ځمکی له تل څخه راویستل او دپنجره سره ئی دلمردسوزول کورالکولاندی کیښودل. څو ورغی پس دفاطمی لاسزده او فاطمه لیونی شو، چه له هغه ځای څخه ئی روغتون ته بوتله: ښانی ملگری وپوښتی چه دفاطمی گناه څه وه؟



درگوشه وکنار شهر کابل ودر قریب وجوار تمام شهرها ولایات کشور ما اماکن وقبور بزرگوارالی بچشم می خورد که اینها در راه مجادله بابیکان وبمنظور حفظ هعائر اسلامی واستقلال ملی مردانه وارقرباتی داده وجام شهادت رانوشیده اند مردم ما روی عقاید پاک مذهبی باین شهداء احترام واعتقاد کامل دارند. فوتوی بالالیز یکی از قبور شهدای راه وطن است که در مبارزه قوای استعماری خارجی در مرکز شهر کابل باهرمانی وجوانمردی بدست دشمنان ملت افغان بقل رسیدند و خاطر بزرگ وجاودانی ایشان قلوب مردم مارا در هر عصر وزمان بیدار ومتعسس میسازد .

هغه د فلسطین دلجات بیتولکی جبهی غړی وه په پټه ئی دآزادی او خپلی بقا دپاره مبارزه کوله. او غوښتل ئی چه په دی وسیله له کوره جلا شوو فلسطینی عربوسره مرسته وکړی . همدغه لیکوال زیاته کړی ده چه ده په خپله ۱۱۵ فقری دښکېچه هوی عربی قربانیانولیدلی دی. چه دهری پوی په لیدلوسره د انسان عقل او هوش له سره الوت . دغه دی دملتولو دبقا او مقاومت پرضد استعمار اوداستعمار دزدو راتوناخوالی اوناوړه عملوله . څرنګه چه لننی عصر د کیهان هخارجی فضا دتسخیر دستور و دکنند اچولو، اواتم د ماتولو دوڼ عصر دی، دپوره جالا کویرمختګونو، بدلونونو او تحولات بهری ده، که هرون ورځ یا په پخوانی زمانه کښی تغیراتو محلی اوموضعی رلکه درلود، خو لننی تغیرات او تحولات جهانی شکل لری، او په هراړخ کښی چه کوچنی تحول پیدا کیږی بل اړخ ئی هم دتأثیر لاندی راحی. نوځکه وایو چه داستعمار په ضد دآزادی اود بقاءه خاطر لننی جګړه او مجادله دټولو محکوم ملتونو شریکه مبارزه ده، او په دی لار کښی به هغه څوک واقعی بقا او آزادی ته رسی. چه دآزادی په لار کښی دسرشندنی او قربانی ور کولو څخه ځان وله ژغوری .



عساکر قهرمان افغان همواره درد فاع از خاک با قربالی سرهای خود حاضر میباشند

آوردن پول بیشتر به آنها می آمد برای همین منظور زن رخصتی سالانه اش را گرفته و تا آخرین روزهای فصل پشم چینی به آنها می ماند . در محفل پشم چینی در مقابل کار ، ورقه های پرداخته می شد که با آن اسان می توانست درآمد اضافه تری داشته باشد .

برای یک بیوه عسکر حتی کمترین پول بجائی خودش ، غنیمتی بود گرچه افراد خانواده اش را فقط خودش و تنها پسرش تشکیل می دادند ولی یک خالواده ، خالواده است ولو کوچک باشد . زیرا هر خانواده باید برای زمستان سوخت تهیه کند ، در موقع خرمین که ارزانترین وقت است آرد

عسکر کوچک

لویسنده : چنگیز آیتا توف

ترجمه : صدیق رهپو

اولین دفعه پدرش را روی پرده سینما دید ، هنوز از سنش پنج سال نمی گذشت .

حادثه در یکی از محلات بوتوق پیوست که هر سال در موسم پشم چینی به الباری بزرگه تبدیل می شد اهالی اطراف دور و نزدیک ، برای کار بیشتر به آنها می آمدند . الباری که بام خشتی اش زهر ضربات بارانها و برف های زمستانی فرود شده بود در آل سوی فارم دولتی درهای کوه ، کنار جاده مساریبی قرار داشت . او معمولاً بامادر چاینگل به آنها می آمد زن اصلاً تلفنچی شعبه پست بود . وی هر سال در آغاز موسم پشم چینی برای بدست

بغرد به کالا و -بوت ضرورت دارد
 و در پهلوی آن بسیار چیزهای دیگر...
 بخاله کسی نبود تا سر را نزدش
 بگذارد لذا اجباراً او را با خود به سر
 کار می برد در آنجا پسر، تمام روز را
 باروی لاشسته ولی بشاش، در بین
 پشم چین ها، چوپانان و سگهای پله گرد
 و برپشم چرخک می زد.

او اولین کسی بود که ورود
 سینماچی را که با خود آلات و افزار
 سینمای سیار را حمل می نمودند بداخل
 البار بزرگ گذاشتند دیده و با خوشحالی
 که از برق چشمالش خوانده می شد
 خیر ورود شان را که به همه کس که
 که می رسید دویده، دویده می رسالد
 و فریاد میکرد:

سینما آمد! سینما! سی...ن...م...ا.
 کار به پایان رسیده بود وی
 با بشاشیت در ولی منتظر همین لحظه بود
 تا دنیای کود کانه اش را لحظه بدست
 فراموشی سپارد. فلم، فلم جنگی بود.
 روی پرده سفید، آهسته آهسته
 اشباح کوچک جان گرفتند، لحظات بعد
 صحنه، موضوع مشاهده شد. فلم جنگ
 بین دو نیروی متخاصم را نشان میداد
 چندی بعد، فضای انبار پشم چینی را
 آواز کرکننده تفنگ ها، راکت ها
 و انفلاق بمبها پر کرد، ضربان قلب
 کوچک پسرک، با صدا های مهیب
 و وحشت آور، تندتر می تپید، کلمه
 جنگ بدون اراده و برق آسا، از ذهن
 کود کانه اش عبور کرد.

او و مادرش روی توده بزرگ پشم
 عقب دیگران، بالا شده بودند از آنجا
 بهتر صحنه های زد و خورد دیده می شد
 گرچه او خوش بود تا به قطار اول، جای
 که دیگر اطفال و جوانان فارم لاشسته
 بودند، بنشینند. حتی یکبار چشم مادرش
 را هلت داده و به تندى به آل طرف دویده
 بود ولی مادرش فوراً از قولش گرفته
 روی زانوی خود نشانده با تهدید گفت:
 «پس است از صبح تا شام می دوی
 مانده می شی؟ یک دقیقه -خو آرام
 بگیر.»

قسمتی از بیانیته
 اعلیحضرت
 معظم هما یونی

در جشن ۲۴ استقلال وطن

شاد مانی امروز محصول
 سر بازیهای لیا کا و نتیجه قربانیهای
 متعاضی ملت ماست که برای حفظ
 استقلال و شرافت ملی خود بس
 معروفیت ها و مشکلات را متحمل
 شده اند.

افغانستان در اثر همین عشق فطری
 خویش آزادی را حق طبیعی کنه-
 های بشری دانسته و به حقوق و آمال
 مشروع شان در راه حریت همونا
 میباشد تا مطابق آرزوی هواخواهان
 موسسه ملل متحد دنیای آرام و مسعود
 بعیان آید.

چرخهای ماشین سینما با صدای
 یکنواختی ورور می کرد، جنگ جریان
 داشت، مردم با سکوت رقت انگیز، آنرا
 سیل میکردند.

مادرش آهی کوتاهی کشید در همین
 لحظه حرکت ترسناکی نموده او را
 به سینه اش فشرده، پسر فوراً به پرده
 سینما لگریست در آنجا تالکی غرش گنان
 مستقیماً بطرف شان نزدیک می شد زلی
 که نزدیک شان روی توده پشم نشسته
 بود زبالش را برای تر نمودن لبان
 خشکش بروی آنها تیر کرده دفعتاً
 با چیغ کوتاهی فریاد کرد!

خدای من! چه خواهد شد؟
 خدای من!

پسر چیزی ترسناکی ندید، حتی
 افتادن کسانیکه گلوله می خوردند
 برایش جالب و خنده آور بود فقط به

بازی می ماند که پسران بین خود بنام
 (جنگ بازی) همیشه انجام می دادند
 بچه ها نیز در جنگ بازی برومی افتادند
 باز می دونند و دوباره از قد به زمین مثل
 اینکه پیش های شان تلک گذاشته باشند
 می افتادند. پس این برو افتادن ها آنقدر
 مهم نبود دوباره می توانستند بر خیزند
 حمله نمایند، لحظه بعد زخم خود را
 فراموش کنند مگر چیزیکه بعدتر
 توجه اش را جلب کرد این بود که
 برعکس انتظارش، در دلیلی پیش روی
 کسانیکه بزمین می غلتیدند. دوباره
 به پا نخاسته همانطور افتاده روی زمین
 می ماند لحظه بعد در تارکی عمیق فرو
 می رفتند. کسانیکه گلوله می خوردند
 به شکل پروت روی زمین نمی افتادند
 کسی که گلوله بر شکمش اصابت
 می کرد، مستقیم و راست نمی افتاد
 بلکه اول، دستها را روی شکم گذاشته
 به آرامی قات شده به لرمی روی علقما
 افتاده و تفنگش به فاصله دورتر می افتاد
 سر جنگ، جنگ باشد روی پرده جریان
 داشت، ماشین سینما به آرامی وزور
 می کرد....

توپچی روی صحنه ظاهر شد ضربات
 آتش در حالیکه دود غلیظ و تیره ناشی
 از انفجار از آن برمی خاست علیه آن به
 فعالیت شروع کرده عده از افراد پیاده
 در حالیکه مسلح به آلات ضد تانک بودند
 ترپله گنان از لشیب تپه که به افق دور دست
 منتهی می شد، در مسیر تانکها پائین
 میشدند.

بالتر، سرایشی وسیع، باد و سیاه
 انفجار ناشی از توپچی، برای لحظه می
 در پرده از تاریکی فرورفت مدتی کوتاهی
 نگذشته بود که از لاهلای دود سیاه
 توپچی که توسط افراد توپچی رالده
 می شد ظاهر شد، در نگاه آنان چیزی
 خوانده میشد که قلب را بی اراده
 به تپش در آورده از ان عظمت و شکوه
 خوانده میشد.

هشت نفرشان در حالیکه بونفورم
 عساکر از خود بتن داشتند، توپ را
 به آرامی پیش می براند یکی از توپچی

شکل روسی داشت پسر هیچ متوجه مطلب نشد. مادر، در حالیکه سهر باله دستش را بر سر می کشید با آه بلندی گفت: - بین! او نه پدرت.

از همان لحظه عسکر جوان جای پدرش را در قلب کوچک پسرک گرفت، بعد از آن تا پایان نلم در بر گیرنده زندگی پدرش بود.

پدرش، نظیر دیگر جوانان فارم، خیلی جوان بود، قدش بسیار بلند نبود، در چهره گرد و گوشت آلودش دو چشم تیز و نفوذ کننده قرار داشتند. از چشمانش که در چهره سیاه و دودی وی قرار داشتند، غم و رنج تکالدهنده برق می زد شانه سطر و قوی اش را در چرخ توپ گذاشت با حرکت کوتاهی رویش را بطرف کدام کسی نموده فرهاد کرد:

زود! مرمی توپ.
صدایش، در لابلای صدای ناهنجار انفجار گم شد.

او ال بیگ، در حالیکه رویش را بطرف مادر گشтанده بود پرسید:

- مادر: آیا او پدرم است؟
- بلی البته پدرت است. چپ باش ما مزاحم دیگران نشو.

خودش نمی دانست که چرا چنین دروغی گفته بود؟ شاید برای وقت گذراندن؟ ممکن فقط بخاطر چرپ ساختن پسرش؟ و با ممکن قلم مذکور بصورت تداعی. خاطرات شوهر کشته شده اش رازنده نموده بود؟

خودش نمی دانست ...

پسرک، قلبش را محبت جدید و سرورشناسی پر نمود، روحش را، احساس غرور جدید و مملو نموده بود. فکر میکرد آیا او پدرش است؟ با فکر این کلمات، غرور مردانه سرپاهش را در بر گرفته. میدید رنج بی پدری بی که همیشه پسران دیگر، برخش می کشیدند، پایانش رسیده می خواست که بدود، بچه ها و چوپانان، پدرش را، پدری که اکنون در راه وطنش لبرد میکرد لسان بدهد.

قصه‌ی ارشادات

ذات شاهانه در موقع افتتاح

سی و هفتمین سالگرد

چشم آزادی

در جهان امروز که دوام بهستی و حقوق ملل در سایه صلح و سلام تامین میگردد و پایه دانش اجتماعی معیار لیاقت شمرده میشود آنچه بر امیدهای ما می افزاید این است که ملت مادر موقع بسیار نازک و وظایف اجتماعی خود را می شناسد و در انجام آن با ضمیر مطمئن و عزم استوار اقدام میکنند همکاری های ملت با حکومت پیوسته این قضیه را ثابت گردانیده است.

حینیکه چوپانان برای پشم چینی رمه به البارمی آوردند، بچه های کوچک، چوپانان را در داخل لودن رمه به آغل کمک می کردند، سگ های رمه را که باهم جنگ میکردند، از هم جدا می ساختند. چوپانان حینیکه از کار فارغ می شدند، سوالهای متعددی از بچه ها می کردند.

می پرسیدند:

- خوب بچه ککک لامت چیست؟

- او ال بیگ!

- بچه کی هستی؟

- پسر تا کسون!

پسرک خودش با آنچه می گفت باور و یقین نداشت. آنها دوباره می پرسیدند:

- تا کسون؟؟

- تا کسون کی است؟

او گفته بالا را تکرار میکرد!
پسر تا کسون.

این چیزی بود که مادرش گفته بود مادر کلان بیرو کورش همیشه تا کید می کرد تا این نام را فراموش نکند و وقتی چندین دفعه به همین سبب بخاطر تنبیه، گوشه پایش را کش کرده بود.

چوپانان بالهن تسخر آمیزی می گفتند:

- بلی! بلی! تو پسر تلفنچی هست

خاله لیستی؟ بلی هستی!

پسرک با صدای که از آن لعن

متعربانه خوانده می شد جواب میداد

- له من پسر تا کسون هستم.
بعد چوپان با کلماتی که در آن قناعت خوانده می شد می گفتند:

راست است بچه خوب: تو بچه تا کسون

هستی! ما فقط تو را آزار میدادیم. متاثر نباش، ما تمام سال را به کوهستان هستیم، شما بچه ها مانند علف، زود زود بزرگ می شوید به همین خاطر شناختن تان نداری مشکل است.

لحظه بعد از آن ها گرد هم جمع می شدند و آهسته بین خود کلماتی را زمزمه میکردند:

امکان دارد پدرش خیلی جوان به جبهه رفته باشد، ماهیچکدام او را به خاطر نداریم، باز هم خوب است حداقل پسری از خود به یادگار گذاشته است افسوس به آن جوانانی که بدون ازدواج و عروسی و گذاشتن از خود به جبهه رفته و هرگز بر نگشتند، حتی هیچکس را از خود بهمان نگذاشتند تا لام شان رازنده شان را زنده نگهدارند.

بعد از همان زمان، یعنی از لحظه‌ی که مادرش کلمات «بین اوله، پدرت» را در گوشش زمزمه کرد، او دید که که در قلبش، احساس لوی بوجود آمده است.

راحتی! کسی که مادرش روی پرده سبز نشان داده بود شباهت زیادی به عکس داشت تازه بزرگ نموده و با

قاب شیشه دار بدووار خانه شان، لقب کرده بودند .

بعد از آن، روالبیک، عسکر فلم را به چشم پدرش میدید قلب کود کاله اش را موج گرمی از احساس شربین و رویائی قرار گرفته بود . فکر میکرد که پدر سینمایی شان می دانست که پدرش، روپای او را تمقیب نموده و همیشه نامش را به افتخار تمام، مانند یک خاطره تا بنک زنده لگه خواهد داشت .

بعد از آن، جنگ برای پسرک تفریح ساده نبود، دیگر خنده های برای افتادن گلوله خورد کان وجود نداشت، جنگ برایش به کابوس وحشتناک، تبدیل شده بود، برای اولین وقعه در دلش نسبت کی که دیگر وجود نداشت، احساس دوستی نمود .

ماشین سینما هم چنان ور . ور می کرد. جنگ جریان داشت . روی پرده، یک گروه از تانک ها ظاهر شدند به آهستگی در حالیکه زمین لرم ، زیر زنجیر های قوی شان درهم فشرده شده و شیار عمیق بجای می گذاشت به پیش حرکت میکردند . توپچی ها، برای حمله با آخرین توپ آمادگی گرفته توپ های شان را به سنگینی روی بلندی تپه می کشیدند . پسرک به هیجان آمده بود ، با صدای بلندی که در سکوت تماشاچیان، انعکاس بیشتری داشت فریاد کرد :

— پدر جان : زود ، زود، تانک های دشمن آمدند .

پسرک فلاش داشت تا پدرش را از خطری که متوجه اش بود آگاه بسازد . بالاخره توپچی ها وضع خود را تنظیم نموده ، عقب درخت تناوری قرار گرفته شروع به آتش نمودند تا لکه های مقابل فیر کردند ، تعداد تانکها به طرز وحشت آوری خیلی زیاد بودند .

بچه گکک آنقدر زهر تأثیر حادثه بود که فکر میکرد خودش در آنجا کنار پدرش زیر غرش توفان تانک ها قرار دارد ، روالبیک ، وقتیکه تانکهای دشمن آتش می گرفتند و از آنها دود

غلیظی به او برمی خواست، روی زانوئی مادرش بی اراده خیزک می زدو شادی میکرد، ولی هنگامیکه توپخانه قوای دوست زیر حملات قرار می گرفت، چرخهایش بهوا برانده می شده و از شدت ضربه ، کور کورانه گرد خود می گشتند پسرک با چهره غم آلود آرام می شد و چشمانش به آنسوراه می کشید ، لحظه به لحظه ، تعداد توپچی ها کمتر می شد ... مادرش آرام ولی به شدت می گریست ، چهره اش تر و سوزان شده بود .

ماشین سینمایی خیر از همه چیزها منظور ور . ور میکرد . جنگ به شدت جریان

از ارشادات قیمتدار اعلی حضرت معظم هما یونی در سال ۱۳۴۵



افغانستان به سیاست بیطرفی مثبت و همکاری آزاد بر روی اصل مساوات بین دول پابندی دارد . ملت افغانستان به تلاش خود در راه بیکار با عوام مل نامساعد اقتصادی ادامه میدهد و توام با آن برای عمل کردن اصلاحات سیاسی اجتماعی و فرهنگی قدسهای اساسی گذاشته - مساعی خود را بهم در راه بهبود شرایط حمایتی خویش بکار میرود .

افغانستان همه مجاهداتی را که در راه تمهیم صلح جهان همزیستی مساوات آمیز و همکاری آزاد بین ملت ها بر اساس حقوق مساوی و منافع مشترک صورت میگیرد تایید میکند .

داشت . جنگ با رسیدن قوای جدید و تازه نفس ، بصورت محسوس شدت اختیار کرده تانکها به آرامی وحشت انگیزی پیش می آمدند . پدرش ، با خیز کوتاهی از پشت توپ عقب نشست با حرکت سریعی ، گوشک تلفون صحرائی را برداشت . از شدت صدای انفجار چیز شنیده نمی شد . اکنون عسکری دیگر عقب توپ قرار گرفت ، هنوز عقب توپ وضعیتش را درست نکرده بود که گلوله ئی در قسمت چپ بدش نزدیک قلب ، به شدتی اصابت نمود که سر شاله بی هایش را به هوا برانده او با تلاش کوشش کرد بها ایستاده شود ولی نتوانست . به شدت روی زمین خورد و دیگر برخاست .

فقط دو نفر باقی مانده بودند ، پدرش و عسکر دیگر . آنها برای نشان دادن آخرین مقاومت ، دو مرمی یکی پشت دیگر فیر نمودند . گلوله ها به هدر رفتند . تانک دشمن چون فیل وحشی و زخم خورده ، خرطومش را به آن طرف گشتاند . صدای مهیب برخاست همه جا در تاریکی وحشت آوری فرو رفت . نفس ها به سینه حبس شده بود ، پسرک با چشمان از حده بر آمده به پرده طوری می لگریست که مبادا چیزی در برابر چشمالش خطا برود ... در لابلای تاریکی ترسناک ، شبی در حرکت بود لحظه بعد ، خطوط چهره اش شناخته شد ، پدرش بود . او با زحمت فراوان عقب توپ قرار گرفت ، آن را هر نمود فیر کرد . این آخرین گلوله بود . انفجار دیگری برده رادر گرفت . توپ بهوا پرید . آنطرف دورتر به شدت بزمن خورد . پدرش هنوز زنده بود او به آهستگی از زمین بلند شد ، از تمام بدش آتش و دود بلند می شد .

او به آرامی در حالیکه بمب دستی کوچکی بدستش بود بطرف تانک قدم برداشت ، دیگر نه چیزی میدید و نه می شنید او آخرین قوای باز مانده اش را جمع نموده فریاد زد :

— ایستاد شو نمی آتوانی از هشتم بگریزی ...

او بادندانش، فیوز بهب راطوری کشید که از آن انزجار و نفرت به شدت خوانده می شد، لحظه ای درچایش یخ زده باقی ماند و آنگاه م را باتمام قوت، بطرف قالك پرتاب کرد.

مادر، دست پسرش را به شدت فشرده بچه گكك می خواست خودرا از دست مادرش، خلاص کرده، بطرف پدرش بدو، مگر انفجاری که از یوزة تالك بوسیله ماشیندار، شنیده شد اورا بجایش میخکوب نمود. پدرش به آرامی، مانند درخت تنومندی که اره شده باشد، به زمین افتاد، غلٹی زد کوشش نمود که برخیزد. دو باره به پشت، با دست وپای باز به زمین افتاد ...

ماشین سینما با غرش کوتاهی، توقف کرد. جنگک بروی پرده به پایان رسید، چرخ آخر پایان یافت. ماشین کار، بازدن سوچ، تاریکی بی که روی فضای انبار برای مدت کوتاهی سنگینی می کرد از بین برد. با پخش شدن روشنائی، تماشاچیان کوشش میکردند به شکل از دنیای که سینما به ذهن شان القاء نموده بود به زدگی واقعی، دوباره بر گرداند.

در همین لحظه، پسرک خود را از روی توده بشم به پایان لغزانده و بالحن خشم گین، دیوانه وار فریاد زد! — بچه ها! او پدرم بود، آیا ندیدید؟ آنها پدرم را کشتند! ...

سکوت ناشی از اثر فلیم، همه جا به سنگینی بال گسترده بود. هیچکس به صدای پسرک وقعی نکذاشتند و یا اصلا آقدر درد لیبای خود غرق بودند که متوجه چیزی نشدند. پسرک بالحن یک فائح بطرف پرده دوید. جای که در قطار اول بچه های دیگر، رفتایش، یعنی آنها تیکه نظر شان برای او اهمیت شایانی نسبت به همه داشت، نشسته بودند. برای مدت کوتاهی، سکوت آزار دهنده بر همه جاسلط شد. هیچکس جوش و سرور پسرک را که برای بار اول پدرش را دیده بود و سراپایش

را در بر گرفته بود، نمی تو است درك كند. آنها با سکوت آزار دهنده ساله های شان را با بی تفاوتی بالا نمودند.

ماشین کارها بصورت میکا لیکي وخشک، بکار شان ادامه می دادند، تماشاچی ها بی حرکت نشسته بودند. ولی در درون پسرک، احساس تازهئی و تهیج کننده بوجود آمده بود و کوشش میکرد تا احساسش را به هر ترتیب به همه انتقال دهد لذا فریاد میکرد: — شما دیدید اورا، ندیدید پدرم را؟ ... آنها او را کشتند!

با ادای کلمات بالا لحظه به لحظه هیجان بیشتری بر او مستولی می شده نظر پسرک مردم بی تفاوت با سکوت مرگ بار مانند بت های برنجی بجای های شان نشسته بودند. پسرک نمی داشت چرا این ها خوشی اش را درك نمی کنند و سرور غرور آمیزش هر یک نمی شد! ...

یکی از تازه جوانان صدا کرد: — این طور لگو! دیگری بالحن معتز ضانه مداخله نموده گفت:

— چه گفت بچه چاره؟ پدرش به جیبه کشته شد، آیا حقیقت ندارد؟

بعه آ پسرک همسا به که بچه مکتب بود تصمیم گرفت تا حقیقت را با روالییکه بحیان گذارد لذا گفت: له او پدرت نبود، چرا اینطور چیغ می زلی؟ او هیچ پدرت نبود بلکه یکد کتور بود اگر باور نداری، از سینما دار پسران کن بزرگتر هالمی خواستند تا احساس شیرین که وجود طفلك را فرا گرفته بود از او دور سازند. توقع داشتند تا ماشین کار سینما، بگوید که حقیقت دارد، همه بطرف او برگشتند، مگر ماشین کار، ساده و بی تفاوت بکارش ادامه داد. پسرک آرام نمی گرفت پشت هم بالحنی که از آن آهنگ غرور برمی خاست، فریاد می کرد:

— نه، پدرم بود! یکی از بچه های پهلونی اش پسران کره:

— کدام یک پدرت بود؟ کدام یک؟

رو الییکه زد جواب داد: — همو که بمب بدستش طرف تالك دوید: تو ندیدی؟! — همو که اینطوری به زمین افتاد.

پسرک بی محابا، خود را زمین الذاخت تا نشان بدهد که پدرش چگونه افتاد، و پسرک عین حرکات سرباز را تکرار کرد، با دست وپای باز پشت، به زمین، دراز کشید.

سکوت سنگین را، خنده لاگهالی تماشاچیان از هم کفالد، مگر او مانند مرده، همانجا بی حرکت دراز کشیده بود دوباره سکوت آزار دهنده، همه جا مسلط شد.

همه ها دیدند که چطور مادرش «جانگل» به آهستگی، در حالیکه باهایش زیر بار غم، سنگینی میکرد و قطرات اشک از چشمانش می ریخت بطرف پسرش رفت دو پسرک را برداشت و با صدای آرامی گفت:

— درست است او پدرت بود، بیا که برویم، پدرت بود!

زن به آرامی در حالیکه دست کوچک پسرک را می فشرد، از انبار خارج شد. ماه بلند شده بود. قله های سربلک کشیده و شامخ کوه در زمینه آسمان آبی تیره، در آن دور دست ها می درخشید هائین تر، اسپ وسیع مانند چادر سیاهی همه جا پخش شده بود.

«روالییکه» برای اولین دفعه در عمرش مزه تلخ محرومیت را روی گوشت و پوستش احساس میکرد لاگهان درد کشنده و غم جالکاه روی پدرش که در جنگ کشته شده بود تمام وجودش را به سخنی در هم فشرد. میخواست دست هایش را به گردن مادرش الذاخته و بغض گلویش را با او بترکالد. مگر مادرش با غم درونی، خاموش باقی ماند اولیز خاموش ماند، دست هایش را مشت نمود تا بتواند اشک هایش را قورت کند کند اولمی دانست که از همان لحظه عسکر کشته شده: در جنگ دوباره در وجود خودش زنده شد. پایان

حماسه یک

دوشیزه ...



نویسنده :

غلام سخنی امر

تورن حربی پوهنتون

دوشیزگان افغان که پرورده آب و هوای پاک این سرزمین اند همواره از آزادی ملی خویش دوش بدوش برادران خود دفاع کرده اند و حماسه های جاویدانی را بوجود آورده اند .

راکه با اشک و خون اشک و خونیکه از عروق و الساج وجود یک سمبول افغانیت و شرافت و باعصاره از ترکب خون آریائی نوشته شده است، ورق بزلیم. اگر موافق هستید بهتر است اسم مناسب تری برای این یادداشتها انتخاب کنیم این اسم زیبا و پر از الکره های و طند و سستی « حماسه یک دوشیزه ... » است. وی که آهسته آهسته و با تمکین پر از ملاحظت با انگشتان خود با سو های وحشی اش بازی میکرد و به افق ایلگون زادگاهش چشم دوخته بود گاهی هم فلم میبرد داشت

دارد، مگر هر قدمی امروز روی خاک این دیار باستانی میگذارم این احساس بمن دست میدهد که هنوز هم تپش قلب جوانان، و مادر اینکه در راه وطن شهید شده اند باز نه ایستاده است و دستهای شان هنوز هم با خون استعمار یون گلگون است، این بود تا بلوی آن روز های سیاه و تیره و باز هم روزهای تاریخی و فراموش ناشدنی محصول مهر یک نویسنده، بیائید دفتر یاد داشتهای دوشیزه افغانی را که مانند هزارها شهیدان وطنپرست از خاطرها فراموش شده یعنی دفتری

تندباد حوادث باری باز هم مسیر اسکندر را دنبال کرد، از خیز گذشت، سرزمین های مرد خیز کند هار و غزلی راهت سر گذاشت، این تندباد شبی راه خود آورد شبی که تاریکی آورد و مشکلات، سیاهی ای که افق افغانستان عزیز را از کران تا کران با ابر سیاهی پوشاند، استعمار یون سرحدات این مرز و بوم را عبور کردند، از دفتر خاطرات اسکندر مقدونی و با هر چیزی نیا موخته بودند، بلی جاه طلبی و احساس ننگین و غیر السالی مستعمره جوئی جنون خاصی

و کلمه مینوشت وی در یک تستی ازین حماسه چنین مینویسد :

هموطنان، برادران و خواهران!

آرزو مندم ساعتی خود را مشغول خواندن این یادداشتها کنید بیاد آرید آن روزهای پر از مشقت هموطنان خود را که هفتهها با پارچه لشان خشکی بادشمن میجنگیدیم در سختترین شرایط هم لکه تنگ وطن- فروشی و عدم مقاومت را قبول نکردیم، شیر یگانه آذوقه اطفال معصوم در پستانهای مادران خشکیده بود. اما هیچگاهی هم بیاد ندارم اطفال خود را زلزان باشماست افغان رها کرده باشند. در دره هادردهات در قلل شامخ در کوچها و پس کوچه های تاریک با دشمن میجنگیدیم، عشق و علاقه ما به ارزشهای ملی، عشق و علاقه ما به آزادی و حریت امید ما به آینده شعله های بودند که استعمار یون را سوختا لاند و اجساد سوخته اینها را بزباله دان تاریخ سپردیم، خوب بخاطر دارم در یکی از روزها کنار هلستان متصل دروازه شرقی بالاحصار مشغول پر کردن کوزه سفالین خود از آب مشروب بودم انگلیس بچه که معلوم میشد پسر کدام ماورا رشد بود سوار بر ابری در حالیکه تفنگچه در کمر و تفنگ شکاری بدست داشت از بالای هل میگذاشت و قتی چشمش بمن افتاد با اشاره کرد و چنان فهماند که دارد بخشش گرانبهای بمن میدهد، ساعت غروب بسیار نزدیک بود من در اول هیچ اهتتای نکردم. پسر بچه پررو انگلیس ما بانه خنده کرد و بی پروا تر و گستاخ تر گردید و به مسخره و شوخی کوزه مرا هدف تیر قرار داد. این واقعه واقعه آنقدر بزرگی بود زیرا کوزه سفالینی را از دست داده بودم اما اثر همیق بالای روح و جسمم گذاشت آنرا حقارت دالستم، عملی تجاوز بر حریم شئونات افغانی، با این تصورات مقدس و شریف هم و اندوه مانند صخره سیاهی بر تمام ذرات وجودم فشار آورد کم مانده بود در گریه کنم. خواننده عزیز! تو میدانی



نویسنده مضمون

یک دوشهزه زیبای هژده ساله چقدر خون گرم و حساس است تا چه حدی حرمت میخواهد و ناز میفر و شد اما لای خود را بالای اجنبیها لعین فرو همد. وقتی بقیافه او دیدم بیک عفریت شرم و خیانت تبدیل شده بود احساس شدید تمرد و عصیان بر وجودم مستولی گردیده در همین تصورات بر کنار جوی تکه زدم تصمیم من قاطع شد و بیاد جمله معروف سردسته خودها (حمید) افتادم، حمید همیشه میگفت «دشمن راه رجا یا قتی بد کشید» آهسته و با تمکین از کنار جوی بر خاستم و بطرف پسر بچه روان شدم وقتی نزدیکتر شدم شیطنت و شرارت، تجاوز و تخطی خیالات در چشمان آبی رنگش برق میزد نزدیکتر شدم و بر احساسات خویش مسلط گردیدم تا متوجه حرکات بعدی من نشده باشد، ما به گروپ انتحار بسیار شبیه بودیم. فکر میکنم این اصطلاح محصول جنگهای آزادی بخش ما بوده است، امدستی من از قبل حاضر بود آنرا پهلوی اسپ در فاصله نیم متری منفجر کردم در بالاحصار تشنج بزرگی پدید آمد و هزارها فیر تفنگ گویهای برها کرده سرک با خون آلوده شده بود لحظه کوتاهی لگذاشته بود که بخود آمرم دیدم جوانی که دارای بازوان آهنین و چشمان سیاه بود مراروی دست گرفته و بسوی خانه های دروازه شمالی بالاحصار

میبورد. مراروی دوشکی قرار داد و چای و کشمش سبز آورد از چشمانش معلوم میشد که متوجه قیافه گیرا و زیبای من ایست و بیک هدف بزرگتر ازین میاندا شد وی عجله دارد خاله را ترک کند و جای خود را در صف رفقای پارتیزان خود اشغال نماید، واسکت چرمی وطنی خود را پوشید قلمه خود را برداشت همینکه دید من سر حال هستم خانه را ترک گفت و به اشاره سر فهماند که بکجا می رود یک هفته گذشت یکماه سپری شد اما رویه «حمید» تغییری حاصل نکرد، گوئی وی عاشق آزادی و مبارزه بود بدخترهای زیبا لمی الدیشید، این بار من بودم که عاشق شدم چون عشق را نمیتوان مدت زیادی مخفی نگه داشت بوی علاقه خود را اظهار کردم رد نکرد اما این وصلت را معطل گذاشت فکر کردم قلبش از سنگ ساخته شده است، وی توضیح نمود که درین شرایط بغیر از «بیکار مقدس» با دشمنان آزادی فرصتی ندارد. خوب بالاخره روزهای فرا رسید که مرا هم با خود میبرد. شب و روز در یک سنگر علیه دشمن میجنگیدیم و در حرکات وی با اینکه اکثر در تپه های لا هموار و جویبارهای جنگل مرادوش می انداخت اثری از انحراف در وی دیده نمیشد با اینکه میدا لستم عشق لطفه من اورا سوختا لده ماه ها سپری شد و یکسال گذشت و حتی عفریت استعمار با آخرین غروب از خیر و کندها گذشت. حمید عشق مرا پذیرفت و با اینکه یک چشم خود را از دست داده بودم و در رخسارم لکه های سیاهی بود حتی خود را نفهماند که چنین تغییراتی در قیافه من بوجود آمده، وی با مراسم ساده وطنی با من عروسی کرد امروز که از آن روزها سالیان زیادی میگذرد خاطره این روزهای پرشکوه را یک بار دیگر در خاطره ها زنده کردم و این دفترها رهنه و جاویدان را ورق زدم.

ختم

استفاده از اشعه لایزر در مخابرات عصری



(آیا امکان آن موجود است که با استفاده از یک شعاع لایزر مایارد ها مکالمه تیلیفونی و یاده ها ملیون پروگرام تلویزیونی را در یک وقت ارسال و انتشار کرد) .

نگارش و ترجمه :
دپلوم انجینیر محمد اکبر سروری
(انجینیر قوا راکت)

البته این دلچسپی مربوط به هیجان آورترین و مجیرترین خواص تشعشع *laser* بوده است. که این اشعه دارای فریکانس اهتزازات الکترومقناطیسی بسیار وسیع و فراخ و درجه دقیق بودن عالی می باشد.

شما خواننده محترم درینصورت سوال خواهید کرد که از اشعه لایزر چه قسم میتوان درسیستم های مخابرات استفاده کرد و استفاده از اشعه *laser* کدام موفقیت و برتری دارد و یاخیر؟ اینکجه جهت معلومات مزید خود مضمون ذیل را مطالعه کنید.

امواج رادیوئی و نوریک که چیز بوده و عبارت از اهتزازات الکترومقناطیسی است. البته امواج رادیوئی و نور فقط نظربه طول موج از همدیگر فرق دارند. چون طول موج با فریکانس

رابطه معکوس دارد ($\frac{\text{سرعت نور}}{\text{فریکانس}} = \text{طول موج}$) لذا به

همین قسم فریکانسهای امواج را دیوئی و نور از همدیگر فرق دارند. برای پیدا کردن فریکانس شان باید از فورمول فوق الذکر

استفاده کرد یعنی $\frac{\text{سرعت نور}}{\text{طول موج}} = \text{فریکانس}$

سرعت نور بحرف C نشان داده شده و اندازه آن ۳۰۰۰۰ کیلومتر فی ثانیه می باشد.

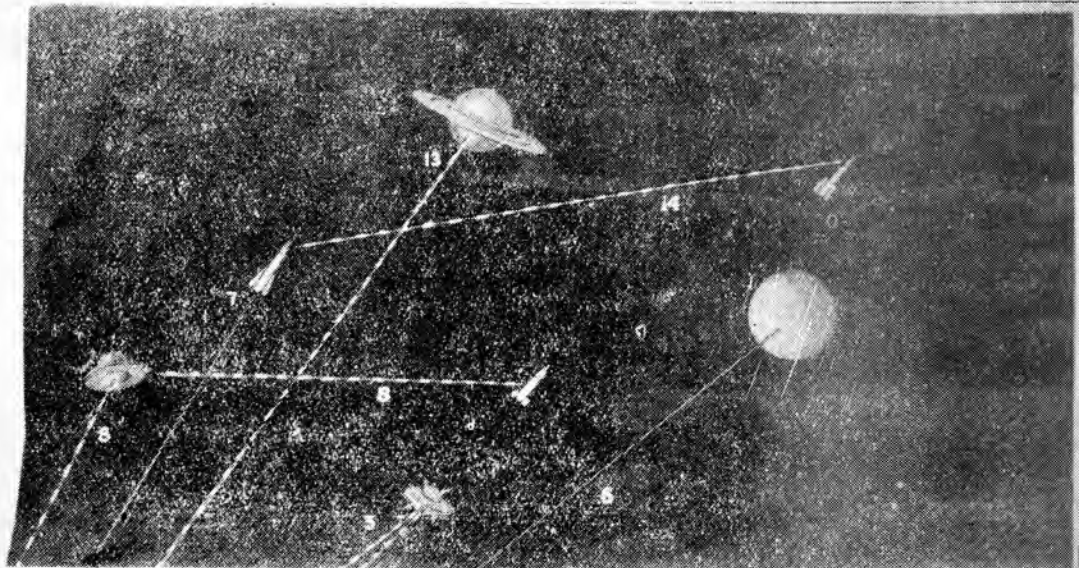
و تیکه شما می شنوید که استیشن کابل رادیو به منحنی غیبه به طول موج ۲۳۴٫۴ متر فعالیت می نماید به فکر آن خواهید افتاد که فریکانس امواج ارسال کابل رادیو درین زمان چند خواهد بود. البته با استفاده از فورمول فوق الذکر بدینصورت

پیشرفت جمعیت بشری بدون مبادله معلومات و اخبار غیر ممکن می بوده بلی انسانها از طرق و میتودهای بسیار زیادی برای مبادله معلومات ذریعه آلات و مهمات مخابرات در ظرف چندین سال استفاده کرده اند. بطور مثال با استفاده از کبوترها ، آتشها ، صدا های شاخها ، چراغ های رهنما ، تلگراف های الکتریکی و الکترومقناطیسی ، پوسته و تیلیفون و بالاخره از رادیو و تلویزیون مبادله اخبار و معلومات می نمودند. در دهه و ام روز و شب انسانهای مترقی و عصری دهها و یاصدها مرتبه اقسام مختلف اخبار و معلومات را ارسال و یا اخذ می نمایند.

ترقی علم و تکنیک در مقابل اجسام مخابرات موجوده یکسوال بسیار مغلق و مهم که عبارت از زیاد شدن حجم ارسال اخبار در واحد زمان میباشد طرح می نماید. باید اخبار و اطلاعات را با اطمینان بسیار عالی و مصرف کم انرژی با کم ساختن وزن و اندازه سیستم اخذ و سیستم مرسله ارسال کرد.

مهمترین پیشرفت علوم امروزی در سالهای شصت قرن عیسوی بوده است به نسبت اینکه درین مرحله لایزر اختراع گردیده است. (لایزر کلمه انگلیسی بوده و از مخفف کلمات *Light amplification by stimulated emission of radiation* تشکیل گردیده است و مفهوم کلمه مذکور عبارت از تقویه کردن نور به کمک لایرویی محرکه اشعه نسی می باشد) .

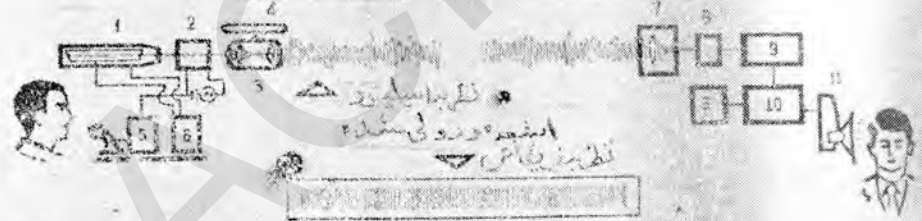
علما ، انجینیران و کارکنانیکه در شرق مخابرات و رادیو سروکار داشتند باین موضوع دلچسپی بسیار زیادی نشان داده میدهند.



سیستم خاوره (دور در زمین و فضا) (طول موج ثابت سیمکس برای ارسال و دریافت در زمین و فضا)

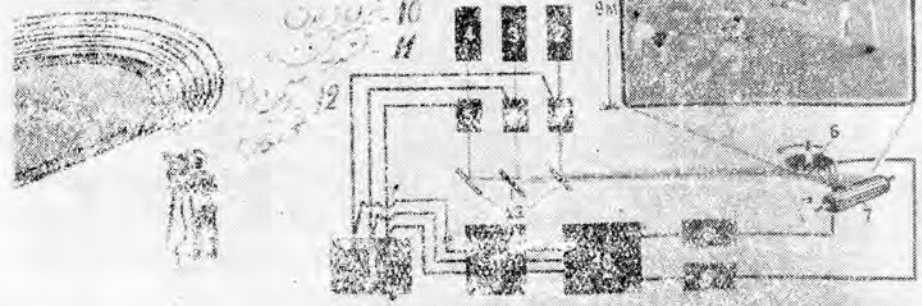
تعداد فرکانس (پهنای باند) 1- کاره دیدن تصویر 2- سیمکس برای 3- 3- 4- سیمکس برای 5- 5- 6- زمین بخت 7- زمین بخت 8- زمین بخت 9- 10- 11- 12- 13- 14- سیمکس برای

3- زمین بخت 4- 5- 6- 7- 8- 9- 10- 11- 12- 13- 14- سیمکس برای



مشده فرکانس شده و مکرر شده و در زمین و فضا

1- 2- 3- 4- 5- 6- 7- 8- 9- 10- 11- 12- سیمکس برای



است لذا فریکانس امواج ارسالی کابل رادیو در طول موج
 ۲۳۴ر۴ متر مساوی به ۱۲۷۹۸۲۰ر۸ سیکل میباشد. چون یک
 میکا سیکل مساوی به ۱۰۰۰۰۰۰ سیکل است پس بطور تقریبی
 نوشته می توانیم که این رقم مساوی به ۲۷۹۸ سیکل
 می گردد .

فریکانس را پیدا کرده می توانید .

$$\text{فریکانس} = \frac{1}{\text{ثانیه}} = \frac{300000000 \text{ (متر فی ثانیه)}}{234.4 \text{ (متر)}} = 1279820.8$$

 چون واحد قیاسی فریکانس «سیکل» $(\text{Hz}) = \frac{1}{(\text{Sec})}$

بریک قانون معین خواص اهتزازات این امواج الکترومقناطیسی را تغییر داد. و با عبارت دیگر طوریکه متخصصین و انجنیران می گویند اشارات را باید مودولیشن کرد. در رادیو تخنیک اشارات نظریه فریکانس، امپلیتود و یافتر اهتزازات که دارای شکل سین «Sin» مانند می باشند مودولیشن می شوند. دستگاه آخذه کننده معلومات حاصل شده را ذریعه سیستمهای دی مودولیشن واضح ساخته (شیفرشان را خلاص می کند) و اهتزازات فریکانس رادیوئی را بصدا و بالعکس و شکل تبدیل می نماید.

گرامافون ها و تیپ ریکاردرهای عصری و مودرن به نسبت داشتن شرید بسیار عریض فریکانس از همدیگر فرق میشوند. برای ارسال و انتقال عکس تلویزیونی شرید فریکانس که دارای عرض از شش الی هشت میگا سیکل (یک میگا سیکل مساوی به ۱۰ بطاقت شش سیکل است) میباشد لازم است. طوریکه معلومات دارند در روی کره زمین بکننداد بسیار زیاد دستگاه های رادیوئی و مراکز تلویزیونی فعالیت می نمایند و باید این دستگاه ها همدیگر را هم مانع نشوند پس برای تمام دستگاه ها یک دپازون (ساحه) بسیار و عریض فریکانس لازمی است. بدین لحاظ بمقصد بدست آوردن فضای گالی، لازمی متخصصین مخابره و رادیو شروع به آموختن و مطالعه دپازون امواج کوتاه و بسیار کوتاه متری، دیسی متری سانتی متری، ملیتری و بالآخره چندم حصه ملی متر با شرید فریکانس چند صد گیگا سیکل (یک گیگاسیکل مساوی به ۱۰ بطاقت ۹ سیکل است) شروع نموده اند.

دپازون فریکانس اشعه *Laser* (در قسمت قابل دید) شریدی از ۴۰ الی ۱۰۰۰ تیراسیکل (یک تیراسیکل مساوی به ۱۰ بطاقت ۱۲ سیکل است) را در بر می گیرد. یعنی دارای دپازون ۵۷۰ تیراسیکل میباشد.

ازینجاست که امکان ارسال اخبار و معلومات بیک حجم انفالوی ذریعه اشعه *Laser* در یک زمان پیدامی شود. ارسال و اخذ یک حجم بسیار زیاد معلومات و اخبار با سرعت زیاد در سیستمهای قضائی مخابره بعید اهمیت بسیار زیاد دارد.

از تئوری به عملی: شمه پرتویی مرسله و آخذه سیستم مخابره *Laser* که دران انواع مختلف لازیرها از قبیل گازی، اقسام جامد نیمه هاویها (که انتخاب شان مربوط به شرائط کار و وظیفه سیستم مخابره است) در هر کتیک استفاده کرده می توانند در شکل نشان داده شده است.

برای داخل ساختن یک اخبار و معلومات معین در اشعه *Laser* در مقابل راه آن مواد لیا توری الکترواوپتیکی را قرار میدهند. نظریه تاثیر ساحه برق متناوب خارجی فریکانس صدای انسان (و یا اشارات دیگر) که تبلا مودولی شده باشد شدت اشعه لازیر تغییر می خورد. یعنی مودولیشن امپلیتودی صورت می گیرد. (همچنان مودولی کردن آن نظریه فریکانس و فاز امکان دارد). اشعه لازیری که دارای شدت متناوب بوده دارای اخبار

قسمتی از

ارشادات

ذات شاهانه

در سال

۱۳۳۴

چون یگاله منظور ما مریبلندی و آسایش ملت ماست، امیدواریم بتوفیق پروردگار و همکاری مردم و با موجودیت نظامی که تامین عدالت فردی و اجتماعی میباشد و با رویکار آوردن آن روشهای اقتصادی که سویه زندگی مردم را بهتر میگرداند این مقصود ما برآورده شود.

برداشتن قدسهای جدی و اساسی که برای اعتلای امروز و فردای مملکت لازم است ایجاد عواملیکه تسلی جوان را نیرومند گرداند آرزوی نخستین ماست.

* * *

قربانی در راه خدا، قربانی برای سعادت جمعیت، قربانی برای آسایش فرد به پیروی ازین تعلیمات عالی خالص ترین وظیفه مسلمانان شمرده میشود باید با درک این حقیقت وظایف خود را درین راه خالص تر و صمیمی تر گردانیم برای برآورده شدن این آرزوها قیمت بیشتری را به قربانیهای فردی قایل باشیم.

مطلوبه در تشکیل خود، میباشد از طریق سیستم اوپتیکی بمحیط خارج، ارسال می گردد. بعد از طی یک فاصله اشعه به سیستم آخذه داخل می شود. در سیستم آخذه انرژی نور اشعه لازیر که دارای شدت متناوب است بکمک یک عده آلات و سهمات به صدا و یا عکس مبدل می گردد.

سیستم و آخذه و مرسله در مخابره لازیری را می تواند انواع عادی از قبیل کامره تلویزیونی، تلویزیون، دستگاههای تیلیفونی و غیره و یا انواع جدید از قبیل اندکاتورهای عددی و غیره که مربوط به طول موج و فریکانس انتقال دهنده (برنده) اشعه لازیری می باشد تشکیل دهد.

در راه استفاده مکمل از فریکانس انتقال دهنده اشعه *Laser* بیک عده مشکلات تخنیکی قرار گرفته است. این مشکلات تخنیکی فعلا مانع ساختن سیستم آخذه و مرسله لازیری چند کانالی میگردد. بوجود آوردن این قسم سیستمها از پیشرفت و ترقی فوق العاده علمی و تخنیکی آلات و سهمات مخابره نمایندگی خواهد کرد:

به چه اساس می توان این فرق زیاد بین امکانات انفالوی مخابره لازیری و تولید هر کتیک آن تشریح کرد: به لوبت اول این مربوط به عدم موجودیت سیستم مودولیشن شرید عریض چند کانالی و آخذه که برای استفاده از امواج

آزادی



غوك چى دىمان دساتنى دپاره دخپلواكى غځه تيرشى هغه
د آزادى او سلاستى وړاندې . (فراىسكلن)
د هر هيواد خلكت بايد په خپلو دماغوكى يو د آزادى
غوښتلو روح وروزي . (شكسپير)
هر چيرته چى آزادى وي هملته زما هيواد او تاتوبى دى .
(مىلتون)
پرته له آزادى غځه هيواد اوبى له تقوى غځه آزادى
نه برقراره كيږي . (ژان ژاك روسو)
ژولد بى له آزادى غځه او عشق پرته له هيلى غځه هېڅ
خولد نه لري . (هوادرلين)

(۳۶۰ نايه مساوى په پكې درجه است) واگر از سيستم فوكسى
(مجرى) كنده استفاده كردد درين صورت اندازه زاويه الحراقى
تا چند نايه خواهد رسيد اين زاويه الحراقى هزار مرتبه كمتر از
زاويه الحراقى امواج راديوئى سالتى متری میباشد (در شرائط
عين چيز بودن قطراتن هاى مرسله آنها) .

به نسبت توجه دقيق و بسيار باريك انرژى ارسال شده فقط
به سمت سيستم آخذه مطلوبه رفته و بواسطه كدام سيستم آخذه
ديگرى گرفته نشده و سيستم هاى آخذه هم جوار را كه با عين طول
موج فعاليت مى نمايند مانع نمى گردد .

اين حالت درجه تدافعى بسيارعالى را در مقابل پارازيت ها
بوجود مى آورد كه درنتيجه آن بااطمينان بودن ارسال اخبار
بسيارعالى است . غير از اين ها نيمى توان اين قسم دستگاه لازيرى
را تا اينكه در ساحه سيستم التشار امواج آن قرار نداشته باشد
پيلنگ كرد .

(Peiting) - عبارت از تعين زاويه بين عقربك قطب نما
و سمتي كه از آن آواز شنیده میشود میباشد. توجه بسيار باريك
ارسال اشعه لازير اجازه آن را مدهد كه بايك مقدار بسيار كم
از انرژى استفاده كرده و مى توان مرسله هاى كه داراي قدرت
بسيار كم باشد استعمال كره. اين موضوع در ساختن دستگاه هاى
كيهانى اهميت بسيار بسزائى دارد .

در زمين و در فضا : سيستم هاى مخابراته عصرى و رادار
بايد بتوانند كه در شرائط اتموسفير زمين و شرائط فضا كيهانى
فعاليت كنند . استفاده از لازيرها در يك ساحه فراخ براى
سيستم مخابراته زمينى فعلاً يك مانع ديگرى (غير از مشكلات
و موانع كه فوفا ذكر گرديد) كه فقط بعضى علل و حادثات

الكترومقناطيسى در دياپازون فوري و اشعه تحت قرمز فعاليت
كرده بتوالد ميباشد. ساختن اين قسم مود و لياتورهاى شريد
عريض اجازه آن را مديداد كه با استفاده مكمل از اشعه Laser
بيك زمان در صورتيكه همدى بگرار مانع نشوند با استفاده از يك
اشعه لازير ملياردها مطالعه تيلفونى و يادها مليون پروگرام
تيلويزيونى را ارسال و انتقال داد .

مگر متأسفانه امكان ساختن و توليد سيستم هاى عصرى
مودوليشن و دى مودوليشن اشعه لازيرى هنوز بسيار محدود است .
حتى فعلاً عصرى ترين مودولياتور اشعه لازير داراي شريد كه
عرض آن تا ۱۵ هزار تيراسيكل مى رسد مى باشد فقط امكانات
استفاده مردم حصه فيصدي شريد بسيار عريض فريكانس انتقال
دهنده اشعه لازير را با اجازه میدهه .

يكى از مشكلات تخنيكى ديگرى كه تا حال حل نگردیده
است همانا مربوط به عظالت موجوده فوتودتيكتورهاست كه از
تعقيب تغير شدت اشعه Laser مودولى شده « رسيدگى »
كرده نمى تواند .

علماء و دانشمندان بسيارى با اين نظريه اند كه طرق حقيقى بر
طرف كردن مانع مودولياسونى موجود است. بطور مثال استفاده
از طرق مختلف مودوليشن چند كاتالى طراحان و دانشمندان
اتحاد شوروى توانستند بصورت تجربوى لين مخابراته تيلفونى
لازير را در اين بعضى شهر هاى اتحاد شوروى بسازند . فعلاً
نظريه تجارت و تحقيقات دريك زمان دهها مطالعه تيلفونى
صورت گرفته مى تواند. البته اين فعاليتها فقط قدم هاى اولى
دروا مخابراته سيستم Laser مى باشد .

مخابراته لازيرى يكه موفقيت ديگرى هم نظر به مخابراته راديوئى
دارد و آن اوست كه مصرف كردن بسيار لاجيز اشعه لازير درجه
بسيارعالى و دقيق توجه پروگرام ارسال شده را مهيا مى سازد .
(يعنى الحراف اشعه لازير از سمت توجه شده بسيار ناچيز است) .
دستگاه هاى راديوئى امواج الكترو مقناطيسى را بطور
مساويانه بهر طرف ارسال مى نمايد (هميشه آن راه شكل دائره
متجدد المر كز نشان میدهيم) ، استعمال التنى هاى راديوئى مخصوص
و گذشتن به دياپازون امواج بسيار كوتاه اجازه توجهى ارسال
امواج را به يك سمت مام مدهد (هر قدر كه اندازه آنتن بزرگ
و طول موج كوتاه باشد به همان اندازه الحراف امواج رسالى
از سمت اصلى توجهى كمتر ميباشد) مگر با مقايسه اين قسم سيستم هاى
مخلوق مخابراته راديوئى الحراف اشعه لازير هنوز هم چندين مرتبه
كمتر ميباشد . طبيعى است كه هر قدر الحراف امواج هر قسم اشعه
زباد باشد به همان اندازه انرژى كمتر به سيستم آخذه داخل
مى گردد . و درنتيجه آن لازم است كه از تقويه كنده اشاراتيكه
داراي قدرت زيادتر و مصرف زيادتر براى تعذيب سيستم هاى
آخذهها باشد استفاده كرده كه اين حالت بالاخره باعث زياد
شدن وزن و حجم دستگاه هاى مى گردد .

سيستم مخابراته لازيرى مى تواند كه داراي زاويه الحراف
شعاع تا چندين مرتبه واحداث قياسي زاويه از جنس نايه باشد

آزادی



دلدلها پیر خود اولور نعمت یو اخی او یو اخی همدغه آزادی ده او بس . (فوئا غورث)

د آزادی ساتلو. لومړی شرط یو اخی ملی یو والی اودخلکو ترمنځ اتفاق دی په همدغه قوت استقلال او ملی حاکمیت حاصل کیږی . (فرالکلن)

آزادی دانه ده د هر چاچی هرغه زړه وغواړی هغه وکړی بلکه هغه قدرت دی چی یو غوک یو کار لازم او مناسب وگڼی هغه وکړی حتی عیاشی او ساتیری هم دی له دی کار له منع نه کړای شی د آزادی حقیقت هم پدی کی دی (مکدونالد)

فزیکي میباید غیر ممکن می سازد یکی از جمله مهمترین این علل عبارت از جذب و پراکنده ساختن انرژی اشعه laser در زمان عبور از اتموسفر زمین (تأثیر رطوبت، گرد و خاک، دمه غباره وغیره) میباشد. که در نتیجه آن مسافه عمل و ارسال آن را بسیار کم می سازد. با وجود آنهم کدام اساساتی برای بدیهی وی اعمتصادی (Pessimus) در حوضه اشعه laser موجود لیست.

یکی از برارزش ترین طرق زیاد ساختن مسافه مخابراته لازیری در شرائط زمین بعد از ساختن سیستم های مخصوص تارهای شیشه ای برنده نور که اشعه لازیر از آنها عیناً مانند جریان برق از لاقل ها گذشته می تواند به هر سمت معین انتشار کرده و از تأثیرات هوای خراب پنهان میباشد امکان پذیر است تجارب و تحقیقات برای ساختن این قسم سیستم های مخابراته در بسیاری از ممالک جهان ادامه دارد.

در انگلستان بطور مثال چندی قبل یک سیستم تجربی بسیار مغلق ۱۵۰۰ کانالی مخابراته تلیفونی از تارهای برنده نور به عرض نمایش گذاشته شده بود طراحان و دانشمندانیکه این سیستم را طرح و ساخته اند امید دارند که در آینده بسیار از یکی قدرت اجازوی عبور این سیستم را تا ۳۰۰۰۰ کانال مخابراته تلیفونی و یا ۳۰ کانال تیلویزیون رنگه زیاد سازند.

یک طرفی دیگر محاربه و مبارزه با تأثیر ناگوار اتموسفر فعلاً معلوم گردیده است. قضیه ازین قرار است که امواج الکترو مقناطیسی که دارای طول موج مختلف میباشدند ذریعه اتموسفر بیک اندازه مساوی جذب نمی شوند (آن قسمت امواج طویل که ذریعه اتموسفر بسیار کم جذب می شوند بنام «کلکینچه شفافیت» یاد می شود. ذریعه تحقیقات و آزمایشات

بایات رسیده است که امواج تحت قرمز که دارای طول 10,6 میکرومتر (یک میلیون میکرومتر مساوی به یک متر است) می باشند از همه کمتر ذریعه اتموسفر جذب می شوند. فقط در همین طول موج (20,6 میکرومتر) لازیرهای گازی کاربن دی اوکساید فعالیت می کنند. و باید بگوئیم که قدرت ارسال (تشتعشع) توجی آن بسیار زیاد بوده و شاید تا چند ده کیلووات برسد. حتی اگر ۹,۹۹ فیصد قدرت این قسم لازیر ذریعه اتموسفر جذب شود. قدرت باقی مانده (۰,۱ فیصد) برای برقرار ساختن مخابراته شال بین شماره زمین و مریخ کفایت می نماید. این واقعه امتیاز و برتری فوق العاده را برای پیشرفت مخابراته لازیری باز می نماید. اگرچه در جلو از این قسم سیستم ها هنوز یک عده مشکلات تخنیکي قرار گرفته است که یکی از جمله آنها ساختن اخذها است که در دیاپازون اشعه تحت قرمز با حساسیت بسیار عالی حتی زیاد تر از ۱۰ بطاقت منفی ۹ وات فعالیت کند میباشد.

طبیعی است که محدود ساختن مخابراته لازیری که ذریعه بارزبت های اتموسفر بوجود می آید در شرایط کهبانی بطور اتوماتیکی ازین می رود. برای فزاینکی موضوعات اصلی در زمان مقایسه مخابراته سیستم لازیری و سیستم رادیوئی عبارت از تناسب وزن دستگاه های داخل اتمار مصنوعی، سرعت انتقال اخبار و معلومات و با طوریکه می گوئید قابلیت اجازه عبور سیستم ها میباشد.

در تحقیقات علمی فضائی بعید و با موجودیت مخابراته بین محلات (دیاره زمین- کشتی فضائی) و «کشتی فضائی سوئیتیک» باید قابلیت عبور اجازوی نظر به حسابات علما امریکائی باید ده میلیون بیت فی ثانیه باشد. (بیت واحد قیاسی اخبار و یا معلومات) این قسم قابلیت عبور عالی برای سیستم مخابراته «زمین- مهابت» را می توان ذریعه قدرت لازیری یک وات مهیا ساخت (قابلیت عبور اجازوی شمه های رادیوئی تقریباً به ۶۰۰ بیت فی ثانیه می رسد).

همچنان واضح است که قطر آنتن (وزن آنتن یک قسمت زیاد وزن عمومی مرسله را دربر می گیرد) با کم ساختن طول موج کم ساخته میشود بدین لحاظ برای تمیبه کردن مخابراته بعید بطور مثال بین کشتی های فضائی و زمین از آنتن اوپتیکی لازیر (تیلکس-وپ) که دارای قطر ۱۰/۲ سانتی متر است (نظریه معلومات دانشمندان امریکائی) می توان بجای آنتن های فزیکالس رادیوئی که دارای قطر ۳۰ متر میباشد استفاده کرد.

در ساختن سیستم مخابراته مکمل لازیرها در فضا به بعضی مشکلات مخصوصی بر می خوریم. مثلاً کشف مرسله در صحن سیارات، سرعت نسبتی زیاد کشتی های فضائی، مشکل بودن توجی اشعه مرسله در فوتو اخذ سیستم اخذ کننده (در سیستم های مخابراته فضائی ثابت باین مشکلات دچار نمی شویم) البته مخابراته لازیری در فضا روز بروز تحقق پیدا میکند بطور مثال

در زمان پرواز کشتی «جیمین-۷» فضالوردان توانستند مخابره خودش را با زمین ذریعه اشعه لایزر انجام بدهند. این مخابره در ظرف دودقیقه ادامه پیدا کرده، نتیجه آن فناخت بخشش بوده و امکان استفاده علمی از مخابره لایزری در کشتی های فضائی باثبات رسانیده است.

نظریه قیمت دهی علما خارجی پیشرفت عصری تخنیک لایزر امکان ارسال در انتقال عکس های تیلویزیونی را از سیاره مریخ بالمقاس حقیقی زمان مهیا می سازد.

این جملات معنی آن را دارد که مشاهده کننده در روی زمین بعد از دوقیقه عکس ارسال مریخ را دیده می تواند. این مدت ۵ دقیقه برای اشعه لایزر بمقصد طی کردن فاصله از سیاره مریخ سیاره زمین لازم است.

تیلویزیون و سینما: در علم و تخنیک عصری زهای ترو زیادتر به تیلویزیون هائیکه دارای پرده بسیار فراخ تاده و صدها متر مربع سطح داشته باشند ضرورت حس می شود. مگر قابلیت اجازوی و متباین بودن این قسم عکس هاله فقط اینکه از عکس ها و پروگرام های پرده های تیلویزیونهای امروزی عقب بمالد بلکه باید از آنها بهتر و واضح تر باشد. برای این مقصد یک فریسکال نس بسیار زیاد خط هاز ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ بامقایسه چندین صد خط تیلویزیونهای عصری امروزی بوده و متباین بودن عکس ها باید از نسبت ۱۰۰:۱ کم تر نباشد (عدد ۱۰۰ بر ۱ تناسب روشنی نقطه های تاریک را نشان میدهد) واضح است که برای مدت آوردن عکس ها ذریعه کنیسکوپ تیلویزیون ها در پرده های فراخ با استفاده از میتود اوبتیکی ما روشنی و متباین بودن عکس ها در وقتاً پایان می افتد بطور مثال عکس هائیکه دارای اندازه های بسیار بزرگ نسبت به عکسهای کوچک که از برعکس گرفته شده باشد دارای متباین کمتری باشد.

فعلا در اتحاد شوروی و یک عده سمالک دیگر سیستم های تحقیقاتی اوبتیکی تولید عکس تیلویزیونی به پرده های فراخ امکان تخنیک خود را از دست داده و مقنضیات عصر را نظر به روشنی و متباین بجای آورده نمی توانند. بدست آوردن عکسها ما روشنی بسیار زیاد و درجه عالی واضح بودن آن را می توان با استفاده از طریق لایزری تهیه کرد. در زمان حاضر دو سمت اساسی در ساختن سیستم های تولید عکسهای تیلویزیونی در پرده های فراخ تعین گردیده است.

سمت اول با اساس استفاده از تاثیر مواد لایزری است (گازی و اجسام جامد) سمت دوم آن عبارت از استعمال لایزر های نیم ناقل لامتحرک الکترون شعاعی میباشد. طریقه اخیر فعلا در یکی از اکادمی های علمی ایستتوت فزیک اتحاد شوروی تهیه میگردد.

لایزری های که دارای اثر متواتر می باشند اشعه بسیار بارک لوجیه شده را با روشنی فوق العاده زیاد تشعشع و ارسال می نمایند. اگر این اشعه را پیش از پیش نظر به شدت اشاره قابل دید آخذ تیلویزیون مودولیشن کرد بعد از آن می توان

به کمک سیستم های مخصوص تولید کننده خطوط د ریز ده تیلویزیون عکس های بسیار کلان باروشنی خوب و درجه دقیق بودن عالی تولید کرد. شمه هر لسی یکی از واریانت تجربوی این قسم سیستم رایک الجنیری جاپان در نندارنون «ا کسپو-۷» در معرض امایش گذاشته بود. قابلیت اجازوی تیلویزیون طرح شده لایزری از ۵۰۰۰ الی ۱۰۰۰ خط تصویر می رسد این جسم واضح بودن عالی عکس تیلویزیونی ذریعه هیچ یکی از طرق موجوده فعلا امکان پذیر نیست. در تیلویزیون طرح شده لایزری روشنی های مضر که عیناً دارای خواص کنیسکوپ است دیده نمی شود. بدین لحاظ متباین عکس راسی توان تانسیب ۱۰۰ بر ۱ بدست آورد. این قسم پروگرامها و عکسها را بدون کدام ساختن تاریکی مصنوعی (مانند سینما و مجلات پوشیده)

می توان در روز روشن در صحن پارک ها و میدانها در معرض امایش قرار داد. پیشرفت و بوجوه آوردن این قسم طرح های لایزری فائده غیر قابل الکاری را بوجود می آورد. فلم های سینمائی بلکه را می توان در فلم های مقناطیسی ثبت کرد کرد ذریعه کالالهای تیلویزیونی در یک زمان به ده ها و صد ها ارسال کرد. این موضوع جرهان تولید فلم های سینمائی را بسیار آسان می سازد به نسبت اینکه تعداد لازمی نقل های فلم های سینمائی بسیار کمی گردد. امروز حتی تمام امکاناتی که در آموختن و مطالعه طرق تهیه تولید هر قسم اخبار و معلومات قابل دید لازمی است بسیار مشکل است.

در زمان موجوده یک طریق جدید دیگر که ذریعه دانشمندان امریکائی و جاپائی تهیه گردیده است که به کمک لایزری توان با استفاده از میتود مخصوص هر قسم عکس را در روی قیته (نوار) ساله ئی لایزری ثبت کرده و بعد از آن آن را در هر ده هر قسم تیلویزیون با استفاده از قسمت اعلاوگی مخصوص لایزری سر از لو تولید کرد.

این قسم طرق ثبت تصویری نسبت به سیستم ثبت مقناطیسی تصویر آسان تر، ساده تر، ارزان تر و با اطمینان تر میباشد این طریقه اجازه آن را میدهد که در آینده قریبی هر خانه دارای دستگاه فلمی بایست پروگرامهای قسما قسم تیلویزیونی بوده و در هر زمان که خواسته باشند می توانند در پرده تیلویزیون های ثابت سر از لو تولید و تماشا کنند.

تمام این موضوع را بچند جمله ذیل اینطور خلاصه کرده می توانیم:

ترقی و پیشرفت آینده مخابره لایزری فقط مربوط به پیشرفت کوانت الکترونی که مسائل تهیه سیستم های لایزری را مطالعه می کند میباشد بلکه مربوط به پیشرفت قسمت های مختلف علم و تخنیک عصری میباشد و در آینده قریبی خواهیم توانست از این موفقیت درخشان علم و تخنیک در سیستم مخابرات عسکری و ملکی با اطمینان کامل استفاده کرده و دشمن نخواهد توانست که از اسرار ما باخبر شود.

نثر دیگران



تورن میر حسام الدین «محتشمی»
معاون آمریت تألیف و ترجمه

را جمع به استقلال کشور

اگرچه ۵۳ سال میشود که پدران ما با یک عزم و اداره متین، با یک شهامت و مردانگی عالی، با یک شجاعت و از خود گذری زنجیرهای استعمار را از هم گسسته و با دادن هزاران نفر قربانی تاریخ کشور ما را بر افتخار تراخته اند. زیرا در آلتوتیکه پدران ما صدای آزادی و استقلال را بلند کردند اکثر آ از ممالک مخصوصاً در قاره های آسیا و افریقا

در یک حصه دیگر ذکر شده قوای افغانی چون دارای لیاقت و اهلیت عالی بودند از یسرو بصورت خیلی موفقانه لقاط اساس را زیر آتش می گرفتند چنانچه بتاريخ ۲۸ می آتش توپهای هودرز صبح تروشدید تر شده رفت و مخزن تیل بطرول و گه ام کاه سفید و آذوقه را که در بیرون قلعه ذخیره شده بود و استیشن ریل (از اثر گلوله باری توپ های افغانی) در آن واحد آتش گرفت. مرکز تلگرام بی سیم به نسبت ضربه گلوله های توپ خراب شده در اثر اجرای مساعیات زهاد و بمبار دمان طیاره مخصوصاً بر منطقه که توپ خانه افغانی آنرا بخود سنگر گرفته بود، آتش توپ افغانها را برای اندک فرصت خاموش کرده توانستیم، اما این لجات ما و خاموشی توپ های افغان موقتی بود، قشون با قاعده افغانها از قریه تهل برآمده

اند فوق العاده زیاد است که اگر هر قدر در اطراف آن صحبت شود باز هم اهیجاب میکند که اضافه تر گفته شود. اما درین جا به مختصر فوق اکتفا کرده و در عوض نظریات و نوشته های برخی از نویسندگان خارجی را راجع باین قیام و افتخار بزرگ از نظر میگذرانیم که آنها درین مورد چه گفته اند :
از مطالعه فصل ششم محاربه ۱۹۱۹ افغان و انگلیس معلوم میشود که در محاذ سمت جنوبی عده آن قوه منظمه مکمل الاسباب که صاحب تعالیم و تربیه نظامی و عسکری منظم بوده آنها را مخصوصاً برای مقابله با اعلی حضرت شهید سعید حاضر کرده بودند تا جلو پیشروی های ایشانرا بگیرند.
زیرا انگلیسها قبلاً توسط پوسته های استخباراتی خود در پافته بودند که خطر بدرجه اول از ناحیه جنوبی متوجه آنها خواهد گردید.

زیر یوغ اسارت و برده گی حیات بسر میبردند.
این قیام پدران ما برای اکثر آ از ممالک جرئت بخشید تا برای گرفتن استقلال و آزادی خود ها مجادله های بی گیر و دامنه داری را آغاز کنند.
در آلتوت که استعمار یون ها غرض پهن ساختن نفوذ خویش فعالیت های دامنه داری را غرض تصاحب سرزمین های بیگالگان آغاز نموده بود و تقریباً بالای بسیاری از ممالک جهان حاکمیت مطلق داشت خیلی گران تمام شد زیرا پدران ما با وسایل و اسلحه محدود دست داده چنان ضربه سنگین را بردولت مقتدر آلتوت انگلیس وارد ساخت که تاریخ نظیر آنرا بخود کمتر دیده بود.
داستان این دلاوریهای پدران ما که باریختن خون هایشان تاریخ پر افتخار کشور را رنگین تر ساخته و درسی از شجاعت و مردانگی. برای ما بیادگار مانده

و نتیجه حمله بردن ما را بر قلعه نظامی ما گرفتند. در روز مابعد آن به طیاره ها وظیفه دادیم تا محل توپ ها را بمباردمان کنند اما توپ های افغانی این روز هم بشدت بمباردمان پرداختند درین اثنا توپ های افغانی از طرف جنوب تپل در مقابل دشت برده از یک موضع حاکمی که ارتفاع آن ۲۹۳۱ گز بوده آتش باری شدید را شروع دیوار قلعه و جای اقامه توپ های ما را بخساره های زیادی معرض نمودند.

در یک جای دیگر چنین ذکر شده! بمورخه ۷ جون در حالیکه جنگ ترقی داشت جنرال سینن قوماندان شرقه کوهات وارد پاره چنار گر دهنده مکتوبی لگاشت که (چون معاهده متار که امضا شده است باید عساکر افغانی را واپس بخواهید). در صفحه ۶۲ راپور انگلیسی رسمی ریاست ارکان آن کشور چنین مرقوم شده (این تعرض و پیشقدمی سه ساله (اعلیحضرت شهید سعید) یک وار استادانه و ضربه ما هرا نه بود، این حرکت و سوقیات براه های دشوار و صعب المرور و حرکت دادن یک قوه زیادی را با توپهاییکه برقیلها بار کرده شده بود بر شخصیت و اقتدار قوما لدالت شان می افزاید، چنانچه در خاتمه این جنگ به منصب جلیله سپه سالاری و وزارت جنگ هم واصل شد).

راجع بقعالیت جنبه جنوبی در جنگ استقلال وطن از قول ریاست ارکان آنوقت انگلستان در کتاب (نادر افغان) مطالب زیادی بچاپ رسیده بود که در اینجا مختصراً از آن ذکر شد.

جمال زاده نویسنده مشهور راجع به استقلال افغانستان اینطور اظهار عقیده کرد:

وقتی از طرف افغانستان اعلام استقلال میشد از آنجائیکه انگلیس ها درین امر روی موافقت نشان نمی دادند لذا در ۶ شعبان ۱۳۲۷ قمری (۷ مه ۱۹۱۹ میلادی) به تشون افغانی امر



تا بلوی مذکور طرز فعالیت و چگونگی مین گزاری را در بنا در نشان میدهد که همین روش مین گزاری در بنا در ویتنام شمالی نیز از طرف ایالات متحده امریکا اجرا شد به تعقیب حملات شدید عساکر ویتنام شمالی و ویتکانگها بر حصص مختلف ویتنام جنوبی ایالات متحده به این اقدام دست زده ایالات متحده امریکا فکر میکند اگر ازین بنادر به ویتنام شمالی قوت نظامی نرسد، ویتنام شمالی قادر نخواهد شد که دیگر بالای ویتنام جنوبی حملات مسلحانه نماید.

داده شد تا از سرحد گذشته و وارد خاک هندوستان شوند که در نتیجه در ۱۱ ذی القعدة همان سال (۸ اوت) بین افغانستان و انگلستان عهدنامه صلح بامضا رسید. استقلال افغانستان رسماً شناخته شد.

از آن پس تاریخ این کشور با فتخار معروف تر از آنست که محتاج به معرفی و بیان باشد و با قدم های استوار و اطمینان بخش مرتباً بسوی ترقی و نیروی مادی و معنوی و فرهنگ و رفاه و رستگاری رهسپار است و آرزوی مادوستان افغانی جزء این نیست، و از یزدان پاک خواستاریم که همواره این ملت پاک و دلاور را در زیر حمایت خود از هر پیش آمد ناگواری مصئون داشته و روز بروز بر سلامتی مادی و روحی و قدرت و سعادت مندی و عاقبت آن بیفزاید و کاملاً رستگار دارد.

در کتاب گاهی بتاریخ جهان راجع باین موضوع چنین ذکر شده چون دولت افغانستان نمی خواست که زیر لگوذ انگلستان باشد از اینرو در ماه مه ۱۹۱۹ عساکر افغانی حمله را بر هندوستان

آغاز نمودند اگرچه در آنوقت از نظر نظامی اردو انگلیس ها فوق العاده قوی بود اما چون روحیه جنگی نداشتند در نتیجه مجبور شدند که با افغانها کنار بیایند. بعد از موفقیت درین جنگ افغانستان بصورت کشور موفق و مستقل شروع به فعالیت نمود.

بعین ترتیب مورخین و نویسندگان مختلف خارجی دیگر هم راجع به جنگ استقلال کشور اظهار نظر کرده اند که تقریباً لیست شده های آنها همه با هم شبیه بوده و ذکر تمام آنها بطول میانجامد. از اینرو به مختصر فوق اکتفا کرده و عقیده داریم که استقلال یا این و دیعه مقدس را که از طرف نیاکان ما باریختن خون های شان بدست آمده و برای ما به امانت داده شده تا آخرین رمق آنرا گرامی داشته و در راه حفظ و نگهبانی آن از هیچ نوع ایثار و فداکاری دریغ نکرده و آنرا به نسل های ما بعد خود بطور امانت تسلیم نمیکیم تا باشد، بالگابالی از آن روح شهیدای راه آزادی کشور تهنه شاد گردد.

مطالعه تاریخ نشان میدهد که
السانها برای کسب منفعت و جاه طلبی
چقدر تمایل داشته و چه جنابتها را
مرتکب شده تا که بالای دیگران
حاکمیت قایم نموده و در سرزمین های
متصرفه شان بهره برداری کنند.
اگر این موضوع را کمی دقیق تر مطالعه
کنیم تمام لشکرکشی ها خون ریزی ها
ظلم و بیدادگری ها که در تمام گوشه و
کنار کیتی بوقوع پیوسته محض یک
حرکت استعمار طلبی و استعمار جوئی
بوده است سرزمین هائیکه دارای منابع
سرمهار و تولیدات فراوان اند همیشه
جلب نظر دیگران واقع شده به هر نحو
و حيله بداف تاختند لشکر کشی کردند
کشتنه سرزمین هایشان را اشغال کردند
از منابع شان به نفع خود بهره برداری
کردند بالاخره ساکنین آرا بقسم غلام
و برده استعمال کردند .

البته این فکر و این حرکت نادرست
دوام نداشته بالاخره بروزی مواجه
خواهند شد که از حرکت خود پشیمان
و نادم گردند چه انسانها فطرتاً آزاد
بوده و آزادی را به قیمت جان خود
دوست دارند انسان بچیزیکه علاقمند
است و لوبه قیمت جان و مالش هم تمام
شود از آن دفاع میکنند موجودیت اجنبی
و بیگانه را که به مقدسات و نوامیس ملی
آن چشم دوخته باشد آنرا از خود رانده
و تا آخرین قدرت با آن مجادله میکنند .
جنگهای عمومی اول و دوم جهان
مثالهای بارز ادعای ماست : ملل اروپا
بخطا طرز زندگی بهتر و برتر ب فکر تصاحب
حقوق ملل آفیا و افریقا دست و گریبان
بودند و هر یک با تطبیق یک تاکتیک
مخصوص کوشش میکردند تا اراضی زراعتی
و منابع و معادن دیگران که به میلوونها

درو بروان پاک شهدای راه آزادی



جگرن سید نصر الدین

تن ، طلا ، نقره ، مس ، آهن و غیره مدفون
بودن بهره برداری کنند این طمع بزرگ
بخطا طرز زندگی بهتر و تامین حاکمیت بر
دیگران حاصله دیگر بجز از جنگ خانما سوز
جهانی اول نتیجه نداشت که مهلولها
السان بیچاره را طعمه خود ساخته و زندگی
هزارها فاسیل دست خوش هوا و هوس
استعمار جویان گردید .

همزمان با این جنایات تاریخی
مسالک استعمارگر نخواهند تا با همین
ساختن کابوس وحشت ناک شان با انواع
مکرو حيله و خون ریزی شهره
حیات آنها را ظالمانه مسکیده ، لکه انگین
استعمار خود را بدامان پاک آنها گذاشته
و خواستند که این امیال شوم و ناهاک
خود را بر دیگران ثابت نگذارند .

افغانستان عزیز ما که قبل از جنگ عمومی
اول در قطار سایر ملل جهان مورد
تاخت و تاز استعمار یون قرار گرفته بود
و آنها برای پیشبرد دوام آرزوهای شوم
خود بایک جهان حيله و لیر لک مکر
و فریب ، لفاق و تفرقه افگنی تاییک
مدت درازی توانستند بالای مردم ما
حکومت کنند .

ملت نجیب افغان که خاک آب
و هوای ، دره های پر پیچ و خم آن از ابتدای
پیدایش به افراد خود درس آزادی
آموخته و آزاد زیسته اند . به این
مواهب گران مایه زندگی خوبتر و بهتر
پسی برده به آزادی و آزاد زیستن عشق
و علاقه مفرط دارند و هرگز بندگی
و غلامی و حاکمیت دیگران را بالای
خود قبول ندارند . پنجاه و سه سال قبل
بمقابل استعمار قد علم کرده از هر گوشه
و کنار این سرزمین زمزمه های آزادی
و استقلال طلبی بلند شد پدران باشهامت
و غیور ما با اسلحه محدود و ابتدائی

بمقابل دشمن بزرگ و قوی پنجه که باالواع اسلحه آن زمان مجهز بود دست و پنجه نرم کردند اعلان استقلال کردند . این صدای استقلال طلبی و باعزم و اداره متین ، افکار جهانیان را بخود متوجه ساخت که خوشبختانه همه به آن باحیرت خوش بینی لبیک گفتند . مسلم است که حصول استقلال و کشیدن دشمن قوی و زرننگ بک کار آسانی نبوده بلکه عزم قوی و راسخ ملت نجیب افغان بافکار کاری و رپختاندن خون و قربانی دادن تعداد بیشمار جوانان ما بدست آمده است . که در نتیجه همین لدا کاری و تحمل مشقت و تدبیر مدبرانه پدران نامدار ما بود که ملت افغانستان برای دفعه سوم به آن قدرت

بزرگ و دشمن قوی پنجه خود درس عبرت داد که در تاریخ از جمله مباحث و افتخارات بزرگ ما بشمار میرود . پس بر ماست تا این مرأب گران مایه زندگی را که به خون هزارها جوان پیر و برنا اعم از زن و مرد این مرزبوم کمانی شده و از طرف پدران ما بما میراث مانده است از جان خود عزیز تر دانسته در آبادی و سرسبزی آن فوق العا - بکوشیم تا باشد که وظیفه و مسئولیت خود را بمقابل وطن و تاریخ کشور بوجه احسن اجرا و این امالت بزرگ را به اولاد و نسل آینده بطور بهتر و خوبتر بسپاریم .

ما که درین روزها سالگره پنجاه و چهارمین استقلال کشور خود را تجلیل

میکنیم به یاد بود آن روزهای خجسته جشن گرفته شادی و خوشی میکنیم وظیفه اعمالی وجدانی ماست که وظائف و مسولیتهای خود را در برابر خاک و ملت و تاریخ برسی و مطالعه کرده و طرق و راسی را پیش بگیریم تا خیر فلاح مملکت و سره ما در آن مضمر باشد .

و هم خاطر های فداکاری و خون ریزی و شهادت تحمل مشقت و کشیدن رنج های قروان آن را در دالتیکه در راه حصول استقلال و وطن عزیز پیش قدم بودله بخاطر آورده بروان پاک شان درود و تهنیت فرستاده دوام و بقای استقلال افغانستان عزیز را تحت قیادت شاه دیموکرات و محبوب خود از بارگاه خداوند التجا میکنم .



استقلال



دگروال عبدالقدوس (صاحب زاده)

زمانه و او ره چه غفلت و له کی و روره زما خپل استقلال دساته ای دمترگوتوره زما تردی نه بله توصیه نشته دی نوره زما دشمن ته وایه تل په زغرده لری پتوره زما که ته غالی شوی ، غلیم تا باله ی خپل جبرکوی که استقلال در له چاولیو بیانی نه ورکوی

پلار اونیکه دی استقلال په ډیر زحمت و گاتنه دستاداره ئی په زحمت ډیر لوی نعمت و گاتنه دغه نعمت ئی درته ډیر په مشقت و گاتنه په مشقت ئی استقلال په خپل همت و گاتنه هرغوک دخپل پلار اونیکه دتوری قدر کوی که استقلال در له چاولیو بیانی نه درکوی

گوره دپلار توره لئی نه ته خیر نه له کی دبیکاری نه ئی خیر نه آ و خچنه نه کی دادادگار توره غفلت نه ته پنه نه کی دغلامی نه دی ککړه بیالمنه نه کی بیداره اوسه غلیم چل فریب او غدر کوی که استقلال در له چاولیو بیانی نه درکوی

داستقلال یو امالت دی امالت وساته آ پنده نسل ته ئی صحیح او سلامت وساته دا امالت په خپل ټینگ عزم او متالت وساته دغلیمانو نه ئی په امن او صیانت وساته دخائن مرشوی خلق دتو ، لعنت په قبر کوی که استقلال در له چا ولیو بیانی نه درکوی

که ته غلام شوی د صورت واک به دی بل کوینه دی واکي له په دی سترگی تل ژړل کوینه په حقارت کی به هرغوک درته کتل کوینه نورو لسلونه به پېغور درته وبل کوینه هم به پردی خلکک جلسوس دستا په صدر کوی که استقلال در له چا ولیو بیانی نه درکوی

داستقلال په ډگر مروغه شهیدان وائی دهمنانو قاتلانو ته غازیان وائی دی عقیدی باندي روان ته سلمان وائی دغلیمانو ساتونکی ته افغان وائی فداکاری کی پیروی دوی جنگک دددر کوی که استقلال در له چاولیو بیانی نه درکوی

افغاله توری سره ټینگه لاله وایه دزره دصدقه محمد رسول الله وایه دخپل ملت معنوی پلارته ظاهر شاه وایه ورسره تل عمردی ډیر شه پادشاه وایه (صاحب زاده) خپلی خاوری قدر لکه سره زر کوی که استقلال در له چاولیو بیانی نه درکوی

طیاره لایتینک

از منابع انگلیسی

ترجمه تورن محمد معروف پیلوت و پرائنگه



طیاره لایتینک بدون تکلیف بایک انجن فعال نشست و برخاست را اجرا کرده میتواند. این طیاره دارای استقراریت خوب و سیستم کنترل آن بسیار عالی است طیاره مذکور در اثنای نشست بعد از تماس بزمین بمسافه (۷۲۰) متر ایستاده میشود.

در طیاره لایتینک یک دستگاه رادار بمقصد دفع و طرد اهداف هوایی نصب گردیده است علاوه بر آلات و ادوات دقیق الکترونیکی در آن جاداده شده است طیاره مذکور با انواع مختلفه سلاح و

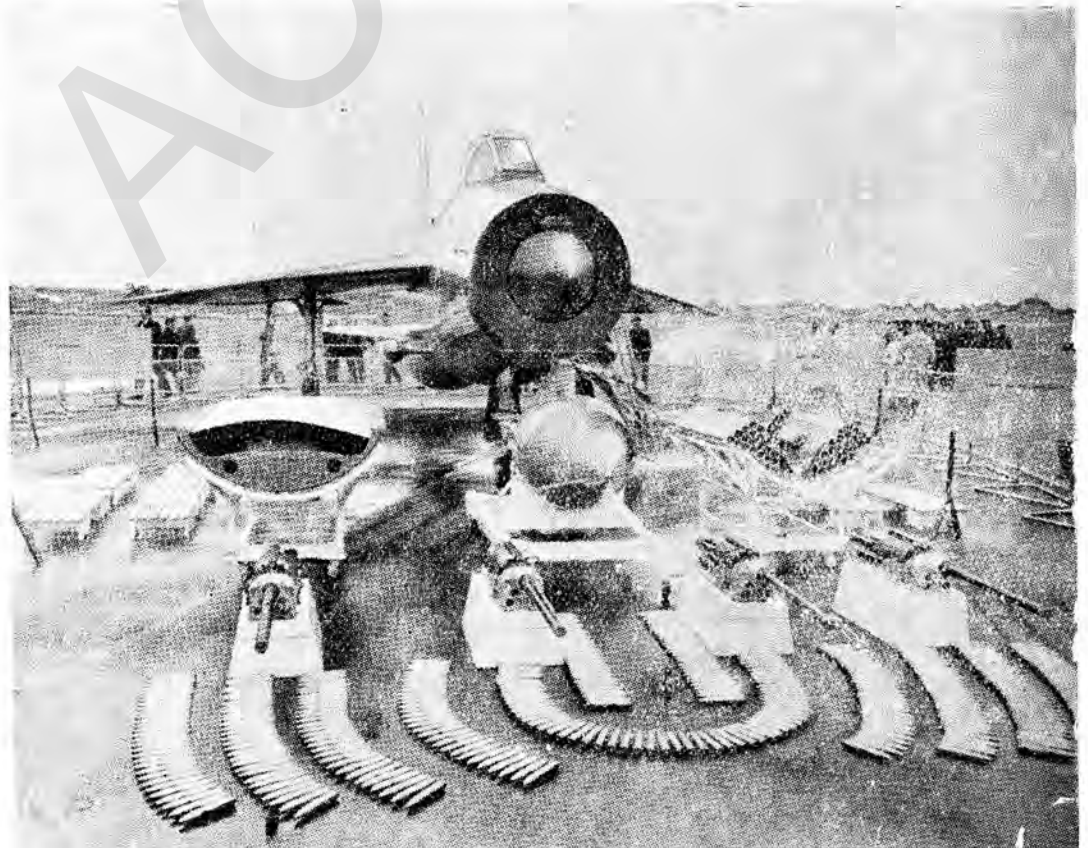
طیاره لایتینک در قوای هوایی شاهي انگلستان داخل خدمت است. طیاره لایتینک یک طیاره سریع دفع و طرد میباشد که دارای خواص عالی مالور بوده سرعت آن اضافه از دوچند سرعت صوت است.

طیاره مذکور از لحظه رها نمودن برک بمقصد برخاست از زمین تا سقف عملی در مدت ۲۵ دقیقه می رسد.

درین عصر که طیارات شکاری در امور عسکری رول بسیار مهم دارد طیاره لایتینک که دارای دو انجن جیت است برای پیلوت از نقطه نظر مانور قدرت زیاد و مخصوصیت پرواز حایز اهمیت زیاد دانسته شود.



- مهمات مجهز شده میتواند
- طیاره دو سسته لایتینک
- بمثل طیاره حربی آن با تمام وسایل که قبلاً ذکر گردید مجهز بوده و بمقصد تعلیم و تربیه پیلوتان از آن استفاده میگردد.



بجه طیاره لایتینک قوای شاهي انگلستان با سلاحها و مهمات آن

ارشادات
اعلیحضرت
معظم همایونی
سر قوماندان
اعلی اردوی
شاهی افغان



اعلیحضرت
معظم همایونی
سر قوماندان
اعلی اردو
سلام قطعات
اردوی شاهانه
را قبول
میفرمایند

حین افتتاح جشن استقلال سال ۱۳۴۹



بسم الله الرحمن الرحيم
هموطنان عزیز!

هر سال با ورود این تقریب فرخنده
صفحه‌ای جدید از تاریخ کشور خود
را که را مردمان مادر مترو زمان بخون
خویشتر ثبت کرده اند باز میکنیم:
مقصد ما از این تذکار اگر از یک
طرف تجلیل کار نامه های نیاکان
ما و سپاسگذاری از خدمات ارزنده
آنها میباشد از طرف دیگر و بخصوص
نظر عمیق است در غایت نهائی پیکار
ایشان و چگونگی وسایل این پیکار
و سرپروزی ایشان در طریق دفاع
از سلامت و تمامیت کشور این طرز
دیدن نسل امروز و جامعه فردا را به
تامل در فلسفه نبردهای آزادی خواهی
و در روح معرکه استقلال وطن
وامی دارد.

ثبات مردم مادر طول بیش از
یکصد سال و اصرار شان بر مقاومت
خلل ناپذیر در برابر حملات اجانب
همه ما را بقوت های نهفته در ضمیر
این ملت متوجه میسازد نیروی تشخیص
مامول و انجام دادن آن چه از لحاظ
فکر و چه از لحاظ اراده در نهاد
مردمان ما که چندین مدنیت جهانی
پرورده حوزه باستانی سکونت شان
میباشد به خوبی نشوونما یافته است.
ولی مانند هر نیروی سرشار این قدرت
ملی نیز هنگامی با ثمر خواهد بود که
فعالیت آن تنظیم یابد و بر اهداف
اساسی متمرکز گردد.
در زندگی افغانستان در روزگار
معاصر جلوگیری از تجاوزات
استعماری پیروزی اردو و قوای ملی
افغانستان در حرب استقلال بهم بستن

دوباره شیرازه حیات ملی بعد از جنگ
خانمالسوز داخلی و همین چند سال
پیش پیروزی نظام جدید دولت بتوسط
وضع قانون اساسی بر روی اصول
دیموکراسی همه شاهد آن است که
هرگاه نیروی با ثمر ملت باروشن
بودن هدف و تنظیم و تمرکز مساعی
دمت یکی کرده است موفقیت های
تاریخی نصیب مردم ماشده است در
صورتیکه استعداد فکری و نیروی
عمل مردم ما بسوی تامین اهدافی که
در قانون اساسی تخمین گردیده در
داخل همین نظام بصورت سالم تمرکز
بباید نتیجه نهائی مساعی مشترک
مردم و قوای ثلاثه دولت تشکیل
همان جامعه مرفه و مترقی مبنی
بر عدالت اجتماعی خواهد بود.
تجارب مادر خلال پیش از نیم

قرن بعد از حصول استقلال و همچنین تجارب دیگر ملل در حال رشد حقایق را واضح ساخته . استفاده از منابع محدود در راه پیشرفت سریع اقتصادی و فرهنگی ایجاب میکند که الکشاف ملی بحیث یک کل مورد نظر باشد. خط مشی اقتصادی باید منابع را از طریق پلان گذاری و تشخیص حق اولیت بر اقداماتی متمرکز سازد که اقتصادی تر بوده فایده آن عامتر باشد. درک همین حقیقت در توجه حکومت های افغانستان در سالهای اخیر به طرح و تطبیق پلان های پنج ساله اقتصادی تاثیر بارز داشت. از طرف دیگر چرپان رشد جوامع بوضاحت نشان میدهد که جنبش های اقتصادی آنگاه به نتیجه مطلوب میرسند که با تحولات مساعد سیاسی و اجتماعی توأم باشد . سعادت مردمان در جهان امروز که وسایل تماس حمل و نقل آنان را بهم بیش از هر عصر دیگر مربوط ساخته است تا حد زیاد منابع مشترک دارند. افغانستان با اساس خط پایدار خویش

و با توجه به لزوم رشد اقتصادی - سیاسی و اجتماعی خود وهم بر مبنای علاقه به آسایش مردم دنیا دوست دیرین و پابرجای صلح جهان و همکاری بین ملت ها بوده و میباشد. افغانستان موید همزیستی مسالمت آمیز و دوستی بین مردمان گیتی و همکاری اقتصادی بر اساس پرنسیب مساوات حقوق دول میباشد . افغانستان از پیکار ملل و مردمان جهان در راه آزادی و تأمین حق تعیین سرنوشت پشتیبانی میکند کشور ما طرفدار توصل به طرق مسالمت آمیز برای حل و فصل متازعات میباشد . و از حق قضاوت آزاد دول در امور بین المللی حمایت میکند . افغانستان با عزم راسخ راه بیطرفی و عدم الحاق را پیروی مینماید و تصمیم حکومت راجع به اشتراك در سومین کنفرانس سران دول و حکومتات کشورهای غیر منسلک متکی بر این خط مشی است . ملت افغانستان با پایداری در پشتیبانی حق تعیین سرنوشت مردم ببتوستان جریان اوضاع را با علاقمندی

در نظر داشته اظهار امید مینماید مساعی مردم پشترنسان در تأمین این حق مطابق به لحنیات ایشان بموقفیت لایل آید . در این روز بزرگ سپاسگزاری همه ما بسوی آن راد مردمان فداکار وطن اعم از اردو و قوای ملی متوجه است که ایثار بیکران شان موجودیت سیاسی و حیثیت ملی ما را از دستبرد بیگانگان حفاظت نمود . بنام کافه ملت افغانستان بروح آن همه شهدای راه آزادی و به روان پاک قائد معرکه استقلال اعلیحضرت محمد لادرشاه شهید اتحاف دعا کرده رحمت ایزدی را شامل حال شان میخواستیم . از خداوند مسئلت میکنیم به توفیق الهی خود تمام آن مساعی را که در راه ارتقای این خاک بدل میشود به سر منزل پیروزی برساند . بانیا از بابت توفیق و بنام برگزیده پروردگار مستعان اینک مراسم جشن پنجاه و دومین سال استقلال وطن را افتتاح می نمایم .

ده عظیم ٲولوک د فرمایشاتو ٲځینی برخی ٲه ١٣٤٥ کال گسی

دانسان دغه مسلم حق ساتل د-بشری اساسی ٲولو حقوقو بو اځینی حامی او حاوی دی دزمان او مکان دا بجا ٲاتو سره سم د درستو او مؤثرو وسایلو د ٲځینی په لپاره کښی بی له متداوم کوشش څخه امکان نه لری ٲوله دی امله د زمان او حوادثو د شرطو ٲولاندی او د هر ٲول امکاناتو او وجیبو په نظر ٲولو کی په یوه آزاد او شرافتمنداله ژوله باندي

پوهیدل دیوه ځپلوک ملت لومړلی وظیفه ده . د هېواد سیاسی ځپلواکی چه ان جشن کوو او ورباندي ویاړ کوو د هغو نورو ٲولو آزاد بو بو اځینی مدار او منبع ده چه سره راغولیشی دخپل کمال په حد کښی د استقلال واقعی مفهوم ته حقیقت ور کوی . هیله کوو چه زمو ٲو ملت ٲدی موارده کښی زباړو باسی چه تل

خپل ځان همه عالی مقصد ولوته نژدی کړی چه دغه غوره شعایر هنی خوانه زمونږ لار ٲیودنه کوی دوی ارشاداتو مهم بنسټ د ځانگړو اخلاقو ٲرتښه ٲه سر ٲیره د قربالی او اجتماعی هدفو لوته رسیدل او د نظر او عمل وحدت منځ ته راو ٲی . هغه سبانه رسیدل چه مولو ٲی په انتظار کښی بو تر هر څه ٲیر اښاراو د نظر او عمل وحدت ته ضرورته لری

لننی جهان ډول-ډول خوشحالیاتوای لری - چه هره خوشحالتیا ایل خولد او کیف لری ولی دتولو خوشحالتیاو په جمله کښی د خپلواکی خوشحالتیا ایل خولد اوسزه لری ، د خپلواکی خوشحالتیا معنوی رنگه لری اودتل دپاره وی. لکه هغو مړه چه کلوله کلوله بری تیر شی لاهم پسی خولد او خوشحالی ئی زهاتپوری . او راتلونکو نسل ته زړه دادینه ورکوی چه لیکونه بی په میرالی ژوند کړی او په میرانه مړه شوی دچا اسارت او بندگی ئی نده منلی او لوی لسل هم کوښښ کوی چه دخپلو پلرولو او نیکولو امالت په میراله سره وساتی او حتی د ساتنی دپاره ئی ستر ستر فرمایو اوسرتیرهوته چمتو دی .

خپلواک ژوند د انسان دپاره یو حتمی اصل کتل شوی دی او ژوند ای له خپلواکی له هېڅ مفهوم لری . خپلواک هیوادوله تل ژوندی تاریخ لری او دهغه وگری په ملی او بین المللی جوامعو کښی ستر ارزښت او خاص قدرت لری اوددرستی لری خلک ورته په درناوی گوری زمولیز اولس چه دتاریخ په اوږدو کښی ئی اسارت ندی منلی هغه لومړلی هیوادوه چه په اسیا کښی ئی ترټولو دمخه دتوری په زور خپله خپلواکی ترلاسه کړه اودبرتالیی دهغه وخت لوی استعماری قوت ئی په دری جکړو کښی ماتی ورکړی چه گرده لری ورته هکه حیراله شوه . د افغانستان خلک مخکښی ددینه هم دنری سترو قوتوته سختی ماتی ورکړی او هغوی ئی له خپلی خاورو

لیکونکی: تورن عبدالغیاث

زمونږ خلک

او

آزادی

زمونږ هیواد بالدی سختی حملی کولی او هغه قوتولو چه په مولیز حملی کړی دادی :

هخامنشیو - اسکندر مقدونی ، ساسانیو ، عربو ، مغلو ، صفویو اود گردونه لاپسی تور دبرتالیی استعماری قدرت چه په مقابل کښی زمولیز خلکو په میرالی سره جنگید لی او غلیمان ئی رټلی دی اودتل دپاره لی خپله خپلواکی ساتلی ده که دلیری مودی دپاره زمولیز هیواد د نورو تر اسارت لاندی ژوند کړی دهغه علل هم روښاله دی . او هغه دادی چه په افغانستان کښی بعضی وختونه د پهلویلو قبیلو ترمنځ اوډب کیده او هری ډلی کوښښ کاوه چه قدرت ترلاسه کړی او حتی په دغو اوډب او ډبو کښی بالذنی لاسوله هم داخل وه غلیمالو چه تل کوښښ کاوه چه په افغانستان کښی یو سیا سی ثبات کم زوری وی او د فرصت نه به ئی استفاده کوله او په افغانستان به ئی هرغل کاوه که ههم د لیری مودی دپاره غلیم په خول مقصد کامیاب کیده اما څرنگه چه افغان اولس دتل لپاره هغه وخت چه د هیواد استقلال او ارضی تمامت په خطر کښی و وینی خپلی کورنی شخړی له پاده باسی او بیا سره یو موتی شی او د غلیم په مقابل کښی په جکړه لاس پوری کوی .

د افغانستان په لرغولی تاریخ کښی داسی ښینی ډیری لیدل کېږی چه د افغان اولس تل د خطر په وخت کښی سره یو شوی او دښمن ته ئی سختی ماتی ورکړی . اوددښمن داخلی طرفداران ئی دخپل له منځه اېستلی او یایی دخپل دعمل په سزار مولی دی .

مخه اېستلی دی چه د افغان اولس مبارزی د خپلواکی دپاره د تاریخ په اوږدو کښی دگرد ولپی و الو په تاریخولو کښی خورا ستر مقام لری او مؤرخینو په خپلو تاریخولو کښی د هغی یادوله کړی ده .

څرنگه چه افغانستان په مخکښو ښیرو کښی دشرق او غرب دتمدن په غلور لارو کښی واقع شوی وه او د تجارت او تمدن له لحاظه ئی خورا ارزښت درلود او غلیمالو ورته تل سترگی لوله وی چه دغه دمېرلو هیواد ترخپل اسارت لاندی راوولی لوتل به ئی



⑥ ⑥



هغه لوی ټانکونه چه درودخانونه
هم تهریدلای شی

⑥⑥ ⑥⑥



⑥⑥⑥ ⑥⑥⑥

په مناسبت جشن نیسو دخپل خلکو
د قربانیو اوسرتیر یوته په درله
سترکه کورو او د افغانستان په لوی
اسل ده چه د خپلوپلر و او نیکولو
دغه ستر اسالت په پوره صداقت او
ایماندای سره و ساتی او هغه احترام
کړی او د هیواد په آبا ده لو

برتانیی ستر استعماری قدرت ته ئی ماته
ور کړه او په لری کښی دیو آزاداو
خپلواک هیواد په حیث افغانستان
و پیژندل شو
اوس . اوس چه مو لیر دخپلی
غلورپنځوسمی خپلواکی دکالیزوی

دازره پالیسی یعنی تفرقه بینداز
و حکومت کن) د برتانیی ۱۹ لیری د
استعماری قدرت عمومی سیاست وه چه
په ختیز هیوادو کښی ئی بنسټ ایښی
وه غرلکه چه هغه وخت زموږ په هیواد
کښی سیاسی شعور په پوره توگه نه وه
خپورشوی او حتی زموږ بعضی ملی خائنان

اومسور تیا کښی پوره لاس ولری .
دیوه هیواد دخلکو وظیفی دخپلواکی
د لاس ته راوړو سره سر ته و سپری
بلکه دخلکو وظیفه ده چه دغه خپلواکی
ته الکشاف او تعمیر ور کړی یوه هیواد
هغه وخت پوره آرا متیا تر لاسه کولی شی
چه د هغه هیواد ټول و کړی هوسا او آرام
ژوند ولری . هوسا ژوند په آسانی سره
له تر لاسه کښی . بلکه خودگذری ،
زحمت کمال په پوره پاک نفسی اودوا
مداره فعالیت دی چه دیوه هیواد افراد
هوسا ژوند تر لاسه کولی شی .



وظیفه

وظیفه باید په لومړی درجه
کښی وشعیرله شی او هغه نتیجه چه
لاس ته یعنی راغی په دوهمه درجه
که . (کنفوسیوس)

د انسان لپاره لوی کمال دادی
چه دوظیفی له پاره پرغای کړی .
(کالت)

شوک چه خوښی پر وظیفی مقدس
گڼی دخپلواکی ورنه دی .
(آدو کاسهان)

دوظیفی د دائری څخه یو کلام
دبالدی ایبتودل ښائی مونږ د بدبختی
کندی ته واچوی . (کرلی)

لیک مرغی تهرید ولسکی او
معلومه ده خو وظیفه قطعی او
دائمی ده . (فوشراسکن)

لکه چه زموږ پلرونو په محدود
وسایلو خپله آزادی تر لاسه کړه نوئی
خپله وظیفه سرته ورسوله او اوس پرمونږ
اوتاسوده چه خپل هیواد داقتصادله نظره
لوی کړو سیاسی آزادی ترهغه وخته
پوری لیمیکړی وی چه په غنک کښی ئی
اقتصادی آزادی تر لاسه لسه شی او
دژوند په ټولو برخو کښی ترقی او
تعالی ونه لیدل شی .

دی ته حاضریدل چه خپله خاوره دپسو
په مقابل کښی خرغه کړی او د ملی
مجاهدینو په ډله کښی به داخلیدل او
خپل شوم استعماری تکک لاره په ئی د
انگلیسانو په کټه سرته رسوله او غرلکه
چه په همدی وخت کښی زموږ خلک
بدی پوه شوی وه چه انگلیسان زموږ
دخپلو خلکو څخه بعضی ئی په خپل کټه
استعمالوی د انگلیسا لوی بدی دپاره ماری
پوه شول او داسی تدبیرونه ئی و نیول
چه ملی خائنان خلکو ته وپېژنی او پس لوی
پری اعتماد ونکړی .

له لیکه مرغه زموږ مشران د
انگلیسانو په چال او فریب پوه شول بخائنه ئی
داسی پالیسی غوره کړه چه نور نو
انگلیسانو ونشو کړای چه په ملی مجاهدینو
کښی درزاو بی اتفاقی واچوی او په
پوره ایمانداری او اسالت داری ئی خپله
وظیفی چه دخلکو اود هیواد په مقابل
کښی ئی لری اجرا کړی . اود

عمر دې لې پير بنده

پادشاه



رابطه خانواده با بزرگ فامیل
و رابطه ملت با شخص اول مملکت
و سمبول وحدت ملی مظهر همبستگی
و علاقی دیرینه طبقات مختلف ملت
است و از رشته های محکم عنعنوی
و تاریخی ما است : شاه در طول
تاریخ کشور و در اعماق قرون و اعصار
این سرزمین با ستانی همیشه مرجع
حل و فصل امور، ملجاء داوری و عدل
و بخشش بوده است و این عقیده
پر ارزش در قلوب افراد ملت ما دائما
جایگزین بود و جز و منداخرو مواریث
کر البهای ملت افغان است. از همین

جاست که مرد وزن و فرزندان این
مهد استانی با دیدن چهره پادشاه
خویش بی اختیار جمله (عمر دې
دېر بنده پادشاه) را بر زبان می آورند ؛
این رسم فرخنده و این شعار دیرینه
در محیط اردوی شاهی افغان جای
خود را خوبتر و والاتر باز نموده
با آهنگ رسا که فریاد یگانگی

و وحدت ملی است منسوبین اردو این جمله دلاویز را به یکصد
ادا می کنند و همانطور که در فتوی مقابل ملاحظه می فرمائید
بر سینه توپهای گپوش ، آن توپهایی که در محاربه استرداد
استقلال وطن بخدمت گماشته شدند و از سلاحهای پرافتخار آریخی
مامیاشند نیز این شعار (عمر دې دېر بنده پادشاه) با خط جلی
نظرائی می کند و رابطه قوای مسلح شاهی افغان را با جمله
مذکور نمایان میسازد ،

(عمر دې دېر بنده پادشاه) زبان حال ملتی است که صمیمانه در راه

افتخارات ملی خود قربانی مدهد
(عمردی دیرشه پادشاه) ، آهنگ
دلشین و ظنین پرشور خنجره اردوی
قهرمان افغان است که در آن علاقه
و محبت منسوب به اردو را بسر قوماندان
اعلی اردوی فغان تمثیل میدارد .
(عمردی دیر شه پاد شاه) کلامی
است که از دل ها برخاسته و بر دلها
مینشیند .

(عمردی دیرشه پادشاه) فریاد
قرون و اعصار باستانی مملکت رشید
وزنده و نامور خطه آسیا است که
در هر جاپشاه خویش احترام و اطاعت
داشته و مبارزات تاریخی ملت افغان
را در راه نگهداشت آزادی و تمامیت
ارضی و مفاخر ملی آن رهبری کرده
است .

(عمردی دیرشه پاد شاه) بر تارک
توپهای گلبوش می درخشد و خار چشم
دشمنان این سر زمین بشمار میرود .
ملت افغان بشاه محبوب
و دیموکرات خویش اعتماد و احترام
و علاقه ناگسستی دارد ، اردوی
افغان بسر قوماندان اعلی خویش اعنی
شهریار بزرگ افغان پیوند عمیق
و خجل ناپذیر داشته و از افکار تا پناک
ورهنمائی های مدبرانه معظم له
در راه سربانندی و عظمت افغانستان
عزیز الهام میگیرد :

شعار مادر گیرودار پر آشوب زندگی
امروزه توکل بخداوند متعال و پروردگار
تو اوا است و در پهلوئی آن باواز بلند
و پرشور خویش می گوئیم که :

(عمردی دیرشه پادشاه)

آزادی

بچه حق مرغان آزاد را در قفس محبوس میکنند؟ بچه حق
این لغمه گران آسمان را از ریشه ها و چشمه ها و سپیده دم و
ابرو باد دور میسازید و سرمایه زندگی را ازین زندگان
میدزدید ؟

ای بشر! راستی گمان داری که خداوند برای آن بدن
موجودات ظریف بال و پر داده است که تو پرو بالشان را
بچینی؟ مگر بی این ستگیری خویش بخت نمیتوانی زیست؟
آخر این بیگناهان چه کرده اند که باید عمر خویش را در زندان
تو بگذرانند؟

از کجا معلوم که سر نوشت این زندانیان بی گناه با
سر نوشت، در آمیخته نباشد؟

از کجا معلوم که آه برنده ای که دست ستم ما او را
از آسمان جدا میکند و ظالمانه در دام اسارت میفکنند بصورت
فرمانروایان ، سناک و ستمگر بسوی ما باز نگردد ؟

اوه ! که میداند که از رفتار ما درین جهان چه نتیجه
حاصل میشود و ازین جنایاتی که ، با لب پر خنده انجام میدیم
در چهار راه اصرار چه برمیخیزد؟ وقتی که این سبکبالان آسمان
لاجوردین را که برای پرواز در فضای بی انتها آفریده شده اند
در پشت میله های قفس زندانی میکند، وقتی شناگران دریای
نیلگون آسمان را به بند ستم می انگنید ، هیچ فکر میکنید
که ممکن است روزی نول خولین آنها از میله های قفس
بگذرد و بشمارسد؟ راستی هیچ فکر میکنید که هر جا اسیری
از دست اجور و ستم میتالد، خداوند بدو مینگرد ؟

برای خدا ، کلید کشتزار های پهناور را بدست این
زندانیان اسیر بدهید . بلبلان را آزاد کنید، غچی هارا آزاد
کنید، مراقب قفس هائیکه برای زینت بدیوار ها آویخته اند
باشید . زیرا ترازوی نامرئی جهان دو کفه دارد . از همین
سیمهای باریک و زرین قفس است که میله های آهنین و سیاه
محبوسی پدید میآید . و از همین قفس هاست که باستیل های
موحشی ساخته میشود .

آزادی رهگذران بی آزار آسمان و چمن و دریا را احترام
گذارید . آزادی این بیگناهان را میگیرید تا سر نوشت
دادگستر نیز آزادی شمارا نگیرد .

ای انسان ، آیا راستی میخواهی آزاد باشی ؟ پس بچه
حق این زندانی اسیر ، این شاهد خاموش ظلم و ستم خویش را
در خاله نگاه داشته ای ؟

ای ستمگر چرا فریاد میزنی : « بر من ستم میکنند ؟ »
لختی بدین اسیر بینوا که سایه او بر تو فتاده نظر کن .
بدین قفس بنگر که در آستان خانه ات آویخته ای . اما نمیدانی
که در پس آن میله هائی که اکنون پرلده بیکه پشت آنها
به لغمه مرایی مشغول است پایه های محبس کار گذاشته میشود

ویکتور هوگو

آزادی



دكتور قاسم اكرى
آمر مشاهدہ روغتوانہای اردو

داده در ردیف اولاد صالح و وارث حقیقی این خاک محسوب شویم و بانظر داشت تجارب تاریخ با ایمان کامل و لیروی سیاسی در برابر سخت ترین شرائط اقتصادی و اجتماعی مقاومت ورزیده پنجه آزادی را از آستین وحدت ملی بدر آورده سخت گلوگیر استعمار و استعمار شویم تا در قطار ملت های پزنده جهان سر بر آریم و به خود بیالیم که اینست استقلال ما که در هنگام مقابله باخطر صفا و آرامش حقیقی خود را از دست نه داده ایم .

خلاصه من برای کسانی که در راه آزادی و مین ستم دیده و مظلوم از دست رفته اند بسیاری از شبها تا صبح اندیشیده ام ، تا هنکا میکه روانهای پاک آنها در آسمانها در پرواز است فریاد انتقام میکشند آجائیکه آن قطره های خون پاک ریخته است یادگارهای فنا ناپذیری از فرزندان مین است که چون آفتاب دلپذیر بهاری بر آنها میتابد مثل اینکه در ذراتشان روان تازه ای راه یافته است ، بهمرا نسیم از دست بسوی ما خواهد آمد و مشام ما را عطر آگین خواهد کرد ، بدین ترتیب همه چیز در حال تغیر و تبدیل است ولی نقش ایثار در راه آزادی هرگز از پوشانی روزگار محو و زایل نخواهد گردید . (پایان)

ملی از هم مجزای میشود و روح قدر دالی از افتخارات گذشته و احترام به کلتور ملی از بین میرود .
در شرایط امروزی که فرد ، فرد ملت برای حفظ استقلال و وطن خود مکلفیت و وجیبه ملی دارد لازم است تا با مشکلات ملی مبارزه کرده حریت سیاسی شخصیت و کتر خود را تبارز

دشاهانه ذات

دوینا قی خونگی

دوین ۲۶ کال جشن به افتتاحیه مراسم کتبی ۱۳۲۳ کال کی :
زه یقین لرم چه زما ملت د خیلو نامدار و لیکولو به شان دخیلی آزادی به ساتنه کی ، کلک او محکم دی . ددی وطن خلکو عملات به کپیده چه صلح غوره کنی . اوتل آرزو لری چه د بشری جامعی مفید عضو اوسی هوا معنی آرزو زمولیر داده چه د جهان خولین بهکر التیام قبول کپی او د افغانستان ملت د دنیا به قبولو ملنولو کتبی عزتمند او آبرو مند اوسی .

ملی فضایل او د صلح غوشتلو غوره سیاست مولیرنه موقع را کپی ده چه به دی بحرانی وخت کتبی آرام اوسوا و به قوی امید سره دلورو آرامتها غوازو .

تاریخ افغانستان عزیز و اقامت بیشمار از سر بازی ها و فدا کاری های اولاد این مرز و بوم را بخوبی روشن ساخته و توضیح میدهد که چگونه گذشتگان راه آزادی در راه حصول آزادی و تمامیت ارضی مساعی بیخروج داده درین راه قربانی داده اند تا این کشور باستانی را آزاد بنا سپرده اند .

در چنین موقع که در سرتاسر مملکت شور و شغف و مراسم پر شکوه به یاد و بود شهدای آزادی و مجاهدین بر گزار میشود بیاد خاطراتی می افتیم که اولاد این خاک در راه حفظ نوامیس ملی خود از یک مفکوره پاک و نصب العین متحدی کار گرفته با قدرت بزرگ معنوی خود به مقابل عساکر بی شمار و مجهز بیگانگان جنگیدند از پنجاست که شرایط کنونی جهان با تقافل و سهیل انکاری سازگار نبوده با اندک بی مهالاتی ملت های بزرگ و هرنفوذ به شکست مواجه میشوند و از کتر ملی آنها که اما اس حیرت بشمار میرود چیزی باقی نمانده تاثیرات مدهش آن تاریخه های عمیق ملیت نفوذ کرده بنیان کتر ملی را متزلزل نموده دوره انحطاط فکری آغاز میگردد در آنصورت عوض وحدت نظر و تشریک مساعی ، شعور متفرق در اجتماع بوجود میآید که شخصیت افراد تابع تاثیرات خارجی شده شهر آزه وحدت ، حریت و آمال

نویسنده : پروفسور
بالیوزویک

قلب مصنوعی و چگونگی آمیزش آن در وجود انسان

مترجم : محمد اسمعیل
اختیاری

برای اولین بار بطور علمی بوجود آورد. مساعی جهت ساختن یک نوع بمبه بسیط میخا لیکی برای تقویه حیات اعضای داخلی انسان و حیوان بعد از آن در اخیر قرن گذشته در میان آمد.

موفقت های علم جراحی کنولی، باالخاصه جراحی قلب و شرائین ضخیم آن که به صفت درجه اول محسوب میشود برای تحقیق دادن به همه مفکوره های متخصصین فیز یولوژی و دکتران آزمایش گرمساعدت نمود. دانشمندان طبیی در باره ساختمان دستگاه « قلب مصنوعی » که برای اولین بار توسط « بروخاننیکو » متخصص روسی بوجود آمده مقام خاصی را برای این مخترع قابل شده اند .

طوریکه واضع شده در حال حاضر اینگونه دستگاهها که از نقطه نظر تکنیکی تکمیل شده وجود دارد و در کلنیکهای بسیاری بصورت وسیع مورد استعمال

با در نظر داشتن آنچه که آخرین سرحد تدایو اعضای داخلی انسان وهم چنان سیستم جراحی کنولی تا این زمان بطور شایده و باید الکشاف لکرده به همه حال پوش بینی موفقت میز کامل درین باره شده لغو خواهد توانست . متأسفانه در بسیاری از حوادث بیماریها هیچ یک از وسایل معروف و شهرت یافته کنولی قابلیت کلی را برای رسالیدن کمک لازم بهمریضان قلبی جهت تقویه کردن دوران خون آن بدرجه نورمال ندارد .

از همین باعث که امید های زیادی در زمینه قلب های مصنوعی بوجود می آید .

باید خاطر نشان ساخت که مفکوره این کار به اصل خود موضوع جدیدی ایجاد شد . این عقیده قابل قبول واقع شده که این اصل را در حدود یک و نیم قرن پیش ازین یک نفر موسوم به « لیگالووا » متخصص معروف فرانسوی

برای قلب های مخصوص « قضائی » در طب کنونی وجود دارد که حل آنها تا این زمان مانند افسانه های خیالی و نمود میگردد . در حقیقت تا چندی قبل فقط امکانات امید واری ایجاد اعضای مصنوعی برای معاوضه نمودن عضو معیوب بدن انسان موجود بود و پس .

اکنون موضوع جستجوی امکانات تبدیل کردن قلب طبیعی به قلب مصنوعی یعنی قلبی که بدست بشر ساخته میشود توجه دانشمندان را جدأ چاب نموده است. البته به همه واضح است که خطرات مهیب و بی نظیری برای قلب انسان موجود است که این گوله خوف و هراس عبارت از عدم کفایه قلب، نواقص شدید روماتیزم و غیره میباشد. این موضوع بهبود یافته است که مؤسسه بین المللی حفظ الصحه کار مبارزه با همه چه بیماریها را به حیث « یک هر ایلم اجتماعی لمبر اول » اعلام نموده اند .



منظره از عهده قطعات از مقابل لوژ سلطنتی

تهیه میگردد تبدیل شده میتواند طوریکه دیده شده اشخاص مریض با پذیرفتن اینگونه اعضای مصنوعی سالیان درازی حیات خود را ادامه میدهد، و در وجود خویش احساس صحت مندی کامل را میکنند. یک تعداد آلات موسوم به مفصل های جریان بخشنده خون، که از مواد سنتتیک ساخته شده دوره آزمایشی را در سیمپاد مؤقتی سپری کرده است.

به همین ترتیب در حال حاضر همه پلان های پیش بینی شده مربوط به علمی ساختن امور ساختن قلب و عضو مکمل میباشد تحت بررسی و غور دانشمندان طبی قرار دارد. باید یاد آور شد اینکه این کار در سال های اخیر در اتحاد شوروی و غیره ممالک جهان در ساحه اجرا قرار دارد. در اتحاد شوروی چندین مؤسسه لعابندگان کپلیک های جراحی قلبی، استیتو تهای طبی و تخته کی، لابراتوارهای رادیوالکترونیک و کیمیا و غیره در مطالعات و اجرای این موضوع مشغولیت دارند.

قسمت آدرین جاگروپ دانشمندان طبی را که تحت رهبری پروفسور پتروفسکی کار میکنند میتوان نام برد. در شهر لنین گراد چندین نفر متخصصین معروف و تبحر به در اتحاد شوروی در کلینیک موسوم به «کوهریالوف» در بالای این پراهم کار میکنند.

اجرای کارات بسته کاری تنها در اصل خود اکنون یک عملیات مهم طبی محسوب میشود که در حالت بیهوشی مریض اجرا میگردد. در تمام دوره فعالیت اینگونه وسایل مریضان به بالای میز عملیات قرار دارد.

بالاخر به منظور هر کردن دستگاه یک اندازه خون مورد ضرورت می افتد و اینگونه خون باید دارای مواد ضد تخریب بوده و خصوصیات آمیزش با خون مریض را داشته باشد. چنین ذخیره خون برای آن در نظر گرفته میشود که اجرای عملیات تبدیلی قلب با تلفات حتمی الوقوع خون، تغییرات نامطبوع در ترکیب خون و غیره مشکلات بسیاری بسته گی دارد.

قلب های مصنوعی که برای مقاصد فعالیت طولانی ساخته میشود یعنی قلبی که امکانات ادامه دادن طرز حیات (نزدیک به طرز زندگی عادی) را برای مریضان داده بتواند و به حیث یک جزئی از اجزای وجود زنده بشمار برود مورد ضرورت میباشد.

از نگاه مطالعات علمی این موضوع بطور کاملاً واقعی به تصور میکشید اگر چه در حال حاضر یک قسمت از اعضای جداگانه مریض قلبی که عبارت از جدار و وال های قلب است بوسیله دستگاه های ساخت دست بشر که بصورت مختلف

قرار دارد. به کمک این گونه آلات متخصصین جراحی امکانات متوقف ساختن قلب یعنی خاموش ساختن قلب در وقت اجرای عملیات از جریان خون فراهم گردیده تا جاهای محبوب آن معالجه شود. در موقع اجرای اینگونه عملیات الکترده های قلب زنده توسط یک نوع قلب مصنوعی که در بسیاری اوقات با آله و شش مصنوعی، بطور یکجا بکار میرود به بدن ارسال میگردد.

البته چنین به نظر خواهد رسید که پراهم کمک بحرین قلبی اکنون حل شده ولی متأسفانه که چنین نمیباشد. اول اینکه دستگاه «قلب و شش» تا حال هنوز هم برای امور مربوط به فعال بودن یک مدت طولانی اختصاص حاصل نکرده.

چنین آلات برای فعالیت یک ساعته دو ساعته، چهار ساعته و در بعضی اوقات بیشتر از آن استعمال گردیده است. علاوه برین خون که از طریق چنین دستگاه جریان پیدا میکند مقاومت نداشته و وضع آن برهم میخورد.

دوم اینکه این موضوع بطور صحیح معلوم است و اینگونه دستگاه ها برای جاری ساختن خون بصورت مصنوعی تا این زمان خیلی قیمت تمام میشود و بسته کردن بوجود مریض با کمک سیستم خیلی پیچیده لای های را برای مخصوص عملی میگردد.

کدام پرابلم ها در تحت بررسی متخصصین و انجیران قرار دارد ؟ قبل از اینکه جوابی را در مقابل این سوال ارائه کنیم باید یاد آور شد که قلب یک زنده جان چه نوع ساختمانی دارد و چگونه چطور فعالیت میکند.

از اینکه قلب از دو قسمت یعنی «و نیمه جداگانه و مستقل مرکب گردیده دارای اهمیت بزرگ عملی میباشد. این موضوع چنین است که قسمت اعظم جریانات پاتولوژی قلب را بطور غیر متوازی معیوب ساخته و در اکثر اوقات حفره طرف چپ آنرا انقباض متد میسازد. بقره طرف راست را در بعضی اوقات ضرور رسانیده و تنهادر بعضی اوقات مرض عدم فعالیت عضلات قلبی بوجود میآید. مسلم است که تبدیل کردن همه قلب بطور همیشه بقلب مصنوعی مورد ضرورت نمیافتد و این کار کفایت دارد که تنها تبدیلی یکی از حفره های آن اقدام شود تا قابلیت اخذ کردن یک قسمت فشار وارده را بر خود داشته باشد.

آیا مشکلات این موضوع چه خواهد بود؟ چه عواملی است که دانشمندان و انجیران را مشغول ساخته و همیشه مجبور مینماید تا راه های حل جدیدی را پیدا نمایند؟ مشکلات اولیه این که قلب مصنوعی باید در مدت طولانی فعالیت کند، یعنی در خلال چندین سال بطور دائمی

در داخل چوکات صندوق سینه در مقابل انساج زنده موقت داشته و کار کند. آیا اعضای مهم حیاتی انسان در چنین محوطه تحت چگونه هجوم بسر خواهد برد؟ نتایج تجاربی که در زمین بدست آمده اکنون وجود دارد. وال های قلبی و قسمت مفصل های هدایت دهنده خون که از مواد مخصوص تهیه میگردد بصورت موفقیت آمیز بکار برده میشود پرزهای جداگانه که از مواد رابری موسوم به سیلیکون تهیه شده تا این زمان دوره آزمایش را مؤثراً در ساختمانیهای وال مصنوعی قلب گذرانده است. متخصصین کیمیا شناسان شوروی ساختمانی چنان رابر خیلی محکم را وعده می دهند که در مقابل کشش و تغییرات میخانیکی که در بالای قلب مصنوعی وارد میشود دارای مقاومت کامل خواهد بود.

دانشمندان طبی اکنون بکارات ساختمانی و سایل ترکیبی مصروف میباشند که در صورت پوشانیدن سطح داخلی والها و جدار بطون مصنوعی قلب آنها را از تشکیل گردیدن لخته های خون بصورت اطمینان بخش جلوگیری می نمایند. این ترکیب با داشتن مواد گیجبارین (یعنی ماده ای که از تشکیل شدن لخته های خون جلوگیری میکند) قابلیت استعمال خوبی را دارد. بعضی

مفکوره های دیگری نیز وجود دارد بطور مثال دانشمندان میخواهند که سطح را بر را از یک لایه نازک فلزی پوشش نمایند تا چارج برق الکترو ستاتیکی را به خود بگیرد.

آیا کدام منبع انرژی است که «ضربان» قلب مصنوعی را تقویت می کند؟ در حال حاضر مساعی برای ایجاد انساج عضله از مواد پلاستیکی دارای قابلیت ضربان به لابر اتوارهای زیادی جریان دارد. اما در ظاهر آن هنوز هم ساختمان «قلب» از چنین عضلات غیر امکان بوده و باید طرزهای دیگری جستجو گردد. بهترین منبع ضربان در داخل صندوق سینه قرار دارد. اما برای امروز اینگونه ساختمانیها هنوز تنها به صفت یک مفکوره غیر موفقیت آمیز بشمار میرود اکنون نقشه دیگری تحت آزمایش دانشمندان قرار دارد. دانشمندان میگویند که قلب مصنوعی با یک منبع تغذیه که در خارج از بدن انسان قرار دارد ارتباط میگیرد و این منبع از طریق لوله رابری و غیره به قلب مصنوعی وصل میگردد.

چندی قبل دکتر بارلش و همکارانش در یکی از کانگره های نوبتی امریکا دولوع قلب مصنوعی را به نمایش گذاشت. یکی از این دو عبارت از خود قلب بوده یعنی بطن های جوهره (دوبطن)



صحنه دیگر از رسم گذشت





در بالای چنان حیوانی که از نظر اندازه و خصوصیات قلبی با انسان ها هم آهنگ باشد مسیر نگردیده بیشتر از همه چنین آزمایش که بالای سگ ها اجرا میشود وجود سگ نسبت بوجود انسان از نظر گردش خون بک نوع نیست. ازین سبب اکنون بعضی سگ در لابراتوارها از گوساله ها، گوسفندان و بالاخره میمون های انسان شکل مورد استفاده قرار میگیرند.

تا کنون نتایج حاصله ازین موضوع ناچیز است. حیواناتی که قلب مکمل مصنوعی بعضی قلب اصلی ایشان بکار رفته از سه تا چهار شبانه روز زنده مانده و بعد از آن جان سپرده اند. قلب مصنوعی که در چوکات سینه گنجائیده شده طوریکه معلوم گردیده بصورت عادی کار میکند و رژیم دوران خون تقریباً به حالت عادی تأمین شده فشار منحنی را در مفصلها تخمیناً بصورت غیر متفاوت از وضع عادی تقویه میکند و حتی باعث اختلاج زیاد خون هم نگردیده است. به همه حال فعالیت حیاتی اعضای مهم برهم نخورده اما حیوانات به تلف رسیده اند.

هر گرام تکمیل گردیدن امور ساختمانی قلب های مصنوعی روشن شده و مشکلاتیکه تا هنوز درین راه پیشرو قرار دارد با مراحل انکشافات آینده علوم رادیوالکترونیک، کیمیا و کهرنیتیک بدون تردید مرفوع می گردد. «الجام»

چندین شبانه ووز کار کرده می تواند در صورتیکه قلب بصورت کامل مصنوعی باشد متوازی ساختن کار آن خیلی مشکل می باشد. درین صورت واضح است که بدون داشتن آلات مخصوص اندازه گیری مخصوص که در داخل وجود موقعیت میگردد اجرای چنین مقصد ناممکن میگردد.

به همه حال جربالات ساختمان قلب مصنوعی به سه مرحله تمویل میگردد. مرحله اول عبارت از پیوند کردن یکی از قسمت قلب یعنی بطن قلب می باشد. درین صورت دو پارچه اساسی که عبارت از موتر برقی و آله اداره کننده باشد تا حال در خارج از وجود انسان باقی مانده و با یک قسمت قلب مصنوعی توسط لن را ببری و یا اینکه کیبل برقی ارتباط می گیرد. مرحله دومی همانا متحد ساختن بطن مصنوعی و با یک جوره از چنین بطن ها در یک چوکات با موتر برقی است. در چنین ساختمان ها تنها آله اداره کننده به خارج بدن مریض قرار می گیرد. بالاخره در مرحله سومی همانا عملی ساختن مقکوره ایجاد قلب مصنوعی بصورت مکمل می باشد که با موتر برقی و آله اداره کننده بصورت یکجائی (یعنی بطور مکمل) در چوکات سینه گنجائیده می شود.

در حال حاضر قسمت اعظم آلات فوق الذکر در بالای حیوانات مورد آزمایش قرار گرفته و مشکلات معین تولید گردیده است. مشکلات مهم این است که امکانات اجرای آزمایش

باوالها و لیل به قلب اتصال داده می شود. در موقع استفاده اینگونه للهای کوچک در داخل حنجره گنجائیده میشود. قلب دومی فوق الذکر که ساخته شده متخصصین امریکائی در آن موفق گردیده اند تا بطن و للهای مایعی را در یک جای متحد بسازند. طرز دیگری در ساختمان قلب

مصنوعی همانا بکار بردن الجن های کوچکی را پیش بینی می کند. این الجن ها از طریق سیستم منعکس کننده میخالیکی بطن های منقبض کننده قلب مصنوعی را به حرکت می اندازد. اما درین زمینه یک اندازه مشکلاتی وجود دارد مشکل اول این است که به تعداد خیلی کمی از موترهای برقی کوچک عصری در یک وقت طولانی کار کرده می تواند. دوم اینکه تا کنون واضح نگردیده که آیا چه اندازه حرارت که در جریان کار موتر برقی حتماً تولید میشود خارج ساخته شود. بهر صورت در اخیر امر تا آجائیکه تغذیه از طریق کیبل داخل میگردد همه اجزای ساختمان نظر به مقایسه آلات دیگر مفید واقع نمیشود.

اکنون مساعی برای آنکه یک نوع از عضلات که بکمک آله پروگرام مخصوص تحریک میگردد به «استیشن برقی» تبدیل ساخته شود مورد اجرا قرار گرفته نتایج این پلان تعجب آمیز توسط دکتر «کیوسهرا و» دانشمند امریکائی اخذ گردیده وی نشان داد که اینگونه آله حرکت بخشنده عضلات در خلال مدت

نړۍ د هیوادونو په آزادی کی

لپاره ئی دهیڅ ډول فعالیت غځه دریځ ونکړی مگر بیا هم دافغان ملت تور پالو وگرځو چه البته دغه فعالیت کی لویو او کوچنی برخه اخستی وه په گریلائی فعالیت اولورو مقاومتونو چه موږ دداری په نوم پیژنو لاس پوری کړ .

لکه څرنگه چه غلو بیت تنه شهیدان چه اوس هم زموږ دپاره له او محی دیا دوی وریدی دغه شهیدان هغه گریلاهان و، چه د عسکری مطبعی، هار خوا اوبی بی سپرو خواته غای په محای شوی و، کله چه ددشمن افراد اویا نوری مرستی د شیرپور له بالاحصار اویا بهرته شیرپورته تللی دغو گریلايانو به په هغوی بالدی حملی کولی اوله مینځه به ئی وړل .

د شهزاد، کاسران په وخت کی هم کله چه د دشمن لخوا هرات محاصره شوه دغه ډول فعالیتولو له بیشانه استفاده وشوه ددشمن مجبور شو چه بهرته تر شاو لارشی د شاشجاع دزاممداری په وخت کی کله چه وزیر اکبرخان ددشمن ته د افغان ملت وگرځو د هیواد دوستی احساسا تو پیکاره کولو درس و ورکړ مجبور ئی کړل چه ددغی پاکی خاوری غځه ووزی دلاری په اوږدو کی پداسی مصیبت اخته شول چه البته تاریخ ئی شاهد دی .

تاریخ په یو محای کی وائی : کله چه ددشمن وروستی جزو تاموله دوتلو په حال کی و، افغانی بازانوله هر یغواله داسی داری پری اجرا کړی چه حتی دشمن دتیبستی لارهم ورکه کړه ټول مالونه اوسمحات ئی محای پر محای تیت او هراکنده پریښودل .

بل محای وائی : بگرامیو اوبتخاک په مینځ ئی کله چه پنځم او اوه دپړشم

داری د هیوادونو په آزادی کی د گریلا یانو او پارتیزانو رول کله چه د تاریخ په پاڼو کی نظر اچول کیږی نو سری هک هک پکک پاتی کیږی چه سره لدی چه ددشمن لخوا په هغه وخت کی چه په پردی خاوره باندی د تسلط غښتن و د هغه محای په اولس باندی دهیڅ ډول، ظلم، سرکوبی او شرم او دلاس غځولو له دریځ ندی کړی ولی بیاهم دساتی سره مخامخ شویدی . دا کوم قدرت وو چه دا غلیم ئی مجبور کړ چه دگرددو گټونه صرف نظر وکی او بیرته خپل حق حقدار ته وسپاری . البته دغه هغه قدرت و، چه د کوچنوالی غځه د هیواد د زمانو په ماغزو کی محای لپولی و .

نومدا سبب و کله به چه پوهیواد د دشمن لخوا اشغال شو د هغه دوام لپاره به ئی ډیر قوی ترتیبات نیولی مگر بیاهم یوشیبه ئی ارامه نشوتی ولی . حتی ددشمن قوماندانو دوسره فرصت نشو پیدا کولی چه خپل اوامر او هدايات په قراری سره خپلوجزواتمولوته تبلیغ کی ځکه چه د هغوی ترشادگریلايانو او پارتیزانو فعالیتونه روان وو . هره گړی په د هغوی سرکوله، د تلیفون لینوله پر یکیدل ، ډیوگان، قرارگای اولور مهم محایونه په تخریب اوله مینځه تلل .

ددغه فعالیتونو یوه ستره برخه زموږ په هیواد کی مطالعه کیدای شی . کله چه استعماری قدرت زموږ په پا که خاوره باندی تسلط درلود دوگر و دسرکوبی لپاره ئی غده کول، د لفاق تخمونه ئی وشیندل قومونه ئی د خپلو گټو لپاره پخپل منځ په اخ ډب اخته کړل . د وطن دوستی او هیواد پالنی د احساساتو د سره کولو

د گریلايانو



او



پارتیزانو



رول



جگرن محمدبولیس غمکنی

غندونه په لار کې تیریدل دهری خواله داسی داری پری و شوی چه سر بیره چه بردی چه دمدافمی کولو تد بیرنی و نشو لیولای اسباب او نور مالونه نی هم ورته بریښودل . زسور په تاریخ کی د دغه فعالیتولو غځه ډیری یادولی شویدی چه دلته دیادولی په لحاظ کفایت کوی .

دلری په اورو هیوادونو کی هم د دغو فعالیتولو غځه ډیر ستره استفاده شویده لکه امریکا چه په ۱۷۷۴-۱۷۸۳ کی د آزادی په مقصد د الکلایسانو په مقابل هداسی فعالیتونو چه لیبردی گریلا نی حرکاتو و لاس پوری کپړ او هغوی نی مجبور کړل چه دلیکسیکتون او کالکورد غځه بیرته بوستون ته ستانه شی . اوهم په جنوبی مستعمرو کی چه ددغه ډول حرکاتو د اجرا لپاره نی اراضی ډیره مساعده وه دغه غای گردو وگړو په هارتیزالی فعالیت لاس پوری کپړ . دوهم محل په ۱۸۶۵-۱۸۹۱ کال کی بیاهم د امریکا گریلا یالو ستر رول بازی کپړ تردی الدازی پوری نی زمیه مساعده کپړه چه په ټولو محایو کی وگړو خپل چمتووالی د وطن د آزاد لو لپاره وښودلو .

په ۱۸۹۹-۱۹۰۶ کال کی کله چه فلپا پنانو غوښتل د هغوی هسپانوی لیبر په محای امریکائی لیبر برخه واخلی په گریلا نی فعالیت نی لاس پوری البته تر یوی مودی پوری هدغه برخه کی بریالی هم وو . ددغه محای گریلا یالو لمړی محل د امریکا دعصری اردو په مقابل کی په مقاومت کولو شروع وکړه او ورسته نی هداسی گریلا نی حرکاتو

لاسوله پوری کړل چه امریکا یالو ته د بریالیتوب امید پاتی لشو . امریکا یالو کله چه دهغوی د هیواد دوستی احساسات ولیدل په مقابل کی نی هداسی فعالیتونو شروع وکړه لکه چه په ویتنام کی نی اوس هم کوی او یالکه په الجزایر کی دفرانسویالو لخوا شوی وو . نو کله چه فلپا نی نو په ډیری میرالی سره خپل حرکات اجرا کول امریکایانو په ډیر شدت سره دخلکو دنگ او راتنگ آزادی له مینځه یوړه ، کور و له او نوری آبادی نی خرابی اولړولی ، اسپر شویو گریلا یالو ته نی ډیری سختی جزاگانی ورکپړی تقریبا د شلوزرو تنو په شاو خوا کی نی فلپا نیان زخمی اویا مړه کړل .

حتی جنرال جاک سمیت خپلو جزو تاسو نو ته امرور کپړی وو چه د سمار جزیری خلکک ما ته ژ ونندی مه راولی گرده نی مړه کی خوشالیریم . مگر بیاهم هیواد دوسته خلکک دخپل عزم غځه ولگر خیدل خپلو فعالیتونو ته نی دوام ورکپړ . دنړی د دوهمی جگری غځه وروسته بیاهم د هوك د آزادی جنبش خلکو په گریلا نی فعالیت شروع وکړه . فرانسویالو کله چه دو ویتنامیانو د انقلابی نهضت په مقابل کی ماتی وخوړه و بل مشکلی سره یو محل بیاهم مخامخ شول چه هغه د الجزایر یالو د هیواد د آزادولو احساس و ، چه البته د فرانسویانو مستعمراتی او عسکری حیثیت ته نی ډیر سختی ضرر به ورسوله . فرانسویانو زیارو کیش چه ددغه هاك هدف درسیدلو غځه هغوی لیری وساتی

ددی منظور لپاره نی په پروپا گندی ، سیاسی او ایدولوجیکی فعالیتونو شروع وکړه اما ریالی شول چه ددغی لیاری خپله هاداری تل دپاره وچلوی .

لکه دهغوی شعارد آزادی گتل اوهم دداسی احساس غیبتنان ووجه هغه په *Lagucrr reuolulionaire* بالدی نی استناد درلود . فرانسویانو وروسته وهویدل چه بله هیش لار نشته لوسمدستی نی لاس په وسله کپړ دهیخ ډول زجره شکنجه او ظلم غځه نی خودداری ونکړه لا کن دا چه ددغی مفکوری ریش دومره ژوری وی چه فرانسویانو هر غومره مقاومت نی چه گریلا یانو په مقابل وکپړ مگر بیاهم خپل حق نی ورته وسپاره .

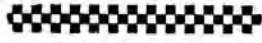
کیوبا هم ددی لپاره چه آزاد ژوند وکپړی یواغنی وسیله نی گریلا نی حرکات گتل هر غومره چه د مقابل لوری پر هغوی بالدی فشار راوړشو او د لویو تبلیغاتی تکتیکونو غځه نی استفاده وکړه د وطن دوستی احساس دشمن ته داموقع ورنکپړه چه دهغه هیواد گتور و متابعو غځه په آرامه استفاده وکی . لکه چه گریلا نی قوتولو دشمن ته داسی یوه درسته لار وښودله چه بیلدی چه خپل مقاومت ته دوام ور کی خپله کمبله نی ټوله کپړه او تری ولاړل چه البته هدغو حرکاتو او فعالیتونو چه گوارا او لیدل کسترو ډیر ستر رول لو بلوی دی .

نازبانو هم کله چه دلری ددوهمی جگری په موده کی محینی هیوادونه



د گریلا نی فعالیتو یوه منظره

سرود آزادی



در آسمان بلند برآه خود میروید و توای
خورشید طالع - و توای آسمان خندان
لاچوردین - شما که همه - همه آزادید
و میخواهید آزاد بمائید هر جا که هستید
گواه من باشید - گواه آن باشید که
من پیوسته با عشقی آسمالی ترین حقیقت
روی زمین - یعنی آزادی را پرستش
کرده ام .

ای آزادی! مرا ببخش، مرا ازین
رؤیای شیرین ببخش .

من وجود ترا فقط در اینجا - در کنار
این صخره خاموش که در درختان سرو آن
برائروزش نسیم زمزمه ملایم خود را
باخروش امواج دوردست در میآ میزند
احساس کردم .

آری - ای آزادی - فقط در اینجا -
در اینجا که ایستاده و نظر پداسته افق
دوخته و ذرات وجود خود را در زمین
و آسمان و درها پراکنده ام تا همه جاسراغ
عشق و محبت بگیرند تنها در اینجا است
که روح من توانسته است وجود ترا
احساس کند و در پیشگاهت بزانو در افتد .

داجرا غنچه عاجز باتی دی .
لنجه داچه گریلائی او پارتیزانی
حرکات فعالیتونه او نور مقاومتونه
اشغالگراو دساتی بنه وسيله بلل شویده

ای ابرهای بی که در دریای آسمان گاه
موج زنان میگذرید و گاه می ایستید
و هیچکس نمیتواند خط سیری برای شما
مقرر کند .

ای امواج دریا که پیوسته در جوش
و خروشید و بهیچ فرمانی جز قانون
چاودانی طبیعت کردن نمیتوانید .

شما - ای جنگلها - که گاه گوش
بصدای پرندگان شب فرامیدید و گاه
شاخه های تنومند درختان را وامیدارید
تاراه را بر باد بگیرید و او را بنواختن
آهنگ موسیقی پر شکوهی و ادارند .

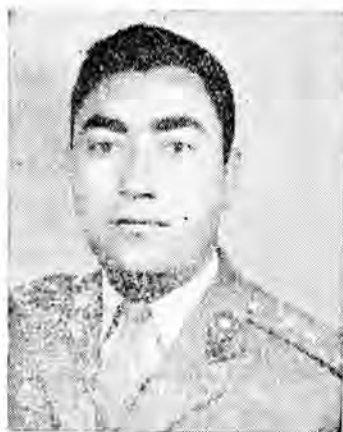
شما که بارها در هیبای ماهتابی
مرا همچون پارسایی که سر در پی
رؤیاهای سلکوتی خویش داشته باشد
درمان علفهای برگل و درختان تنومند
که هرگز دست هیزم شکنان بدانها
نرسیده سرگردان یافته و دیده اند که
بیش از حد تصور کوتاه نظران از این
صداهای وحشی الهام میگرفته ام .
شما امواج خروشان و شما درختان
سرافراشته جنگل - شما ابرهایی که

پدیخوا چه اوس هم جریان لری دخپل
حق غویشته لو دپاره دهمدا دول
حرکاتو غنچه استفاده کوی چه حتی
به مقابل گمیئی یو عظیم قوت دهر دول

اشغال او تر تسلط لاندی راوستلی ود
هغوی په اولس بالندیئی دهیخ دول
ظلم او فشار غنچه دریغ و نه کپی او
دهغوی مشربه سر کی داهوس هم موجود
و چه تر ابده به داشغال شو یوهیوادونو
با داروی او دیوی لوئی امپراطوری
غیبتن به وی . اما دانی به فکر کی نه
گر بخیدل چه وطن دوستی داسی یو
احساس دی چه مرگ منی او غلامی به
ونه منی . نوهغه و چه شورویالو ددینمن
په مقابل کی په پارتیزانی او گریلائی
حرکاتو او فعالیتونو لاس پوری کپ او
ددینمن د بریالیتوب هیله ئی لنجه کپه
په همدا دول پولینه چه تر تولو یوهیوادونو
دبر تکه ، تکه شوی و دشمن به مقابل
کیئی به مقاومت شروع و کپه حتی
دهغوی کوچنیاو ، محوانانو اولورو
و کپو د وطن دبر تکه آزادولو لپاره
بمونه بهئی دملاتر ل ددینمن د قومالدان
موترو اولورو و مهمو عناصر و ایطولاتدی
به بریوتل او هغه بهئی له سینجه و پل
همدار لکه په گردو اشغال شو یو
هیوادو کی گریلائی او پارتیزانی
فعالیتونه شروع شول او دشمن ته ئی دا
چانس ورنکپ چه د متعاقبو حرکاتو
اجرا لپاره سر له لوی تیاری و ایسی او
دخپلو منظمو حرکاتو قوتونو لپاره ئی
البته دیر بنه زمینه مساعدده وله .
ویتکا لکیان چه له شو کالو را



دافغان د شاهي اردو
د تیرو کلو درسم
گذشت یوه صحنه



خپلواکي د هر ملت

طبيعي او قانوني

حق دی

(استعمار او استعمار) او د غلامی تور دیوله منځه لاړ نشي د الیکم رغی د چاپه برخه اشی کیدلای .

او څرنگه چه خلک او ولسونه آزاد او خپلواک پیدا شوی دی نود استعمار چیانود ظلم او زور گرپوته د تل د پاره غاړه نی دی . لر ، بشی - زاره ، محو انان ټول په یوه او از پورته کیږی او ترڅو چه ئی د (وطن مور) ته د بختیوب حق پوره کړی نه وی په غای له کښینی .

دافغان ملت هم په همدی اساس د استعمار او استعمار لوی استاد په مقابل کی دهغوی د تیری څخه وروسته په کراره کښیننا ستل و کله چه ئی لاس بر شوی پخپل د بنمن بی پر غلوا کړی دی .

دافغان ملت د ۱۸۳۹ عیسوی کال څخه تر ۱۹۱۹ عیسوی کال پوری د اتیا (۸۰) کلونو په موده کی دخپلی خپلواکي د پاره پیری جگړی کړی او خپلی وینی بی د سیلا بولو په شان بهولی دی . چه دهغو د جملو څخه د

حق پالونکو اولسونوله خوا دهغوی ملاتړ کیږی .

څرنگه چه خپلواکي دملتونوژولد بلل کیږی . نو دهر ملت دژولدی پاتی کیدلو د پاره باید ټینګه مبارزه وشی خپلواکي دژولد پاتی کیدلو سره ټینګ اړیکي لری . نو ځکه کله چه د یوه ملت په خپلواکي تیری وشي . هغه ملت خپله خپلواکي په اسانه دلاسه نه ور کوی او دهغی دساتنی د پاره هر راز رپورنه او زیارونه گالی اوحتی ددی زیار او رپر څخه خولد اخلی او پری ویاری .

څرنگه چه خپلواکي د ژوندانه روح ده او ژوند بی له خپلواکي مفهوم او معنی لری نو ځکه یولی فیلسوف په دی برخه کی داسی ویلی دی چه « دخپلواکي په لپار کی وینی ټول بول ، دژولد دولی څر وبه ول دی »

څرنگه چه غلامی او اسارت د ژوندانه لیک مرغی او سوله له منځه وړی نو تر څو چه دهغی اصلی ریښی

سره ددی چه په نورو وگړو او ملتونو تیری کول یوه کر کجه پینه او خطا کاردی بیا هم یحینی هیوادونه لا اوس هم شته چه دنورو په کورنی امورو کی گوتی وهی او په زړو اونوو بهانو او چلوانو خپلو گټو او شومو هملو دسرتو رسولو په غرض د هغوی دآزادی او خپلواکي او ملی وحدت د ماتولو په هغه کی دمگر دا ملتونه هم ددوی په چالونو او هیلو پوه شوی دی . او دخپلی خاوری د دفاع او دملی نوامیسو دآزاد ساتلو د پاره سختی او پرله پسې مبارزی او جگړی کوی .

د مبارز هیوادونه که څه هم د یحینو هیوادونو سره نژدی ، مذهبی ، کلتوری او جغرافیاوی اړیکي لری په درنه سترگه کتل کیږی او دهغوی د خپلواکي د جگړو او مبارزو هر کلی اوملاتړ کوی . ددی خبری ښه مثال دویتنام د ولسونو د پرله پسې اوږدو مبارزو او وسلو هغو جگړو تائید دی چه دامریکا تیری کوونکی ، استعماری هیواد سره بی کوی اود لړی د اکثر و

افغان انگلیس دری لوی جگری
دیادولور دی .

دافغان انگلیس لمړی ستری جگری
تیارې په ۱۸۳۹ کی ونېوله شوه او
۱۸۴۱ عیسوی کال په سپتمبر کی د
سردار اگیرخان غازي په مشري دملي
قواو په واسطه چنه نه بی تو پونه لرل
اوله ماشینگری په عملی توگه شروع
شوه په دی جگری کی دانگلیس (۸۰)
اتیا زریزه اردو د کابل بالا حصار
غخه ترچکد لک پوزی پرله پسې له
افغانانو له خواهه خالی لاس یاد کوتکو
او چر وپه زور بشپړه امعاء اوله
منغه لاره او دی لوی اردو غخه
صرف پوتن دا کتر د بریدن په نامه
ددی پینې خبر تر جلال آباد پوری
ورسولای شو .

دافغان انگلیس دویمه جگری پوره
۴۰ کاله (پولسل) وروسته په ۱۸۷۹
عیسوی کال کی دمیولد په سیمه کی
د سردار ایوب خان په مشري وشوه
سره ددی چه الگریز اوله په دغه جگری کی
دمړی غخه پوره سببی اخیستی وو، لوی
وسلی او تو پونوی پکار و اچول مگر
تینگه مقابله بی ونکرای شوه . او هغه
لویه اردو هم تار و مار شوه د افغان
انگلیس دریمه لویه جگری (دی جگری
ته غکه لویه جگری وبل کپری چه د
افغانستان په سر تا سر جنوبی او ختیز
سرحد کی دمنظمی اردو اوملی قواو په
واسطه شوی ده او خپلوا کی ئی کتلی
ده) په ۱۹۱۹ عیسوی کال یعنی ددویمې
جگری غخه بیا هم یو لسل (خلوبینت
کاله) وروسته د انگلیس دلری د
لمړی جگری فاتحی ، آزمایشتلی اردو
په مقابل کی چه په مودر نوو سلواو
الوتکو هم مجبزه وه د استعمار دستر
دینم او خپلوا کی قهرمان سپه سالار
غازی محمد نادر خان په مشري وشوه
اولمړی عمل دپاره د آسپاه دی گوټ
کی د لوی استعمار بیرغ دتل دپاره
پکته اودافغانستان ملی دری راکی

سپینخلی بیرغ دهغه په نمای پدید وراغی .
او دافغان ملت د استعماری گتو د
اخیستلو دپلټو او شومو ارزو وگالو
غخه خلاصون وموند .

اوس نو دافغان ملت او اردوهر
کال په دی مناسبت جشنونه او ملی
اختروله جوړوی زمونږ اردو په بل
چا بالدی د تیری د پاره گام نه اخلی .
دتوپونواو ماشینگریو ماشینی دتورود
خپلوا کی دتهدید دپاره له راکاپی .
ددوی گوټی ، لاسوله اومتی دخپلی
آزادی او خپلوا کی د ساتلو د پاره
حرکت کوی او خپله دنده دخاوری

ژباړه :

دخواني راز

په نحوالی کښی کوښښ وکړی
چی په سپین ډبر توپ کښی آرام او
آسوده اوسی (. . .)

* * *

په نحوالی کی ډیره لویه لیکمړغی
دلورو سره کومک او مرسته کول
دی . «البرت»

* * *

د نحوالی ښه بریا لیتوب دوظیفی
سم سرته رسول دی . «کاسپلوا»
د یوخوان واقعی او حقیقی سعادت
په فضیلت تسکینه لری (سولود)
هغه نحوان چی وله کولای شی
دخپل شخصیت ارزښت ښکاره کړی
خو که هرغو سره غښتلی وی بیا هم
دلانون مرجو د حیثیت لری .

(دانیل)

* * *

ای نحوانه ! په هغه غه شی چی
نه پوهیږی د پوښتنی غخه لنگ
مه کوه . (معال)

* * *

دلری چه له نحوانانو غخه ډکه
ده حقیقی نحوانان ئی خورا لږ دی

تمامیت ، خپلواکی او ملی نوامیسو
ساتنه گڼی . څرنکله چه په لنی زمانه
کی دخاوری دفاع ، سوله ، کراری
اوملی صیانت دتول ملت په بشپړه تیاری
پوری اړه لری او جگری و کی دملت د
تولو مادی اومتنوی قواو اوشتمنیو
غخه گټه اخیستل کپیری . نوهر ملت
باید پوهه ، متناسبه قوی اردو ولری
زمونږ اردو دخپل گران سرقوماندان
په قیادت دغه پراونه وهی او مخ
په وړاندی دروسی .

خو مولر هیله لرو چه بشری
تولنه اوملتو لوخپل ټول اختلافات دتوپ او
توپک داستعمال له بغیر هم حل کړای
شی .

ددی دپاره چه دملتونو په منځ کی
خولری جگری پینې نشی او پده اشوی
اختلافونه بی له جگریو حل شی . دستعده
قومونو عمومی اساسی ۱۹۶۰ کال
د دسمبر په ۱۴ نیټه دراپو په اتفاق ،
داستعمار لاندی هیوا دولو ته دآزادی
ور کولو اعلامیه ومنله دا اعلامیه
بی له کوم قید او شرط داستعمار تولو
شکلونو او ښو د ډبر زر های ته رسولو
حکم کوی . مگر اوس اوس هم دلری
تقریباً د پنځوس میلیو لو وگړو غخه
زبات وگری خپلواک حکومت نلری او
په سیاسی ساحه کی دبل هیواد تابع دی .
دعمومی اساسی فیصله لیک داوو :
څرنکله چه دلری وکړی په دی
پوه شوی او تینگه عقیده لری چه دلشری
کرامت ، دلرو او ښو د حقوقو مساوات
دلویو او کوچنیو هیوادو لو برابروالی
سوله ایز او دوستانه روابط دمسامی
حقو قواو په رعایت بناء دی اود تولو
وگړو دخودا را دیت حق د اساسی
آزادیو حقونو ته بی له کوم توپیر
دجنس - نسل - ژبی یا مذ هب ته په
در نه سترگه کتل یوضرورت دی .

دغیر آزاد و خلکو دخپلواکی
غوښتلو مبارزی اوهلی غلی اودخپلواکی
په حاصلولو کی دهغوی قاطع نقش واضح

دی او ددی خلکو دآزادی په لیارکی زیاتیدونکی مخالفت تردید او مشکل تراشی دپری سوله تهدیدوی.

لری و ال په دی عقیده دی چه اوسنی استعمار دبین المللی اقتصادی ، ثقافتی اجتماعی همکارو دهر اخولو خنډ گرخی او دغیر آزاد و هیوادو دهرمخ تکک مانع گرخی دمتحد قومولو دجهالی سولې دمفکوری په ضد دی. دامنی چه ټول ملتونه په آزاده توگه کولای شی چه خپلې طبیعی منابع او شتمنی پخپله گټه بی له کوم لیده په کار واچوی.

لری و ال په دی عقیده دی چه دخپلواکی غوښتلو طبیعی سیر او تکامل مخ په وړاندی ټلو لکي دی نو لازم دی چه داستعمار دبدو او ناورو پښو مخ لپوی وشي او دهغی دهر قسم تجزی او تبعیض های ته ور سیږی.

دهغوږیرو هیوادولو دزیاتیدونکی آزادی خوښولو حس چه لانر اوسه هم آزاد شوی ندی. او په دی اعتقاد چه د لری ټول وگړی دساعی او له تردیدیدونکی بشپړی آزادی او دملی سلطی او ملی خاوری دتمامیت ساتنی حق لری دا اعلاموی چه استعمار دی په هر شکل چه وی زر ترزره های ته ور سیږی او ددی مقصد تا سینولود پاره دا اعلان کوی چه :-

۱- خارجی او امر و احکمو لوته د خلکو تاج کول، استثمار او استعمار، او بشریت د اساسی حقوقو غځه منکریدل دمتحد قومونو منشور سره مخالفت دی او دجهالی سولې او همکاری خنډ گرخی.
۲- ټول وگړی دخپل سر نوست د ټاکلو حق لری او په همدی حق سره خپل دریز په آزاده توگه ټاکي. او خپل اقتصادی اجتماعی او ثقافتی هر مخ تکک بی له کوم قید او شرط تعقیبولای شی.

۳- سیاسی، اقتصادی، اجتماعی او عرفالی لقصونه یا نیمگړی تیاری هیڅکله دخپلواکی او آزادی د وروسته کیدلو بهانه نشی کیدلای.

۴- دغیر خو دمختار و وگړو په ضد باید هر رنگ فشار او نظامی کړلی بریکرای شی ترڅو چه دوی په سوله او آزادی دخپل حق غځه دبشپړی آزادی او خپلواکی دپاره گټه واخلی او دخاوری او هیواد تمامیت ته ئی په درنه سترگه وکتل شی.

۵- په قیومیت لاندی او غیر مختار و سیمو او ټولو هغه محابولوکی چه تراوسه لآزادی ته نه دی رسیدلی بی له کوم قید او شرط باید فوری او په چابکه اقدامات وشي ترڅو چه دهغوی دآزادی په مطابق په آزاد ټول او بی له کوم تبعیضه چه دپلژ اد رنگ

مذهب یعنی پیدا شوی وی دآزادی او بشپړه خپلو اکی غځه گټور شی.

۶- هغه ټول اقدامونه چه دملی وحدت بشپړ او جزئی ماتوالی سبب کیږی او دخاوری تمامیت ته زیان رسوی دمتحد قوموله د منشور غځه نه دی.

۷- ددی ټولنی ټول غړی او لور هیوادوله باید دمتحد قوموله دمنشور ماد و ته چه د بشر د حقوقو په جبهانی اعلامیه کی شته دی غاړه کیږی او دلورو په داخلی امور وکی مد اخله وکړی او د ټولو وگړو دملی سلطی حقوقو او خاوری تمامیت باید په ریښتی ټول عملی او په نظر کی ولری.

که د بشر د حقوقو دغه اعلامیه په ریښتی سره تطبیق شی هیڅکله به یو هیواد په بل هیواد تیری وکړی او جبهانی سوله به په خطر کی ونه لوپړی.

داکړما ناروغی او علت ئی

اکړمایوه جلدی ناروغی ده چه په زیاته اندازه لیدل کیږی . مگر دپه سرغه چه زموږ پښی کله چه دغه ناروغی په کوچنی کی ووینی په بی ډوله او نیلوبی تداوی کوی حال داچه دا ناروغی محانته علت لری او پودول الرژیک دی چه بدن د حساسیت او د پوست د عکس العمل په مقابل کی پیدا کیږی دلته د محینو خوراکو هادوله حتمی ده لنډه داچه اکړما دتحریک کولوکی موادو سره دتماس غځه پیدا کیږی .

دهر شیمیا بی ترکیبات لکه اهلک اسید او نور پوست سره دتماس په اثر د پوست غوړله منځه وړی او دپوست پرده تحریکوی دا کړما سبب گرخی

وظیفه

په کوم لری کر کچه دوظیفه پیژندل او صمیمیت موجود وی خلل ناپذیره دی . (شکسپیر) هیڅکله دخپل دوست په لحاظ مه هر بړدی . (سن لامبر) دوظیفی سرته رسول دژوند او اخلاقو مطلب دی . (اسماپلز) لوی ښای کاروله دوظیفی ایژلدنی د لاری هر مخ تالی دی او هغو کارونو ناوړه نتیجه ورکړی ده چه د هوس دلاری سرته رسیدلی وی . (لاکور در)

شارل وانگنر

پلاستیک، وری، دلمر وړانکی بی ډوله دارواو دښالو د رنگ لب سهر بن غنی عطر او واسلین د پوست التهاب پیدا کوی اوداکړما دلاروغی سبب گرخی . اکړما بیل بیل شکلونه او ډولونه لری چه هر ډول ئی محانته مراحل لری

خپل اکی گلو نه

که آسمان دی دزمري په خوله کښي ورکا
دزمري په خوله کښي مه پرېږده همت

* * *

ننگه سالی دلنگه د پاره
سره به باد د سړي پر یویزه
چه په نام وننگه اړله وی
سره دار لک شوی به دی

* * *

د بهلول او شیر شاه خبری آورم
شیراو وه پېری هسی پادشاهی وه
پاهغه پښتالو لوروه داغه نورشول

* * *

سرد درومی مال درومی پت دله می
کشکی بخوان د پښتاله په ننگه کښي
له چه گورلره روان شی له تلنگه
مړه هغه چی بی نه نام اونه نشان شته

* * *

ترمطلو به پوری شرط درمیدودی
غوی بی غیبت وی غوی همت وی

فهمت استقلال

لعمتی بهتر ز استقلال لیست
دور او چون دور ساغر نشه بخش
این سعادت، این کرامت، این شرف
عیش و آزادی مرادف بوده اند
کی با وج اعتبار رش جا بود
شکر ایزد ملت آزاد ما
هر که جادارد به ملک مستقل
وصف استقلال کن از روی شوق
جز ترقی حقیقی وطن

حاجت بسیار قیل و قال نیست
عهد او جز عهد میمون قیل نیست
جز نصیب ملت فعال نیست
ملت معروم از خوشحال نیست
همچو آن مرغی که او را بال نیست
جز بزیر دست استقلال نیست
هیچگامی حق او با مال نیست
ای سخن پرور زبالت لال نیست
هیچ «بیتاب» مرا آمال نیست
(مرحوم بیتاب)

خنده هه هه هه



آزادی

ما به خاطر حفظ و بقای آزادی
مبارزه میکنیم ما مخالف هیچ شخص
و هیچ ملت و هیچ سیستم لیستیم .
ولی با آنالیکه مخالف آزادی قیام
می کنند مخالفت می نمائیم .
(جان کنیدی نقید)

آهنده متعلق به کسالیست که
در آرزوی آن هستند و بان ایمان دارند
(کمال اتاتورك)

لفظ کسانی شکست میخورند که
تلاش و مبارزه نکرده اند .
(بیلی آلدریج)

برای مردی که اراده دارد
هیچکاری امکان ناپذیر نیست .
(میرابوا)

فتح و ظفر یکسانی تعلق دارد که
ایش از دیگران استقامت دارند .
(نابلیون)

اگر انسان در زندگی همچون
کسی رفتار کند که بزدگی ایمان
دارد شایسته تر و سعادتمندتر خواهد
بود .
(توماس مان)

سود بخش نیست که گاه به گاه يك
سقفونی از خنده همراه باشد و این خنده
والباید به لفظ، همسرای مکالمه نامید.
(ستیل)

هیچ کس نیست که از تمام قلب و
به صورت کامل زمانی خندیده باشد و
با وجود این بتواند چنان فاسد شود که
هیچ راه بازگشتی نداشته باشد. (کارلایل)

بکسی که آن را برشاله نهاده است
پس لگد می زند!

(دوویت تالمیج)

انسان تنها آفریده ای است که
موهبت خنده به او عطا شده است، اگر
چنین نبود تنها آفریده ای می شد که
شایسته بود به آن بخندد. (گرویل)
معاوره هیچ وقت چنان آسان و

خنده ای را دوست میدارم که لبها
ودل را بگشاید، و در عین حال هم رشته
مرواریدی را نمایان سازد و هم روحی را.
(ویکتور هوگو)

خنده خوب از روی دل مثل بمب دستی
است که در حال مناسب منفجر شده است
در صورتیکه ترشرونی و لاخرسندی به
لفظی میمالد که در هنگام خالی شدن

تورن عبدالغیاث «بیدار»

۵۳ سال قبل در تاریخ پرشکوه افغانستان ورق زرین افزوده گردید . که افزوده شدن این ورق زرین نمایانگر جنبش آزادیخواهی مردم افغانستان بصورت وسیع و پیگیر به مقابل سلطه استعمار بود این جنبش نشان داد که حس آزادیخواهی مردم افغانستان با همه عناصر سازنده این جنبش حرکیت به پیشرونی و پیشرفت و در مسیر تکاملش به مرحله رسیده که از نظر کیفیت و خاصیت با گذشته ها با فرق دارد . در اثر این جنبش و حرکت بود . که منتج به حصول استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ گردید و بصورت تمام کشور ما آزاد گردید و سلطه استعمار در سرزمین آزادگان خاتمه پیدا کرد .

ما امسال پنجاه و چهارمین سالگرد استقلال سرزمین آزادگان را تجلیل میکنیم و بروح شهدای راه آزادی شادباش میکنیم و برای مردم خویش تیریک عرض میکنیم . همانطوریکه ما همیشه آزادی و استقلال را از اصل های مبرم زدگی خویش قبول نموده ایم هیچگاه لغو نمانده ایم تحت اسارت دیگران زیست نمایم اگر چند صباحی زیسته ایم آنهم بخاطر است که مردم ما کوفیده اند تاراه آزادی کشور خود را جستجو نمایند و استعمارگران درس عرب پیشروی شالرا بدهد .

افغانستان مدت ۱۵۰ سال با استعمار در آویخته اند و بلاخر در سال ۱۹۱۹ انگلیس ها را بواقعی ملتفت گردانیدند که دیگر آن قدرت بزرگ استعماری نتوانست به مقابل افغان به سلطه خود دوام دهند که تاریخ نمیتواند آنرا فراموش کند مردم افغانستان که آزادی را از هر شی دیگر زیادتر دوست دارند هیچ گاه دشمنان این خاک و سرزوم نتوانسته اند که به اهداف شوم خود در این خطه کامیاب شوند .

طوری که دانشمندان اظهار عقیده میکنند همه چیز نیست و معو میشود ولی بک چیز که همیشه زنده و جاویدمانی میماند آزادی است و آزاد زهستن و آزاد بودن بک کشور نمایانگر تاریخ همین کشور است . تاریخ یک کشور است که کارنامه های گذشتگان را برای نسل های آینده بازگو میکند که این بازگوئی در روح آزاد منشی نسل های آینده رول بس بزرگ دارد و در مسیر حرکت و الدیشه های شان بصورت بارز اثر میگذارد .

خوشبختانه تاریخ کشور ما در این مورد مطالب مودمند و ارزنده برای نسل های آینده دارد و نسل های آینده را در مسیری حرکت میدهد و تربیه میکند که همیشه حس آزاد پیخواهی



لوپسندہ مضمون

سرفزمین

آزادگان



مظاره از رسم گذشت

وطن دوستی و مردم دوستی را در آنها زنده نگه می‌دارد .
 نخستین وظیفه انسان در زندگی حفظ آزادی کشور میباشد
 مرام آزادی و حس آزادمنشی که در روح ما افتخارها به
 ودیعت گذاشته شده است ما بحصل زندگی گذشتگان ماست
 که بصورت کتبی و زبالی از بکه نسل به نسل دیگر بازگو
 گردیده است . همین صفت مشخصه افغانهاست که آزادی را مانند
 جان خود دوست دارند و به هیچ کسی اجازه نمیدهند در آن
 خلل وارد کند . افغانها مصمم هستند که برای آزادی کار
 کنند زحمت بکشند و بلاخره برای بدست نگاه داشتن آزادی سر
 های خود را فدا نمایند .

با پیشرفت علم و دلالتش اکثر جوامع انسانی کوشیده‌اند
 تا در بر تو آزادی حیات سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی خود را
 تنظیم کنند و هر کشور میکوشد بحیث یکقدرت آزاد در بکه
 ناحیه گیتی بزنگانی اجتماعی ادامه دهند و اکنون خیر و شر
 بسوی فردی ، اجتماعی و جهانی آن بصورت تشخص میشود
 لذا آزادی های اجتماعی از جمله سعادت های است که برای
 بشر ارزانی شده است . برای اینکه بکه کشور بحیث بکه
 کشور آزاد زندگی کند باید افراد آن بقسم مؤثر در دفاع
 از خاک خویش سهم گیرند .

چون اساس تمام زدو خورد ها در جهان امروزی منشه
 اقتصادی دارد هیچ کشوری در جهان نمیتواند تا از منافع مادی
 و تمامیت خاک خود چشم پویشد لهذا برای تعالی کشور و ارتقای
 منابع اقتصادی آن مجبور میشود بدفاع از خاک و زمین خویش
 بپردازد . اما طوریکه ملاحظه میکنیم که کشور ما از اول
 مرحله متوجه این حقیقت شده و همیشه کوشیده انهای را که
 بطرف خاک ما چشم دوخته اند سر کوب نمایند و از خاک خود بیرون
 کشد .

بخاطر بدست آوردن آزادی همین اکنون کشور های
 افریقا ، آسیا بهرمجادلات بگرو دامنه داری دست زده اند و به
 مقابل طاقت های بزرگ جهانی در مبارزه اند مردم ویتنام
 برای اینکه سر نوشت شان را بدست خود تعیین کنند با امریکا
 در نبرد اند و در پایان دادن قدرت خارجی در کشور خویش
 هزارها نفر قربانی داده اند . اگر ویتنام و ایالات متحده
 امریکا را از نگاه توازن قوا محاسبه کنیم قوای ویتنام در
 قوای امریکا هیچ ارزش ندارد اما مدت تقریباً ده سال میشود
 که این زدو خورد جریان دارد و قوای امریکا کوچکترین
 پیشرفتی را به نفع خویش کمایی نلعموده است . موفقیت درخشان
 مردم ویتنام و لا کاسی بی دربی عساکر امریکا اگر از نگاه
 واقعیت ارزشیابی شود بدین نتیجه میرسیم که ملت ویتنام بخاطر
 حق و آزادی خویش می جنگند و در بدست آوردن اهداف شان مرام
 آزادی یافته است و برای حق می جنگند همینکه میگویند (حق جای
 خود را میگیرد) در مورد ویتنام بخوبی صدق میکند .

مبارزات بی گریه و قهرمانه مردم الجزایر که منتج به حصول
 استقلال شان گردید به مقابل رژیم فرانسه هنوز از خاطری
 کسی فراموش نشده است رژیم آلوتنه فرانسه آرزو داشت
 تا الجزایر را برای همیشه بحیث جز خاک خود نگاه دارد اما ملت
 محیور و باعزم الجزایر سالهایی متوالی به مقابل فرانسه بچنگ
 برداشت و حتی چندین حکومت در فرانسه نظریه پرو بلم الجزایر

سقوط نمود . جنرال دو گول فقید که در آن وقت بعد از
 جنگ جهانی دوم از سیاست کناره گرفته بود نظر به تقاضای
 مردم دوباره وارد صحنه سیاست شد چون جنرال دو گول بیک
 میدالست که فرانسه بدون ازدادن استقلال کامل الجزایر
 کدام راه دیگر ندارد همان بود که بغواستهای آزادیخواهی
 مردم الجزایر جواب مثبت داد و ملت قهرمان الجزایر آزادی
 مکمل خود را بدست آورد .

این بود دو نمونه از جنبش آزادیخواهی در عصر حاضر که
 شمه از آن درین جا ذکر گردید .

امروز اگرچه کشورهای بزرگ جهان برای تفوق قوه
 نظامی خویش دست به ساختن اسلحه اتومی و مہمتر از آن زده
 اند اما بیک اصل مهم که لزد جامعه تمدن امروز ارزش خاصی
 دارد آن زیستن در بیک فضای صلح است و بعد از جنگ
 دوم جهانی که در آن ہم اتم نیز استعمال شد جهانیان به بیک
 سلسله فعالیت های مثبت دست زدند از جمله این فعالیت های
 هم تشکیل موسسه ملل متحد است ملل متحد بر علاوه آنکه امنیت
 جهانی را بدوش دارد و وظیفه دارد تا در امور مختلفه اجتماعی بشر
 کمک نماید .

افغانستان که یکی از اعضای ملل متحد است به منشور ملل متحد
 احترام داشته و از تمام فیصله های ملل جدا پیشنیالی نموده است تا از
 طریق ملل متحد در آزاد ساختن مردمان تحت اسارت فعالیت کند .
 آرزویما اینست همان طور بکه افغانستان در بدست آوردن
 استقلال خویش همت بخرج داد و آنرا بزودی بدست آورد
 در بهبود امور اجتماعی خاصاً امور اقتصادی نیز باید بکوشد تا
 افغانستان از تمام لحاظ زندگی اجتماعی متکی بخود شود و
 وظیفه مردم ماست که در این راه که خیلی دشوار است
 گامهای مثبتی بردارند و نگذارند که کشور ما پیش ازین در
 صخره تنگ اقتصادی گیر ماند .

حرب War



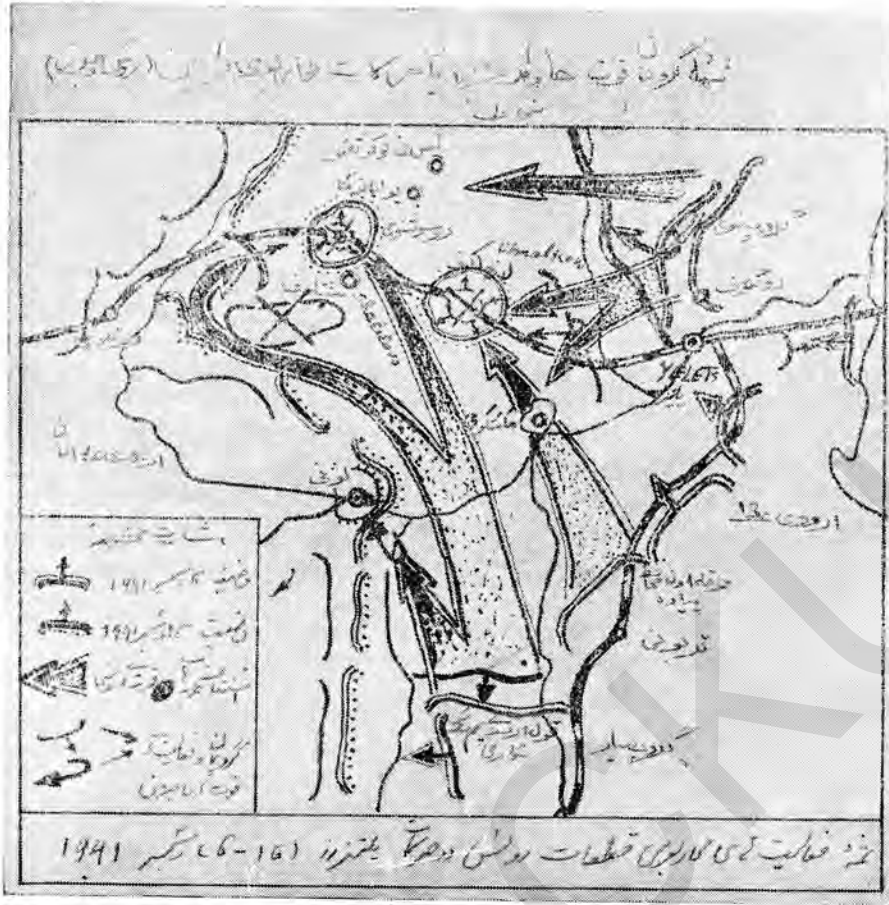
از نگاه حقوق بین‌المللی
حرب مبارزه و مجادله
مسلحانه بین دو و یا
چندین مملکت است، حربیکه
بین چندی دولت و یا مملکت
واقع میگردد به حرب
عمومی تعبیر میشود .
حرب بین مناطق یا دسته-
های مختلف یکک دولت بنام
محاربه داخل یادمیشود
شورش و تمرد حرب یا
محاربه گفته نمیشود .
حرب یا بصورت اعلان
رسمی یا بدون اعلان
رسمی بصورت اجرای
عمل خصمانه آغاز مییابد .
قرار شرایط میثاق
۱۹۵۷ هاگک طوریکه
امضاً کنندگان موافقت
کرده اند پیش از شروع
عملیات جنگ و آغاز
مخاصمت باید اخطار صریح

صحنه از محاربات دهریزی که دران بیشتر سواره نظام بانیزه، شمشیر و سپر نقش عمده را ایفا میکرد



... اما امروز طیارات عصری ، سلاحهای مدرن وحشتناک
سر نوشت حرب را در اختیار دارند .

بشکل ابلاغیه دلایل برای حرب وهم اولتیماتوم
مشروط به اعلان حرب ، داده شود .
مثالهای اعلان رسمی حرب اولتیماتوم
آلمان به روسیه در ۱۹۱۴ و اعلان حرب در ۱۹۴۱
از طرف حکومت ایالات متحده امریکا بمقابل آلمان
می باشد . نمونه حرب های بدون اعلان رسمی ،
حرب های ۱۸۹۴ و ۱۹۳۱ چین و جاپان و حمله
آلمان بر پولیند در ۱۹۳۹ است ، حرب بین ملت ها
با پیمان صلح خاتمه می یابد .
محاربات داخل با اعلامیه صلح خاتمه
می پذیرد . رسوم ، عرف ، عادت و پیمان های
بین المللی قوانین حرب را بشکل یک کدوسیستم
تدوین نموده است ، حتی اعلان حرب و عقد پیمان
صلح در هر مملکت بوسیله احکام قانون اساسی تعیین
و تثبیت شده است .



حرکات

منطقه یلتز

YELETS

آلمان هنوز در منطقه جناح راست، جبهه جنوب غربی در حال پیشرفت بود. در تاریخ ۴ دسامبر قوت‌های یلتز را اشغال کرده، و میکوشیدند تا در عقب جبهه قوت‌ها روس دخول نمایند جهت بر طرف نمودن این تهدید متصوره، قوماندان جبهه روس مارشال (S. Timoshenko) قرار داد که: قطعات و قوت‌های روس، با نیت استفاده از یک احاطه، گروهان دشمن را در منطقه یلتز مورد تعرض قرار داده، با اجرای یک ضربه اصلی بجناح و عقب دشمن آن را محاصره و امحاء نماید برای تأمین این مقصد پلان گردیده بود تا با استفاده از موفقیت بعدی همین حرکات به استقامت شمال غرب، بعقب اردوی نمبر ۲ تا لک آلمان، قطعات جبهه غربی را معاونت کرده، و بدین صورت امحاء قوت‌های آلمان را تأمین نمایند.

یلتز مسمی بوده و منتج بشکست فاحش اردوی نمبر ۲ آلمانها گردید. حرکات یلتز بیکسخت از تعرضات متقابل ستراژی، قوت‌های روس در ماسکو بود، که از بعضی نقاط نظر کر کترستیک حرکات تعرضی قطعات روس را درین مرحله حرب ارايه میدارد. حرکات مذکور اگر از نقطه نظر حوادث و وقایع تاریخ حرب مورد بررسی قرار بگردد، درس خوبی را از نقطه نظر پلان گذاری و استعمال ماهرانه قوت‌ها، تحت شرایط آن زمان فراهم خواهد کرد. برای اینکه موضوع را تعقیب کرده و استفاده خوبتر از آن تأمین نمایم، به سه قسمت ذیل آن مطالعه مینمایم:

۱- امور پلان گذاری و احضارات

برای حرکات:

در آغاز دسامبر ۱۹۴۱، قوت‌های

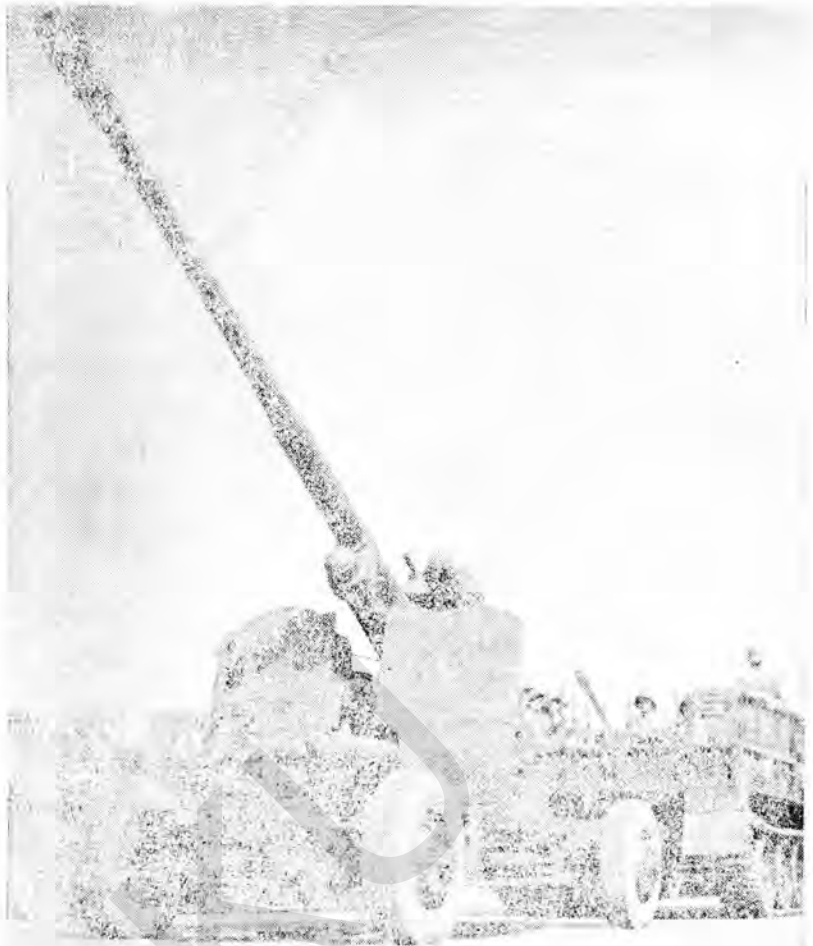
تحت عنوان فوق، میخوامم از چرمان یک سلسله حرکات و وقایع حرب دوم جهان، که در منطقه (Yerlets) بین قوت‌های روس و آلمان‌ها، از (۱۶-۶) دسامبر ۱۹۴۱، وقوع پیوسته خدمت شما تقدیم نمایم. امید است مورد استفاده مسلکی خواننده گان محترم واقع گردد.

جنرال هالدر که چیست لوی درستیز قوت‌های زمینی آلمان‌ها را بدوش داشت در ۱۲ دسامبر ۱۹۴۱ در دفتر خطرات خود موضوع ذیل را درج نمود. «قوماندانی قوای (German-ed) در شرید جبهه بین Tula و Kursk یک شکست فاحش را متحمل گردهد». در داخل شرید متذکره، قوت‌های جناح راست جبهه جنوب غربی از تاریخ (۶-۱۱) دسامبر یک سلسله فعالیت و حرکات موفقانه را انجام دادند، که بنام حرکات

با استفاده از اردوی نمبر ۱۳ یک تعرض
تالی را از منطقه (روگنوف) به استقامت
انکتسکوی، اجرا نماید. نظر به پلان
مرتبہ گروپ ضربه وظیفہ گرفته بود تا
حلقہ محاصره را تنگ نماید. بادر نظر
داشت احضارات فوق تعرض برای
روز ۶ دسمبر پلان گردیده بود.

در انجمن احضارات برای حرکات
مذکور، در جزوتاسها و جزوتاسهای
مادون آنها، فعالیت پارٹی های سیاسی
بیکه مقیاس بزرگ صورت گرفته، و
جهت بیدار ساختن و تولید جدیت در
جزوتاسها، مذاکرات و میتنگ های
مختصری با مردم آن جا برگزار گردید
با استفاده از بن فعالیت های مورال،
کوشیدند تا ایشان را از موفقیت ها بیکه
اردوی شه روی در منطقه (روستوف)
(بخوبن) در اوایل ۱۹۴۱ بدست آورده
بود مطلع سازند. با استفاده و بکار
بردن این فعالیت ها و میتنگ ها تمام
افراد محارب را ابقاظ نمودند، تا برای
اجرای حرکات مشکل و جسورانه
حاضر باشند.

بادر نظر گرفتن روحیه قوی تعرض
که در بین قطعات و قوت های روس خلق
گردیده بود، مارشال (موسکالینکو)



منظره از رسم گذشت جزوتاسهای دفاع هوا در جشن سال گذشته

گروپ قوت های المان که در منطقه
یلنز بمقابل قوت های روس قرار داشت
مشکل از قول اردوی نمبر ۳۴ و قسمت
از قوت های قول اردوی نمبر ۲۵
اردوی نمبر ۲ المان بود. تناسب قوتها
به ترتیبی بود که در ابتدائی تعرض
قوت های روس یک فائقیت جزئی را از
لقطه نظرائیر بالای المانها دارا بودند
در حالیکه قوت های المان از نقطه نظر
ماشینداری و هواوان (۲:۱) و از لحاظ
تانکها حتی بیشتر از آن نیست بقوت های
روس فائقیت را مالک بودند، نظر به
قرار بیکه اتخاذ گردیده بود، فائقیت
ضربه اصلی توسط گروپ سیارمشکله اجرا
گردد، لذا گروپ مذکور وظیفه داشت
که یگان اولتر خود را به منطقه یلنز
رسانیده و بعد از مواصلت به آن جا، یک
قول اردوی سواری را در عقب قوت های
دشمن در یلنز بفرستند. و در عین زمان

قوماندانی جبهه روس جهت تأمین
مراغ فوق، قوای تازه دم که آن را تعبیل
نماید بدست نه است. بنأ تصمیم گرفت
تا با استفاده از قوت های جبهه و احتیاط های
خط اول، گرومان های ضربه را تشکیل
نماید. لذا در شمال شرق یلنز یک گروپ
ضربه ارروی نمبر ۱۳ را که متشکل از
یک فرقه سواری، یک عند تانک و
پیاده بود به تحت قوماندۀ جنرال
(موسکالینکو) تشکیل نمود. به عین
ترتیب در جنوب غربی منطقه یلنز در
جوار (تربونی) یک گروپ سیار قوت های
را که شامل یک قول اردوی سواری،
دو فرقه پیاده، یک غند پیاده موتریز،
و یک غند میکانیزه (بدون تانک) دور
جمنیت ها وان و یک رجمنٹ توپچی
بود، به تحت قوماندۀ جنرال (کوسننکو)
متمرکز ساخت.

خپلواکی

- خپلواکی دومره قدرمنه ده چه
باید وساتل شی.
- (لینن)
- هیچ بیخ لرونکی خپلواکی بی له
تربانی په لاس نه راجی ...
(جومو کونیا تا)
- که خپلواکی نه وی بی له اجازی
مری هم لشی جگه ولی ... (چینی)
- دخپلواکی مینان دخپلواکی
خاوندان دی ... (بورک)
- آزادی پخپله نه ور کوله کېوی
بلکه باید وغو بپتله شی.
- خپلواکی دو مړه گرانه مرغلره
ده چه د مان په قیمت لاس ته راجی ...
(افغانی)

روسی در کتابش که بنام « در استقامت جنوب غربی » بود نوشت: « تغییر حیرت آوریکه در روحیه افراد جنگی ما، در آن روز، بعد از چندین ماه عقب نشینی موجود بود، و البته به امری بود که جهت پیشرفت قوت قبلی باقی مانده و محاربات خونین قبلی داده شده بود ».

با استفاده از تمام فعالیت های فوق الذکر، پلان گردیده بود، تا توسط فعالیت های تعلیم و تربیه پارتی سیاسی احساسات و عیجان افراد محاربه را برانگیخته و در ایشان حسن لغت و کین را، راجع به دشمن تزییق نمایند .

۲ - طرز جریان حرکات محاربه‌وی:

قرار ششم (نمبر ۱)

عطابق به پلان قبلی قطعات اردوی نمبر ۱۳ روس به صبح روز (۶ دسمبر) به تعرض پرداختند قوماندانی قوت های جرمن، به منظور جلوگیری از پیشرفت گروه ضربه اردوی نمبر ۱۳ و تأمین حرکات قوت های اصلی خود، عجزاً تمام قوت های احتیاط خود را به منطقه یلتز انتقال دادند، که در نتیجه این انتقالات، نوای مقابل گروه سیار، به یک پیمانۀ زیادی ضعیف گردیده و محاربات شدید و خونین بین طرفین، در منطقه یلتز در گرفت. در اثر این محاربات چندین روز قطعات روس مقاومت دشمن را درهم شکسته، و در ۹ دسمبر قوت های دشمن را از منطقه یلتز، بیرون کشیده و به تعقیب آن پرداختند .

گروه سیار نیز در صبح تاریخ ۷ دسمبر به تعرض گذشت که در اثنای تعرضات فرقه محافظ نمبر ۱ پیاده بتحت قومانده جنرال روسیانوف فعالیت های ماهرانه و مؤثرانه را از خود نشان دادند که تا حوالی ساعت ۱۹،۰۰ تا اندازه ۱۵ کیلو متر به عقب دشمن پیشرفت نموده، در ابتدا تعرضات مذکور پیشرفت قول اردوی نمبر ۵ سواری روس که تحت قومانده جنرال کر یچنکین، بود کاملاً مؤثقتت اخیر نبود، چه افراد سواری تعرضات جبیه را اجرا و اصلاً بکدام پیشرفت نایل نگردیده بودند،

بعد از سپری شدن یک زمان کم جزو تاسهای قول اردوی مذکور، با استعمال و بکار بردن مائوره های ماهرانه، محلات مقاومت دشمن را احاطه، و با ازدیاد سرعت به پیشرفت خود ادامه دادند.

در ۹ دسمبر، قوت های المان به تعرضات متقابل پرداختند، و کوشیدند تا از پیشرفت قول اردو سواری، در عقب گروهمان قوت ها منطقه یلتز جلوگیری نمایند. مگر با امقابل جزو تاسهای سواری بشکل دو مدار به پیشرفت درین زمان برای اینکه گروه اردوی نمبر ۱۳ با ایشان یکجا شود، از استقامت شمال بطرف آن ها حرکت نمود در ۱۰ دسمبر قوت های محافظ جنرال (روسیانوف) دشمن را که در قریبات متعدد امتداد شاهرا بین یلتزو (لوتنی) داخل موضع گردیده بودند، محاصره نمود. و جزو تام های سواری نیز این شاهرا را قطع نمودند.

بدین شکل قطعات گروه سیار قوت های روس در عقب گروهمان های المان در منطقه یلتز مواصلت نمودند مگر با آن هم گروه سیار قوت های گروه ضربه از هم دور بوده و یک خالیگاه تقریباً ۲۰ کیلو مترئی بین ایشان موجود بود، که دشمن میکوشید با استفاده ازین خالیگاه ۲۰ کیلومترئی، قوت های اصلی گروهمان منطقه Yelets خود را عقب کشیده و به استقامت غرب عقب نشینی نماید .

برای جلوگیری از عقب نشینی دشمن، جنرال (کوسکینکو) روسی امر داد تا به سرعت استقامت پیشرفت قول اردوی سواری را، در حالیکه فرقه اول محافظ پیاده به منطقه (لندمال کوف) حرکت نمایند، به طرف شمال غرب تبدیل نمایند .

بدین ترتیب به ۱۲ دسمبر قول اردوی سواری منطقه (روسوشنوی) و (شاتیلوف) را از دشمن متصرف گردیدند درین زمان قرارگاه قول اردوی نمبر ۳۴ جرمن ها که در منطقه (ها تیلوف) بود نیز از بین برده شد. خط آهن بین Yeieto و (اوریل) توسط قوت های روس قطع گردیده و جزو تام های گروه ضربه تحت قومانده جنرال (ماسکولینکو) آخرین راه های عقب نشینی را که به استقامت غرب بدست دشمن بود، از استفاده آن ها خارج نمود و بدین صورت همه سیستم ارتباط های دشمن را که در منطقه Yelet بود از بین بردند .

در ۱۳ دسمبر جزو تام های فرقه اول محافظ پیاده روسی دشمن را از منطقه Lzmarkovo خارج کرده و با قطعات اردوی نمبر ۱۳ در حالیکه قول اردوی سواری، جزو تام های اردوی مذکور به امتداد خط قریجات Lesnyeots و (یولیانوگا) سلاقات نموده بود، خود را به آن ها الحاق گردانید .

قطعات نازی در حالیکه در بین

آزادی

رضائیت وجدان بالاترین سیرت است . « ژول سیعون »
وجدان نماینده تقدس با کدامنی، عفت و قدرت است .
« الکساندر دوما »
وجدان را میچیزد مکن که نفهمد آنچه را که می بیند . « پلوك تار »
کسیکه در هر امری وجدان خود را تبعیت می نماید هیچگاه خسته نشد، و از زندگی ملول و از روزگار متالم نیست .
« باکون »



تابلوی از حرب بین المللی دوم که توسط یکی از لقاشان برای نشان دادن بد بختی های ناشی از جنگ کشته شده است .

(لازماکوف) و (روسوشنوی) تضییق شده و از هم تجرید گردیده بودند، و در شرقی تعرضات جزوتام های فرقه محافظ روس ها را دفع و طرد کرده و در غرب جزوتام های سواری روسی را شدیداً مورد تعرض قرار داده بودند . قوماندانان گروپ سیار قرار دادند ، تا بسرعت هرچه بیشتر ، قول اردوی سواری را که مورد تعرض دشمن قرار گرفته است تقویه نمایند جهت تأمین قرار فوقی قول اردوی مذکور را ، توسط یک فرقه سواری یک غنچه پیاده موتریزه ، و هواوان ها تقویه نمودند . بانقویه این قول اردو ، قوت های روسی در ۱۵ دسمبر ، جزو تام های محاصره شده دشمن را بگروپ های جدا تقسیم و هر گروپ را علیحده علیحده امحا نمودند . قوماندانان قول اردوی ۳۴ جرمن و قوماندانان دیگر آنها ، عساکر و افراد مربوطه خود را ترك داده و با استفاده از طیارات آن جا را ترك نمودند بدین ترتیب حرکات منطقه یلتز در ۱۶ دسمبر خاتمه پذیرفت .

۲ - ختم و نتایج حرکات یلتز .

جهت تفهیم بهتر موضوع و اخذ دروس از نتایج حرکات مذکور می توانیم بطور خلاصه دروس ذیل را از آن استخراج نماییم .

— از طریق حرکات منطقه *yanovku* قطعات جناح راست جبهه جنوب غرب روسو با فعالیت های ماهرانه خود ها اردوی نمبر ۲ جرمن را به شکست قاحش مواجه ساخت .
— قطعات روس دشمن را از منطقه اشغالی آن تقریباً (۸۰ کیلومتری ۱۰۰ کیلومتر عقب رانده و بیش از ۴۰۰ محلات مسکون را با باشندگان آن آزاد نمودند .

خلاصه وقایع مهم مسکری

۱۹۱۴

۷ اگست المانها و ارداهز شدند
۱۶ اگست قوای اعزامی انگلیس در فرانسه پیاده شد .
۲۰ اگست اشغال بروکسل توسط المانها .
۲۳ اگست اعلان حرب جاپان با المان
۲۶ الی ۳۱ اگست قوای المان بقوماندهای فون هیندلبورک قوای روس را در تاتنبرگ شکست داد و ساسولوف قوماندان روسی کشته شد .

۱۹ اکتبر تصرف التورپ بوسیله

آلمان ها

۷ نوامبر تسخیر ساتسینک تا توسط

جاپانها

— در اثر مجاربات شجاعانه قطعات روس در مدت ۶ روز (۱۲-۶) دسمبر ، قوت های المان و حدود (۱۲۰۰۰) صاحب منصب و افراد وهم یک اندازه زیاد مالزمه ، تجهیزات حربی و اسلحه را از دست دادند .

— با مشغول ساختن یک قسمت از نوت های قول اردوی لمر ۲ تانک جرمن ها ، قوت جبهه جنوب غرب روس برای امحای آن ها ، مساعدت خوبی را به قوت های جبهه غربی مهیا نمود .

— حرکات تعرضی منطقه *yeleio* برای روس ها در یک شرایط مشکل در حالیکه انسیا تیف محاربه بدست دشمن که بر علاوه یک تفوق ۲:۱ از نقطه نظر همه انواع اسلحه دارا بود احضار گردیده بود . چنانچه در این مرحله حرب روسی محاربات شدید تدافعی را اجرا و حتی در بعضی قسمت جبهه عقب نشینی مینمود . مگر با همه این مشکلات که بر علیه روس بود ، بان هم به تعرض گذشته و بدون کدام توقف ، گروهمان دشمن را امحا نمودند .

درین حرکات موفقیت بیشتر روس هارمون فعالیت های ناگهالی و حرکات باصقین آنها بود . چنانچه با همه مساعی

جمال مرد فصاحت زبان اوست
 « حضرت محمد ص »
 کسیکه حرف میزند میکارد و
 آنکه میشتود در و میکند .
 « حضرت علی کرم الله وجهه »
 یاسخنی داشته باش دلپذیر بادلی
 داشته باش سخن پذیر .
 « محمد حجازی »
 یا درست حرف بزق باعاقلا له
 سکوت کن « جرج هربرت »
 فراوانی گفتار بهبوده ، از صفت
 شخصیت گو بنده است
 « گوستاو لوهپوان »

گاهی سکوت بیش از تمام حرفها
 مقصود در ایان میکند « مونتسکیو »
 حرف زدن بدون فکر مانند تهر
 الدازی بدون هدف است .
 سخنگوی ما هر کسی است که
 از آراء مطالعه و تفکر و استماع ثروتی
 اندوخته باشد که در هر گفتار او را
 مقتدر سازد .
 « سرو الترסקات »

خلاصه وقایع مهم جنگ

اول در سال ۱۹۱۵

۲۴ جنوری : پیروزی بحریه انگلیس
 در بحیره شمال
 ۱۸ فبروری : محاصره بحری انگلستان
 توسط تحت البحری های آلمان
 ۲۲ اپریل : محاربه آبیبر برای
 اولین بار گاز زهر دار بکار برده شد
 ۴ می : کناره گیری ایتالیا از بیعان
 مثلث
 ۷ می : کشتی لوز پتانیا بوسیله
 تحت البحری های آلمان عرق گردید
 درین واقعه ۱۱۹۸ نفر ازین رفتند
 که ۱۲۴ نفر آنها امریکائی بودند .
 ۱۵ اکتبر : قوای متحدین وارد
 سالونیک شدند .



رسم گذشت یک گروه از متعلمین حرابی بیونمی در جشن استقلال سال گذشته

— با دخول های مؤثرانه و ماهرانه
 قوت های اتحاد شوروی به عقب و عمق قوت
 های دشمن و اجرای ضربه های همزمانی
 به استقامت های مختلف ، دشمن را از
 امکانات استعمال مالنور ، توسط احتیاط
 های شان محروم ساخت .

— یک کرکترستیک مهم این حرکات
 عبارت ازین بود که ، محاصره آلمانی ها
 در حال تعقیب آنها صورت گرفت .
 نتایج مؤتقیه آمیز که درین حرکات
 بدست آمده ، عبارت از اتخاذ تدابیر
 مختلفه و مؤثرانه بیک بهمانه بزرگ و

کنترل ماهرانه قطعات اتحاد شوروی توسط
 قوماندانان مربوطه شان بود که بطور
 شجاعانه و ابتکارانه فعالیت نمودند .
 بدین ترتیب شکست فاحش توت های
 آلمان نازی در منطقه پلنز یکی از موفقیته
 های اولین است که در اثناى تعرضات
 متقابل ماسکو نصیب روس ها گردیده
 است .

با تقدیم چند سطر از خاطرات حرب
 دوم جهان و تحلیل حوادث تاریخ حرب
 ممکن است علاقه هم مسلکان محترم را
 جلب ، و توانسته باشیم ، اسباب خوشی
 شان را فراهم نمائیم ختم

که آلمانی ها بخرچ دادند ، موفق لگر دیدند
 تا تصمیم و قرار قوماندانان اتحاد شوروی
 را به تثبیت ، محل تمرکز قوت های ضربه
 آن را کشف و تدابیر همزمانی متقابل
 را به مقابل شان اخذ نماید .

— احضارات و پلان گذاری انجام
 این حرکات ، در یک مدت نهایت
 کوتاه بصورت مستور و کاملاً دقیقانه
 صورت گرفته بود .

— قوماندان جبهه جنوب غربی روس
 استقامت ضربه اصلی را که مقصد از
 آن وارد آوردن ضربه بجناح گروپمان
 پلنز دشمن و مواصلت در عقب قوت های
 اصلی آن بود ، بصورت صحیح پلان نموده
 بود .

— جهت تامین فائزیت پرسول
 و اسلحه ، در استقامت اصلی پیشرفت و
 تامین فائزیت گروپ سیار توجه عمیق
 بخرچ داده شده بود .

— با همه مشکلات سردی و ضخیم
 بودن طبقه برف که مانع اجرای مالنور
 و حرکت جزوتام ها میگردد ، بسرعت
 وسطی پیشرفت برای جزوتام های سواری
 ۱۲ - ۸ کیلومتر فی ساعت و برای
 جزوتام های پیاده فرقه اول محافظه
 ۱۰ - ۸ کیلومتر فی ساعت بود .

اتم در خدمت بشر



تشیع و نگارش: غلام محمد دگر من مخابره

معنی لغوی اتم :- اتم یک کلمه یونانی است و مفهوم آن «غیر قابل تجزیه» میباشد کلمه اتم برای دفعه اول از طرف عالم یونانی بنام دیمو کراتیس در سنه ۴۶۵ میلادی بالای ذرات خوردترین عنصر که دیگر قابل تجزیه و جدا شدن نباشد نام گذاری شد.

با وجود اینکه تحقیقات علمی امروز ثابت نموده که اتم نیز یک جسم ساده نبوده و بلکه از ذرات خوردتر دیگری ساخته شده و به طریقه های مخصوص می توان آنرا شکستاند ولی با آنهم کلمه اتم به احترام عالم مذکور تغییر نکرده و هم چنین باقی خواهد ماند.

اتم با معنی لغوی کوچک آن امروز منبع اساسی به شرف علم و صنعت عصر حاضر به شمار رفته و نام عصر اتم را به خود گرفته است.

ازینکه مادر عصر اتم زندگی می نمائیم لازم و ضروری است که از خواص و تاثیرات مختلف اتم در ساحه های مختلف زندگی (صحت، زراعت، صنعت، طبابت و وسایط حرایی...) صاحب معلومات جامعی باشیم تحقیقات علمی نشان میدهد که بشر هنوز نه توانسته به همه خواص و تاثیرات معجزالعقول که خداوند در اجزای اتم ارزانی کرده بی برده و از آن استفاده حقیقی را بنماید.

از آن چیزیکه تا حال راجع به تاثیرات اجزای اتم فهمیده شده و مورد استفاده قرار گرفته است ذیلا خلاصه می نمائیم.

- استفاده از اجزای اتم برای حصول و نقل انرژی الکتریکی از محلی به محلی *

- استفاده از اجزای اتم بهیئت اشتراك کننده اساسی در

فعل و انفعالات کیمیاوی
- استفاده از اجزای اتم بهیئت بزرگترین منبع انرژی که بشر تا حال فهمیده

آیا این اجزای اتم کدام هاست؟
هر گامیک اتم را به اندازه یک خانه بزرگ تصور کنیم با بصورت عمومی در این خاله دو چیز را می بینیم.

- در وسط خاله به اندازه یک نقطه سیاه دیده می شود که به نام هسته اتم یاد می شود.

- در اطراف این هسته یک تعداد ذرات خورد دیگری در حال حرکت دیده می شود. تعداد این ذرات مختلف بوده و به مدارهای معین در گردش اند این ذرات را الکترون میگویند.

از مدار اتم برای حصول و نقل انرژی الکتریکی و اشتراك در تعاملات کیمیاوی استفاده می شود و از هسته اتم به طریقه های مختلف استحصال انرژی اتمی می شود.

برای فهمیدن طریقه استحصال انرژی اتمی باید راجع به خود هسته معلومات مکفی داشته باشیم.

ساخته همان هسته اتم :-

برای دفعه اول از طرف عالم شوروی بنام ایوالینکو ثابت گردید که هسته اتم از دو چیز ساخته شده.

- پروتون ذرات دارای چارج مثبت الکتریکی.

- نیوترون ذرات بدون چارج الکتریکی.

پروتون ها و نیوترون ها در هسته اتم گرد هم بحال چسبیده بوده و جدا نمودن آن با تطبیق تاثیرات خارجی از قبیل ضربه حرارت، تجزیه الکتریکی و کیمیاوی غیر ممکن است ولی



صحنه دیگر از رسم گذشت قطعات موتور بزرگ

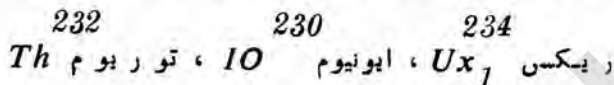
ارد و در سالهای گذشته

تا امروز به تعداد ۱۰۳ عنصر کشف شده یعنی ۱۰۳ اتم درجهان موجود است که فقط یکی از دیگری نظر به تعداد پروتون (نمره اتمی) شان فرق دارند .

حالا نکته بسیار مهم در اینجا است که هرگاه به طریقی از طریقه‌ها بتوانیم یک یا چند پروتون را از هسته خارج کنیم نمره اتمی اتم تغییر می نماید و عنصر اولی خاصیت کیمیاوی اولی خود را از دست داده و صاحب خاصیت جدیدی می شود .
و اگر در تعداد لیوترون هسته اتم یک یا چند آو ترون کم و یا زیاد شود اصل اتم نمره اتمی و خاصیت کیمیاوی خود را حفظ می نماید ولی در وزن اتمی اتم مذکور کمی و یا زیادی رخ میدهد . که در فیزیک هسته وی آنرا بنام ایزوتوپ میگویند .

تعریف ایزوتوپ :- ایزوتوپ کلمه یونانی بوده و بمعنی آن (که دارای خواص مشابه است) میباشد .

هرگاه اتم ها از نقطه نظر خواص کیمیاوی و نمره اتمی عینی بوده ولی از نقطه نظر وزن اتمی (حاصل جمع پروتون و لیوترون) از همدیگر فرق دار باشند به چنین اتم ها ایزوتوپ های همان عنصر گفته می شود مثلا رادیوم که دارای نمره اتمی ۹۰ میباشد دارای شش ایزوتوپ مختلف بنام اوران



رادیوتوریم ${}_{88}^{226}\text{RdTh}$ ، اوران و ای و رادیواکتیو ${}_{88}^{231}\text{Uy}$

${}_{88}^{227}\text{RdAc}$ تمام این عناصر مختلف از نقطه نظر خواص کیمیاوی با هم یکی میباشد ولی وزن اتمی هر کدام شان علیحده است تا امروز علما توانسته اند که در حدود ۱۰۰۰ ایزوتوپ های عناصر مختلف را بصورت مصنوعی بدست بیاورند . این ایزوتوپ ها در جدول مندلیف جای ندارند ولی تاثیرات شگفت آوری که (بعداً تشریح می شود) از آنها به ظهور میرسد اهمیت آنها را خوب تر آشکارا می کند .

ما بیشتر اتم ها را از نقطه نظر تعداد پروتون و تعداد لیوترون گروه بندی نمودیم حالا یک اساس مهم را راجع به این گروه بندی از نظر می گذرانیم .

امروز علما موافق شده اند که به طریقه های (که بعداً تشریح می کردد) مختلف هسته اتم را شکست داده و از اثر آن انرژی حاصله از آن راحت استفاده قرار بدهند . (باشکستن ذرات هسته قوه ارتباط بین دوزره به قسم انرژی ظاهر می شود)
نمره اتمی :- تعداد پروتون های که در یک اتم میباشد

بنام نمره اتمی یاد شده و هر یک از اتم عناصر به ترتیب نمره در جدول مندلیف جای داده شده اند مثلاً هایدروجن که دارای یک پروتون میباشد دارای نمره اتمی واحد بوده در خانه اول موقعیت دارد و اوران که دارای ۹۲ پروتون است نمره اتمی آن ۹۲ بوده و در خانه ۹۲ جدول مندلیف موقعیت دارد .

وزن اتمی :- مجموع پروتون ها و لیوترون های یک اتم بنام وزن اتمی همان عنصر یاد می گردد .

تعداد پروتون ها و لیوترون ها در عناصر به مقدار های مختلف بوده که ذیلاً خلاصه می شود .

— اتم که هیچ لیوترون نداشته و صرف یک پروتون دارد همانند هایدروجن .

— اتم که تعداد پروتون و تعداد لیوترون آنها با هم

مساوی اند مثلاً عنصر نیون ${}_{10}^{20}\text{Ne}$ که دارای ده عدد پروتون و ده عدد لیوترون میباشد .

— اتم که تعداد پروتون آن نسبت به لیوترون اضافه میباشد

مثلاً در ایزوتوپ آکسیجن ${}_{8}^{14}\text{O}$ تعداد پروتون ۸ و تعداد لیوترون آن ۶ عدد میباشد .

— اتم که تعداد پروتون آن نسبت به لیوترون کمتر

مثلاً رادیوم ${}_{88}^{130}\text{Rh}$ که دارای ۸۵ پروتون و ۵۸ لیوترون میباشد .



→ این هم صحنه از رسم گذشت سال گذشته



منظره دیگری از رسم گذشت



شعاع که در اثر تغییر (شکستن) هسته پیدا می شود :

علماء در اثر تجرب به های زیاد متیقن گردیده اند اتم عناصر بیکه بصورت طبیعی و یا مصنوعی مجبور به تغییر شکل می شود از آنها اغلباً سه قسم شعاع انتشار می نماید. اسماء این شعاع ها به ترتیب الفبای یونانی بنام الفاء، بیتا و گامایاد می شود .

چون در انفجارات بم اتمی و هایدروجنی شعاع های از آن خارج شده و بالای اشیای ماحول خود تاثیر می کند لذا طور مفصل راجع به خواص این ها ذیلاً می نیکارم .

خواص شعاع الفاء - بعد از تجربه های زیاد بیکه در قسمت شعاع الفاء از طرف علما شده با نتیجه دوفقر عالم ریزر فوردر و سودی الفارا چنین تعریف نموده اند .

- شعاع الفاء عبارت از هسته اتم هلیوم میباشد که دوعدد الکترون خود را از دست داده و بحال چارج مثبت درآمده میباشد (اتوم هلیوم دارای دوعدد پروتون دوعدد لیوترون

4

دوعدد الکترون است فورمول کیمیاوی آن He_2^+ است)

یعنی شعاع الفاء از دوعدد پروتون و دوعدد نیوترون ساخته شده است .

- این شعاع ها گذشتن از طبقه هوا ذرات طبقه هوا را بحال ایونائیز می نماید (آئرا بحال حادی برق می آورد . (ایون-عبارت از اتم است که از مدار خود بیکه یا چند الکترون را از دست داده و با آئرا به خود میگیرد در صورت اول ایون دارای چارج مثبت و در صورت دوم ایون حاصل شده دارای چارج منفی میگردد و در هر دو حالت ایون ساخته شده جریان برق را از بالای خود میگذرانند) .

- از اثر تدقیقات معلوم شده که بیکه ذره شعاع الفاء قادر است که ۲۰۰۰۰۰ جوره ایون را از طبقه هوا بوجود آورد از این معلوم است که انرژی شعاع الفاء بسیار قوی بوده و طور تخمین مساوی است به ۶ ملیون الکترون ولت (برای حصول چنین انرژی الکترون باید در بیکه ساحه الکترونیکی که فرق پوتانسیل آن ۶ ملیون ولت باشد حرکت کند) .

اتم های که به اساس جدول مندلیف دارای اوزان اتمی معین میباشند آنها را اتم های عناصر مستحکم میگویند یعنی چنین اتم ها پروتون و لیوترون داخل هسته را از دست نمیدهند خصوصاً اتم های که تعداد پروتون شان مساوی تعداد لیوترون باشد ولی اتم های که در مقدار پروتون و لیوترون شان اضافه گی موجود باشد تحت تاثیر خارجی یا پروتون و لیوترون شان را از دست میدهند که به چنین اتم ها اتم های غیر مستحکم نام داده می شود .

اتم های غیر مستحکم با خود به خود و یا اینکه به اثر تاثیرات خارجی پروتون و لیوترون هسته را از دست میدهند و با نتیجه عنصر جدیدی را بوجود می آورند بطور مثال هر گاه بیکه اتم عدد پروتون خود را از دست بدهد در نمره اتمی اتم مذکور بیکه واحد کم شده و گویا بیکه خانه بیشتر از اصل خود در جدول مندلیف جاه میگیرد و هر گاه لیوترون خود را از دست بدهد دو حالت به ظهور میرسد .

۱- اگر لیوترون به پروتون تبدیل شود (راجع به این حادثه بعد تریان می شود) در آن صورت در نمره اتمی عنصر اولی بیکه واحد اضافه شده و عنصر جدید تشکیل بیکه خانه بعد تر از اصل خود در جدول مندلیف جاه میگیرد .

۲- اگر لیوترون از هسته اتم پرواز کند در آن صورت نمره اتمی عنصر اولی به جاه مانده وزن اتمی آن تغییر می نماید (یعنی ایزوتوپ عنصر اولی را به میدان می آورد) .

لکنه اساسی در گفتار فوق این است که با تغییر نمودن حالت پروتون و لیوترون از بیکه طرف اتم می شکند (تغیر شکل میدهد) و از طرف دیگر از خود شعاعات خطرناک و انرژی ضروری را ظاهر می سازد .

آیا این شعاعات چه بوده؟ کدام خواص دارند؟ تاثیرات آن بالای ذره و غیر ذره و روح چطور است؟ و از انرژی ضروری آن چطور استفاده می شود مسئله است که تشریح مکمل آن را علم مستقلی بنام فیزیک هسته وی بیان می نماید .

ما در بحث خود از تاثیرات و خواص های بسیار اساسی و مهم آنها تا آلبی که گنجایش طبع باشد بیان می کنیم .

خواص شعاع بیتا: - این شعاع نیز در زمان تغییر هسته یک عنصر به عنصر دیگر از هسته عنصر اولی بخارج التشار می نماید خواص عمومی آن :

- شعاع بیتا دارای ذرات میباشد که چارج آن منفی و یا مثبت میباشد و وزن آن برابر با وزن الکترون است یعنی گفته میتوانیم که شعاع بیتا عبارت از ظاهر شدن الکترون از هسته اتم می باشد .

- شعاع بیتا تحت تاثیر ساحه مقناطیسی استقامت حرکت خود را اضافه تر از شعاع الفا و همچنین برعکس استقامت انحراف شعاع الفا تغییر میدهد .

- شعاع بیتا بسیار کم از طرف اشیاء خارجی جذب شده و حتی از لوحه آلومینوم به ضخامت دارای چند ملی متر نیز میگذرد .
- شعاع بیتا نیز به مانند شعاع الفا طبقه هوا را بحال ایونائیزی می آورد اما شدت آن تقریباً به اندازه ۱۰۰ چند کمتر است .

- بالای وجود انسان تاثیر نموده و خطر آن نسبت بشعاع الفا زیادتر میباشد .

- تکه های ضخیم میتواند که انسان را از تاثیر شعاع بیتا نگاهدارد .

- در زمانیکه در داخل هسته اتم نیوترون به پروتون تبدیل میگردد در عین حال از هسته الکترون و لیو ترینه خارج می شود این الکترون خ صیت شعاع را دارا میباشد که عبارت از شعاع بیتا میباشد فورمول آن $n \rightarrow p + \beta^- + \bar{\nu}$
- همچنین در بعضی حالات هسته اتم یک الکترون را از مدار اول خود جذب می نماید در درین حال پروتون به لیوترون تبدیل می شود لمره اتمی بالذاته یک واحد کم شده به علاوه شعاع بیتا از عملیه مذکور شعاع رلنگن و شعاع گاما نیز پیدا می شود .

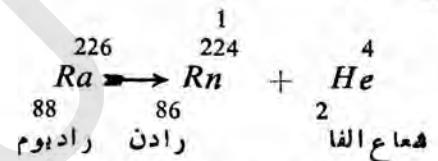
- در زمان که در داخل هسته پروتون به نیوترون تبدیل می شود از عملیه مذکور پروتیزون و لیو ترینه خارج میشود که بقسم شعاع بیتا ظاهر میشود . فورمول آن $p \rightarrow n + \beta^+ + \nu$
- به اثر انتشار اشعاع بیتا چارج هسته اتم تغییر می نماید ولی

- شعاع الفا با سرعت تقریبی ۲۵۰۰ کیلو متر درقی ثانیه سرعت داشته و به اثر تماس با سالنها و قوای جانداژ در آنها نفوذ نموده و سلول هارا تخریب می نماید . هر گاه اندازه آن در وجود انسان ۶۰۰-۵۰۰ دوز رینتگن باشد سبب مرگ می شود .

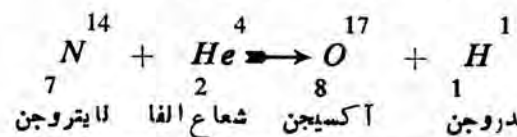
- شعاع الفا می تواند از طبقه هوا که ضخامت آن تا ۷ سانتی متر باشد بگذرد ولی از طرف تکه های نازک و ورق های کاغذی جذب شده و از آن گذشته نمیتواند که به این حساب با داشتن لباس مخصوص از تاثیر آن جلوگیری می توان کرد .

- ذرات شعاع الفا که در یک ثانیه از یک گرم رادیوم خارج می شود بالذاته $3.7 \cdot 10^{10}$ (۳۷ میلیارد) ذره میباشد .

- زمانیکه یک عنصر که میاوی از خود شعاع الفا را خارج می نماید در عین حال عنصر مذکور به عنصر جدید دیگری تبدیل می شود که لمره اتمی آن به اندازه دو واحد از عنصر اولی و وزن اتمی آن به اندازه چهار واحد (بالذاته وزن هسته وی شعاع الفا) کمتر از ذرات شعاع الفا می باشد بطور مثال .



- علما ثابت نموده اند که می توان هسته اتم را بواسطه شعاع الفا شکستاد و در عین حال عناصر زیادی که در اثر تغییر خاصیت کیمیاوی شان (تبدیل به عنصر دیگر) از هسته اتم خود شعاع الفارا التشار میدهند سهم ترن شان اوران I اوران II ایولیم ، رادیوم ، رادون ، رادیوم A ، پولولیم ، توریم ، رادبو توریم ، توریم X ، پروتکتینیوم و غیره میباشد بطور مثال با تطبیق شعاع الفا به هسته نایترجن ، هسته نایترجن به ایزوتوپ آکسیجن و گاز هایدروجن تبدیل می شود .



رسم گذشت متعلمین عسکری
در سال گذشته



صحنه ای از رسم گذشت تانک

وزن اتمی تغییر نمیکنند باین معنی که:
الف :- هرگاه ذرات شعاع بیتا دارای چارج مثبت باشد در آن صورت لمره اتمی به اندازه یک واحد کمتر از لمره اتمی اصلی خود ظاهر شده و عنصر مذکور در خانه جدول مندلیف یک خاله بعد تر را بخود میگیرد مثلاً اگر عنصر اول که شعاع بیتا را نشر میکرد دارای لمره اتمی ۹۰ و درعلاوه آن عنصر دیگری ساخته شده که لمره اتمی آن ۹۱ است

ب :- هرگاه ذرات شعاع بیتا دارای چارج منفی باشد در آن حال لمره اتمی عنصر اولی یک لمره کمتر را به خود میگیرد در مثال فوق عنصر یک لمره اتمی ۹۰ بود فعلا به عنصر تبدیل می شود که لمره آن ۸۹ است.
- انرژی که در اثر انتشار شعاع بیتا از جسم انتشار دهنده ظاهر می شود بین ذرات شعاع بیتا و نیوترون تقسیم می شود از این سبب انرژی شعاع بیتا متحول بوده بین صفر و اعظمی می باشد .

- شعاع بیتا که دارای ذرات (الکترون منفی یا مثبت) میباشد تا زمان در قضا ماحول عنصر انتشار دهنده موجود میباشد که ذرات مذکور از طرف کدام اتم عنصر دیگر و یا هسته اتم مذکور جذب نشود .

- قدرت نفوذ شعاع بیتا در اجسام تابع انرژی آن است هرگاه انرژی آن قرصاً ۳ ملیون الکترون ولت باشد قدرت نفوذ آن در هوا با اندازه ۱۴ متر در آب ۱۲ متر و در آلومینوم ۴ میلی متر میباشد .

خواص شعاع گاما :- در اصل حقیقت شعاع الفا و بیتا در اغلب اوقات به قسم امواج الکترومقناطیسی دارای فریکانس کوی تا بصورت یکجائی در قضا انتشار می یابد که بنام شعاع گاما یاد میگردد .

این شعاع به قسم شعاع آفتاب بحال حزمه دارای انرژی زیاد انتشار می یابد که .

انرژی شعاع گاما در حدود ۲۰ کیلو الکترون ولت و بلندتر

از آن میباشد .

- قوه نفوذ آن در اشیا نسبت به شعاع الفا و بتا بسیار زیاد است . و بدون اینکه قوه انرژی آن ضعیف شود به صدها متر در داخل هوا نفوذ می نماید .

- قوه نفوذ شعاع گاما در اشیا تابع انرژی آن میباشد مثلاً اگر شعاع گاما دارای انرژی ۱ ملیون الکترون ولت باشد آهن که ضخامت آن ۷ سانتی متر و دیوار بتون به اندازه ۲۵ سانتی و دیوار سنگی با اندازه ۳۰-۳۵ سانتی باشد قوه آنرا ضرب نموده چند کم کرده می تواند .

- برای محافظه از تاثیرات شعاع الفا و بتا از مواد عادی استفاده می شود در حالیکه برای محافظه از تاثیر شعاع گاما ساختمان مخصوص الجنیری لازم است .

- شعاع گاما طبقات هوا را نسبت به شعاع بیتا کمتر بحال نیولائی می آورد (قوه آن کم است) اصل شعاع نسبت خشی بودن عمل ایونائیزر را دارد ولی با سرعت که دارد الکترون های اتمها

را از مدار آن خارج میکنند و اتم را بحال ایون می‌آورد .
— بالای ذیروح تاثیر آن بسیار زیاد است زیرا قوه نفوذ آن بسیار زیاد بوده و انسان نمیتواند به لباس عادی خود را از آن نکهدا رد .

— ذرات شعاع گاما از نقطه نظر الکتریکی بحال خنثی بوده و سرعت آن فی ثانیه ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر است .

— چارج هسته اتم در اثر انتشار شعاع گاما تغییر نمیکند و بحال سابق خود باقی می‌ماند .

— به اثر انتشار شعاع گاما و برخورد آن به اتم‌های هم جوار سه طریق ذیل صورت میگیرد .

۱- اگر انرژی شعاع گاما کم باشد در آن صورت شعاع گاما در یکی از مدار الکترون اتم جذب میشود و در اثر آزاد الکترون همان مدار اتم را خارج می‌نماید . این قسم تاثیر فوتو الکتریک می‌گویند .

۲- باز یاد بودن انرژی با برخورد به الکترون اتم‌های هم جوار یک قسمت از انرژی خود را به الکترون داده آنرا از مدار خارج می‌کند و خود شعاع نیز استقامت حرکت خود را که اول داشت تغییر میدهد .

۳- هرگاه انرژی شعاع گاما بسیار زیاد باشد از مدار اتم نفوذ کرده و با هسته برخورد می‌کند در اثر آن یک جوره الکترون را (یکی دارای چارج منفی و دیگری دارای چارج مثبت (یعنی پوزیترون)) خارج می‌نماید .

این بود شمه از خواص سه قسم شعاع که از مواد رادیواکتیف (موادیکه از خود شعاع خارج می‌نماید) بوجود می‌آید . تاثیرات خطرناک این شعاع بالای انسانها و مواد ارتزاقیه در زمان انفجارات بم اتمی و هایدروجنی به تفصیل تمام تر بیان خواهد شد .

البته بسیار مناسب خواهد بود تا قبل از تشریح شکستن اتم و تفصیلات راجع به فعالیت فیزیکی بم اتم و هایدروجن بعضاً اصطلاحات که چه فوقاً از آن نام برده و چه بعداً به آن برخوراعیم خورد تعریف مختصر نمائیم زیرا در عکس حال با برخورد به این اصطلاحات سوال پیدا می‌شود که آیا همین اصطلاح چه معنی دارد؟ و اگر در عین موقع اصطلاح مذکور را تشریح کنیم کیفیت اصل موضوع از بین میرود .

— الکترون : ذرات یک اتم که به دور هسته اتم در حال گردش میباشد و داری چارج منفی است قطر الکترون ۱۲-۱۰-۲۲

— پروتون : ذرات اتم که در هسته اتم قرار داشته و دارای چارج مثبت است تعداد آن مساوی به تعداد الکترون های اتم است بزرگی نسبت به الکترون ۱۸۵۰ مرتبه است — نیوترون : ذرات اتم که در هسته اتم قرار داشته

و دارای چارج الکتر یکی نمیباشد .

— نمره اتمی : تعداد پروتون های یک اتم را بنام نمره اتمی یاد می‌کنند . اتم‌ها نظر به نمره اتمی در جدول مندلیف جاه دارند .

— وزن اتمی : مجموع تعداد پروتون و نیوترون یک اتم را بنام وزن اتمی یاد می‌کنند .

— ایزوتوپ : هرگاه در اتم‌ها نمره اتمی شان عینی بوده (خواص کیمیاوی شان باهم مشابه بوده) ولی وزن اتمی شان

آزادی



ملتی که پرچمهایش بانیری (استقلال) و (آزادی)

به اهتزاز در آید هرگز از بین نخواهد رفت . (ناپلئون)

کسائیکه مخالف آزادی دیگرانند خود لیاقت آزادی را ندارند . (لینکلن)

کسیکه حفظ جان را مقدم بر آزادی بداند لیاقت آزادی را ندارد : (فرانکلین)

انسان میتواند هم آزاد باشد و هم مطیع قانون ، زیرا قانون فقط اعلام اراده افراد است . (ژان - ژاک - روسو)

آزادی متعلق بیک نفر نیست ، مال همه است . (هربرت اسپنسر)

انسان در همان لحظه که تصمیم میگیرد آزاد باشد آزاد است . (ولتر)

آزادی حقیقی آن نیست که هر چه میل داریم انجام بدهیم بلکه آن است که آنچه را حق داریم بکنیم . (ویکتور گوزن)

برای بهره مند شدن از مزایای آزادی باید در برابر دشمنانش پایداری کرد . . . (گینرو)

تمام کشمکش ها و تحمل آلام و مشقات السالی درین دنیا برای آزادی است . (کارایل)

آزادی از قوانین طبیعت ناشی میشود زیرا انسان بطور آزاد دنیا آمده و باید آزاد زندگی کند . (شاتوبریان)

است. میزون به چند گروه جدا شده. معنی لغوی آن (وسطی) است.

۱- آنکه دارای چارج مثبت و منفی میباشد بنام هی میزون کتله آن ۲۷۶ چند کتله الکترون $17\frac{2}{3}$

۲- آنکه بحال خنثی میباشد بنام π^0

۳- آنکه دارای چارج مثبت و منفی میباشد بنام M میزون کتله آن ۲۱۲ چند کتله الکترون است میزون در اثر بمبارد شعاع الفا که دارای سرعت ۳ میلیون الکترون ولت باشد به هسته کربن، اوران، مس، بیرویلوم وجود می آید در اثر ظهور میزون چندین ذره از هسته جدا شده و گویا هسته تخریب می شود و میزون حاصل شده از هسته به ذات خود بکس مواد

رادیواکتیف میباشد عمر زندگی میزون $3 \cdot 10^{-14}$ ثانیه میباشد. - نیوترینه: از نقطه نظر چارج خنثی بوده کتله آن از

$\frac{1}{1000}$ کتله الکترون زیاد نمیشود. نیوترینه در زمان

التشاع شعاع بیتا از هسته ظهور می نماید. (دراثر تغییر پروتون به نیوترون و بالعکس آن).

- الکترون ولت: واحد اندازه گیری انرژی است یک

الکترون ولت مساوی بمقدار انرژی است که الکترون تحت تاثیر ساحه الکتریکی دارای فرق پتانسیل یک ولت دارا میباشد

یک الکترون ولت مساوی است به $1,69 \cdot 10^{-12}$ ارگ

یک کیلو الکترون ولت مساوی است به $1,59 \cdot 10^9$ ارگ

یک میگا الکترون ولت مساوی است به $1,59 \cdot 10^6$ ارگ

- نوکلون: عبارت از دوزره هسته (پروتون و نیوترون) را نوکلون میگویند.

فرق دار باشد بنام ایزوتوپ یاد می شود. معنی لغوی آن (که دارای عین خواص باشد) است.

- هسته اتم: که در مرکز اتم قرار داشته و از دو چیز بوجود آمده (پروتون و نیوترون)

- ایون: هرگاه یک اتم از یکی از مدار الکترون ها یک و یا چند الکترون را از دست بدهد و یا بگیرد در آن وقت کلمه اتم را از آن حذف و نام ایون را بدان میگویند.

- ایون مثبت: آن که از مدار اتم الکترون را از دست داده باشد

- ایون منفی: آن که اتم در مدار خود یک یا چند الکترون را از خارج گرفته باشد.

- مدار اتم: هر اتم در اطراف خود در مسافتات معین

الکترون هارا نگهداشته این الکترون ها همیشه در اطراف

هسته بحال گردش میباشد که خط السیر الکترون هارا مدار

اتم میگویند. اتم ها دارای چندین مدار الکترونی میباشد که

اعتبار از مدار نزدیک ترین هسته بطرف خارج به نام مدار K مدار L مدار M مدار N مدار O و مدار P یاد می شود.

- پوزیترون: آن که کتله آن مساوی به کتله الکترون

میشود (گرام $1,6 \cdot 10^{-82}$) ولی چارج الکتریکی مثبت را دارا میباشد موجودیت آن در زمان انتشار شعاع بیتا ظهور می کند

مدت موجودیت آن 10^{-7} ثانیه (۰/۰۰۰۰۰۰۰۰) بیش نیست پوزیترون در اثر تغییر هسته اتم از شکلی به شکلی بعیدان می آید.

- میزون: کتله آن بن کتله پروتون و الکترون میباشد (یعنی کتله آن به اندازه ۲۰۰:۱۰۰ مرتبه بزرگتر از الکترون

آزادی از نگاه بزرگان

ملتی که آزادیش غصب شده هر قدر در ثروت و رفاه غوطه ور باشد از نظر بشریت ، باندازه يك «پای دومغازه» ارزش ندارد . (اتا تورک)

السان آزاد همواره خوشبختی خود را در حفظ استقلال و حریت مبداند . (افغانی)

من آزادی را بهر شکلی که باشد دوست میدارم لیکن آزادی همگانی را . (ناپلئون)

مردم را باید برای حفظ آزادی تعلیم داد . (کارلو)

تا همه آزاد نباشند انسان آزاد نیست . (مئل فرانسوی)

مرغ حتی در قفس زرین هم باشد اسپروغمگین است . (ضرب المثلی بلغاری)

پرواز په اتو بجو شروع شوه کښک
 قوماندان جگړن نیکولایف لپری او د
 کښک اور پیلوتان واربه وار ورهسی
 والوتله هوایی جگړو د تعریفی الوتنو
 غځه لاسی ته راغلل مگر بریدمن سدوف
 دلایستی په وخت که خپلی پښی (عرا دی)
 هیري کړي وي کله چه هوایی څکرته
 مخامخ راروان وو. دالوتنی قوماندان
 لاغایه ورته متوجه شوه او ورته ئی
 ویل ۳-۲: مه گښنه، گښنه دوهم
 دورته ولاړ شه!

بریدمن سدوف په اوله کښی ونه
 پوهید وروسته چه د عرادو پوښنه
 ورته وشوه وئی لیده چه د مرادوسویچ
 پورته او سره چراغونه روښانه دي او *

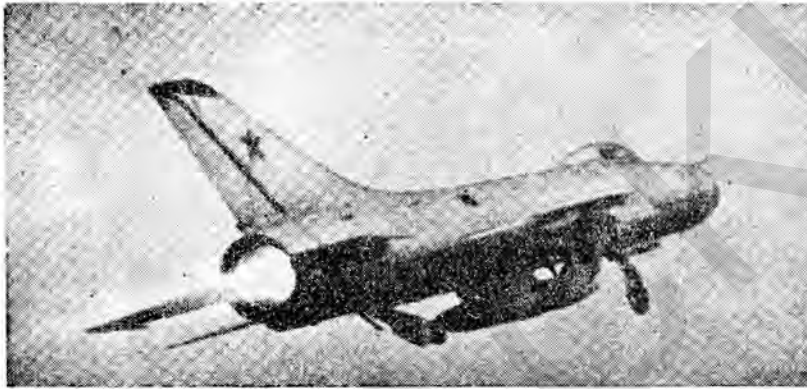
پیلوتان د محو الو پیلو تالو سره یوې
 غولې ته را وبلل چه پدی ډله کښی
 ذخارسارو کین دشوروي اتحاد لامتو
 پیلوت قصه ډیره په زړه پوري وه .
 دتورن سارو کین د جگړو مارو دالوتنو
 یوه لنډه قصه په دوهمه جهانی جگړه
 کښی زموږ د ښکاري الو تکو گروپ
 دتورن کوخارنکو په لاریوله والوتلوزه
 دهغه دوزره غړي وم لپر غه وروسته
 د دشمن ښکاري الوتکی راښکاره شوي
 تورن خارلکو په لپري پرغل کښی یوه
 لازي الوتکه را وغورغولئ او دشمن
 بله ښکاري الوتکه ساته مخامخ معلومه
 شوه ماشینکښی ته می گوته ور وره
 او ورسته می د دښمن الوتکه په سرو

راته وویل پدی غو ورغو کښی موږ
 دري پلوتان دلایسه ورکړل او ددوي
 غلطی هم ستا په شان دخپلی اصلی وظیفی
 پریشول وو. زه د پورتنی بی دسپلینی
 له اسله چه هوایی جگړه کښی می کړی
 وه ډیري جزا وي ولیدلی ددی جزا په
 لید و سره ئی ټول هوایی مقررات و
 دسپلین ته ټینگه پاملرله کولو خوا نو
 پیلوت او په ډیر دقت سره دشوروی اتحاد
 قهرمان پیلوت قصی ته غوږولئ نیولی
 وو دغه قهرمان د دښمن سره هوایی
 جگړی و کړی کله چه دی په یوه هوایی
 جگړه کښی ووپشتل شولاس او پښی ئی
 زخمی شوی فیصله ئی وکړه چه الوتکه
 په یوه یخ نیولی ډله کښی کښته کړی

د هوایی

د سپلین

ژباړه: سید سلطان محمد جکتورن پیلوت



کته بی پښو لاسی ئی ډیر خطر درلود .

دالوتنی وروسته د کښک قوماندان
 بریدمن سدوف سره د غلطی په باره کښی
 مذاکره او جزائی ورکړه . دالوتنی
 مقررات په اوښانه کرښو کی داستادو
 هر مخ لیکل شوي دي پیلوتان پدی ښه
 پوهیږي چه ددغو قوانینو تطبیق او کلک
 نظارت دالوتنی د امنیت ضمانت کوي
 دهوایی مقرراتیله تطبیق ول او دالوتنی
 د دسپلین غځه غاړه غړول په تعلیمی او
 هوایی جگړو کښی د ناگواره حوادثو سبب
 گرځیدلی شی .

د کښک قوماندان سر ډیره په پورتنیو
 درسی او تمرینی فعالیتونو د پیلو تالو
 دزباتی پاملرنی دپاره ددوهمی جهالی
 جگړی ډیر تجرب په لرونکی قهرمان

لمبو کی دلوید وپه حال کښی ولیدله
 بیرته راوگرځیدم پدی وخت کښی می
 دخپل گروپ مشر غږ واورید .

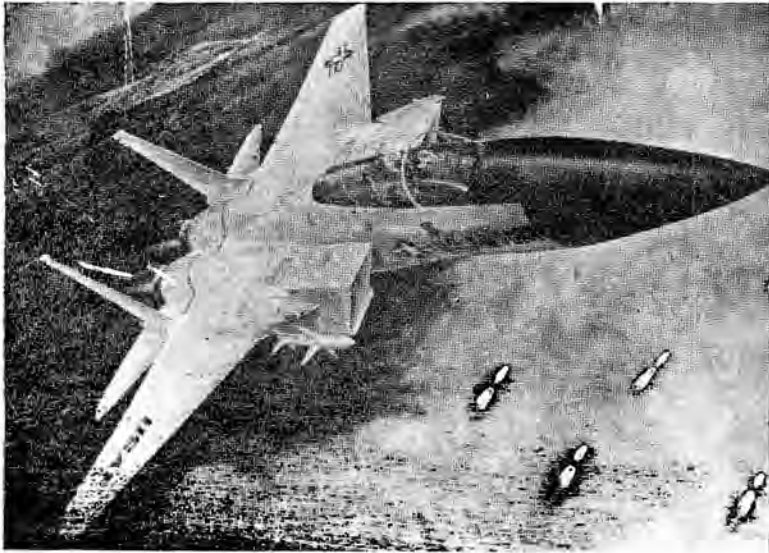
کامه (۷) ، کامه (۷) چه پری ئی! زه دی
 ولی یواځی پریشی یم په ډیر ډیره سره می
 پیدا کړه او ورسره یوځای شوم کله چه
 روغ رمت کښته شو و قوماندان می په
 ډیر غصه او غضب او امرانه آواز راته
 وویل په جگړه کی چه پری وي!

ماورته نجواب ورکړ چه ما یوه مشر
 سمیت آلو تکه راوغورغولوه خوش تاطالع
 وي او کنه وضعیت ډیر خراب و، غځکه
 چه تا اصلی وظیفه چه دگروپ ساتنه وه
 پریشی و .

دري غلور ورځی وروسته بیا د
 تعلیمی قوماندان وغوښتل په تریوتندی ئی

او غورځی ئی په خورا تکلیف ځان د کوره
 پوری راورسا وه ډاکتر دده ډیره ښه
 پرستاری وکړه مگر سره د دی ئی هم
 ونه کولای شول چه پښی ئی د پری
 کیدلو څخه و ژغوری اولدی کښله
 د پرواز غځه محروم کړ .

مگر بریدمن سارو کین دساتی سپری
 نه وه . د خپل هیواد سره ئی ډیره مینه
 درلوده او د دښمن ئی خورا زښته و .
 فیصله ی وکړه په هر صورت چه کښی
 باید بیا پرواز شروع کړی خپلی اصلی
 قطعی ته راغی بیانی پروازو غوښت کله
 چه دالوتلو اجازه ورکړه شوه له ډیر
 زیار، غځه ئی وروسته ددی قدرت
 و موند چه دالوتکی باید لونه په خپلو
 مصنوعی پښو اداره کړی



دایری یوه عصری الوتکه چه هوائی ډیر سخت د سپین غباری

سا روکین د ډبرو ربرنو سره سره خپلوالوتنوته دوام ورکړ او د دښمن (۱۲) نوری ښکاری الوتکې ئی په هوای جگړو کښی راوغوو محولی دی دنورو محوالو پیلوتانو دپاره د مثال نموله او پوتکره باد سهلینه پیلوت وه .

دده قصه دوهمی جها لی جگړی په وخت کښی وه مگر لن ورځ د سپین دپخواه ډبرزبات ارزښت اود توجه ور دی لکه د الوتنی تخنیکي آلات زیات وسلی ئی پوچلی . گر لد یتوب دبربښنا په عمر چټکه ښوی دی پدی لحاظ د الوتکو په کاراچول اود هغوی سو قول د هوائی

جگړو دپاره ډیر ربرونه راو لار کړی دی لویا ئی چه پیلوتان هوائی د سپین دپخوا له اوس ډیر ډیر مراعات او د جگړی په وخت کی د لښو د حساسه وینیلو دپاره زبات فکری تمرکز ته پاملرله وکړی په تا کلی وخت کی د قو ماندو اجرا کول او د قوا لینو تطبیقول د هر پیلوت ستره ابعالی او وجد نیی وظیفه گڼل کېږی هغه پیلوتان چه په لکه او هوا کښی د سپین له غاړه غړوی اکثر وژونکی خطرو نه پښوی غنی قانون شکنه ، مغروره ، خود خوا پلوتان شته چه خپل زړه ورتوب زمریتوب او پوهه

خلقوته د نظاره په بڼه کی ورښی د هوائی اډی له لری ډیر تېږی غنی لامعوه له حرکات اجرا کوی چه د اراز پیلوتان نه یوازی د خان دپاره وژونکی خطرونه راپاروی بلکه دنورو د سرگردانی سبب هم گرځی د هوائی قوالینو له مراعاتول د هوائی جگړ ماری مهمات سره مطلق تو ډیر نری .

د سپین په جگړه کښی د بریالیتوب ضمانت کوی او ضمناً د پرواز د گروپ وارخطائی دمننه وری اود جگړی په وخت کی داموقع ور کوی چه د آلاتو دقیقه لمانځنه د تکنیک ابرو دینا میکک اود هوائی جگړو پرنسیپو له په خاطر

را وړی او د هغوی له عملاً استفاده وکړی . د ټولو زیاته سهمه دا چه په کروپ الوتنو کی عمومی هدف ډیر ژر د منځه تللی شی . د هوائی جگړو عصری غبرای د اثابته کړی ده چه تنی جگړی په لمانکړی صورت بی اغېزی دی لولکه د هوائی د سپین مراعات د هوائی قدرتولو د مجموعی استعمال دپاره ستر ارزښت لری . د دغو قوانینو په سیوری کی قدرتونو د لمانکړی شکل نه په ټوله نیز شکل استعمالیږی .

هغه وظیفه چه دیو پیلوت له خوا په لمانکړی شکل اجرا کیږی ښا ئی چه دا وپراسیون د فعالیت یوه تا کلی برخه وی ددی کبله چه یو پیلوت خپله وظیفه په بشپړ توگه سرته ورسوی مجبوره ده چه د یو فعال تیم په سرسته خپله الوتنه پای ته ورسوی مثلاً که چه ری یو ښکاری پیلوت ته د دفع طرد وظیفه ورکوه له کیږی دی دغه وظیفه یواځی لشی اجرا کولای بلکه ممکنشی عملی مرستی ته اړتیا لری لکه د دښمن د الوتکو د دفع و طرد ماموریت هلته په بریالیتوب سرته رسیږی چه په دقیقه توگه د کنترولی مقاما تو ا سرواله دوخت په ډیر لږ لمانځندو کښی

تر اجرا لاندی ونیسی .
فرضاً د پیلوت نه دهغه وخت تا کل چه را دیواستشن غځه مخ په ډگر را کشته کېږی هیر ، کم ، او یا زیاته شی ولو که غوځائی هم وی د یره غټه غلطی کول کېږی چه د دی غلطی په دوام کی د خان اولورو الوتکو دپاره چه په نورمالو کورسونو راروالی وی په ډیر وژونکی خطرونه منځ ته راوړی د پرواز قوماندان چه د هوائی ټکرولو مسئولیت په غاړه لری د سرگردانی سبب گرځی نو لکه د کندک قوماندان لری غلطی او بی د سپین هم له زغمی پدی چه لری غلطی وژونکی خطر ونه د خان سره لری د کنترولی دستگاه ، قوماندان لپاره دا ډیر مشکله ده چه د الوتکو ټول حربی حرکات او خط السیر و لوڅار له په هوائی کښی وکړی لولدی امله د پیلوت لمانځی د سپین ډیر ارزښت لری د پرواز امنیت او بی خطری نه یواځی د پلوت په قدرت ، لیاقت او پوهه پوری اړه لری بلکه دده ایما لداری راستی د وظیفی پیژندنی مورال حس اود ټولو هوائی مقرراتو پوهیدل او تطبیقولو پوری مربوطه دی .

ما - اطفال ما



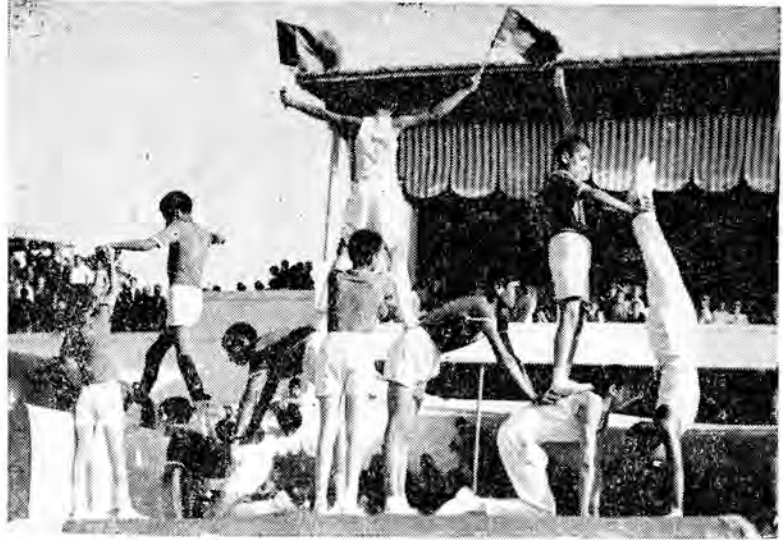
روز هشتم سنبله مصادف با روز طفل میباشد. کودکان فرزندان امروز جوانان فردا و مردان سازندهٔ اجتماعی استند که همه امور عسکری و ملکی نظام دولتی بایشان سپرده میشود.

این نوباوگان که اکنون بنام کودک با افتخار ایشان، بخاطر تجلیل از مقام طفولیتشان جشن گرفته میشود شخصیت‌های پوشیده استند که در اثر تربیت صحیح، تعلیم درست و مراقبت از صحتشان بزرگترین موقعیت‌های اداری و علمی را حایز میشوند و تاریخ نامشان را با افتخار با خلاق خواهد سپرد. همه کسانی که ما با غرور و شکوه، کارنامه‌های قهرمانی‌شان را میخوانیم، همه کسانی که اوراق تاریخ ما را با خون خود، با فداکاریهای خود و با تلاش و سعی خود رنگین و زرین ساختند روزی کودکی بیش نبودند، پس هر طفل و لو هر قدر کوچک باشد صاحب شخصیتی است که اگر خوب پرورانده شود عضو مؤثر و مفید جامعه خود خواهد شد و حتی شاید روزی بتواند جامعه را در جهت بهتر و برتر رهبری کند.

قوماندهان بزرگ امروز کودکان دیروز بودند و بسیاری از کودکانی که فردا قوماندهان بزرگ وطن خود خواهند شد ما باید آوری از روز طفل، امید و اریم بتوانیم کودکان را پرورش دهیم که باعث افتخار ما گردند چه نباید فراموش کنیم که امکان دارد در اثر تربیت غلط و عدم مراقبت همین اطفال معصوم روزی منحرف شوند و در عوض آنکه سازندهٔ اجتماع خود گردند در تباهی جامعه بعنوان مردان

لا اهل سوق گردند، جنایت کاران، منحرفین و مردان نادرست جامعه هم روزی طفل بیگناه و معصومی بیش نبودند که در اثر غفلت والدین براهی افتادند که بشریت آنها را مطرب نمیشمارد برای همینست که جامعه بشریت به وجود کودکان اهمیت مهمی قایل گردند و روانشناسی کودک، بخش بزرگی در راه کنجکاوی ذهن و اندیشه‌های پوشیده اطفال شمرده میشود، جوامع بین المللی با احترام بکودک همراه با تدوین حقوق بشر

بشر بهره بگیرد از والدین اطفال ، مردوزن ، مقامات و حکومت و تمام سازمان‌های مربوط خواهش می‌نماید تا این حقوق را بر سهیت شناخته در تطبیق آن جدیت بخرج داده اصول آنرا محترم بشمارند .



منظره از فعالیت اکروباتیک کودکان در جشن اطفال سال گذشته

اول : طفل از حقوق سندرجه اعلامیه هر که باشد در هر جای که باشد بدون در نظر گرفتن هر گونه تبعیض از نظر نژاد ، رنگ ، نوع ، زبان ، دین نظریات سیاسی و دیگر مسائل اجتماعی مانند ثروت ، ولادت و پناه وضع که متعلق بطفل و قایل او از نظر موقعیت اجتماعی باشد مستفید گردد .

دوم : طفل حمایت خاص و تسهیلات وامکانات قانونی را خواهان بوده ، تا در بر تو آن باصحت و سلامتی روحی ، جسمی اخلاقی ، معنوی ، و اجتماعی در شرایط آزادی و عزت انکشاف نماید در هنگام طرح اینگونه قوانین از همه بیشتر مفاد عالی طفل مدنظر باشد .

سوم : به مجرد تولد طفل مستحق اسم و ملیت می‌شود .

چهارم : طفل از نتیجه اجتماعی استفاده نموده بصورت سالم بزرگ بشود بنا بطفل و مادر او قبل از ولادت زمان ولادت پرستاری و هدایای طبی بعمل

و حقوقی قبل از ولادت در زمان ولادت و بعد از ولادت می‌باشد .

چون اعلامیه ژینو در ۱۹۳۴ راجع به حقوق بشر بر سهیت شناخته شد و اساسنامه های مؤسسات اختصاصی آنرا تأیید نمود .

بناء آ مجمع عمومی ملل متحد ، نظریه اینکه طفل خوشبخت بار آید و بتواند برای خود و اجتماع خود مفید ثابت شده و از حقوق و آزادیهای سندرجه حقوق

در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ حقوق طفل را تصویب کردند که ما با استفاده از فرصت نسبی از آنرا برای خوانندگان عزیز نقل مینمائیم و آرزو مندیم کودکان ما دور از گزند حوادث ، دور از ابتلا به مریضی ها ، سالم و نیرومند و با نشاط باشند و در جامعه ای که روزی بحیث عضو فعال در آن سهم خواهند گرفت مردان و زنان خوب ، فدا کار و مفیدی بار آیند . متن حقوق طفل که از طرف مجمع عمومی ملل متحد اعلام گردیده است .

چون مردم جهان در منشور ملل عقاید خود را نسبت حقوق اساسی انسانی عزت و حیثیت او منحیث بشر بدون کدام تبعیض ابر از داشته اند و آسادی خود را برای یک زندگی اجتماعی مرفه در یک فضای صلح و سلم اظهار نمودند .

چون ملل متحد در اعلامیه حقوق بشر تذکر داده که هر فرد جامعه انسانی می‌تواند از کلیه حقوق و آزادیها بدون در نظر داشتن نژاد ، رنگ ، زبان ، این افکار سیاسی و پانثروت ، ولادت و غیره استفاده کند . چون طفل نظریه وضع جسمی و روحی خاصی که دارد و خواهان حمایت و پرستاری طبی



نوباوگان جوانان آینده کشور استند ، رقص و حرکات موزون موجب نشاط و صحت شان می‌گردد

په ۱۳۶۱ کال

د هما پو نی

ا علیحضرت

د جشن

د ۴۴ کال تلین

د افتتاح ورځ

د وینا څو ټکي

په اوسنی حال کښی چه د عالم
بشریت بدبختی اومصیبتونه ورځ په
ورځ ډیریری اوعمومی اوضاع
ساعت په ساعت د نوو بحرانو او
آشفتگی سره مخامخ کیږی زمویلر
مسئولیت هم د وطن د حقوقو په پوځای
کولو کښی لادروند شوی. اودن
ورځی جریانات داینگاره کوی چه
باید داوضاعولایر مراقب اودخیل
مملکت داحوالومخکښی کتوکی شو
یعنی لکه مونږ د آزادی دخوندی

کولو اودمعنوی ژوندون دتأمین
دپاره زیار کاډو باید چه درحم،
مروت، اعتماداوانصافساتنه ترپخوا
ډیره پهزړه او دماغ کښی ټینګه
کړواوپه دی ډولخیل زړوته یوله
بله لاسره نژدی اوسهربان کړو.
ولی چه ددی وجدانی او اخلاقی
وظیفواونجاسول یوه جامعه دسهربان
خدای دمرحمتو وړ گر زوی او د
تیسکرغی دژوندون وخواسته
لاریښوونه ورته کوی .

آمده غذا ، رهائش ، پرستاری و تفریح
او همه در پر تو انکشافات طبی پوهش
برود .

پنجم :- طفلیکه از نظر جسمی ،
ذهنی ویا اجتماعی کدام محرومیتی دارد
بنا بر اقتضای وضع او تربیه ، مراقبت
و پرستاری خاص در معرض اجرا
گذاشته شود .

ششم :- طفل برای رشد متوازن
شخصیت خود به محبت و حسن تفاهم
ضرورت داشته داشته حتی الامکان طفل
تحت حمایت ، نظارت و مسئولیت والدین
در قضای صمیمیت و آرامش روحی و
اخلاقی مادی و معنوی بزرگ شود
بجز در حالات استثنای (مریضی) طفل
خورد سال لپاید از مادر اوجدا ساخته
هود .

جامعه و مقامات دولتی مکلف اند .
جهت حمایه اطفال بدون قایل و وسای
آنها ټیکه وسایل معیشت کافی لدارلد .
تدابیر لازم اتخاذ نمایند .

هفتم :- طفل از تعلیم و تربیه بصورت
مجانی و حتمی اتلاآتا سویه ابتدا بی
برخوردار باشد . طفل بایدطوری تربیه
شود که کلچر عمومی او انکشاف
نموده در تحت شرایط مساعداجازه داده
شود تا قوه و استعداد خود را تقویه
بخشیده قدرت قضاوت شخصی ، وحسن
مسئولیت اخلاقی واجتماعی خود را به
مدارج آن رسالیده ویک عضو مفیدی
برای جامعه بار آید .

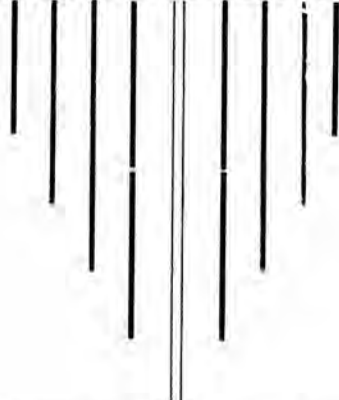
مسئولین رهنمائی تربیه طفل که
اکثراً والدین اوشان اند . بایدبامنافع
عالیه طفل بلدیت حاصل نمایند .
طفل از تمام بازیها و تفریح هائیکه
هدف تربیوی داشته باشد استفاده کند .
جامعه و مقامات دولتی ساحه استفاده
اطفال را درین زمینه وسعت بخشند .
هشتم :- در همه حالات طفل باید
بیشتر از هرکس وهرچیز از امدادها
ومعاولت ها استفاده کند .
نهم :- طفل از هر نوع استثمار ،
بی پرداختی و تظلم حمایت شده به هیچ
وجه طفل تحت استفاده دیگران قرار



صحنه جالبی از نمایشات اطفال درغازی احمدپور

نگیرد . طفل تا به سن مساعد نرسد بکار
استخدام نگردد به کار و مشغولیتی که
خرابی صحت و تربیه او را بار آورده
و یا مانع الکشاف عادی جسمی ، ذهنی
واخلاقی اوشود اجازه داده نشود .
دهم :- طفل از هر نوع اقداماتی
که او را بطرف تبعیض نژادی ، مذهبی
و غیره می کشاند حمایت شده دریک
فضای صمیمیت ، سلوک نیکو ، رفاقت
بین المللی ، صلح و برادری جهانی
زندگی نموده ، احساساتی را که باید
تمام قوای خود را بخدمت بشر صرف
نماید ، مستقل شود .

سرود آزادی



از: نورمحمد رسولی
نورن ریاست روابط خارجه

میدانید که فرشته آزادی چه وقت
از دیار ملت‌ها رخت برمی بندد ؟
آنگاه که غبار و خمودگی بر آئینه
دلها جالشین گردد

آنگاه که روح دلبری - فداکاری
و مردانگی در نهاد راد مردان وطن
وملت‌ها پژمرد . گردد .
آنگاه که جمل و نادانی بر فرشته
دانش و پیشش چیره شود و زلک تن آسائی
شمشیر دلاوری و سلحشوری را بفرساید .
هان ... هرگز مگوئید که آفت
استعمار درخت آزادی را خشکانده ...
یا آزادی از دیار ما رخت پرسته .
آزادی هرگز پشرو نیست .

بلکه آنگاه آهنگه رفتن میکند که
بیکر همه مردان آزاده بفرراز
چوب‌های دار آویخته گردد یا سینه‌های
ایشان با گلوله‌های دشمنان آزاد
و استعمارگران همگفته شود .
آری ... همچنانیکه تار یکی شب
پس از فرو نشستن آفتاب جهان تاب
حکم فرما می‌گردد بیرغ استبداد هم
پس از کشته شدن آخرین پرچم دار
فداکار آزادی برافراشته می‌شود .

ای آزادی ترا می‌شناسیم
وای آزادی ترا می‌ستائیم

(هفتم)

استبداد گران بدست و پای شما سنگینی
کند . اگر می‌خواهد روح شما چون
شاهباز تیزبال بفرراز آسمان آرزو ها
و ارمان‌ها بال و پر کشد و نیز چون
ماهیان در اوج یالوس زندگی شناور
باشد ، از اندیشه‌های زندگی تپاه‌کننده
استبداد گران که چون صیادان تیره‌دل
و خونخوار برای بدام انداختن شما
در کین نشسته‌اند غافل می‌باشید .
هان ! آزادی خود را با هوشیاری

و بیدار دلی پاسداری کنید .
من پرچم دار پر مهر دوستی و آرامش
و آزادی‌ام ، همگی دست خود را
بر دست یکدیگر نهید و با من هم‌وا
شوید تا دلشین ترین سرود جالفزای
آزادی سر دهیم :

سرود آزادی !

او که آرام بخش و روح پرور
است براستی که هیچ سرود و هیچ آواز
به دلپذیری سرود آزادی نیست ،
همه نویسندگان - سر آیندگان
و سخن‌وران ...

همه نهرمانان ، سر بازان فداکار
و مردان‌نامور که در هر گوشه و بیشه
ازین جهان زندگی کرده‌اند ستایشگر
آزادی بوده و از تنه قلب این سرود را
سرائیده‌اند :

ای آزادی ترا می‌ستائیم !

در دلیای امروزی فکر می‌کنیم
کمتر کسی خواهد بود که به کلمه
آزادی آشنائی نداشته و به اهمیت
واقعی آن بی‌لبرده باشد .

اگر اوراق صفحات رنگین تاریخ
را مطالعه نموده به گذشته‌ها برگردیم
و چگونگی دوره استعمار را در نظر
مجسم سازیم آوقت خواهیم فهمید که
آزادی چه اعمت شیرین و با ارزش است !
بلی این آزادیست که در همه شئون
زندگسی مردم و ملت‌ها تاثیر نموده
و آنها را بسوی کمال و ترقی می‌رساند
و آن استعمار است که پیشرفت را
مالع گردیده و جامعه را به انحطاط
سوق می‌دهد .

بیمورد نخواهد بود که به مناسبت
این روز فرخنده و دوران شکوفان چند
نکته دل‌انگیز را که والت و یمن
درباره آزادی سروده از نظر بگذرالیم :

ای آزادگان !

ای دوستداران آزادی و آرامش
و سرفرازی !

ای شهبازان بلند پرواز آسمان
بی‌پایان رادمردی و فداکاری بیدار
باشید که آتش استعمار و استعمار
در سرزمین‌ها شمر نکرده و تسخیم
بفدادگری و نفاق نیفشالد .

مگذارید زنجیرهای زبون‌کننده

موضوعی را که به ترجمه آن اقدام نموده ام بعقیده ام بیشتر بر روی پایه های فلسفه جهانگشائی که یک ارتباط کلی و ناگسستگی در امر تصمیم یک تا کتیک و ستراتیژی حرب به مقیاس بین المللی است از طرف آلمان قبل از جنگ عمومی دوم جهانی به منظور تحقق بخشیدن به آرمانهای دیرین جرمینی در امر توسعه اراضی - بدست آوردن آن اراضی و متصرفات از دست رفته آلمان در نتیجه حرب عمومی اول جهانی خصوصاً بعد از معاهده وارسا میباشد .

بخطرباید داشت که تمامی این طرح ها و پلانیهای حربی کشور بر روی یک تیوری و بنیان سازمان وارده استوار بود که بنام جیوپولیتیکس *Geo politics* خوانند و از آنجائیکه میدلیم تمام پدیده های اجتماعی به شمول اقتصادی ، فلسفی ، قضائی ، حقوقی و سیاسی و کلتوری در یک کشورها همدیگر روابط ناگسستگی داشته و به مشابه اجزای مختلف یک موجود واحد اند . بر روی این منظور تشکیلات نظامی و حربی این کشورها نیز جز لاینجزای این پدیده ها محسوب می گردد و نمیتوان هیچ یک از این پدیده ها را بدون در نظر گرفتن روابط باهمی بین این پدیده ها بصورت جداگانه از یکدیگر مورد بررسی و مطالعه قرارداد . زیرا بدون ارتباط هبوند متقابله بین این مؤسسات گوناگون اجتماعی نتیجه که بدست می آید بمثایه جسدی است بیروح که به هیچوجه نتیجه گیری از آن ممکن نیست و هر کدام این اجزای مختلف در بنیان استحکام کشورها به نحوی از آنها رول و نقش مهمی خواه در جهت تکامل و انکشاف و خواه در جهت متلاشی شدن و زوال کشورها ، بعمده دارند .

نباید فراموش کرد که نه تنها آلمان لازمی در امر تصمیم پلان های توسعه جوئی و جاه طلبی ازین بنیان فلسفی *Geo politics* استفاده نموده بلکه هم پیمان های آلمان که شامل جاپان و ایالتالیایلیز بودند و بنام اتحاد محوریاد می شوند نیز ازین رویه روی کردند که بالاخره موجبات جنگ جهانی دوم را فراهم ساختند . مقدمه مترجم .



مترجم : سید جلال تورن

ماخذ : منابع امریکائی D.W.H.W.WT.X

جیوپولیتیکس Geo Politics

Geopolitics باشد یک ارزیابی و تحلیل دقیق این موضوع را ایجاب میکند و با عبارته دیگر یک تدقیق و تحلیل صحیح در جهت مشخصات مطالعه آفاتی و عوامل جغرافیای سیاسی و قدرت هنگامه ها و حدس های سیاسی در قلمرو *Geopolitics* لازم است .

تاریفیکه *The Advanced Learners Dictionary of Current English* از *Geopolitics* چنین است : موقف سیاسی کشور توسط موقعیت جغرافیائی آن

لغت *Geopolitics* کمی قبل از حرب عمومی دوم جهانی بوجود آمد و در فواصل بین دو حرب عمومی سراسر اروپای مرکزی مورد انتشار قرار گرفت و به مفهوم وسیعی در جریه ان جنگ عمومی دوم جهانی مورد استعمال قرار گرفت :-

مفهوم آن :- کدام تعریف خاص و مشخص که مورد قبول همگان باشد وجود ندارد و در زمینه درجهت اینکه حد فاصل و مشخصاتی بین یک مطالعه آفاتی و عینی *Objective* عوامل جغرافیای سیاسی و هنگامه ها و حدس های قدرت سیاسی در ساحه

مشخص و تعین می‌شود و یا بعبارة دیگرین موقف سیاسی کشور و موقعیت جغرافیای آن یک ارتباط مستقیم موجود است.

هر کس ممکن چنین حدس بزند که دو کلمه *Geography* و *Politics* را باهم ترکیب نموده و در نتیجه یک مفهوم غلط و ناقص بنام جغرافیای سیاسی *Political Geography* از آن استنتاج نمایند که یکی از قدیمترین شعبات علم زمین است و در واقع هر گزبه این مفهوم و معنی بکار نمی‌رفته است.

تمام مفاهیم معمول و طبیعی *Geopolitics* با در نظر گرفتن ارتباط ناگسستگی آن در امر بهره برداری و استفاده از این علم توسط حکومت با مفاهیم مخصوص ملی بوده است و در داخل این چوکات تعریف شده استعمال این اصطلاح در سه مورد بکار می‌رود.

۱- طرف استفاده و بهره برداری از این موضوع از طرف دانش-آموزان بخصوص و البته بموضوع و بعضی اوقات توسط نشرات و منابع تبلیغاتی در چرچايد که به مفهوم موقف قدرت کشور لیز بکار رفته است که بالنتیجه قدرت آن‌ها توسط طبیعت تحدید شده است. و یا بعبارة دیگر از ارتباط ناگسستگی بین قدرت کشوری و شرایط طبیعی نیز نمی‌توان انکار کرد.

۲- عده محدودی از نویسندگان محتاط وجه تشابه این اصطلاح را با *Applied Political Geography* جغرافیای سیاسی تطبیقی دانسته و یک حد فاصل محض بین این موضوع و تاریخ-اساسات و تیوری جغرافیای سیاسی قایل میشوند.

۳- عده از نویسندگان و نطقان این اصطلاح را نادرا جهت تعین و مشخص ساختن پالیسی ملی که توسط محیط طبیعی یا محیط جغرافیائی صدمه دیده است میدانند که استعمال و به کاربردن اینگونه مفاهیم انعکاسی است از طرز و تفکر مردمان ساده لوح.

مفهوم قاطع و صریح *Geopolitics* مشابهت نزدیکی به

آن چیزی دارد که در بالا از آن تذکری بعمل آمد. اما مفهوم آن در یک سلسله مسایل بخصوص شکل انعطاف پذیری در پیش گرفته است. خصوصاً در موافقیکه استعمال و استفاده عملی از این اصطلاح بخصوص که در امر انکشاف و تکامل مقاصد مخصوص ملی حکومت معین قرار می‌گیرد و برعکس آن در امر لاپایداری و عدم موازنه قدرت‌ها در چوکات پالیسی ملی - که این مفهوم یگانه مفهوم این اصطلاح است. در اروپای مرکزی چائیکه- اسم و تعریف مشخص و محد و داز آن متشاء گرفته است که این مفهوم *Geopolitics* در چهار چوب محدود و مشخص اش به صورت واقعی در جریان دو حربه عمومی جهانی که این نام را شهرت جهانی بخشید در قیام مردم جرمنی جهت تحقق آرمانها و پلانیهای توسعه جوئی شان، بکار رفت.

مگر با وجود آن هم این کار و عمل نابخردانه خواهد بود که ماصرف منشاء د کترین‌های «*Geopolitical*» و ایدئولوژی بخصوص آن را در اروپای مرکزی و سرزمین جرمنی سراغ کنیم.

بخطار باید داشت که له تنها این ایدئولوژی به کشورهای مانند ایتالیا، اسپانیا، جاپان که از پلان‌های توسعه جوئی و آزمندانة کشور آلمانی حمایه و پشتیبانی می‌کردند ارتباط می‌گیرد بلکه ایالات متحده امریکابین سالیان ۱۸۳۰ و ۱۸۶۰ که پالیسی کشور را بر اساس و مبتنی *Geopolitics* رهنمونی می‌کرد نیز می‌توان در ردیف کشورهای فوق الذکر که از پلان توسعه جوئی و در تحقق بخشیدن به این نوع ایدئولوژی‌ها برآمدند محسوب کرد.

میدا اسم با مفاهیم مخصوص آن از طرف *Rudolf Kjellen* یکی از دانشمندان سیاسی کشور سویدن که نامبرده *Geopolitic* را در ردیف سیستم‌های تیوریتیکسی لایتجزی پنجگانه حکومت معرفی کرد، سروصورت خاصی بخود گرفت و بقیه‌ای آن‌ها بنام‌های *Economopoliti*

صحنه از رسم گذشت قطعات
اردی شاهانه



قلب خود اطمینان داشته باشید زیرا قلب در دستگاه بدن محکمترین و پرمقاومت ترین عضو است بیماریهای قلبی که در حقیقت دشمن شماره یک بشر خوانده شده است دارای قدرت چندانی نیست و شما میتوانید به خوبی این دشمن را ضعیف کنید و از پا در آورید ، بشرط آنکه بخواهید اراده بخرچ دهید . یک رژیم غذایی کامل و مراقبت طبی و کمی اعتماد به مقاومت قلب خود میتوانید همیشه نشاط خویش را ثابت نگه دارید .

پهوسته به آهنگ منظم و آرام و بی دردی قلب خود گوش کنید و همچون یک دوست صمیمی همکاری خود را از این عضو دریغ نکنید ، قلب شما بویتامین مخصوصاً ویتامین (B) نیاز دارد کسانی که دچار کمبود ویتامین شده اند و تحت تجربه قرار گرفته اند ، پس از چند روز اگر حرکت بدنی کنند ، قلبشان به تپش خواهد افتاد . اگر کلسیم لازم هم بدن نرسد ، همین حالت پیدامیشود دو قلب به تپش های شدید خواهد افتاد زیرا کلسیم برای آرامش ماهیچه قلب لازم است . ویتامین (ای) هم در تداوی بیماریهای قلبی نقش مؤثری دارد و عوارض ناشی از تب های رماتیسمی را از بین میبرد مریضانی که به تنگی نفس و دردهای قفسه سینه و دیگر مریضی قلبی مبتلا هستند ، وقتی با اندازه کافی ویتامین مصرف کنند بدنشان ، ویتامین ها را جذب کند ، بزودی صحت میابند و سالم میشوند .

دانشمندان ثابت کرده اند که هرگاه انساج عضلانی قلب دارای ذخیره کافی ویتامین باشد ، به اکسیژن کمتری نیاز دارد و برای بدست آوردن اکسیژن بتکاپو و جنبش لمیافتد و در نتیجه قلب را ناراحت نمی کند . اگر شما هم میخواهید قلب خود را فعال و جوان نگاهدارید ، باید به مراقبت این ماهیچه هر کار بپردازید و در ترکیب غذای روزانه خود از لحاظ وجود ویتامینها هم آهنگی بوجود آورید . ویتامین (B) را در غذاهای طبیعی از جمله جوانه گندم و لبلبو و چکر و جستجو کنید ، درمست با کتربهایی وجود دارد که با خوردن آن در دستگاه هاضمه شما آن باکترها با فعالیت میافتد و تولید ویتامین (B) میکند .

البته این نظریه همزمان و توأم با ایده ها و تیوری های است که یک قرن پیشتر توسط فلاسفه آلمانی سابق در وین نظر *Georg Hegel* و *Friedrich Von Schlegel* و *Johann Fichte* ارائه شد ، بود بنابر آن یکی از تاثیرات سازنده *Kjellen* عبارت ازین بود که فلسفه سیاسی آلمانی « آلمان » روزهای پیشین را در قالب علوم طبیعی بگنجانند و در یک دورانی که علوم طبیعی توسط گروه بی شمار مردم در امر تحقق بخشیدن و ظاهر ساختن صلاحیت و قدرت اش مورد قبول همگان واقع گردید ، ادعای *Kjellen* در زمینه *Geopolitics*

Kratopolitik ، *Sociopolitik* ، *Demopolitik* و سومی اند که این سیستم را نام برده به نام *The State as-an Ozganism* یا عبارت دیگر ماهیت اصلی کشور را بر روی تیوری مادی و عضوی بنیان گذاری نمود و *Staten Som lifsform* سومی اش ساخت . تعریف لغات سال ۱۹۱۶ .

Kjellen تحت تاثیر فوق العاده آثار دانشمندان علوم طبیعی قرار گرفت خصوصاً با توضیح جغرافیای سیاسی که از طرف جغرافیه دان آلمانی *Fridrick Ratzel* که نام برده در ردیف مکاتیب دانشمندان بیولوژی نوین که در اواسط قرن ۱۹ در اروپا وجود داشت تعالیف فرا گرفته بود و *Kjellen* نیز فوق العاده تحت تاثیر این علمای بیولوژی آلمانی قرار گرفت و جغرافیا نیز در پرتو سایر تحولات و انکشافات زمان توأم با دسپلین ها و نظامات خاص علوم بروجه و معمول بیشتر تحت تاثیر تیوری و نظریه تکاملی کائینات و پدیدهای طبیعی قرار گرفت . *Ratzel* بسا از تیوری های جغرافیای را در پرتو قانون تکامل و انتخاب طبیعی مورد ارزیابی قرار داد .

خصوصاً برای دفعه اولین حینیکه به نشر سری و بررسی جغرافیای سیاسی که منجبت یک شعبه اساسی و سیستماتیک موضوع مورد تحلیل قرار گرفت .

درین لشریه خود *Ratzel* دولت را منجبت اورگانیزم تلقی نموده اما با آن هم وی در امر تشریح و توضیح این موضوع از یکبار بردن و استعمال مشابهت ها و اختلاف در زمینه محتاط بود .

Kjellen در مقالات و نشرات راتسل در زمینه جغرافیای سیاسی یک ارتباط منطقی را در بین علوم طبیعی و علوم سیاسی دریافت با عبارت دیگر دریافت یک ارتباط منطقی بین علوم طبیعی و علوم سیاسی مؤفق شد . و نام برده در ظاهر امر چنین مدعی بود که وی نظریات راتسل را در زمینه جغرافیای سیاسی با نشرات و رساله های سیستماتیک خودش در مورد دولت مدغم ساخته است اما در امر پذیرش این آثار راتسل او به مشکل می توانست موضوع را تغییر شکل دهد .

چون نام برده به دسپلین و نظامات مخصوص و دشوار علوم طبیعی نامالوس و نا آشنا بود بر روی این منظور از حزم و احتیاطی که *Ratzel* درین امر بخرچ میداد به بی اعتنائی نگریسته و صراحتاً چنین اعلام داشت که دولت منجبت یک اورگانیزم است *Staten Som Lifsform* و این مسایل را بیشتر به کیفیت های بیولوژیکی مربوط میداند . بطور مثال تکامل و زوال و اختلاف اعضاء و اورگانها و در امر تحقق به این سرام دلایلی ارائه میداشت به این ترتیب « اگر دولت منجبت اورگانیزم است باید دارای یک قدرت عمل و فعالیت مستقل مافوق کتله ها و دسته های افراد بشر که در امر تشکیل رول دارند ، باشد » .

از ارشادات ذات همایونی

وظیفه ماست که خدمات برجسته اشخاصی را که با صبر و حوصله و شہامت صحنہ را برای احداث حیات نوین آماده نمود اندہ فراموش نکنیم .

* * *

۲۲ میزان ۱۳۴۴

اهداف ملی کہ بتوسط قانون اساسی تشخیص و تنظیم گردیدہ تنہا در صورتی بر آورده شدہ میتواند کہ در اجرای این وظایف احساس کامل و دقیق مسؤلیت ملی رہبر ومددگار اعضای ہر دو جرگہ شور و باشد .

یک مملکت وقتی میتواند از بہرمت منظم امور انکشافی خود اطمینان حاصل نماید کہ پروژہہای آن بصورت مرتب دنبال گردیدہ بمرحلہ انجام وبہرہ برداری رسانندہ شود .

در ۱۸ سنبلیہ
۱۳۴۴

منہجیت یک سلاح بران و نیرومندی بود برای ہر کشوریکہ در فکر بکار بردن وتحقق بخشیدن آن بمنظور تبلیغات ایہوہرام را جزء پالیسی ملی خود قرار میدادند .

رسالہہا ونشرات *Kjellen* بہ سال ۱۹۱۷ بزبان آلمانی ترجمہ گردید و این موضوع توسط عدہای از جغرافیہ دانان و دانشمندان جغرافیہ و علمای سیاسی ولوہستندگان کہ این موضوع را در صف پیشین توجہ خاص جرمینہا قرار میدادند و برای بیست سال در جریان سالیان بحرانی ازین تیوری ہیروی کردند و این دستہ از روشنفکران تحت سرپرستی و رهنمائی *Karl Haus-hofer* ۱۸۶۹ - ۱۹۴۶ ہالی و مؤسس *Geopolitics* در آلمان آغاز بکار نمودند .

بایوگرافی وی چنین است، وی بہت یک افسر وصاحب منصب در اردوی *Bavaria* مربوط ریاست ارکان حربیہ عمومی مشغول خدمت بود وقبل از جنگ عمومی اول جهانی نامبرده فرصتی در امر مطالعہ جغرافیہ ، ماوری آن آموزش های مخصوصی کہ بہ صاحب منصبان قشون جرمینہ سردست گرفته شدہ بود پرداخت مطالعات وتحقیقات محیطی نامبرده راجع بہ مسایل شرق، وی را مؤفق بہ درجہ علمی *Ph.D* در ویولیورمتی میونخ «مولشن» بایک رسالہ ونزی کہ در مورد جغرافیای سیاسی وعسکری امپراطوری جاپان در دہہ اول سال قرن

ہست برشتہ تحریر در آورد ، مؤفق بہ اخذ این درجہ علمی گردید و در دوران برکناری از شغل عسکری اش در سال ۱۹۱۹ و ہلہ حیات اش کشور جرمینی را در امر مطالعہ و استفادہ از مضمون جغرافیہ ترغیب نمود .

بخاطر باید داشت کہ نامبرده عین نقش قدم *Kjellen* را تعقیب و *Organismal theory of the State* و اساس قرارداد و *Geopolitics* اسمی را کہ بہ جغرافیہ دادہ بود و حمایتش را وقف آن گردانیدہ بود - ہا برجاماند - علاوہ بر حقایق کہ در بارہ زمین بود تیوری های حکومت ومواد تاریخ جرمینی منہجیت یک وسیلہ نیرومند تبلیغاتی وی قرار گرفت. نامبرده چنین معتقد بود بہ این تیوری ہا استحکام ورہنمائی های مخصوص لازم است و در جہت اینکه کشور جرمینی از قرون متمادنی رو بہ اوج وتکامل می رود من حیث یک اورگانیزم *Organism* بودہ و باید در جہت تحقق بہ این آرمان ہا تاحصول ہیروزی وادغام کلیہ سرزمین ہا بہ مبارزہ ادامہ داد .

متد ہا وروش ہا :- اولین لکچر و بیانیہ *Haus-hofer* در زمینہ *Ceopolitics* از ۱۹۱۹ آغاز می یابد .

خصوصاً بعد از اینکه نازی ہا بسال ۱۹۳۳ زمام امور را بدست آوردند. نامبرده بہت ہیرو فیسور و استاد کرسی *Geopolitics* در بوہنتون میونخ «میولشن» قرار گرفت درین بوہنتون اوشاگردان بی شماری را بدور و اطرافش جمع آوری نمود و بہ شمول یک تعداد از ژورنالیست ہا وروز نامہ نگاران کہ آنها وسیلہ ای التشار مفاہم *Ceopolitics* را بہ یک ہیما لئ وسیعی بعمدہ گرفتند و بسال ۱۹۲۴ در ہر توفعالیتمای تعلیمی اش نفوذ فراوانی در امریکہ نشریہ سالانہ بنام *Jornal of Geopolitics* یا *Fur Ceopolitik* *Zeitschrift* بخرج داد و بہت مدیر مسئول این نشریہ ماہانہ تا یک مدت طولانی امور محولہ را از پیش می برد ویکتن از نویسندگان وهمکاران بالنفوذ وذیصلاحیت قلمی این نشریہ قرار گرفت و در ضمن این نشریہ ماہانہ کتب بی شماری درین موضوع بہ چاپ رسید .

Haushofer's Weltanschauung یا جہان بینی وی ہا تیوری فضا ومکان مبتنی بود و بر روی این منظور این مفہوم بہت یک شکل جغرافیایاتی مانند اما محتویات آن شامل توسعہ حدود جغرافیائی در یک ساحہ تصوری وتخیلی بود .

اما یکانہ قوہ محرکہ ای کہ بہ تحقق بخشیدن این فلسفہ بہ شکل عملی کمک نمود ہما لئ مفاہیم لہفتہ سیاسی بود کہ از مقکورہ حریر صانہ ملیت ہرسی تنگ نظرانہ *Nationalism* جرمینی سرچشمہ می گرفت - و تیوری وعمل قالب پالیسی ملی کہ چوکات آن بر اساس ماہیت اروپای مرکزی طرح ریزی شدہ بود ہما در آمیختند وسوابق آن بہ ہشتصد سال قبل کہ متکی بر توسعہ حدود ارضی بود و از طرف فلاسفہ نیرومند قرن ۱۹ ہشتہ پائی میشد دوبارہ احیاشد و بر پایہ تیوری بیولوژیکی *Ozganismal* کہ آمیختہ با نظریہ دولتی و در لباس قانون وعنعنہ جرمینی

حفظ و حراست استقلال - در اعصار
 وازمنه مختلف ماسعی و وسایلی
 مختلفی را ایجاد میکند. نیاکان
 مادر عصر و زمان خود این وظیفه
 ملی را با ماسعی و وسایلی که در آن
 عصر و زمان میسر بود به پیروزی
 انجام دادند. و این ناموس عظیم
 را امانت با سپرده اند.
 امروز با اراده و تصمیم و حقایقی که
 از ایشان باریت برده ایم با ماسعی
 و وسایل امروزی، برای حفظ لوامیس
 ملی خود، نیازمندیم که توجه بان
 جزء وظیفه بزرگ ملی ماست.
 ماسعی امروزه ماله تنهارفتن به
 محاذ جنگیدن و قبول فدا کاریست
 بلکه تجهیزات زمان ما مربوط به

تجهیز سیاسی، به تجهیز اقتصادی
 به تجهیز اجتماعی و علمی است.
 * * *
 تعیین هدف ملی افغانستان بحیث
 لصب العین دولت الکشاف منافع
 طبیعی کشور و بدهنوسیله بلند بردن
 سوپه زندگانی مردم و بطور عمومی
 بهبود اوضاع اقتصادی، فرهنگی و
 اجتماعی مردم افغانستان است که
 سیاست داخلی ما را شرح می‌دهد.
 * * *
 فردانی که ماسعی آن نگرانیم
 وقتی باشکوه تر و زیاده‌تر ما را استقبال
 خواهد کرد که سیر الکشاف مادی
 ما با فضایل معنوی توأم می‌باشد.
 * * *

فداکاری در راه حق و محبت
 با متنوع این سنن ستوده از آن مقاصد
 عالیه است که ملل جهان همیشه آنرا
 عامل مؤهیت و رستگاری شناخته‌اند.
 خاصه ملت ما که در آستان حیات
 نوین خویش قدم گذاشته و آرزوی
 ماین است که تکامل مدنی با حفظ
 مقام معنوی آن متوازی باشد.
 ما مطمئنیم، ملتیکه به تأیید خدا
 با انجام هر گونه قربانی و ایثار در
 جریان مبارزات زندگی مقام خود را
 محفوظ نگاه داشته، درین روزگار
 نیز که روح بشر دستخوش تردد
 و اضطراب است چنانچه شایسته
 مقام يك ملت مومن و فدا کار می‌باشد
 وظایف خود را بپایان رساند.

تفوق نژادی *Racial Superiority* استوار بود رویکار
 آمد و تقریباً اکثر نویسندگان در موضوع از نظریات باقی
 و مؤسس خود درین امر پیروی نمودند و صرف به شکل
 کور کورانه و غیر شعوری و روش غامض و پیچیده قاموس.
 بغاطر باید داشت حینیکه مفهوم واقعی *Geopolitician* ها
 بوضاحت بر روی صحنه ظاهر شد چنان می‌امود. دنیا بیکه آنها در
 انتظار آن اند همالما محصول و زاده جبر محیطی *Determinism*
Environmental بوده است. اما تمام اینگونه مسایل و
 جریانات صرف بر پایه های استوار بود که از مفهوم تنگ نظرانه
 و ناعاقبت اندیشانه ملیت پرستی به مفهوم کور کورانه جرمی
 سرچشمه می‌گرفت و این امر بیشتر عدم رضایت خاطر دسته‌ها و
 جوامع غیر جرمی را فراهم ساخت و موجبات نگرانی آنها را فراهم
 ساخت. خصوصاً توسط اشریک کتاب توسط جغرافیادانان سابق
Geopolitician ها از میسر منحرف ساخت و صحنه کوچک
 بین المللی را سبب شد حینیکه این کتاب بسال ۱۹۳۴ به طبع رسید.
Roum und Volk in Weltkrieg ۱۹۳۳
Ewald Banse, و در جهت وصول به این حقایق به نشریه
 امریکائی و بریتانوی مراجعه کنید و جرمی برای لبرد آمادگی
 می‌گیرد ۱۹۳۴ و جرمی آماده لبرد است ۱۹۴۱ طرح معقول
 و متعلق از دیده *Geopolitician* ها عبارت از شعار مخصوص
 آنها بوده است و یکی از اصطلاح بخصوص *Ratzel* را که
 مقبول آنها قرار گرفته بود اصطلاح مخصوص *Lebensraum*
 که ترجمه انگلیسی آن *Living Space* است و هر یک از این
 فقرات اشاره خاصی به این کوره خاکی می‌نماید و بنا قسمی
 از آن و بسیاری از بن فقره بندی‌ها حاکی از بیکه واقعیت است که
 چنین همکاری سیاسی با کوره خاکی است بصورت مثال آگاهی از

مسایل سرحدی با بالیسی مکان و به چنین نوع ازین شعارها از
 طرف ملت جرمی در جریان سالیان لبرد و ماقبل آن بلاوقه مورد
 بررسی و ارزیابی مکرر آنها قرار گرفت.
 البته این نقطه را نیز درین مورد تذکره داد که آلات و وسوله
 مهم این دسته از *Geopolitician* ها عبارت از نقشه جغرافیا
 بود که پیوسته بصورت ساده و بسیط از آن کاری گرفتند و منحیت
 جغرافیه دانان از اهمیت خاص نقشه در امر از سر راه برداشتن
 مواع و مشکلات خود را سرگرم ساختند و مطالعه آن که به نحو
 ساده بوده است معلومات و اطلاعات مزیدی در زمینه کسب
 نمودند و منحیت بیک سلاح قوی جهت وصول به هدف به صدها
 انواع مختلف نقشه *Pictograph* ها را به طبع رساندند و
 بر روی این منظور واحد ممکن آن‌ها نقشه را به موضوعات خاص
 و مشخصی منحصر ساختند و نمایش بعد سومی نیز در آن ترسیم
 شده بود و بصورت مختصر و واضح از آن نتیجه گیری می‌شد. و در
 جهت بهره برداری ازین مرام خاص به تمثیل و نمایش پرداختند
 که احساساتی در مردم ایجاد کنند و این احساسات توأم با هدف
 های توسعه ارضی بود.
 جهت حق بجانب و الموود کردن پلان‌های خود از بیک سلسله
 حقایق چشم پوشی نمودند و حتی تنقی باقی نیز در بعضی موارد حق بجانب
 جلوه می‌نمود *The Zeitschrift Fur Geopolitik*
 یکی از منابع موثوق این نقشه‌ها است. تولید و محصول
 مجدد این نموده های تیپیک *Typic* را می‌توان در
Drewent Whittlesey با ستراتیژی جهانگشائی جرمی
German Strategy of World Conguest
 سراغ کرد.



خلاصه وقایع مهم

قرن بیستم

۱۹۱۶ - گریگوری راسهوتین کشیش در باری تزار روسیه در پروگرا د بقتل رسید .

۱۹۱۷ - شروع انقلاب بلشویکی در روسیه .

۱۹۱۸ - ژوئیه تزار و امپراتریش روسیه و دختران و پسران آنها بدست بلشویکی ها بقتل رسیدند .

۱۹۱۹ - ۱۸ جنوری افتتاح کنفرانس صلح پاریس ۲۸ جون امضای معاهده ورسای .

۱۹۲۰ - ۱۰ جنوری جامعه ملل در ژنو شروع بکار کرد در ۱۰ ژانویه ۱۹۴۶ این جامعه منحل گردید .

۱۹۲۳ - نمایش اولین فلم ناطق در نیویارک «ماه اپریل»
۱۹۲۳ - ۸۰۹ نوامبر در وقایع مولینخ که بوسیله ژرال لوندورف و ادولف هیتلر رهبری میشد لوندورف توقیف گردید و هتلر زخمی شد و در ۱۲ نوامبر زندانی گردید . او در مجس کتاب مشهور خود راینام (نبرد من) نوشت .

۱۹۲۴ - ۲۱ جنوری: مرگ ولادیمیر ایلیچ اولیانف لنین .
۱۹۲۵ - ۱۶ اکتبر طبق معاهده لوکار نو المان متعهد شد ناحیه (راینلاند) را غیر نظامی کرده و امنیت سرحدات فرانسه و المان و بلژیک و المان را حفظ کند .

۱۹۲۶ - ۸ سپتامبر - آلمان بعضویت جامعه ملل پذیرفته شد .
۱۹۳۱ - ۱۸ سپتامبر: جاپان منچوری را تصرف کرد .

۱۹۳۳ - ۳۰ جنوری ادولف هتلر صدر اعظم المان شد .
۲۷ فبروری: نازیها عمارت رایشتاک (مجلس) را آتش زدند. درین حادثه دولت (مارینوس وان در لوبه) را که چپی بود مقصر شناخته و در ده جنوری ۱۹۳۴ او را در لایپزیک اعدام کردند .

۱۴ اکتبر: آلمان از جامعه ملل خارج شد .

۸ جنوری ۱۹۱۳: پرزیدنت ویلسون ضمن اطق خود در کنفره اصول صلح را اعلام داشت .

۳ مارچ: در لیتوسک بین بلشویکیها و المان و اتریش و هنگری و بلغارستان و ترکیه پیمان صلح بسته شد طبق این معاهده روسیه ایالات کرانه بالتیک و لیتوانی و فنلیند را از دست داد .

۷ مارچ: امضای پیمان صلح المان و بین فنلاند .

۲۱ مارچ: محاربه سوم .

۲۳ مارچ: بمباران پاریس بوسیله قوه توپچی .

۳۷ می: محاربه اسن .

۲۶ سپتامبر: حمله فرانسه و امریکا در ارگون

۱۹ ژوئیه: عقب نشینی المان در مارن

۲۷ سپتامبر: حمله انگلیس برای درهم شکستن خط هیندنبورگ

۲۹ سپتامبر: تسلیم بلغارستان .

۱۵ اکتبر: خلع فردیناند از سلطنت بلغارستان

۳۰ اکتبر: ترک متار که ترکیه از حرب

۱ نوامبر: تشکیل جمهوری مجارستان در بوداپست و جمهوری اتریش در وین

۸ نوامبر: در باواریا حکومت جمهوری تشکیل گردید .

۲۱ نوامبر: تسلیم کشتی های المان به بریتانیا

۱۳ دسامبر: عبور قوای امریکا از راین

۱۹۱۴ جولای تشکیل انتر ناسیونال دوم سوسیالستی در بروکسل ۵ نفر از اعضای بوروی انتر ناسیونال سوسیالیستی بعداً بکومت پنج کشور رسیدند .

لنین روسیه ابرت (جمهوری المان) اهتائونینک (دالمارک) برانتیک (سویدن) ماکدونال (بریتانیا)

۱۵ - ۱۹۱۵ جنوری: اولین مکالمه تلفنی از نیویارک به سالفرانسیسکو بین الکساندر گراهام بیل و توماس واتسون .

آزادی

وقتی صدای آبخاری رامیشنوم ، هنگامیکه زمزمه مرغان
سامعه مرا نوازش میدهد و زمانیکه لاله های داغدار را در
صحرا تماشا میکنیم ، بی اختیار بیاد «آزادی» میافتم .

همین آبهاییکه مستانه و خروشان بر روی صخره ها میافتد
همان مرغهاییکه زمزمه کنان بی خیال در کنار هم لقمه عشق
و محبت را بگوش یکدیگر میسرایند ، و بالاخره لاله های که
دردل دشت ها ، دره های تقنیده عمرا باوزش شمال اینجا و آنجا
میرقصند اگر باسارت درآیند همه چیزشانرا از دست میدهند .

آب را که میماند و از غوغا و مستی فرو می نشیند ، مرغان
غمزده لب از خواندن فری می بندند و لاله ها زرد میشوند و ..
سر انجام اسارت بنا بودی ، به سکوت و به اندوه می انجامد .

* * *

وقتی ملتی باسارت درمی آید ، دیگر مرگ حقیقی آن فرا
میرسد ، شکست در جنگ ، سقوط دولت ها ، نابودی ، زلزله ها و
توفانها ، هیچکدام روح بشر را مغلوب ساخته نمی تواند ولی
اسارت همه چیز را ازو میگیرد ، غرورش را ، افتخارش را ، عظمت
و شکوه و انسانیتش را و بالاخره شرافتش را زایل
میسازد .

ملتی که آزادی خود را از دست میدهد ، روحش نابود
میکردد ، سکوت و جمود و خمود و مرگباری بر آن سایه میفکند
شور امیدرخت می بندد و غفرت یأس همه چیز را می بلعد و تنها
چیزیکه باقی میماند يك مشت انسان اسیر و غلام است که باید
تیر و توالتش را در خدمت دیگری بکار ببرد .
پس سر انجام اسارت بنا بودی ، به سکوت و به اندوه
می انجامد .

* * *

بیانید تاریخ ملتهارا ورق بزایم ، تالک های خشک شده
خون مردانیکه بخاطر آزادی ، بخاطر لجات هموطنان خویش
و بخاطر زنده ریستن و شکستادن زنجیر اسارت ، جان خود را
قربان نموده اند در هر صفحه آن به بینیم .

اینان خود را فدا کرده اند تا آزادی را ، برای دیگران
کمائی نمایند ، مرگ در آزادی بهتر از زیستن در تنگ و اسارت
میباشد .

پس آزادی را گرامی دارید ، به تجلیل و تکریم آن بکوشید
تا خاطره آن همچنان پایدار بماند و فرزندان شما در حراست آن
بکوشند و شرف و افتخار ، شکوه و جلال الهی خود را در پناه
آزادی همچنان نگهدارند ، تا شور تپش و جنبش ، سرور و سعادت [
آنها را بشاهراه ترقی و مدلیت نزدیک گرداند و ... (پایان)

۱۹۳۳ - ۱۶ نوامبر : روزیدنت روزولت اتحاد جماهیر
شوروی را برسمیت شناخت .

۲ آگست : فن هیندنبورگ رئیس جمهور آلمان مرد بعد از
مرگ او هیتلر سمت ریاست جمهوری و صدراعظمی را منحل
کرده و خود راقوهر (پیشوا) نامید .

۱۹۳۵ - ۱۰ مارچ هتلر معاهده ورسای را نقض کرده و
فرمان تجمیز اردو و اخذ عسکر را داد .

۴ الی ۱۲ اکتبر : ایتالیا به حبشه حمله کرد .

۱۹۳۶ - ۲۰ جنوری : جرج پنجم پادشاه انگلستان در هفتاد
سالگی مرد و پسر کلانش بنام ادوارد هشتم بجای اولشست
ادوارد هشتم در ۱۱ دسامبر از سلطنت خلع شد و برادرش جرج
ششم پادشاه گردید .

۱۹۳۶ - اردوی آلمان در مارچ (راینلاند) را دوباره تصرف
نمود و باین ترتیب معاهده لوکارنو را نقض کرد .

اول می : هیلاسلاسی امپراطور حبشه به فلسطین فرار کرد
۵ می جنگ بین ایتالیا و حبشه با تصرف حبشه پایان یافت .

۴ جون - اولین حکومت سوسیالستی در فرانسه بر ریاست
(لئون بلوم) تشکیل گردید .

۱۱ جولای - امضای پیمان آلمان و آتریش .

۱۸ جولای جنگ داخلی اسپانیا از سر کش شروع شد .
شورشیان ضد جمهوری وارد خاک اسپانیا شده و برای خود
حکومتی تشکیل دادند اول اکتبر ژنرال فرانسیسکو فرانکو
رئیس حکومت شورشیان سلطنت طلب گردید ۱۲۱۰ کتوبر ماهرید
بمحاصره سلطنت طلبیان درآمد و در ۶ نوامبر جمهوریخواهان
مادرید را ترک کردند .

۳۰ جنوری - هیتلر پیشوای آلمان در (رایش تاک) اعلام
داشت که معاهده ورسای را برسمیت نمی شناسد

۱۱ دسامبر : ایتالیا از جامعه ملل بهرون رفت .

۱۹۳۸ - ۱۱ مارچ هیتلر با تریش حمله کرد . در ۱۳ مارچ
صدراعظم آتریش کورت فووت شوشتیک و رئیس جمهور ویلهلم
میکلاس استعفا کردند صدراعظم جدید آرتور سایس اینگوارت
اتحاد سیاسی و جغرافیائی آلمان و آتریش را اعلام کرد .

۱۵ اکتبر - ناحیه سودت چکوسلواکی به آلمان واگذار شد
۱۹۳۹ - ۲۹ مارچ جنگ داخلی اسپانیا با موفقیت فرانکو
پایان یافت .

۱۴ مارچ - جمهوری چکوسلواکی منحل شد .

۱۶ مارچ لازیمها بوهم و موراو را اشغال کردند .

۷ می - اتحاد نظامی و سیاسی آلمان و ایتالیا اعلام شد .

۳۴ آگست - العقاد پیمان عدم تجاوز ده ساله بین اتحاد شوروی

و آلمان نازی .



نویسنده مضمون

مفهوم دفاع ملی

و

وابستگی آن به تاریخ افغانستان

تحقق دادن آنها بطور مطلوب تمام انرژی خود را صرف میکنند این موضوع شرایط خاص و ایجاباتی را بوجود می آورد که انسان آنها را برای تامین مرام خویش موافق می یابد. راه انسانها برای تحقق بخشیدن اینگونه شرایط همیشه هموار نبوده است بلکه عواملی هم موجود بوده اند که برای ایشان ایجاد موانع کرده است. و از نتیجه انسانها برای جلوگیری از بروز چنین موانع و برطرف کردن آنها سعی و تلاش بعمل آورده دنبال مقصد خود را گرفته اند. وجود عوامل مذکور سبب شده است که انسانها در راه زندگی همیشه برای دفع خطراتی که زندگی و سایر ارزشهای آنها را تهدید میکند آمادگی داشته باشند و این موضوع مفهوم دفاع را بوجود آورده است. به هر اندازه ای که ارزشهای مورد نظر نزد انسانها با اهمیت تر بوده است تلاشها برای مدافعه آنهام جدیتر و بی گیر تر دیده شده است. حفظ زندگی مهمترین ارزش هر انسان بشمار میرود و ازینرو هیچ انسان لورمائی وجود نخواهد داشت که در برابر خطر مرگ و لوبه هر اندازه ای که در مالد و ضعیف هم باشد دست به اقدامی نزند.

هر انسان به زندگی، آسایش، اعتبار و آبرو، امتیاز و برتری، پیشرفت و ترقی خود علاقه دارد و این علاقه سبب می شود که او برای ارزشهای مذکور اهمیتی قابل گردد و یابه عباره دیگر آنها را برای خود ارزشهای قابل مدافعه تلقی کند. شاید حدود این ارزشها نزد انسانهای مختلف فرق کند همانطوریکه با گذشت زمانه ها تغییر یافته است

کلمه دفاع ملی يك هدیده تلاش ملت ها برای حفظ حقوق، حاکمیت و هویت ملی آنها می باشد که به اشکال مختلف بعمل می آید. در این تلاشها گاهی اقدام به جنگ و خواربیزی اجتناب ناپذیر بوده و زمانی هم این تلاشها بدون برخورد نیروها به نتیجه رسیده است. ولی در همه حال اگر ملتی معتقد باشد که ارزشهای قابل حراستی دارد و تمایل عمومی برای حفظ این ارزشها توأم با احساس فداکاری و از خود گذری بحيث يك هدف مقدس ملی تلقی گردد، مجادله و مبارزه برای تحقق بخشیدن اهداف دفاع ملی يك عمل دوامدار می باشد.

دفاع ملی اساساً يك شکل بخصوص دفاع به مفهوم کلی آنست و آنچه حدود و مشخصات این کلمه را تعیین میکند انتساب آن به ارزشهای يك ملت می باشد. هر انسان به نحوی از انحاء ارزشهایی را قابل مدافعه میداند و برای تامین این مرام سعی و تلاش میورزد. مگر به همان پیمانان ای که دفاع ملی نسبت به دفاع فردی وسیعتر و جامعتر است، پیچیدگیها، تنوع و الاستیکیت بیشتری هم نسبت به آن دارد. پس برای توضیح جنبه های مختلف دفاع ملی باید مفاهیم دفاع و ارزشهای ملت ها و نحوه تلاش آنها برای حراست ارزش های مذکور بطور جداگانه شناخته شوند.

دفاع از نظر فردی در تلاش برای حفظ موجودیت و بدست آوردن شرایط بهتر زندگی منعکس میگردد. این تمایل با انسان یکجا بوجود آمده است. و چون انسان حفظ موجودیت و ارتقای خود را وابسته به سلسله عوامل میداند بنا بر آن برای



شاه محمود هوتک پسر مروریس خان که دروازه های کشور را
تا آنسوی امپراتوری زمان خود گسترش داد و لقب شاهنشاه را
همچون محمود کبیر حاصل نمود .

آوردن شرایط بهتر زندگی با عین نوع تلاشهای ملت های دیگر
مواجه بوده است و تاریخ نشان میدهد که ملتی باغصب حقوق
ملت دیگری برای خود شرایط بهتری بدست آورده است. این
موضوع تلاشهای ملی را شکل مبارزه چند جانبه داده و ملت
ها را مجبور ساخته است که در عین زمان با عوامل متعدد و
متنوع در راه توصل به آمال ملی مبارزه کنند. مبارزه برای
دفع عواملی که ارزشها و منافع ملی را تهدید میکند در ذات
خود يك مفهوم جامع دفاع ملی میباشد که يك عمل
دوامدار میباشد و به اینصورت دفاع ملی صرف جنبه نظامی
نداشته تلاشهای متنوع سیاسی، اقتصادی، سایکالوژیکی
و ساینٹیفیک را احتوا میدارد قسمتی از این جنبه ها که
در زمانه های گذشته محدود تر بوده است در شرایط امروزه
وسعت دفاع نظامی کسب اهمیت کرده است. و این موضوع
هم ناشی از توسعه ارتباطات و نزدیکی ملت ها و انکشاف دلچسپی
های ملی آنها در سطح جهانی می باشد که از پدیده های بارز

معهدا در تمام شرایط ارزشهای قابل حراست
برای انسانها اهمیت داشته است. ارزشهای
مذکور نظر به مفکوره و عقیده ای که انسان به آنها
دارد از حیث اهمیت و گرایش به حراست آن
در درجات مختلف قرار گرفته می تواند تا حدیکه
ممکن است انسان برای حفظ يك ارزشی مهتر
از ارزش دیگری بگذرد و یا آنرا فدا کند. هیچ
انسان هافلی پیدا نمیشود. که بدون سبب زندگی
خود را در خطر اندازد مگر بسیار دیده شده
است که انسانی برای حفظ یکی از ارزشهای
دیگر مانند آبرو و حیثیت از حیات خود گذشته
شود در راه حراست يك ارزش عالیتر تن به فداکاری
داده است. آیا کسانی که در راه حفظ خاک و وطن
و دفع تجاوز اجنبی از جان گذشته اند چنین
نیستند؟ مسلماً نزد آنها این عقیده اهمیت دارد
که ننگ زندگی محکومیت و اسارت که در آن
انسان تمام اختیارات خود را به متجاوز تسلیم
میکند بارها بدتر و ناپسند تر از مرگ است.
خصوصاً مرگی که برای او و خانواده اش افتخار
می آورد. شاید هم برخی اشخاص پیدا شوند
که برای رفاه اولاد خود خطر مرگ را قبول کنند.
به هر صورت دفاع از نظر فردی برای حفظ
ارزشهایی بعمل می آید که انسان آنرا برای حفظ
موجودیت و بدست آوردن شرایط بهتر زندگی
حتمی تلقی میدارد.

وقتی مفهوم دفاع را در چوکات ملت ها
مد نظر بگیریم بارو حیمه ملت ها و طرز تفکر آنها
در مورد ارزشهای ملی سروکار خواهیم داشت
مگر نکته قابل توجه عبارت از این می باشد که

در جمعیت حفظ چنان ارزشهایی مورد علاقه همگان می باشد که
تمام افراد به حراست آن عقیده داشته باشند و اینکار در صورتی
امکان پذیر است که يك وابستگی قوی در بین افراد جمعیت
بوجود آید و مفهوم خطرات مشترك و دفاع مشترك نزد آنها
روشن شود. خطرات مشترك درست در مقابل منافع مشترك
قرار دارد و منافع مشترك زاده زندگی جمعیت ها تحت يك نوع
شرایط و پیوستگی و ارتباطات مادی و معنوی آنها میباشد.
تلاشهای فردی برای حفظ موجودیت و بدست آوردن شرایط
بهتر زندگی در جمعیت شکل وسیعتر و پیچیده تری را بخود
میگیرد به این معنی که شاید ظاهراً خطری تمام افراد را
در عین زمان تهدید نکند ولی مقدمه خطر برای همه واقع شود
و روی این اصل برای تمام اعضای جمعیت از همان ابتدای مرحله
بحیث خطر تلقی میگردد و جهت دفع آن تلاش مجموعی بعمل
می آید.

تلاش ملت ها برای حفظ ارزشهای فردی و ملی بدست



سردار محمد ابوب خان نهرمان میولد فرزند فدا کار
افغانستان که باعزم راسخ از هرات بسوی
قندهار شتافت و در میدان میوند حماسه جاویدالی
رائت تاریخ کرد

به اینصورت مفهوم دفاع ملی امروز آنقدر وسیعتر شده است که بسا از اقدامات و فعالیت های فردی و اجتماعی به نحوی از انجا بالای آن موثر است و ملت هائیکه در تمام اقدامات خود این موضوع را مدنظر میگویند بتیان دفاع ملی خود را روز بروز مستحکمتر می سازند. تاریخ نشان میدهد که بعضی ملیت ها در برابر حوادث بی شمار قرن ها چنان مقاومت و استادگی کرده اند که هویت ملی، ارزشها و حاکمیت ملی خود را محافظه کرده و در میان گرد باد حوادث و رویدادهای مدهشی از بین نرفته اند و همچنین تاریخ از ملت هائی هم سخن میگوید که روزگاری به عظمت و بزرگی زیسته اند و بالاخره در کام حادث چنان فرو رفته اند که امروز نشانی از آنها باقی نمانده است. دفاع در مورد هر دو نوع ملت های مذکور موجود بوده است منتها دستة اولی درین راه موفق شده و دستة ثانوی هویت خود را هم از دست داده است. تاریخ درخشان و با عظمت افغانستان نشان میدهد که مردم این کشور از قدیمترین زمان چنان دفاع موثر ملی را در برابر رویداد های بیهم و بی شمار بعمل آورده اند که تاکنون شخصیت و هویت ملی خود را محافظه کرده پیوسته آزاد و مستقل زیسته اند.

* * *

عصر حاضر بشمار میرود. اگر دفاع ملی در گذشته بیشتر از همه دفع تجاوزات مسلحانه اجنبی و یا اجرای عملیات نظامی را برای شکست دادن پوتانسیل نیرو هائی احتوا میگرد که امکانات تجاوز را در آینده پیدا میگرد، امروز دفاع ملی تمام تلاشهای نظامی، سیاسی، اقتصادی، سایکا لوژیکی و تکنالوژیکی را احتوا میآورد که بقصد حفظ ارزشها و منافع ملی بعمل می آید. با توسعه ساحة دفاع ملی و وسایل آن اهداف و غایه های دفاعی هم تغییر می یابد. و اساساً این مربوط به توسعه ارزشها و منافع ملی میباشد. در زمانه های گذشته حفظ تمامیت ارضی مهمترین هدف دفاع ملی را تشکیل میکرد. مگر بتدریج با توسعه ارتباط ملت ها و تاثیرات متقابل ایشان اهداف قابل دفاع وسیعتر شد و توأم با این وسعت اهداف و وسایل دفاعی نیز انکشاف داده شده تلاشهای سیاسی، اقتصادی، سایکا لوژیکی و ساینیتفیک به پیمانۀ تلاشهای نظامی اهمیت پیدا کرد و طوریکه در شرایط امروزه جهان تمام تلاشهای مذکور به نحوی از انجا با دفاع ملی ارتباط دارد.

امروز این عقیده موجود است که نه تنها محافظه و حراست تمامیت ارضی ملی به دفاع ملی تعلق میگیرد بلکه صیانت تمام ارزشها و عناصر تشکیل دهنده يك ملت و تامین کننده زندگی بهتر و آبرو مند تر آن به دفاع ملی مربوط است. وسعت پذیرفتن مفهوم دفاع ملی به این شکل يك مشکل عمده را بوجود آورده است که موازی به آن حرکت میکنند. این مشکل عبارت از جلب توافق عمومی در مورد دفاع هر ارزش سالم ملی میباشد زیرا بسیار آسان است که يك موافقت عمومی ملی در مورد حفظ تمامیت ارضی در مقابل تجاوز خارجی بدست آورده شود مگر بسا از ارزشهای دیگری در مایتها وجود دارند که به اهمیت تمامیت ارضی قابل مدافعه بوده ولی بنابر اینکه همه در عین زمان از اهمیت و حیاتی بودن آن باخبر نمی باشند و برای بعضی اشخاص بی اهمیت جلوه میکنند، توافق سریع عمومی در مورد حراست آنها و اتخاذ تدابیر جدی و همگان جهت مدافعه آنها بشکل بدست می آید. این موضوع دفاع ملی را در عصر حاضر بسیار وسیع و در عین زمان پیچیده ساخته است. این نکته هم قابل یاد آوری است که حفظ قابلیت وسایلی که در دفاع ملی از آنها کار گرفته می شود در عین زمان يك هدف ضمنی دفاع را تشکیل میدهد و از آنجائیکه دفاع ملی نیروی خود را از پوتانسیل مجموعی ملت ها بدست می آورد بنا بر آن حفظ قابلیت ها و انکشاف پوتانسیل مذکور يك هدف وسطی را برای تحقق دادن غایه های دفاع ملی بوجود می آورد پوتانسیل مجموعی ملت ها از نیروی های موجوده و امکانات (ظرفیت) آینده نظامی، سیاسی، اقتصادی، سایکا لوژیکی، ساینیتفیک و جغرافی بوجود می آید که در اختیار آنها قرار دارد و با آنها به نفع خود استفاده کرده می توانند. از نیرو و مدافعه این پوتانسیل در برابر تاثیرات تخریب کننده محافظ و انکشاف آن بطور موثر يك هدف وسطی است که راه را بسوی غایه های دفاع ملی کوتاهتر می سازد.

با تقدیم مقدمه فوق الذکر تاریخ
درخشان وطن را ورق میزیم و تلاش
های بیهم ملت افغانستان را در زمانه
های گذشته به مقصد دفاع از خاک
و ارزش های ملی مرور میکنیم.

افغانستان سرزمین باستانی آریانا
در افتخارات چند هزار ساله خود همیشه
افتخار دفاع ملی و حفظ استقلال
و هویت ملی خویش را محافظه داشته
است. از روز گاریکه قبایل آریائی
در وادی ها و دره های شاداب این
سرزمین متوطن شده اند شایسته ترین
داستانها و افسانه های مردم آنهایی بوده
است که از دلاوری و راد مردی
قهرمانان و اسلحه سربازان فاتح وطن
حکایتها دارد. دلیل آنهم اینست
که این مردم از روزگاری بس کهن
بهیوسته در راه حفظ هویت ملی و استقلال
خود با تمام نیروهای مخالف در مجادله
بسر برده و لحظه ای ازین کار مقدس
غافل نمانده اند. دوره ویدی و
اوستائی کشور کاملاً یک دوره مجادله
و مبارزه است که در آن مردم آریانا
بهیوسته برای صیالت از زشهای ملی
و خاکهای خود شمشیر زده اند
و احساس غرور ملی خود را درین
رویدادها در داستانها و افسانه های
رزمی و حماسی گرد آورده اند. ادبیات
کهن این سرزمین سرشار از داستان
های سلحشوری و راد مردی قهرمانان
نامور و مبارزان شکست ناپذیر وطن
می باشد که به هیچ قیمتی حاضر نشدند
گرد سواران اجنبی را به کوهپایه



ملالی دوشیزه ای که در روز های پر هیجان محاربه میولد دوش بدوش برادران
خود علیه تجاوزین جنگید و نم به افتخاری را برای خود و همه دختران این
مرز و بوم کمالی کرد

های شامخ خود راه دهند. سرود های ویدی و تذکرات
اوستا که معرف زلنگائی مدنی، عرف و عادات، فرهنگ و
ثقافت مردم قدیم این کشور است مطالب زیادی در باره
جنگها و مبارزات این مردم در برابر تجاوزات بیگانگان
دارد و این داستانها چنان به روحیه بلند باشندگان این وطن
مواقف افتاده است که قریباًست آنرا فراموش نکرده اند.
گرایش مردم را به این داستانهای پر افتخار میتوان از روی
آثار ادبی گذشته کشور ملاحظه کرد.

مجادلات دوامدار آریائی و تورائی از حوادث مهم این
دوره می باشد که طی آن فرماندهان نامی و سربازان دلاور
آریالها قریباً با مهاجمین تورائی که از طرف شمال خاک های

آریانا را مورد تهدید قرار میدادند در مجادله بسر برده به
هیچ قیمتی حاضر نشدند که بر سر زمین محبوب آنها سایه
سربازان اجنبی افتد. از آن دوره داستان های زیاد حماسی
باقی مانده است که به مرور زمان شکل افسانوی بخود گرفته
است. این داستانها بیشتر به پهلوانان و قهرمانانی تعلق
میگردد که زورمند ترین دشمنان هم نتوانسته اند بازوی
مقاومت آنها را در هم شکنند و بر اسلحه فاتح آنها چیره
گردند. در دوره اوستائی از دو دمان پهلوانان بزرگ
آریانا داستان های زیادی بجا مانده است. یکی ازین دو دمان
ها به هیستان منسوب می باشد که سام نریمان را وارد عرصه
پهلوانی کرده است. سام نریمان را پسری بود بنام زال زر

که در نتیجه تزویج او بار و دایه دختر مهرباب شاه کابل رستم بدلیا آمد. رستم در کشور نزد تمام یک نام بس آشناست و مردم به زور مندی و پهلوانی او مثلها میزنند. رستم از پهلوانان بی رقیب عصر خود بود که مدتها بادشمنان وطن چنگید و خیالات تجاوز را از دماغ آنها بیرون کرد. در داستانها ذکر می شود که زال ز پدر رستم پسران دیگری چون شغاد و ز و اره هم داشت که مقام پهلوانی داشتند. فرامرز، مهرباب، جهانگیر، گشسپ بالور و زربانو اولاده رستم بودند و مهرباب هم پسری داشت بنام برزو که پدر شهریار می باشد. داستان قهرمانی های این پهلوانان بزرگ در ادبیات کهن این سرزمین آثاری چون شاهنامه فردوسی، برزو نامه، فرامرز نامه، جهانگیر نامه، شهریار نامه، سام نامه و بانو گشسپ نامه را بوجود آورده اند که همه از حماسه های جاودان این ملت حکایتها دارد. گذشته از آن دودمان های پهلوانان بزرگ دیگر چون کاوه که پدر کارن کاوگان نامی باشد و دو دمان پلودریان که پهلوانالی چون لوتر، طوس، گسستم و زر اسپر ایدید آورده اند و قهرمانان دیگری چون فریرز پسر کاوس، زریر پسر لهر اسپ، بستور پسر زریر، اسفندیار پسر گشتاسپ و غیره در تاریخ قدیم کشور کارنامه هایی از خود بیادگار گذاشته اند.

وقتی از داستانهای این دوره که با افسانهها آمیخته است بگذریم مطالب مستند تاریخی نشان میدهد که فرزندان این کشور برسم گذشتگان پاک سرشت خود در هر دوره در مقابل متجاوزین چنان پایداری از خود نشان داده اند که در نتیجه آن فرهنگ، کلتور و هویت ملی خود را زنده نگاهداشته اند.

در قرن ششم پیش از میلاد دولت هخامنشیان در پارس توسعه پیدا کرد و کوروش فرمانروای هخامنشی حکومت ما را سقوط داد. پس از آن قشون هخامنشی بهر طرف به پیشروی افتاد و درین ضمن در اواسط قرن ششم پیش از میلاد راه مشرق را در پیشش گرفت و وارد سرزمین های آریا-ناشد. مردم آریانا که به شواهد آثار تاریخی از قرنهای آزاد میزیستند و گاهی سرتسلیم به اجالب لحم نکرده بودند زیر لوای باختر جمع شده مدت پنج سال الی شش سال در مقابل قشون نیرومند هخامنشی بدفاع قیام ورزیدند. اگرچه درین ضمن بعضی از قسمت های آریانا بدست کوروش افتاد ولی این موضوع اراده پولادین مردم این سرزمین را برای حفظ استقلال و حاکمیت ملی ایشان متزلزل نساخت و همچنان به مبارزات خود دوام دادند تا آنکه کوروش با داشتن امپراطوری وسیعی در اواخر دوره فرمانروائی خود مجبور شد بار دیگر قشون بزرگی را بسوی آریانا سوق کند. در نتیجه این سوقیات کوروش هر قدر جلو رفت به همان پیمانها موافقت بزرگی را در برابر خود دید و در پایان کار هم کوروش در آریانا کشته



وزیر محمد کبیرخان غازی نهمانی که سالها علیه استعمار چنگید و خاطرات سهمی را در راه عظمت ملی افغانها از خود بیادگار گذاشت

شد و قشون جز رجعت را نمی برد. پس از کوروش فرمانروایان هخامنشی چون داریوش اول، اردشیر اول و اردشیر دوم به تامین قبضه سیاسی خود بر خاکهای آریانا قیام ورزیدند ولی در مواردیکه از عملیات خود نتیجه مطلوبی هم بدست آوردند مدت دوام آن کم بود و ایالات آریانا بزودی پس از هر بحران تحت اداره روسای ملی خویش حاکمیت ملی خود را بدست می آوردند. چنانچه در وقتیکه سکندر مقدونی به این صفحات رسید در هیچ جا با کدام حکمران هخامنشی مواجه نگردید بلکه دفاع در برابر تهاجمات سکندر کاملاً از طرف مردم این کشور تحت قیادت سران ملی بعمل آمد (فراسرتلرو سراورل ستین در تحقیقات خود به این موضوع روشنی داده اند).

به اینصورت درین دوره که فرمانروایان هخامنشی بزرگترین قشون مشرق زمین را در اختیار داشتند و پرچم

های خود را تا دروازه های اروپا رسانیده بر مصر لوای حا کعبیت افراشتند مردم سلحشور آریانا بر سم گذشتگان این سرزمین از تمام امکانات خود در راه دفاع ملی کار گرفتند و آزادی عنعنوی خود را محافظه کردند .

وقتی به سالهای بعدتر از آن نظر انداخته حوادث مربوط لشکر کشی سکندر مقدونی را در مشرق زمین مرور کنیم تصویر روشنتری از پایداری و راد مردی فرزندان آریانا را مشاهده کرده می توانیم که در هر وجه خاک خود در برابر دریائی از سپاه اجنبی بدفاع از وطن قیام ورزیدند . سکندر مقدونی در مدت چهار سال تمام خاک های آسیای صغیر ، مصر ، فلسطین و شام و بن النهرین را اشغال نمود قشون بزرگ هخامنشی را در دو محاربه بزرگ گرانیکس و گوگملا از هم متلاشی ساخت و آنگاه تمام قلمرو هخامنشیان را مسخر نمود و پایتخت آرا آتش زد . مگر همان سکندر مقدونی با همان سر بازان جنگ آزموده اش باضافه نیروهای تقویه ای که بوی وقتاً فوقتاً میرسید مدت چهار سال صرف در خاک آریانا سرگردان ماند آنها نیکه پیشرفت چهار ساله قشون مقدونی را در غرب آریانا دیده بودند به معطلی چهار ساله اش در آریانا بکمال تعجب مینگریستند . زیرا اوبسال ۳۳۴ پیش از میلاد در ساحل تروی (آسیای صغیر پیاده شد و پس اجرای عملیات در ساحل وسیعی که آسیای صغیر ، مصر ، فلسطین ، شام ، بن - النهرین و ایران را احتوا میکرد بسال ۳۳۰ پیش از میلاد به حدود غربی آریانا رسید . سکندر پس از برخورد شدیدی با مدافعین دلیر هرات راه



آبده شهدا در بغمان که نمایانگر و اسپین دفاع ما از آزادی و تمامیت خاک مقدس وطن میباشد ، درین مبارزه که (۵۳) سال قبل در مقابل قوای دشمن صورت گرفت برای آخرین بار استقلال ما حاصل شد و ثبت لوایح تاریخی گردید که هر صفحه آن بخون فرزندان افغان رنگین و مزین شده است .

سکندر را در بسا موارد به تعقیب انداخت . روی این ملاحظات سکندر مجبور شد برای محافظه خطوط عقبی خود دست به اعمار قلعه های نظامی در اقاط مهم استراتژیکی بزند و با محافظه آن

سیستان را در پیش گرفت و طی بکنیم سال دیگر به شمال کابل رسید . مگر درین مدت فرماندهان محلی چندین مرتبه در عقب قشون او به قیام ملی دست زدند و پیشرفت

توسط ساخلوی مقدونی خطوط اکمال و ارتباط خویش را
 مصئون سازد، سکندر مقدونی به مشکل از هندوکش بطرف
 شمال عبور کرد و پس از آن مدت دو سال در صفحیات باختر
 و سغدیان سرگردان ماند زیرا و همینکه بدفع قیام ملی دریکه
 نقطه مشغول میشد در نقطه دیگری علم مقاومت برافراشته
 میشد و به این ترتیب اوطی مدت دو سال در صفحیات شمال
 هندوکش پیوسته از جایی به جایی میرفت و در پایان کار هم
 علیرغم تخریبات و قتل عام‌های که بعمل آورد از قبضه
 مقدونی بر آن سرزمین اطعمیان نداشت. وقتی سکندر مجدداً
 از هندوکش عبور کرد راه پیشرفت خود را بطرف مشرق
 توسط باشندگان دره‌های کوهستانی گندهارا مسدود یافت
 مجبور شد که تا دریای الدوس قدم بدم بجنگد و از یک
 قلعه به قلعه دیگری پیشرفت نماید و به اینصورت وقتی
 او به رودخانه سند رسید مدت چهار سال از زمانی گذشته بود
 که به حدود غربی آریانا تماس کرده بود. آنچه مجادلات
 مردم آریانا را در برابر متجاوزین مقدونی از مبارزات سایر
 مناطق متمایز می‌سازد مقاومت و پایداری تزلزل ناپذیر و اراده
 و ولادین جنگجویی مردم آریانا می‌باشد که علیرغم موفقیت‌های
 قشون مقدونی در سایر مناطق در بلاد خود دست از مقاومت
 نکشیدند و اگر چه آنها میدیدند که قشون مقدولی قدم به قدم
 شهرها و قلعه‌های مقاومت کننده را درهم شکسته است
 ولی مردم هر شهر و هر قلعه مقاومت و پایداری در برابر
 متجاوزین یک عمل ستوده و رسم غیر قابل تغییر میدانستند
 و ازینرو در بعضی قلعه‌ها حتی چند صد نفر در مقابل هزاران
 سرباز منظم مقدولی مقاومت کردند و مدتها جنگیدند. دفاع
 از تمامیت خاک و حفظ ارزشها و هویت ملی لزد آنها چنان
 گرامی بود که برای تحقق بخشیدن آن علیرغم کمی نیرو
 شجاعانه بجنگ سیلاب مهاجمین میرفتند و تا آخرین نیرو
 شمشیر میزدند.

سوقیات سکندر مقدونی در آریانا مانند اکثر جهانگیران
 آمدن و رفتنی بیش نبود و همینکه سکندر از پنجاب مراجعت
 کرد و در بابیلون درگذشت ولایات آریانا هر کدام در حوضه
 خویش به تاسیس حاکمیت ملی خود مجدداً آغاز کردند
 و یونانیایی که در آریانا دست تصرف بر مستملکات سکندر
 گشوده بودند نیز بتدریج با مردم این سرزمین آمیختند که
 چندسال بعد باعث تشکیل دولت مستقل یونان باختری شد
 (۲۵۰ ق. م) دولت یونان باختری کاملاً بک دولت مستقل
 بود و هر دوره آن اگر چه فرهنگ و تمدن یونانی در آریانا
 کم و بیش انتشار یافت ولی این موضوع به هیچ وجه فرهنگ
 باستانی این سرزمین را از بین برده نتوانست. بتدریج باختر
 مرکز قدرت بزرگی شد که نه تنها به توحید تمام خاک‌های
 آریانا توفیق یافت بلکه پرچم‌های خود را تا اعماق میدانهای
 هند نیز جلو برد.

تقریباً دو قرن بعدتر زمانی که کوشانیان در آریانا نیرو

خلاصه وقایع مهم جنگ سال ۱۹۱۶

۲۱ فبروری حمله آلمانها به
 وردون .
 ۲۴ اپریل بغاوت در دوبلین
 و اعدام بسیاری از مردم .
 ۳۱ می محاربه بحری ژوئولاند
 ۲ جون محاربه سوم اپریل .
 ۶ : دسامبر، یوید لوید جرج
 صدراعظم انگلستان گردید .
 ۲۰ دسامبر انتشار یادداشت
 صالح ویلسن .

یافتند و در قرن اول میلادی امپراطوری بزرگ کوشانی را
 در آریانا تشکیل دادند. عظمت گذشته این کشور چنان احیا
 گردید که آوازه‌های در دورترین زوایای مشرق قدیم انتشار
 یافت درین دوره فرهنگ ملی این سرزمین به سایر مناطق مجاور
 راه یافت، کذا درین عصر در نتیجه آمیزش مبادی فرهنگی
 و کلتوری دوره‌های ویدی و اوستائی با فرآورده‌های مدنیت
 یونانی و بودائی چنان فرهنگ و کلتور خالص ملی بمیان آمد
 که از خود سبک مشخص جداگانه‌ای دارد و نظیر آن در سایر
 مناطق مجاور دیده نمی‌شود .

پس از انحطاط قدرت کوشانیان بزرگ در نیمه قرن سوم
 میلادی هر چند ولایات آریانا دستخوش تجزیه قرار گرفت مگر
 با بمیان آمدن امپراطوری یفتلی در قرن پنجم میلادی بار دیگر
 همان عظمت گذشته احیا گردید یفتلی‌ها از یکطرف برسم گذشتگان
 این سرزمین دامنه‌های -لمرو خود را تا نقاط دور دست هند
 وسعت دادند و از جانب دیگر به تجاوزات ساسانیان
 چنان جواب دادند که در نتیجه آن مدتها
 دولت ساسانی خراجگذار دولت یفتلی آریانا بود. اقتدار
 یفتلی‌ها تا حوالی نیمه قرن ششم میلادی باقیماند و پس از آن
 در آریانا دولت‌های کوچک محلی از عناصر کوشانی و یفتلی
 بوجود آمد و با ظهور اسلام درین سرزمین امرای محلی حکومتات
 کوچک و مستقلی را تشکیل داده بودند .

قشون اسلامی نخستین بار بسال ۲۳ هجری به حدود آریانا
 تماس کرد و پس از آن طی یک دوره طولانی اردو‌های
 اسلام بطور پیهم برای نشر اسلام در آریانا اقدام نمودند
 درین ضمن مردم ولایات مختلف آریانا تحت لوای امرای محلی
 چنان مقاومت و پایداری نشان دادند که طی مدت دو صدسال
 هم اسلام در تمام نقاط آریانا انتشار داده نتوانست و صرف
 پس از آنکه مردم این سرزمین از روی عقیده و ایمان به مزایای
 دین مقدس اسلام پی بردند و از جان و دل گرویده آن شدند
 از مخالفت دست گرفتند و آنوقت همان شمشیر را در برابر
 سربازان اسلامی بکار می‌بردند در راه بسط و انتشار اسلام

استعمال کردند. مردم آریانا به آئین پاک اسلام گرویدند ولی برسم گذشتگان خود آزادی عنعنوی و حاکمیت ملی خود را فراموش نکردند. روی این اساس آنها در دوران خلافت اموی و عباسی برای تشکیل یک حکومت مستقل ملی اسلامی در آریانا سعی و تلاش بعمل آوردند. این تلاشها بالاخره به نتیجه رسید و دولت مستقل طاهریان هرات توسط طاهر پوشتنگی تاسیس گردید و با انحطاط آن دولت مستقل اسلامی صفاریان سیستان نیرو یافت. یعقوب لیث صفاری در مدت فرمانروائی خود (۲۴۷-۲۶۵ هجری) به احیای عظمت گذشته این سرزمین قیام ورزید و اولین فرمانروای اسلامی می باشد که خاکهای آریانا را کاملاً از رودخانه آمو تا سیستان و مکران و از مرو و هرات تا کابل و گردیز زیر لوای یک حکومت مستقل ملی درآورد.

پس از صفاریان سامانیان نیز در انتشار کلتور و فرهنگ ملی و اسلامی و حفظ روحیه ملی این سرزمین اقدامات مغتنمی بعمل آوردند و همینکه بسال ۳۵۱ هجری دولت نیرومند غزنوی در کشور بمیان آمدند تیت اسلامی و فرهنگ ملی انکشاف بیشتری یافت دین اسلام در تمام زوایای تاریک کشور منتشر گردید و چراغ این آئین متوده تا نقاط دور دست هند هم پیش برده شد. درین دوره قلمرو دولت غزنوی و دایره خطراتی که تعامیت اراضی رارزشهای قیمتدار ملی این سرزمین را تهدید میکرد خدمات برجسته انجام دادند. پس از آن بعزت نیرو یافتن سلجوقیان در خراسان قسمتی از خاکهای دولت غزنه بدست سلجوقیان افتاد مگر با تاسیس امپراطوری بزرگ غوری افغانستان که خصوصاً پس از سال ۵۵۸ هجری تحت رهبری سلطان غیاث الدین غوری نیرو یافت یکبار دیگر ولایات قدیم کشور توسعه و حدود و ثغور فرهنگ و سایر ارزش های ملی این سرزمین در برابر تأثیرات اجنبی بطور مطلوبی حفاظت شد.

پس از انحطاط امپراطوری غوری در افغانستان وسلطه موقتی خوارزمشاهیان توفان مهاجمین چنگیزی از افق های شمال بر خاکهای افغانستان سایه افکند. رویدادهای مصیبت بار آن سالهای پر حادثه که سواران یغماگر چنگیز دست به غارت، قتل عام و تخریب تمام شهرها، قصبات، روستاها و آبادی های سرزمین های مشرق زدند چنان غم انگیز است که اینک پس از قرن ها علایم آن هنوز با برجاست. مگر آنچه درین مورد قابل یاد آوری و توجه می باشد مقاومت دلیرانه و پایداری دوامدار مردم افغانستان در برابر سیلاب خالمانسور مغل است که حماسه های جاودالی را در تاریخ کشور بوجود آورده است.

چنگیز با آنچه سربازان خولنخوار خود که چون درهای خروشان بر سر شهرها و آبادی ها فرو دمی آمد نسبت به هر جای دیگر در شهرهای آریانا صدمه دید و به مدافعه قوی فرزند ان این سرزمین مواجه شد و به بعضی مناطق افغانستان هرگز نه پای اورسید و نه سربازانش بر آن نقاط دست یافتند. از همین رهگذر شهر های افغانستان نسبت به هر جای دیگر مصیبت های بیشتری کشیدند و

تاسی توله پوه پیری؟ چه جنگ که به اثر - به لیر زمانه کی لوی تغییر ورته - نه یوازی ددنیاه به جغرافی وضعیت کی - بلکه دقومونو دژوند به تولو خانگکو کی پینس شوی دی محارب او غیر محارب نی به یو دول دولو متاثر کړیدی - په نیره بیبا دغوسیا شتو راهیسی جنگ که له غربه څخه و شرق ته را گرزیدنی دی او هغه مملکتونه چه په خوا تر دی بی له جنگه څخه مانوله نسبتاً ساتل بلل په ناوړه صدمه مواخته شوی دی. لوبنا پردی لازمه شوه چه افغانستان چه پدی حصه کی د شرق یومهم موقع لری په دی نازک وخت کی له خارجه سیاسته څخه چه د صلح او بیطرفی پر اساس او ددی موجود و واقعو به مقابل کی لکه چه نیایی هغی غور او دقت و کی، اولت او حکومت چه هیڅ کله نی یوله بله جدائی نه درلوده په کلی او جزئی مسئله کی د مملکت تل متحد او یو لاس دی د فکر تبادلله او ینه تصمیم ونیسی.

دگران معظم همایونی دارشاداتی

پوهنځی
په ۱۳۳۰
کال کښی

صدمات زهاده تری دیدند. باوصف آنهام هرات، بامیان، تالقان و بسا از شهرهای دیگر تازمانی مقاومت کردند که کاملاً با خاک یکسان شد. و هیچ زنده جانی در آنها باقی نماند این گونه حوادث بزرگترین مظهر اراده مردمی است که در راه دفاع از ارزش های ملی تا پای مرگ استادگی میکنند.

درگیر و دار این هنگامه های مدعش قلعه های گوهستانی غور نسبت به هر نقطه دیگر صدمات بزرگترین به متجاوزین چنگیزی وارد آوردند. مدافعین این قلعه های مستحکم با استفاده از موقعیت مساعد حصارها و بیروی اسلحه فاتح خویش تا پایان کار در حفظ سرزمین خود در برابر تهاجمات سربازان خونخوار مغل کوشیدند و درین راه توفیق یافتند. ناگامی تهاجمات مغل در برابر قلعه های سیف رود، تولک، خیسار و غیره این موضوع را بخوبی آشکار میسازد. روی همین علت در حالیکه تهاجمات چنگیزیان تمام هستی شهرهای معمور کشور را بباد داد در غور دولت مستقل ملی بنام دولت کورت از اولاده سلاطین غوری بمیان آمد و در تمام دوران تسلط مغل پا برجاماند. فرمانروایان کورت هر کدام از یکطرف به صیانت حدود ارزشهای ملی کشور قیام ورزیدند و از

دوای جوان ماندن پوست

بطوریکه اخیراً دنیای عالم‌العالی ابراز عقیده نموده اند پوست انسان میتواند تا سالهای پیری صاف و جوان بماند، پس از سالهای طولانی تحقق، دانشمندان موصوف سر انجام دوای ساختند که در مقابل چین خوردگی پوست بسیار مؤثر می‌باشد. دوای مذکور در درجه اول آب را در پوست انسان نگاه میدارد زیرا پیدایش چین پوست بیش از همه چیز دیگر معلول از بین رفتن آب پوست با گذر عمر است. دانشمندان تذکره درابتدا ماده‌ای را کشف کردند که عامل رابطه آن با (کراتین) یعنی قسمت اصلی پوست انسان می‌باشد. عامل فوق از یک ماده کاربن‌هایدرات خنثی ترکیب شده است. علمای آلمانی سپس همان ترکیب کاربن‌هایدرات را بقسم کیمیاوی ساخته‌اند. تاثیر این دوا بر روی کراتین چنان قوی است که حتی باشسته‌شوی زیاد از این نهرود.

آنچه درین دوره از وای اوراق تاریخ میدرخشد مبارزات بیستم‌م‌دم این سرزمین است که طی مدت سه قرن برای دست گرفتن اقتدار و تشکیل حکومت ملی در هر گوشه و کنار وطن بعمل آمد. میگویند یک ملت وقتی مغلوب میشود که اراده مبارزه را در راه احقاق حقوق خود از دست دهد. مردم افغانستان در برابر لیروی قدرت‌های که هتوانسبیل‌های بزرگ نظامی را در اختیار داشتند تا آخر دست از مبارزه نکشیدند، قیام‌های ملی درین دوره در مشرق و مغرب افغانستان یک حادثه طبیعی و دوامدار بود وای موضوع ارزشهای ملی کشور از منحل شدن و اضمهلال نجات داد و بالاخره هم این مبارزات چند صدساله در اوایل قرن هژدهم به ثمر رسید و میرویس خان هوتک در قندهار به تشکیل حکومت مستقل ملی توفیق یافت. دولت هوتکی قندهار به احیای عظمت گذشته کشور عمت گماشت و هنوز مدت زیادی از قیام ملی میرویس خان نگذشته بود که شاه محمود هوتک قشون افغان را به اصفهان رساند و حکومت صفوی را سقوط داد. هر چند عمر دولت هوتکی کوتاه بود مگر این دولت ملی مشعلی را بر فروخت که در هر توآن چند سال بعد امپراطوری وسیع افغانستان تاسیس گردید.

فاصله بین سقوط دولت هوتکی قندهار و تشکیل امپراطوری درانی تحت قیادت احمدشاه بابا صرف ده سال بود. احمدشاه بابا بنیان‌گذار افغانستان نوین در تاریخ مدافعه ملی کشور شخصیت نامورد برجسته‌ای میباشد. سیاست و استراتژی احمدشاه بابا

جانب دیگر به دفع خطراتی پرداختند که موجودیت آنها را تهدید میکرد. این دولت تا زمان ظهور امیر تیمور کورگانی دوام یافت. امیر تیمور سال ۷۸۲ هجری پس از محاربات شدیدی شهر هرات را اشغال نمود و متعاقباً چون فرمانروایان غور و هرات مجدداً در مقام مقابله با وی برآمدند سال ۷۸۵ هجری سوقیات دیگری به هرات و شین‌بله بعمل آورده دولت کورت را منقرض ساخت و پس از آن سوقیاتش را بسوی سیستان و زابلستان ادامه داده تا کوه‌های سلیمان پیش‌رفت و طی این سوقیات در قلعه‌ها و شهرهای متعددی جنگید. طوریکه امیر تیمور کورگالی در خاطر آتش میتوید او با قشون بزرگی از راه بامیان‌راه فیروز کوه مرکز غور را در پیش‌گرفت و پس از تحمل مشکلات زیاد به فیروز کوه رسید. آنوقت در فیروز کوه یک فرمانده محلی موسوم به ابدال غلزائی حکومت میکرد. ابدال غلزائی با قشون خود در بیرون فیروز کوه مقابله شدیدی با امیر تیمور بعمل آورد که موجب پزیشانی سربازان تیمور شد ولی بالاخره امیر تیمور با استفاده از باروت قشون محلی فیروز کوه را شکست داد و سر انجام هم بر حصار شهر چیره گردید. امیر تیمور می‌نوید که ابدال غلزائی را بحال زخمی اسیر کرده با زنجیرها بسته نزدش بردند و تیمور که دلاوری او را شایان تحسین میدید از او خواست که تسلیم او شود و خراجگذار او باقی ماند و به اینصورت حکومت خود را در فیروز کوه حفظ نماید ولی ابدال به وی اظهار داشت که: «من خراجگذار تو نخواهم شد و اگر خواسته باشی میتوالی اکنون که دست و پای من بسته است مرا بقتل برسانی ولی تا آخر خواهی دید که من زندگی را به قیمت خراجگذار بودن نخواهم خواست. و تو هم ایتر ابدال که سرزمین غور تنها محدود به فیروز کوه نیست بلکه درینجا سردمی اسر می‌برند که تو و سربازانت را بسادگی یکام هلاکت فرومی‌برند» (به کتاب منم تیمور و جهانگشا مراجعه شود). آنوقت قرار تذکرات امیر تیمور او با ابدال غلزائی از در دوستی پیش آمده و با وی بهمان دوستی بسته است. این حادثه در تاریخ افغانستان یک واقعه استثنائی نیست بلکه در بساموار دیده شده است که فرزندان این سرزمین در برابر تجاوز تا پای سرگ استادگی کرده و به هیچ فرمانده اجنبی سرتسلیم فرود نیاورده‌اند. از همین رهگذر آنها یک دست به تسلط خاکهای این کشور گشوده اند مجبور شده‌اند که برای تأمین این مقصد خود در هر قدم بجنگند و در برابر هر قلعه و شهر عملیات تجاوزی خود را از سر گیرند.

پس از وفات امیر تیمور کورگانی دولت تیموریان هرات تا اوایل قرن دهم هجری برقرار بود و با انحطاط آن قسمت‌های غرب افغانستان در نتیجه کشمکشهای رقابت آمیز شیانی‌ها و صفویان بالاخره بدست صفوی‌ها افتاد. درین ضمن ظمیر الدین بابر شاه که در کابل مرکزیت یافته بود در نتیجه چند تاخت بیستم‌دهلی را اشغال و دولت کورگانی هند را اساس گذاشت که ولایات شرقی افغانستان هم شامل آن می‌شد.

به اساس مفکوره بوجود آوردن یک افغانستان قوی، مقتدر و مستقر استوار بود. او عقیده داشت که از همه اولتر لازم است خاکهای افغانستان توحید شده و ملت افغان در داخل یک حدود معین بر اساس واقعیات تاریخی صاحب نفوذ، اقتدار، وحدت و نظام اداری لیرومندی باشد. از بنر و هدف اولین اودفاع از افغانستان و ارزشهای ملی مردم آن بود.

او بهاد داشت که دولت هرتکی بعلمی دوام زیادی نکرد که زمامداری از قبل از تحکیم بنیان دولت ملی در داخل افغانستان و تامین شرایط سیاسی و اقتصادی یک دولت برای آن به فتوحات خارجی پرداخته مرکز نقل و انتقال ملی خود را بدانجا نقل دادند و در نتیجه تاثیر این پوتالسیل به مراکز متفرق تقسیم شد و بالاخره بحال منفی داله از بین برده شد.

احمد شاه با بافتوحات زیادی در هند بعمل آورد ولی هیچگاه حاضر نشد آن نیم قاره را بطور دائمی اشغال و محافظه کند. در حقیقت او اراده نداشت قندهار را به دهلی عوض کند بلکه مقصد او از فتوحات در هند از یکطرف حراست منافع و ارزشهای ملی افغانهای هندی که بالای سیاست ملی او تاثیر زیادی داشت و از جانب دیگر دفع خطرات احتمالی بود که در آینده سرحدات کشورش را زیر تهدید قرار میداد. او از دهلی به آسانی میگذشت ولی به هیچ قیمتی حاضر نبود یک وجب خاک بلوچستان، پشاور، هرات و لیساپور یا مادون النهر را بکسی بگذارد. او بسال ۱۱۷۲ هجری زمانی که مرتهها تا آتک رسیده بودند و دهلی را کاملاً در تصرف داشتند تا وقتی که بی امنیتیها را در بلوچستان از بین نبرد اصلاً بسوی هند حرکت نکرد زیرا او میدانست که خاک خودش بیشتر از هر جای دیگر مستوجب دفاع و حراست است و از جانب دیگر یقین داشت که محافظه دائمی هند در آن شرایط کار ساده ای بشمار نمی رود و اگر خواسته باشد آنها در دست خود محافظه کند باید بصورت دائمی در همانجا اقامت نماید و مرکز نقل نیروی خود از وطن بیرون سازد و در هند بکار پردازد.

این موضوع مغایر راه و رسم احمد شاه بابا بود که آرزو داشت که از مردم خود ملت واحدی تحت فرمان یک امپراطور مقتدر بوجود آورده که یک سلطنت مقتدر بر مردم دیگر.

بعضی از مورخین اظهار عقیده میکنند که احمد شاه میتوانست اقتدار باستانی امپراطوری رادر دهلی اعاده کند. مگر باید مد نظر گرفت که این موضوع در صورتی امکان پذیر بود که او مانند بابر شاه و یا دیگر زمامداران گذشته ای که از طرف مغرب به هند رفتند و به فرمان وائی پرداختند، بطور دائمی در آنجا متوطن شده با کشور خود قطع علاقه نمیکرد. چه در آن شرایط برای تامین تسلط دائمی بر هند و محافظه افغانستان انتقال پایتخت از قندهار به دهلی کاتی شمرده نمیشد. زمان تغییر یافته بود و سیکها قدرت بزرگ نظامی را در پنجاب به میان آورده بودند. همینکه اردوهای درانی از سلج بطرف دهلی میگذشتند و یابرعکس از رود خاله چناب به مقصد وطن عبور

اندیشه

های

بزرگان



— وقتی دلی را میراجایی، پایدهای
السائیت را مهلرزانی.

— وقتی میتوالی آسوده سربه بستر
گذاری که اطرافیان تو، آسوده
خفته باشند.

— اگر دلها را بتو دهند و بخواهند
که دلی پریشان کنی، نهذیر که پریشانی
دلها بدلیا تیرزد.

— آفتاب بزیر سقف نمی تابد، تو
بر سر خود سقفی از لومیدی ایجاد نکن
تا بتوانی از انوار آفتاب لذتبری.

میکردند سیکها از هر طرف جمع شده و دست تسلط بر پنجاب میگشودند. پس اگر احمد شاه بابا دهلی را پایتخت خود قرار میداد با موجودیت چنان وضع در پنجاب در خطر تجرید شدن از وطن قرار میگرفت و آن زمامدار بزرگ هیچگاه به قبول این کار حاضر نبود.

علاوه برین موجودیت شرایط نامطلوبی در غرب کشور که باعث حوادثی میشد و مداخله جدی مرکز را ایجاب میکرد سبب شد که احمد شاه بابا به محافظه دائمی هند گرایش پیدا نکند. روی همین ملاحظات احمد شاه بابا هیچگاه چنان تعاملی نشان نداد که دلیل آرزو مندی او برای محافظه ضبط هند شده بتواند و بیاهند را وطن و دهلی را پایتخت خود قرار دهد. او در مقابل قلل شامخ وطن تخت دهلی را از باد میبرد و یگانه هدفش از سوقیات بطرف شرق رسیدن به سرحدات اصلی افغانستان و دفع خطراتی بود که خاکهای اصلی افغانستان را تهدید میکرد. با توضیح این مطالب واضح میشود که سیاست و ستراتی احمد شاه بابا بر اساس غایه های عالی دفاع ملی کشور به مفهوم کلی آن تنظیم شده بود و در هر اقدام سیاسی و نظامی ملاحظات دفاع ملی افغانستان مدنظر گرفته میشد.

پس از وفات احمد شاه بابا زمامداران سدوزانی کوشیدند تا از مهراث اودفاع کنند ولی بتدریج اوضاع در مناطق مجاور افغانستان تغییر یافته داد. هند در ابتدا به مراکز متعدد قدرت تقسیم شد و بالاخره کمپنی شرق الهند انگلیسی پیش آنکه تسلط بریتانیا بر هند فرار گرفت که قدم بقدم بسوی سرحدات شرقی افغانستان جلو آمدند. در عین زمان در پنجاب حکومت مقتدر سیکها بر باست راچیت سنگم حکمران دست نشانده زمان شاه درانی بمیان آمد به دست اندازی بر خاکهای امپراطوری درانی آغاز نمود. دوره زمامداری تیمورشاه و پسران او با حوادث همین عصر توأم بود. حوادث نامطلوب داخلی نیز با مشکلات در خارج یکجا شده به تجزیه خاکهای امپراطوری درالی کمک کرد و بالاخره زمانی فرا رسید که سیکهای پشاور را

اشغال کردند و انگلیسها در صحنه رقابت با روسها برای تاسیس خط مدافعه دوزلیم قاراهنده کوهستانات مرتفع افغانستان چشم دوختند. اساساً افغانستان از اوایل قرن ۱۹ داخل صحنه رقابت های سیاسی دول اروپائی قرار گرفت و در نتیجه آن صدمات زیادی را متحمل شد.

در زمانیکه حکومت بارکزائیها در دهه چهارم قرن ۱۹ تازه نیرو می گرفت زمامداران هند بریتانوی که متافع سیاسی خود را توسط زمامداران افغانستان بدست آورده نمی توانستند تصمیم گرفتند که به اشغال نظامی این کشور اقدام کنند. رسانیدن شاه شجاع به تاج و تخت افغانستان صرف بهانه ای برای این اقدام ترار گرفت.

جنگ اول افغان و انگلیس (۱۸۳۹-۱۸۴۲) و جنگ دوم افغان و انگلیس (۱۸۷۸-۱۸۸۰) با آنهمه قشون انگلیس که در آن استعمال شد و با آنهمه پشتیبانی سیاسی، اقتصادی و سایکولوژیکی که با آن همراه بود فقط یک نتیجه داشت و آن عبارت ازین بود که بنیان دفاع ملی افغانستان از نظر پوتانسیل مجموعی نظامی، سیاسی، سایکولوژیکی و جغرافی چنان استوار و نیرومند است که هیچ اقدام تجاوزی در پایان مرحله در آن به پیروزی کامل رسیده نمی تواند. در دو جنگ فوق الذکر انگلیسها در بعضی میدان های پیروزی های نظامی بدست آوردند ولی این کامیابی های اسلحه لتوانست نفوذ هند بریتانوی را در افغانستان قایم سازد. در دو جنگ مذکور حتی شرایطیکه قشون انگلیس در شهرهای مهم کشورجا بجا شده بود ساحت تاثیر نظامی و سیاسی انگلیسها فقط در حدود منزل

موثر اسلحه آنها قرار داشت و خارج آن تماماً قدرت بدست مردم این سرزمین بود.

اقدامات تنبیهی انگلیسها هم درینمورد بی نتیجه ماند زیرا همینکه افواج بریتانوی به نیروی کثرت سر باز و توقف اسلحه قیام ملی را در یک نقطه خاموش می ساختند در نقطه دیگری هر چه ای قیام بر افرشته می شد تا آنکه بالاخره انگلیسها در هردو جنگ به این نتیجه رسیدند که اشغال دائمی افغانستان ناممکن بوده و باقی گذاشتن قوای بزرگ نظامی در آنجا باعث تباهی است. مظاهر این تباهی را انگلیسها در رجعت قوای الفستون بسال ۱۸۴۲ از کابل به جلال آباد و در شکست قطعی قوای جنرال پروس در میونند بسال ۱۸۸۰ دیده بودند و بنا بر آن بنیان مستحکم دفاع ملی کشور باعث تغییر خوردن سیاست انگلیس در مورد افغانستان شد.

جنگ سوم افغان و انگلیس صحنه های پرافتخاری به همراه داشت زیرا با آنکه درین مرتبه انگلیسها در حدود هفتصد و پنجاه هزار سرباز را با اسلحه و وسایط مودرن بکار انداختند بالاخره مجبور به قبول شرایط افغانستان و برسمیت شناختن استقلال آن شدند.

و اینست مثال های عملی دفاع ملی که از پوتانسیل مجموعی سات ها نیرو میگیرد و ثبات آن مربوط به هایداری فکری و فزیکتی ملت هاست. تاریخ مبارزات مردم افغانستان بخاطر دفاع از وطن و ارزش های قابل حراست ملی بارزترین مثالهای دفاع ملی را منعکس می سازد.

دانشنامهها:

فشار خون و عوارض آن

در قرن سایی از مریضی های سروه مخصوصاً در سالهای پیری وجود فشار خون است. بهتر است بدانید که اندازه گیری فشار خون اهمیت زیادی در سلامت وجود دارد. در ممالک انکشاف یافته اندازه گیری فشار خون در تمام معاینه خانه ها رواج دارد و هر چند وقت اشخاص بالاتر از ۲۵ سال فشار خود را میگیرند یقین فشار خون نیز مثل اندازه گیری وزن در بین مردم مرسوم شده است.

در زمان سابق علماء از دوران خون اطلاع صحیح نداشتند و لعیدانستند شریان ها و وریدها در وجود چه عملی را انجام میدهند. در سال ۱۵۵۳ میلادی یکی از علماء هسپانوی موسوم به میشل سروه بطرز دوران خون در وجودی برد. ۷۵ سال بعد یکی از جراحان انگلیسی بنام هر وه طرز صحیح دوران خون را در شریان ها و تصقیه خون را در شش ها ثابت کرد. چنانکه میدانیم مایعیکه در لوله ای جریان داشته باشد فشاری بجدار آن وارد میسازد که تناسب با سرعت جریان آنست. با این معنی که اگر جریان سریع بود فشار

زیادتر و اگر کند بود کمتر خواهد بود. واضحست فشار جریان مایعات را در لوله میتوان توسط فشار سنجی اندازه گرفت. این قانون در مورد گردش خون نیز صدق میکند. منتهی در اینجا مایع خون، لوله، شریانها و فشار سنج، اندازه گیری فشار خون است. در حقیقت فشار خون عبارت از فشاریست که خون بجدار

شریانهای وجود وارد میسازد و چون از طرفی در وقت القباض قلب که خون را به شدت درون شریانها میفرستد فشار زیاد میشود و بر عکس موقعیکه منسبط میگردد و خون را بدرون خود میکشد فشار کم میشود. بنابراین همیشه دو نوع فشار خون تعیین میشود که یکی را فشار خون اعظمی (سیستولیک) و دیگری را فشار اصغری (دیاستولیک) میگویند. فشار خون طبیعی بین نظر با وضاع جوی بین ۱۲۰ تا ۶۰ در نوسان می باشد. بعضی اوقات فشار خون هائین می آید و زمانی ممکن است از حد طبیعی بالاتر برود. فشار خون در کودکان و جوانان هائین و در کهن سالان بالاتر است. با اندازه گیری فشار خون میتوان وجود بعضی از امراض قلبی، گرده و عروق را شناخت. امروز در کشورهای پیشرفته همه مردم به سلامتی خود اهمیت داده و فشار را تعیین میکنند و هر چند وقت فشار خونشان را اندازه گیری میکنند. وجود فشار در خون گاهی سبب عوارض قلبی، خونریزیهای مختلف و سرگیجه میگردد و اگر خیلی بالا رود و مریض معالجه نشود ممکن است سبب خونریزی مغزی و سکتة ناقص یا کامل شود.

د افغانستان تیرو وگړو ته یوه

لنډه کتنه

تر هغه مخامخه پوری چه تاریخ پانې مونږ ته گواهی راکوی زمونږ لرغولی هیواد دخپل ژوند په ټولو دورو کی داسی په خاوری مین خلک روزلی دی چه دغیرت اوشهامت غیرتی دتیری په گوټ گوټ کی پروت دی . د لمان ، مال ، وطن اود خپلو ملی نوامیسو دساتلو او دفاع د پاره د پردو حملو په مقابل کی لکه غره په شان دریدلی دی . بده به نه

وی چه ددی خبری دثبوت دپاره تیرافغانستان ته تر نن ورځی پوری یوه لنډه کتنه وکړو .
داریائی تیر لمړنی پادشاه چه پمانومیده بخدی «اوسنی بلخ» نی ودان کړ او دهغه دساتلو او دفاع دپاره نی تراو ښخی . دروزلود پاره وگمارل ، دحمکی دلیو والی له کلبه مجبور شول چه غنی نورخایونه لکه کوبها «کابل کرومو» «کرم» گوماتی «گوسل» رات «کنر» سوتی «سوات» سراسواتی «ارغنداب» او داسی نور ولیسی . لکه څنگه چه نی غوښتل په کورلیو چارو کی خپلواک اوهم هغه سیمی چه نی نیولی دپردو یرغل څخه وساتی تولدی کبله نی دخپلی خاوری څخه ټینکه دفاع کوله .

په جوش راغلی اود سکندر ددی خبری په اوریدو سره سخت متأثر شو او بیرته نی دهرات په لور حرکت وکړ ، هرات نی بیرته ولیو . او یو شمیر هراتی محوانان نی له تیغه تیر او غنی نی د اسارت په غنځیر و تړل ، له هغه وروسته سکندر د سیستان په لور روان شود هرات خلک د «ساتی برزانس» په ملگرتیا بیاهم دخپل ښارونو دساتلو دپاره راوپاریدل په پنځمه ورځ کله چه سکندر بیاهم ددی موضوع څخه خبر شود پخوا څخه زیات متأثر شولو شهر زره پالی او شپږ سواره عسکر نی د «کارانس» په مشری دهرات په لوری واستول او پخپله سکندر دوه میاشتی په ډیره بی صبری او الدیشینو سره دنتیجی انتظار درلود . مگر



د تیرو کسلو درسم گذشت یوه څلاره

د یلاد څخه څلور پیری پخوا هغه لوی لږی لیوونکی چه غوښتل نی د لویدیځ څخه ختیځ ته یرغل وکړی اوختیځ هیوادونه یوه بل پسی ولیسی مقدونی سکندر وه چه د ایران دایولو څخه وروسته د افغانستان د ترلاسه کولو دپاره روان شو ، دهرات دښارد لپولو څخه وروسته نی د باکتیریا باختر په لوری و دانگل کله چه دهرات دایولو څخه وروسته باختر خوا ته رعی شول لادری ورځی تیری نه وی شوی چه دهرات خلکو دسکندر دغیاب په استفادی سره وینی

یولمسی ئی په بامیالو کی له لاسه ورکړ او د زياتو کړ اولو او کړ کيچو نو سره -خامخ شواو دا کار ددی سبب شوچه دغلغلی ښار دخاورو سره يوشان کړ: او ژوندي سره ئی ژوندي پری لښود .

په دی وخت کی او زور ور او شجاع خرا سانی زلمی چه جلال الدین منکبرتی نومیده دچنگیز په مقابل کی دومره مقاومت ښکاره کړ چه چنگیز خان ئی تر ډیری مودی پوری مصروف وساته او چنگیز مجبور شوچه دالور همته سړی تردسیندروود، ملتان او چتراله پوری تعقیب کړه او د ډورو خولړیو جگړو

بیاهم موافق شو چه هرات ولسی . له هغه وروسته اسکندر دکندهار او ارغنداب په لور حرکت وکړ د اوار بیا هم «ساتی بزرگ» د هرات دخاوری غخه دفاع وکړه، دامیرلی کهغه هم غوغلی داسکندر اخواماتی سره مخامخ شو مگر بیانی هم مقاومت له لاسه ورنکړ او د خپلی خاوری دساتلو دپاره ئی هیخ راز زیار او کوشش ونه سپماوه . او ترهغه پوری دسکندر سره وجنگید ترخوچه ئی خپل ژوند پدی لاره کی د لاسه ورکړ . سکندرله یواحی په هرات کی دداسی کړ کيچونو سره مخامخ شو بلکه په نورو مواضعو کی هم په همدی شان دهغو وگړو سره مخامخ شو کوم چه دخپل سراومال غخه تپرو .

داسلام دظهور غخه او روسته هغه وخت چه افغانستان دخرامان په نامه یادیده په لمړی هجری پیری کی اسلامی فتوحات شروع او عربی عساکر وروورو د خراسان په لور متوجه شول، لمړی لشکر کشی د عبدالله بن عامر د عربو دسپه سالار په مشری د هرات، بادغیس او پوښنگک «زنده جان» په لوروو چه ددغو سیمود خلکو سخت مقاومت سره مخامخ شول او د عربو یوسردار چه قیس نومیده او ترسمنگانو پوری مخکی ولاړو بیرته په شاو گرغید .

د عربو بله حمله دکابل شاهانو د سختی مانی سره مخامخ شول او په پای کی ئی د شلو زرو تنو عربو غخه زیات شهیدان کړل چه دهغو له جملی غخه دیوشمیر لوړو شخصیتونو نومو له دادی .

۱- ایبث بن قیس بن حضرت عباس حضرت محمد (ص) دتره لسی چه په دوو تورو ئی جنگ کاوه او په شاه دوشمشیره مشهور شو .
۲- عاشقان او عارفان «رح» ۳- حضرت تمیم انصار ،
۴- حضرت جابر انصار اوداسی نورچه دتولو مبارک زیارتوله په کابل کی موجود دی .

دعباسیانو په دوره کی یو مجرلی او آزادی خو ښوونکی شخصیت ابومسلم خراسانی ؤ چه د امویانو د خلفاؤو غخه په تنگ راغی اودی سلسلی ته ئی خاتمه ورکړه چه پر محای ئی دعباسیانو سلسله منب ته راوستله دخراسان بل په خاوره او آزادی، مین فوشنچی ظاهر وچه په خراسان کی ئی دطاهریانو مستقل دولت منب ته راوست . یوبل لوی همت یعقوب لیث صفاری دسیستان غخه ؤ چه په کال ۲۵۳ هجری کی ئی خپل خپلواک دولت اعلام کړ . د صفاری دوری غخه وروسته دسامانیانو، غزنویانو او غوریانو دوری یو په بل پسې منب راغلی چه هری دوری خاصه مینه دخپل هیواد سره لرله او دافغانستان تاریخ هغوبالدهی وپاری .

په اوومه هجری پیری کی چنگیز د مغلو غخه د محمد خوارزمشاه سره دمقابلی دپاره حرکت وکړ او هغه ښاروله او هیوادونه چه دده په لاره کی پراته وپه آمالی سره فتح کړل ترخوچه دافغان خاوری ته ورسید مگر پدی محای کی دافغانی وگړو د سختی حملی سره مخامخ شوتر هغه چه خپل

په خوب کی د (خروپف) علت

خه شی دی ؟

دتنفس کولو طرز چی تشریح ئی ډیره ساده ده په دی دول اجرا کیږی چی د پزی او یا خولی له لاری موږ هوا اخلو پسله هغه هوا ددی دؤلارو غخه وگلو ورتین ته داخله پری . دخولی سقف دهغو کی و خواته دی او شاوخوا ئی لږمه ده چی په کوچنی ژبی سره خلاصیږی .

موږ محینی وخت داسی بیدپروچی دغه نرمه خوادسقف او کوچنی ژبی دتنفس سور یان رابندوی .

په نتیجه کی هماغه مجبوره ده چی د فشار په ذریعه راووزی او باید دکوچنی لولی څخه راووزی ، آواز ځنی پیدا کیږی چی عموماً ئی خرخر بو ئی .

او نور علتوله لکه دلو زقین لویوالی ، دزیاتی غوښو پیدا کیده په پزه کی دهغو کو انحراف تورم او التهاب دستونی په سوری کی په عمومی ډول علت چی دتنفس د بند پدو سبب سی په نتیجه کی خرخر پیدا کیږی .

هم دا ډول دهوا دسرعت جریان هم خرخر پیدا کوی . مثلاً محینی کسان چی په ورځ کی محینی سخت بدنی کاروله سرته رسوی مجبور دی چی ډیر سخت تنفس وکی لو دخوب کی خرخر کوی لکه کارگران او داسی نور .

په دغه سبب ښخی چی نظر ونارینو ته بدنی سخت کاروله له کوی تر نارینو لږ خرخر کوی .

دمخه ځانکو فکر کاوه هغه کسان چی دخولی دلاری تنفس کوی په خوب کی زیات خرخر کوی محکه پزه ئی بنده وی . لاکن لن ورځ ثابت سوله هغه کسان چی دپزی له لاری تنفس کوی بیانی چه هغوی هم خرخرو کړی .
دخرخر دارو:

اول باید حلق او پزه مومتمخصص ته ښکاره سی چی کوم علت لری که نه؟ - دغه علاج ژرو کی او که صحت موبته وی او بیاهم خرخر کوی دتشویش وړنه ده .

ځکه دخوب په وخت کی پور مخی مه پریوزی کوښښ وکی چه سم پریوزی او یوشی پرشا بالدی وتړی چی دچپه پریوتلو په وخت کی فشار در بانندی راوی او راوی ښی سی له دا چی بامو په وهلو را کښونوی او یاخی او په پرمخ در اچوی .

غځه وروسته دېده مرغه جلال‌الدین د دښمن لاس ته ورغی
عغه وخت چه دښمن غوښتل دی له منځه یو سی مگر چنگیز امر
و کړ چه هغه ماته ژوندی را ولی کله چه چنگیز ته ور سید
نو چنگیز ورته وویل که د تاهه شان دیوه مخوی خاوند وای
نو ما به هرو مرو نه لیا فتح کړی وه . لږه دا چه چنگیز
خوارزم ، ترمز ، مرو ، بلخ ، مرغاب ، هرات ، نیشاپور ، بامیان ،
غزنی او داسی نور ښار و ته دخاورو او وینو سره ولړل او
عات ئی دا و چه خپل ډیر مغول ئی له لاسه ور کړی وو
او هم دا چه دعالم قتل سبب دا وو چه ډار یده ترغو
دشا لخوا حمله را باندی وائی .

دسیمی پېړی بل لوی جهانکشا امیر تیمور گرگانی وو
چه دماورا النهر غځه ئی - افغانی خراسان په لور و دا نکل
او پوره اته کاله دافغانستان د ښارونو د نیولو دپاره مصروف
وو دافغان ولس په خاوره مین و کړی دهغه په مقابل کی
سخت تېنکا رو کړ ترهغه چه دسیستان دیوه جنگه پهلپ کړی ئی
یوه پښه له لاسه ور کړه او په گوند تیمور مشهور شو .

یو بل مثال دافغانستان د آزادۍ غوښتلو او آزاد سا تلو
دپاره چه دافغانستان تاریخ په هغه باندی ویاری حاجی میرویس
وه چه دگرگین «دایران مستبد حکمران په کند هار کی» په
مقابل کی ئی دسلی جرگو په جوړولو سره پېړی غوره نقشی
طرح کړی او بالاخره دا ظالم پری ئی له منځه یو و او
خپل خپلواک هیواد ئی پخپل ریاست سره اعلام کړ ، ترهغه
وروسته دهغه مخوی شاه محمود هوتکی تر اصفهان دایران
مرکزه پوری مخکی ولاړه .

د آزادۍ په لور بل گام په ۱۲ هجری پېړی کی د لادار
اقشار سره وودنادرافشار غوښتل چه خپله امپراطوری دهندوستان
ترخاوری پوری پراخه کړی نو لدی کبله ئی تصمیم و نیوه
چه دافغانستان ښارونه یوه بل پسې و لېسی او دا گمان ئی نه
درلود چه دافغانستان خلک به دو سره ډیر دی استعمار سره
وچنگیری ځکه کله چه ئی په هرات حمله کوله غوځلی د ماتې
سره مخامخ شو او بالاخره د مجمزی وسلې په استعمال سره ئی
دا تاریخنی ښار و نیوه او هم د کند هار ، غزنی او دکابل
د ښارونو د نیولو د پاره ډیرو سختو خونړیو جگړو سره مخامخ
شولدی کبله ئی منعی افغانی وگړی دغان سره ایران ته بوتل
چه په هغه ډله کی ذوالفقار خان او احمد شاه ابدالی هم شامل
وو . کله چه نا در افشار له منځه لاړ نو ابدالی احمد شاه
دافغانستان دخپلواکی په نیت دغیو افغانی او ازبکی ملگرو
سره افغانستان ته ستون شو او په « ۱۱۶۰ هـ » کی ئی لوی
افغانستان په پښتو ودر اوه .

په ۱۹ پېړی کی دافغانستان داخلی اوضاع لږ غه غوندی
خړه پړه شوه او زمینه دی ته براره شوه چه دختیخرا و
لویدیځو لور غځه په افغانستان یرغل وشی ، لکه څنگه چه
دختیخ غځه سکانو دا کار وکړ مگر دامیر دوست محمد خان
لخوا ماته ور کړی شوه . د لوید یځی لوری غځه ایران نیان
دروسالو په تحریک سره په هرات حمله وکړه د هرات ښارنی

۹ میاشتی او دغځنو په قول ۱۴ میاشتی محاصره کړ کله چه
نتیجه په لاس وره بغله نو بیرته خپل هیواد ته ستاله شول .
بل یرغل دلویدیځی لوری غځه دانگلیس یرغل وو ، که
غه هم دوی په ظاهر کی دتجارت په عرض اما په باطن
کی ئی سیاسی مدعا درلوده او هغه دا چه دوی لهغوښتل چه
اوس دافغانستان په خاوره کی نفوذ وکړی ځکه دوی ته په
هند کی خطر پښیده نو ځکه ئی دوه ځلی یرغل وکړ که غه
هم به دو اړو واړونو کی دمجمزی وسلې او زیاتو عسکرو په
درلو دلو سره برهالی شوی چه د کند هار ، غزنی ، کابل او
جلال آباد ښارونه و لېسی مگر په دو اړ و وار ونو کی کله
چه دافغانستان په خاوره مین خلک پوه شول چه مشترک دښمن
ددوی په خاوره باندی یرغل کړی نو د هر کوټ او هر کلی
چه وو او په هر ځای کی ئی چه ژوند کا وه دسردار
محمد اکبر خان ، میر مسجدی خان کوهد استی عبدالله خان
اچکزانی او امین الله خان لوگری په مشری سره را ټول شول
او ددښمن ډله منځه وړلو دپاره ئی ته ډیر جوش او خروش
سره مقابلی ته چمتو شول او په پای کی ئی یوشمیرا انگلیسان
او دهغوی افسران په خورد کابل کی دژوند غځه محروم
کړل او دکابل دخوشی کو لو په وخت کی ئی ۱۶۵۰ تنه
انگلیسان له منځه یوړل . او د (۲۰۰۰) سترلینگ پوندو
غځه زیات مادی اومالی زیان ئی ور ورساوه . په دوهم یرغل
کی بیا هم ددی خاوری وگړی دسلی مجاهدینو لکه سردار
محمد جانخان وردگ ، ملا دین محمد خان مشهور په ملامشک
عالم ، غلام حیدر خان ، مهتر موسی اود میوند په غزا کی سردار
محمد ایوب خان ترلو لاندی سره را وپارېدل وینی ئی په جوش
راغلی او دخپل غبرت او همت په ملگرتیائی په استعمارگرو
باندی داسی تاوا لونه ورسول چه چیران ئی گران کا رو ،
ډیر ئی دتوری غځه تیر کړل او ډیر ئی زخمیان کړل دمیوند
په جگړه کی ئی هم په همدی شان تلفات ور ورسول ، توپ ،
توپخانې ، او نور هر بی مهمات او وسلې دافغانی غازیانو
لاس ته ورغلل او د شلویا ډیر شو زرد سترلینگ پوند پوری
مادی ساری ئی ور ورسا ولی .

د پښتو خور سره لوی او خوږ متل دی چه وائی «پښتون
څلو پښت کاله ور وسته خپل انتقام اخلی» دا لدی کبله دی
چه دافغانستان او انگلیس په لومړی او - دوهمه او
دریمه جگړو کی ۲۰ یا ۴۱ کاله فاصله ده . (۱۸۳۸-۱۸۷۸ »
« ۱۸۷۸-۱۹۱۹ ») .

په پای کښی په دریمه جگړه کښی وه چه افغانستان په پوره
توگه خپل برلیتوب دانگلیسو په لښکرو وپښود او خپل کسامل
استقلال ئی ترلاسه کړ . چه پدی ترتیب افغانستان هغه لمړی
آسیائی هیواد وه چه ددښمن په مقابل کښی ودرید او خپله
لږ خپلواکی ئی ترلاسه کړه او په ټوله نړی کښی افغانستان
دیوخپلواک هیواد په حیث وپېژندل شو .

ورزش

جوانان

و



صحنه از بزکشی تیم های اردو

اهمیت آن در شرایط امروزی

سپورت که از قرنهای پیش دوست صمیمی سالها بوده و در راه سلامت آنها رول با ارزش و بس سهمی را بازی کرده تا حال با وجود زلذگی مدرن و ماشینی باز هم از ارزش آن چیزی کاسته نشده ، بلکه با گذشت زمان از نگاه کمیت و کیفیت طرف استفاده بیشتر آسانها قرار گرفته است .

مفسرین بزرگ ورزشی جهان به چشم اندازی نه ساده لوحانه بلکه پراز خوشبینی معتقداند که ورزش میتواند در سرنوشت آموزشی انسان دخیل باشد یا بعبارت دیگر فرهنگ را که ورزش جزئی از آن بود در حیطه اقتدار انسان می دپدلند .

از آخرین مطالعات در مورد ورزش چنین استنباط میگردد که سپورت یکی از دو پایه اساسی بنیای وجود آدمی است یعنی اگر آموزش را ستوای حساب کنیم ورزش ستون دیگریست که بر فراز این دو ستون است که وجود



السامی بقا، دوام و کمال خواهد یافت .

اگر تاریخ گذشته را مرور کنیم دیده خواهد شد که در طول تاریخ ممالکی که از عساکر سالم نیرومند و ورزشکار برخوردار بوده اند توانسته که گذشته از حفظ وجودیت خویش بر اطراف و اکناف خود نیز قدرت و ملکه حاصل کنند . بنامی از گفته های بالا از بدو تشکیل اردوهای جهان که نمیتوان تاریخ معینی بآن قایل شد تا امروز سپورت حرکات ورزشی لحظه از افراد عسکری جدا نشده بلکه با گذشت زمان دامنه فعالیت های آن وسیع تر شده است .



هر نوع مشکلات زندگی ایستادگی کرده و در دفاع از وطن بوجه احسن بدر آیند. چنانچه اگر ماهه محاربات گذشته نیاکان خود نظر بیاندازیم اولین عامل موفقیت آنها را بدرجه اول در داشتن وجود سالم و ورزش آنها جستجو خواهیم کرد .

شرایط اقلیمی مناسب آب و هوای خوشگوار و اراضی غیر هموار سردمان ما را قسمی بار آورده که بتوانند بمقابل

زیرا لیاکان ما با در دست داشتن اسلحه محدود و پیرسونل لا کافی توانسته که اندر نبردهای بزرگ ایستادگی کرده و قدرتهای بزرگ جهان را با وجود داشتن اسلحه مدرن و پرسونل کافی بزوال در آورند .

روی انگیزه فوق در ارود شاهی ماسپورت نیز جزئی از فعالیت های شبانه روزی افراد بوده و حرکات ورزشی لحظه ای از آنها دوری و جدائی نداشته است افراد ما اگر چه مدت کمی را در خدمت مقدس عسکری سپری میکنند که در بین حالت می باید صرف اساسات سپورتنی را فرامیگرفتند اما از آنجا نیکه در بالا ذکر گردید اقلیم مناسب آب و هوای گوارا افراد ما را قسمی بار آورده است که در بین مدت کم بتوانند علاوه بفرآ گرفتن مقررات و فنون ورزشی همچنین بهترین تیم های سپورتنی کشور را نیز تشکیل بدهند .

زیرا در شرایط فعلی تیم های مختلف ورزشی اردو هم زانفرادی واجتماعی



خفیف و ثقیل بهترین تیم های ورزشی کشور را تشکیل میدهد که میتوانند با تیم های مختلف داخلی و خارجی دست و پنجه نرم کرده و نتایج درخشانی را حاصل کنند ما یقین کامل داریم که این تورامیدی که بر قلوب ورزشکاران و ورزشدوستان تابیده هر روز قوی تر گردیده و اثرات آن در چهره و ورزشکاران و در میدانهای مسابقات هر چه بیشتر آشکار تر گردد .

البته يك نکته ديگر را در ينجامي بايد ذكر كرد كه عبارت مي باشد از حصه گرفتن جوانان در ورزش و بزرگداشت الهادر روزهي بزرگ تاريخي.

زيرا اولين عامل پيروزي و موفقيت ورزشكاران در تشويق تماشاچي و برگزارى مسابقات متعدد مي باشد .

در کشور ما از دیرزمانی در چنین جشن ها ، اعیاد و روز های مخصوص دیگر جوانان دسته دسته به نمایشات و حرکات ورزشی پرداخته و در طول این نمایشات تماشاچیان به قسم شایانی از این نهلان ورزیده کشور به نیکوئی استقبال میکنند .

این رسم و رواج تا حال بصورت دست نخورده باقی مانده و حتی دامنه آن وسعت بیشتر پیدا کرده است در چنین مواع از ورزشکاران و تیم های خارجی نیز دعوت میگردد که در چنین روزها با ورزشکاران ما به



بیشتر پیدا کرده و جوانان نیرومند بیشتر را که از صحت و سلامت کامل برخوردار باشند برای پیش بردن چرخهای مملکت تقدیم گردد .

زیرا همین جوانان سالم و نیرومند میباشند که با عقل سلیم و صحت کامل خویش پله های ترقی و رشد و انور را برای کشور مهیا و بی ریزی می کنند . از ینرو ما با فرار سیدن این روز تاریخی بزرگ بیکبار دیگر موفقیت ورزشکاران را ستوده و آرزو مندیم تا با گذشت زمان دامنه این فعالیت ها در راه بهبود و رشد و نمو و ورزش کشور هر چه بیشتر وسعت پیدا کرده و نتیجه آن موثرتر واقع گردد . «محتشمی»

فوتوهای این مضمون صحنه های را از مراسم مختلف رسم گذشت دختران و پسران معارف در سال گذشته نشان میدهد .

مسابقه پیردازند . امید که با گذشت زمان دامنه این فعالیت های عنعنوی ما وسعت



م و خواندگان

بیاضلی عبدالمنان مسافر از چهاردهمی کابل:

هر استقلالیه شمارا خواندیم ولذت بردیم زیرا آن آزادی مطلقى را که جهانیان بدنبال آن می درند تنها و تنها در شعر آزاد شما یافتیم راستی شعر شما شعر نبود که جان آدم بود اینک با اجازه آن دوست گرامی که خداوند شما را ازین مسافری نجات دهد قسمتی از اشعارتان را با کمی توضیحات دوستانه و آزادانه! بملاحظه خوانندگان مجله اردو می رسانیم - تادیکران هم لذت ببرند. و در آزادی و روزهای آزادی آزادانه از ان مشتعم گردند:

دل دشمنان وطن مثل بز بهر طرف بع بع می کردند!! البته منظور آقای مسافر اینست که بز حیوانیست ترسو و دشمنان وطن ما هم دل های شان از ترس معلوبوده و اینکه چگونه بع بع می کردند عجلتاً از فهم ما بدور است.

شمشیر مانبوده هرگز بغلاف و بدخواهان ما میزنند لاف دیگر بفضل و مرحمت خداوند کارهای ما عموماً تمام است زیرا شمشیر ماهیچوقت بغلاف نبوده و بدخواهان ما هم باصطلاح (لافک) برآمدند پس از چه چیز تشویش داشته باشیم؟!

امانیاغلی مسافر کمی هم باوزن و قافیه و سیلاب های بیت اول و بیت دوم تان توجه فرمائید که در قلمرو شعر ازین زیاده تر آزادی امکان ندارد!!

و اینک مقطع شعر استقلالیه تان را که مزین به تخلص شماست از ملاحظه دوستان میگذرانیم.

(ای مسافره! سردی و ر که دوطن لپاره مه گرچه دومره به نیاخواه بیکاره) که معلوم شد با این شعر شیر و شکر جناب عبدالمنان مسافر علاوه از زبان دری به پشتو هم وارد هستند و در هر دو لسان رسمی کشور شعر سروده میتوانند و بر علاوه از طالع بد که درین روز گار و زمانه بعرض بیکاری هم میتلا میباشند. با عرض حرمت.

بیاضلی احمدضیا (واژون) متعلم صنف دهم حربی شوونخی!

از شما مضمون جالبی زیر عنوان (مریخ) بدقتز مجله اردو رسید آنرا خواندیم. مطالعه آنرا برای همه خوانندگان مجله اردو مفید و ثمر بخش دانستیم اما از سیاق و طرز نگارش مضمون مذکور چنین دریافت نمودیم که اصل مضمون را از کدام کتاب و یا مطبوعات داخلی و یا خارجی اقتباس کرده باشید چون در نوشته مذکور منبع و مأخذ آن را ذکر کرده بودید برای ما معلوم نشد که آیا موضوع نقل و اقتباس است یا توسط شخص شما بقید تحریر و نگارش در آمده است!

بهمه حال نسبت اینککه معلومات درباره مر یخ چیز جالبی است آنرا در مجله اردو تماماً لشر مینمائیم و از همکاری تان تشکر می کنیم.

هر یخ

شاید شبی فضای منقش و زیبا که ستارگان فروزان اسباب تزئینات روح افزای آنرا فراهم نموده افک-ارتان را جلب و تصورات گوناگون راجع به پیدایش ستارگان ماه موقعیت زمین در آسمان و... از مخیله تان عبور نموده اما به نتیجه قناعت بخش نرسیده باشید علم استرو بیولوژی از قرون و اعصار متمدادی باینطرف جهت پاسخ به سوالات مزبور مشغول مطالعه و مداقه پدیده های شگفت آور کیهانی بوده و به موفقیتهایی قابل ستایش نیز نائل آمده اند. که البته این همه کشفیات بشریت در عالم کواکب مرهون احسان انسانهایی است که حیات عزیز خویش را وقف و قربانی راه افتخار آمیز کشفیات واقعتی های عینی نمودند.

یکی از بزرگترین انسانهایی که زنجیرهای نظریات سوهومی و خرافاتی سابق را شکست کوپرنیک بود. اشخاص که قبل از کوپرنیک می زیستند معتقد بودند که زمین مرکز همه کائنات بوده و تمام سیارات بهرامون زمین می چرخند اما کوپرنیک

بامعاشیاتی که انجام آن از عهد هر کس خارج بود برخلاف عقاید گذشته اظهار نمود که زمین مرکز سیارات نبوده و سیارات در اطراف آن در گردش نیستند بلکه زمین خود منجمه سیارات دیگر منظومه آفتابی به دور همس می چرخد اگر چه گفته کوپرنیک در آن زمان مورد قبول واقع نشد همه کوپرنیک را دهری و نظریاتش را چون آمیزدانه و وی را در آتش کلیسای روحانی معترق ساختند .

دلبال کوپرنیک دانشمندان و علمای پژوهنده و متجسس پایه عرصه وجود گذاشتند که اغلب آنها به سر نوشت استاد خود یعنی کوپرنیک گرفتار گردیدند . تا اینکه گالیله از جمله دلباله روان کوپرنیک بوجود آمد . گالیله اهل ایتالیا و از جمله بزرگترین علمای متبحر فزیک - ریاضی و نجوم عصر خود بود .

گالیله بعد از گذشتادن یک عالم رنج و مشقت و تکالیف بلاخره دوربین سماوی ساخت که توسط آن تئوری های کوپرنیک لباس استدلال می پوشید . گالیله مردم را برای مشاهده دوربین خود دعوت نمود و نشان داد که واقعاً زمین منجمه سیارات دیگر در اطراف آفتاب در حالت طواف است . و علاوه بر آن بعضی داغهای که بروی آفتاب موجود بود کشف و مشاهده نمود که مشتری دارای چندین اقمار است و بهمین ترتیب تا اندازه زیادی براندوخته علمی که همان شناسی افزود . گالیله در اواخر زندگی کنجکاوانه اش بینائی خود را از دست داده و بالاخره به گناه اینکه واقعیت را بیان نموده گردش راه چوبه دار بستند .

بعد ازین کشف بزرگ دامنه علم استر و هولوژی روز افزون گسترش یافته و بسیاری از رازهای نامکشف آسمان سرروز بروی بشریت روشن شد .

تا اینکه در نیمه دوم قرن بیستم بشریت با فرستادن تیر فلک پیمای مورا کت راه بی پایان اختران فروزان را بروی خود کشود . و مرز خلل لاهذر اتموسفر پاره پاره کرد و اولین انسان وارد فضای خارجی که چند قرن قبل جزو تصورات خنده آور بودند .

بعد ازین تاریخ کوششهای بشریت بطور قابل ملاحظه افزایش یافت تا اینکه چندی قبل در نتیجه مساعی روز افزون و عرق ریزی های خستگی ناپذیر دانشمندان اولین عقاب ماه پیمانه گردیدند .

این عمل بزرگ و تاریخی که در زندگی انسانها روی داد بسیاری از رازهای پس پرده دنیای ستارگان را روشن خواهد ساخت و به بسیاری از مسائل بفرنج که علل بشر الحال از جواب آن عاجز است پاسخ خواهد گفت .

الحال بیائیم باین موضوع که آیا در بین این همه سیارات که در منظومه ما وجود دارد امکان موجودیست حیات و شرایط مساعد که بتوالد زندگی در آن وجود بیاید موجود هست و یا خیر

بلی . بشر با آنهمه پژوهش که در سیارات نظام شمسی نمود تنها موفق گردید که در مریخ امکان موجودیت حیات را از روی بعضی شواهد و دلایل پهنش یعنی کند . الحال مریخ را بصورت مختصر مورد بررسی قرار می دهیم :

چهارمین سیاره سرخ لما که در نظام شمسی قرار دارد مریخ است . محور مریخ شبیه محور زمین بوده از همین سبب سیاره مذکور دارای چهار فصل میباشد . قطران (۲۶۸) میلی و فاصله آن از آفتاب ۱۴۲ میلیون میل و وقت گردش آن پیرامون آفتاب (۶۸۷) روز است .

این سیاره نسبت بزمین از آفتاب دور واقع شده از این سبب آب و هوای آن سرد است . مریخ در اطراف خود دارای اتماسفری بضعامت تقریباً (۳۰) میل بوده و اتماسفر آن متشکل است از بخارات آب و کاربن دای اکساید . اما اکسیجن که بدون آن حیات و زندگی ناممکن است در هوای آن تا الحال از طرف احدی مشاهده نه گردیده و اگر باشد وجود آن بسیار کم خواهد بود هنگامی که توسط تلسکوپ به سیاره مذکور نظر اندازی کنیم سطح آن قرمز به نظر میرسد امکان می رود که وجود مقدار زیاد آهن در سنگ و خاک آن اکسیجن تمام نیکمره را برای ساختن اکساید آهن بصرف رسالده باشد .

در گذشته بعضی خطوط منظم بروی سطح مریخ مشاهده گردید که بتمام کانال مسمی شد . و از اینکه تلسکوپ بصورت خطوط باریک و کم و بیش مستقیم به نظر رسید که سطوح مختلف مریخ را بهم پیوند داده اند شبیه کانالهای مریخ دستگانه واحدی بوجود آورده که در هیچ جا از هم سیخه نمیشود .

کانالها دارای خصوصیات حیرت اورو شکفت انگیز که از جمله تغییرات و دگرگونی های فصلی آن میباشد . زمانیکه مریخ در قطب ها شروع به ذوب شدن میکند موج تیره رنگی در تمام بخشهای دستگانه کانالها جاری میگردد . در منطقه استواء که بی آب ترین منطقه مریخ می باشد بخشهای دوگانه پدیدار میگردد که بموازات هم جاری میباشند . موج تیره رنگ پس از رسیدن به استواء متوقف نمی شود بلکه به حرکت خود ادامه داده تا نیمکره معتدله میرسد . دو اواخر تابستان کانالهای مریخ بخصوص در منطقه استوائی به تدریج پژمرده و تیره رنگ میشود ولی پس از حلول بهار واقعاً مذکور مکرراً تکرار میشود .

علمای کیهانی تلاش های زیادی نمودند تا مبادا پیدایش و دگرگونی فصلی کانالها را با علل طبیعی توضیح دهند . و فرضیه ها و نظریات متعددی پیشنهاد نمودند . اما این فرضیه هاتوالستند آنرا بطور صحیح و اطمینان بخش تشریح نموده و نتایج دایمانه از آن بدست دهند . باین اساس علمای کیهانی مجبوراً به فرضیه دیگر که کانالهای مریخ را مصنوعی میدانند روی می آورند . اینها اظهار میدارند که کانالهای مذکور بواسطه ساکنان عاقل مریخ ساخته شده اند . این فرضیه تا کنون

بوسیله هیچکس رد نشده بلکه برعکس پس از هر تقابل مریخ پیش از بیش مورد تأیید قرار میگیرد .

طرفداران این تئوری معتقدند که مریخیان با پیش بینی اینکه سیاره آنها بطور تدریجی خشک میشود شبکه کانالهای بزرگ آبیاری بوجود آورده آید . بنا بر عقیده طرفداران این فرضیه شبکه کانالها را با دستگاه های مخصوص فشار آب مجهز نموده که آب را برخلاف نیروهای طبیعی به نقاط مورد نظرشان میرسانند .

در چوکات این فرضیه صحت هندسی کانالها و بسیاری از خصوصیات آن مفهوم واقع میشود مثلاً کانالهای موازی و دوگانه فقط در منطقه استوایی این سیاره یعنی بی آب ترین بخشهای آن به چشم میخورد بدین طریق در پرتو دانش امروزی بعید نیست که کانالهای مریخ - تاسیسات آبیاری مریخیان باشد .

آثار و نشانههای موجودات عاقل در این سیاره فقط به کانالها محدود نیست . واحهها لیز در محل تقاطع کانالها دیده میشوند که کمتر از کانالها سرسوز لیستند .

در مریخ روی مرفه زردیک به هزار کانال و یکصد و پنجاه واحه چشم میخورد .

در موسم سرما حصص قطبین مریخ را بیک نوع یخ بزرگ میپوشاند و قتیکه بهار نزدیک میشود یخ مذکور به تدریج کوچک شده از بین میرود . در این وقت بهار سبز و خرم در مناطق استوایی آن حللول میکند . این جزئی در موسم گرما به رنگ قهوه ای و درهائیز به زردی میگراید علماء عقیده دارند که در سطح مریخ رستنیها و نباتات میباشد و این تبدیل عبارت است از گذشتادن دورههای مختلف نباتات . به گمان غالب رستنیهای مریخ از رستنیهای زمین متفاوت و از جمله نباتات الجوه میباشد .

در سالهای اخیر توجه دانشمندان به قمرهای مریخ (فوبوس و دیموس) جلب شده و بعضی از علماء اظهار مبدارند که این ماهواره مصنوعی بوده و از طرف مریخیان ساخته شده اند . محاسباتی را که علماء به عمل آورده اند نشان میدهد که فوبوس و دیموس (۵۰۰) میلیون سال قبل توسط تمدن مریخیان که امروز بکلی نابود گردیده پیکر انداخته شده اند . اما این نظریه به دلایلی مورد بحث است . کلیه سیارات منجمله زمین در چند میلیارد سال قبل بوجود آمده اند مبنائی ندارند که فکر کنیم در مریخ با شرایط به مراتب سخت تر از شرایط زمین حیات به مراتب زودتر بوجود آمده باشد .

این اظهار هم بی اساس است که سرعت تحولات مریخ انقدر

بسرعت تحولات زمین پیشی گرفته که تمدن آنها تقریباً (۵۰۰) میلیون سال قبل به چنان مرحله رسیده که امروز ماقاط در آرزوی آن هستیم .

از طرف دیگر معلوم نیست چه عاملی تمدن مریخیان را نابود کرده است و واضح است که این تمدن نمیتوانست در ظرف (۵۰۰) میلیون سال خود بخود متحل شود . بنا بر این سالحه روی داده آنها منجمله به سوبه کیهان که توالت است تمدن سراسر سیاره را نابود کند . در این صورت چرا این سالحه زمین و متری ماه را از بین نبرده است .

با در نظر گرفتن اینها میتوان فکر کرد که مریخیان معاصرین ما بوده فوبوس و دیموس را آنها ساخته اند فرضیه ها و تئوری های گوناگونی از طرف علمای مختلف راجع به امکان وجود حیات و یا عدم آن در این سیاره ارائه گردیده که نمیتوان بطور مطلق چنین استنتاج کرد که در مریخ حتماً حیات موجود است . شاید در آینده نزدیک توسط جانشانیها عرق ریزیها و کوششهای خستگی ناپذیر سرسپردگان راه حقیقت رازهای بزرگ علم که امروز از شنیدن آن انگشت تعجب به دهان میبریم برای ما روشن شود . دانشمندان و منجمین آرزوی شدید دارند که روزی به این سیاره اسرار آمیز مسافرت نموده و مشاهده نمایند که فرضیه های متکی به محاسبات شان با شرایط عینی مطابقت دارد یا خیر .

لومپی بریدن (تسلی) داستانها !

ستاسی شعر (دخاوری مینه) تر عنوان لاندی را ورسید اودادی ستاسوا شعار :

مال او سوسی بخار شه تا بختد و طنه
بخاردی په بار بار شمه ای بیکلی مامنه

ستاله سپیرو خاورونه بخار دبل قصرونه
دک له بر کته دی ستادیتی او غروله

ستاجاه و جلال غوارم هر دم له غبنتنه
مولیوه هوزامن ستاتنه ئی ز مولیو مور

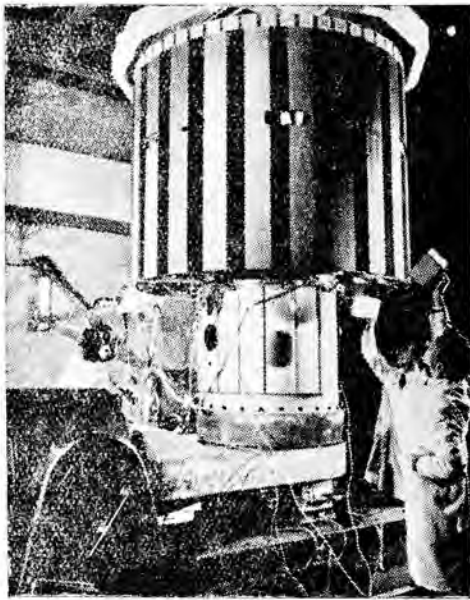
ته لجبیه خاوره ئی تاکی شه دیر زور
هروخت په امان اوسی مولیودی کیو و بخارنه

گران ئی راته هر شه نه له لری مثال
وینی موشیدلی دی متا هر امتقلال

فرض گنیو بلکل هر بخان سادیت پالنه
مولیو یو سر بازان دستا مینه دی هالو

ای د میو لومحکی هر شه دی گالو
گران هرما (تسلی) ئی ته زیات له رج اولته

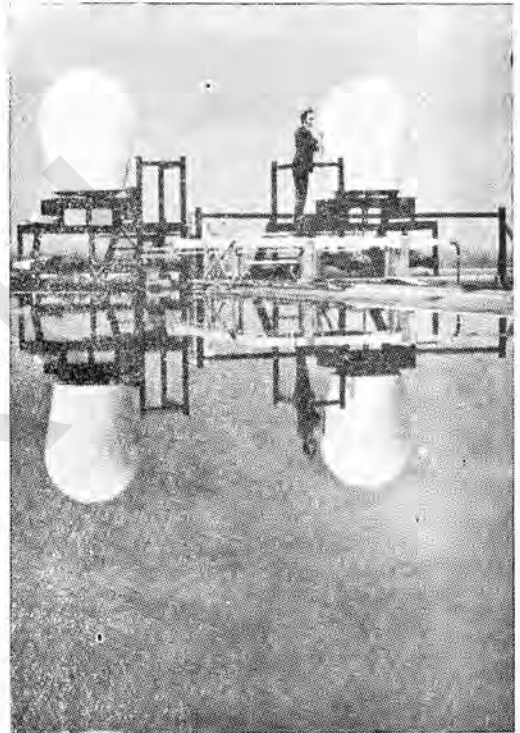
سیستم های مخابراتی مارکنی



پنجاه سال قبل به ۱۴ فروری ۱۹۲۲ برای اولین مرتبه سیستم مخابراتی مذکور در اردوی برطانیه در یک قصبه کوچک نزدیک در ناحیه چلمزفورد روی کار آمد - در آن روز یک گروه انجیران مارکونی به ارجاع سیستم مخابراتی 2MT اقدام نمودند - بعد از انقضای دو سال این سیستم انکشاف بیشتر نموده تلفون بی سیم روی کار آمد و در عرصه پنجاه سال سیستم مخابراتی مارکونی به فضاء انتقال داده شد و همچنین در BBC لندن

با وسایط مجهز بکار انداخته و امروز توسط آن پروگرام های رنگه تلویزیونی در تمام مملکت برطانیه جریان دارد و برای اولین دفعه در استیشن را دیوئی در آن کشور تاسیس گردید .

سیستم مخابراتی نوع سکای لت ۲ فوت که در امور مخابراتی عسکری استعمال می شود



سیستم مخابراتی فضائی که در وسایط بحریه استعمال می شود

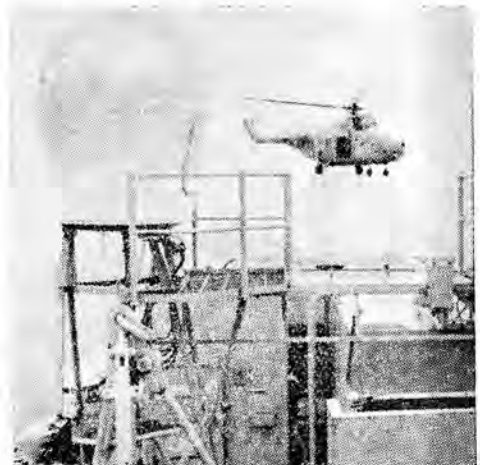


سیستم مخابراتی مارکنی معروف ترین دستگاہ مخابراتی برطانیه بوده از دستگاہ های سهم تولیدی مملکت محسوب میشود - و یک سهم صادراتی بزرگ را تشکیل می نماید ، بیش از یکصد هزار چیتل مارکونی نوع PCM بکار ج صادر گردیده است .

ستیشن مخابراتی کیهانی نوع ۹۷ فوت ملکی لیروی کیشیا



سیستم زمینی مخابراتی کیهانی عسکری نوع ۲۱ فوت که به سیستم سکای لت ساخته شده است ←



سیستم مخابراتی بحری

کمک‌های عاجل برای ولایات

مصیبت رسیدہ

در خدمت اجتماع

خوانندگان عزیز مطلع خواهند بود کہ نظر بہ مفکوره بہیخوارانہ ، اعلیٰ حضرت معظم ہمایولی سر قوماندان اعلیٰ اردوی شاہی افغان تجویز گرفتہ شد کہ حکومت در حمل و نقل غلہ و همچنین در امور توزیع مواد امدادی لوژستیک برای ولایات مصیبت رسیدہ ہلانہای عاجل را سردست بگیرد . قبل از آن ہیاتی بریاست

جلالتآب دکتور عبد الصمد حامد معاون صدارت کہ در آنجملہ ہیئت لوژستیک وزارت دفاع ملی نیز شامل بود از مناطق آسیب دیدہ بخصوص ولایات ہرات ، بادغیس وغور دیدن کردند و متعاقب آن ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی آمادگی اردوی شاہانہ را برای رسانیدن مواد امدادی ہولایات در نظر گرفته شدہ اہراز داشتند کہ در نتیجہ امور حمل و نقل

غلہ و مواد ہلان گذاری عمومی امداد ہا بعہدہ اردو قرار گرفت . دگر من عبدالرشید یوسفزی مدیر تعلیم و تربیہ لوژستیک ضمن مصاحبہ گفت کہ باسناد صوابدہد مقام وزارت دفاع ملی مؤظف گردید تا از امور حمل و نقل غلہ سر ہستی نمایند بنا ہیاتی از جملہ صاحب منصبان ریاست لوژستیک ہدین منظور تعیین شدند . ہیات عبارتند از ایجا لب دگر من عبدالرشید یوسفزی مدیر تعلیم و تربیہ ، دگر من فضل احمد صالحی مدیر عمومی اکمال البیہ ، چکر ن محمد طاہر معاون مدیریت ہلان چکر ن محمد کبیر معاون مدیریت تعلیم و تربیہ و تورن احمد فاروق . این اشخاص ہامساعی خستگی ناپذیر بیست و چہار ساعہہ بتاریخ ۲۰ / ۳ / ۵۱ شروع ہکار نمودند و در ظرف سہ یوم نظر بہ مفکوره حکومت سہ ہلان مجوزہ را ہم بشکل گرافیکی و ہم بشکل تشریحات دار حاضر و در کمیٹہ و زرا کہ تحت ریاست جلالتمآب و معاون صدارت عظمیٰ اجرای فعالیت مینودند تقدیم شد کمیٹہ مذکور ہلانہای احضار شدہ ہیات عسکری را



ہلیکوپترهای اردوی شاہانہ کہ در امور امداد بہ ولایات آسیب دیدہ سہم فعالی گرفته اند .



کاروانهای گندم حین حرکت بسوی ولایات مصیبت رسیده

پذیرفته و بدون کدام تعدیلی منظور کردند که به مساحت تطبیق گذارده شد .
 دگرمن عبدالرشید افزود :
 طوریکه به همه معلوم است یک پلان در مرحله اول صد فیصد قنایت تطبیق را دارا نمی باشد اما با اثر مساعی شیاروزی این کمیته پلان توسط پرسونل اردو صد فیصد تطبیق گردید . علاوه آنظر به هدایت حکومت ۴۸٪ اجراءات علاوه گمی نظر به پلان نیز تطبیق شده است . در اثر همین حسن استقبال و موقفت پرسونل اردو بود که موضوع پلان گذاری ، ترتیب و تنظیم امداد را به این کمیته محول نمودند که فعلاً نسبت جمع آوری معلوماتها در فعالیت ابتدائی می باشد .
 وی افزود :

مرحله اول پلان گذاری ختم شده و پلان احضار شده مؤفقانه به منصفه اجرا گذاشته شد . طبق پلان وسایط اردو به ولایات آسیب دیده استخدام شد . در جریان تطبیق پلان ضرورت از سال گندم در بعضی مناطق دیگر احساس گردید که وسایط اردو فوراً باستقامتهای مذکور به رسانی آغاز کرد . در پلان مجوز استقامت ها نیکه

و اجرستان . نقاط مذکور لهایت صعب المرور بوده دارای کوتلها و موانع زیاد میباشد . از آنجا نیکه اردو دایماً وظایف خطیر را بعهده گرفته در تطبیق پلان مذکور هم انجام این وظیفه مهم را پذیرفت .

صعب المرور بود و وسایط توناژ زیاد رفته نمیتوانست رسانیدن غله بدوش اردو قرار گرفت . مثل شنیدند - چغچران شبرغان میهنه ، کندز - بدخشان و مناطق بهسود ، پنجاب ، شهرستان ، دای کنده

نظر به راهور جداگانه ولایت بادغیس که امور صحی و لسوالی چونند را از نگاه و قیامت و اراضی و خیم خوالده بودند که فوراً کمیته لوژستیک از روغتون اردو دو نفر دکتوران که عبارت بودند از جگرین محمد عارف رانخورمل متخصص امراض التانی و تورن محمد یوسف لغمائی متخصص امراض حیوانی بان و لسوالی فرستادند . متخصصین مذکور بعد از قبول زحمات زیادی با موثر و سواری حیوانات و اکثر آ پیاده تمام دره چونند اسروری نمودند . و راهور مفصل به کمیته حاضر نمودند .



کمیته ریاست لوژستیک و وزارت دفاع ملی در حال احضار پلان های امدادی در قصر گلخانه صدارت عظمی

دگر من عبدالرشید علاوه کرد :
 در مرحله تطبیق پلان نظر به هدایت شورای عالی کمیته یک هیئت لوژستیک مطالعه راه ها و سروی مناطق مصیبت زده و ارائه راهور مؤثق راجع به تعداد

دگرمن صالحی همکار مؤلف آن موسسه
بشما توضیح داده خواهد شد

ترتیب و تنظیم و پلان گذاری های
مواد امدادیه اجرا شده است، در پلان
مذکور مراکز توزیع امداد خط المیر
هیأت توزیع، حرکت و وسایط مقدار
مواد امدادیه، نشان داده شده و تثبیت
گردیده است، و وسایط طرف ضرورت
لیز از اردو تهیه و بدسترس شان
گذاشته شده است. علاوه آن نظر به خواهش
رئیس انجمن رهنمای خانواده و رئیس
دمیرمنو تولنه پیک، یک لفر صاحب منصب
به صفت هیأت در توزیع امداد سهم گرفته
و مواد مذکور را بالظم و لسق به
مستحقین توزیع نمودند که طرف امتنان
و رضایت مؤسسات موصوف واقع شده
انجمن رهنمای خانواده مراتب سمونیت
خود را رسماً بریاست لوژستیک نگاشته
است، قراریکه خبرنگار ما از اتاق
کار کمیته در قصر گلخانه صدارت عظمی
دیدن نمود پلان های زیادی در آنجا
مشاهده میشد که نمایانگر فعالیت های
محسوس اعضای کمیته بود، درین
پلان ها در آغاز صورت اجرای ارسال
کمکها بولایات دوردست و آسیب دیده
پیش بینی شده بود که در پلان های بعد
چگونگی تطبیق آن با فیصدی ها و تفصیلات

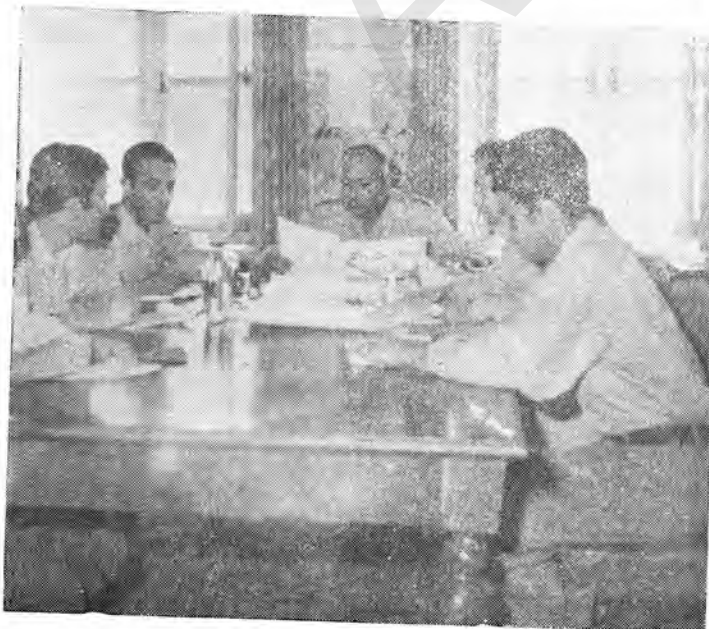


پلان غله رسائی در برج سرطان و درجه های تطبیق آن

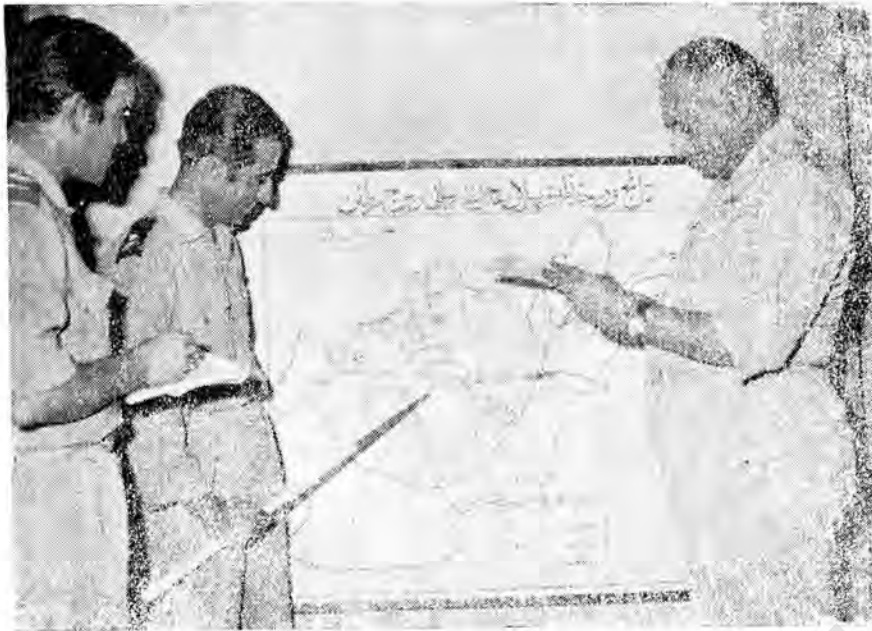
ماه اسد ۱۱۷٪ میباشد
در عین حال کمیته امداد لوژستیک
در حصه تنظیم امدادهای وزارت صحیه
و دمیرمنو تولنه سهم گرفته است که توسط

آسیب دیدگان وضع صحیح مردم،
شفا خانه ها و غیره مناطق به ولایات
هرات، بادغیس و فاریاب سفر نمودند
و راهور مفصلی در زمینه به کمیته حاضر
نمودند. پلان غله رسائی عاجل در ماه
سرطان با وجودیکه پلان ابتدائی بود
و هنوز شرایط راهها و غیره خصوصیات
مطالعه نشده بود با آنهم صد فیصد تطبیق
گردیده و غله طبق پلان مرتبه، به مناطق
مورد نظر رسانیده شد. حالا مرحله
تطبیق پلان با آخر رسیده و کمیته
لوژستیک راهور نتایج تطبیق پلان را
حاضر ساخته است که نظر به هدایت
کمیته و استماع راهور کارهای آینده
کمیته لوژستیک تعیین خواهد شد.

وی در مورد راهور نتایج چنین گفت:
در راهور نتایج درجه فیصدی تطبیق
وسایط اردو و درجه تطبیق توسط
ترانسپورت ملکی نیز معاینه شده
که درجه تطبیق فیصدی توسط وسایط
اردو تا اخیر سرطان وسطی ۱۰۱٪ و تا ۸



اعضای کمیته پلان گذاری اردو در حال شروع امور پلان گذاری



تطبيق پلان بالای خريطة پلان شده

کنترول ومقایسه پلان عاجل غله رسانی
ولایات آسیب دیده را در ماه سرطان
از نظر شما خوانندگان گرامی بگذرانیم .

موجود بود و در هر استقامت اگر
احتمالاتی بوقوع میرسد از آن استفاده
بعمل می آید . در اینجا لازم می بینیم پلان

آن ترسیم و تحریر گردیده بود که
ما فوتوهای بکتهمداد پلان های مذکور
را در اینجا از نظر خوانندگان
میگذرانیم .

در جمله پلانها یکی پلان حمل و نقل
عاجل غله رسانی در ظرف یکماه بود که
تماماً در طول ماه سرطان با همه مشکلات
وموانع تطبیق شده است . این پلان که
توسط کمیته مؤظف لوژستیک اردو
از روی پلان قبلی شش ماهه برای
رسانیدن کمکهای عاجل توسط وسایط
اردو بولایات آسیب دیده تهیه شده ،
مخصوصاً برای یکماه ترتیب شده است
پلان مذکور عبارت است از :

برای ولایات جوزجان - فاریاب
(شیرغان - میمنه) مقدار توناژیکه
باید رسانیده میشد دو هزار تن باطنی
مسافه ۲۲۰ کیلومتر که مدت پنج
شبانه روز را دربر گرفته و پنجاه واسطه
در آن فعالیت نموده است ، وسایط مذکور
در یکدفعه (۲۰۰) تن وطنی یکماه ۸۰۰
تن غله را رسانیده است .

برای ولایت فراه (شیندند) و ولایت
غور (چغچران) به توناژ دو هزار تن
باطنی مسافه ۳۲۵ کیلومتر در مدت
له شبانه روز ۸۰ عراده موتر فعالیت
نمود که در یکمرتبه ۳۲۰ تن و در یکماه
۶۴۰ تن غله را حمل کرده است .

در کندز و بدخشان به توناژ دو هزار
تن بمسافه ۲۳۳ کیلومتر طی هفت شبانه
روز شصت عراده واسطه بکار انداخته
شده که در یکمرتبه ۲۴۰ تن و در ظرف
یکماه ۷۲۰ تن را انتقال داده است .
باینصورت جمعاً به توناژ (۶۰۰۰)
توسط ۱۹۰ عراده واسطه در یکمرتبه
۷۶۰ تن و در مدت یکماه (سرطان) ۲۱۶۰
تن غله را بجایهای معینه و تثبیت شده
برده و رسانیده شده است .

خبرنگار ما می افزاید :

مجموع وسایطیکه از اردو استخدام
گردیده دوصد عراده است ، در پلان
۱۹۰ عراده گرفته شده علت آن این بود
که ده عراده دیگر بصورت احتیاطی

مجموع باقیمانده پلان عاجل	رسالیده شده توسط سایر دوایر	توسط ترانسپورت			توسط وسایط اردو			ولایات و محالات	
		توسط سایر دوایر	پلان شده	باقیمانده	پلان شده	باقیمانده	انتهی	مبدا	
۷۱۲	۴۵۵	۱۳۶۶	-	۱۳۶۶	-	۸۳۲	۶۴۰	شیندند	چغچران
۶۷۳	۲۳۱	۷۵۶	۴۴۴	۱۲۰۰	۱۴۸	۲۵۲	۸۰۰	شیرغان	میمنه
۱۵۳۶	-	۱۱۳۵	۱۴۵	۱۲۸۲	۴۰۱	۳۱۹	۷۲۰	کندز	فیض آباد
۲۲۲۱	۶۸۶	۳۲۵۱	۵۸۹	۳۸۴۰	۳۵۶	۱۸۰۴	۲۱۶۰	میزان	

نوت : وسایط اردو تمام کارهای باقیمانده را در ظرف پنج روز اول ماه امده
انجام داده و پلان خود را کاملاً تطبیق نموده است .

در ذیل همچنین ضمن یک جدول تفصیل فعالیت های انجام شده داخل و خارج پلان را با تفصیل تعداد وسایط استخدام شده اردو و تولاژیکه نقل داده شده از نظر شما میگذرالم .

معلومات استخدام وسایط و نقل تولاژ داخل پلان و خارج پلان

ملاحظات	سائر خدمات به تون و نفر	تولاژیکه نقل داده شده به تون	تعداد وسایط استخدام شده	ولایات آسیب دیده	
				داخل پلان	خارج پلان
		۹۱۳	۸۰	غور	
		۸۶۹	۳۵	فاریاب	
		۳۱۹	۴۰	بدخشان	
		۲۱۰۱	۱۵۵	مجموع	
		۴۰	۱۰	بهسود	
		۸۰	۲۰	پنجاب و	
		۶۰	۱۵	شهرستان	
		۸۰	۲۰	دا یکنندی	
		۸۰	۲۰	اجرستان	
		۳۴۰	۸۵	مجموع	
	۲۸		۷	دبھی مرسته	
	۷۲		۱۸	د میرمتو مرسته	
	۱۰۰	—	۲۵	مجموع	
		۲۴۴۱	۲۶۵	مجموع تولاژ داخل و خارج از پلان	
	۳۰۸۰ تون	—	۵۳	تخلیه کامپ هرات	
	۲۵۰۰۰		۵۳	مجموع	
	۳۰۸۰				
	۲۵۰۰۰				
		۵۶۲۱	۴۱۵	میزان عمومی	

تخلیه گردید ۱۳۵۱/۵/۱ بود و باین ترتیب باربزرگی ازدوش ولایت هرات لوز برداشته شد .

قسمت سوم فعالیت های کمیته لوژستیک وزارت دفاع ملی راهمالسمم- گیری در توزیع امدادخانم های رضا کار ودمیرمنو تولنه بولایات غور، بادغیس فاریاب و بدخشان بوده که هنوز هم قسمتی از فعالیت های مزبور ادامه دارد .

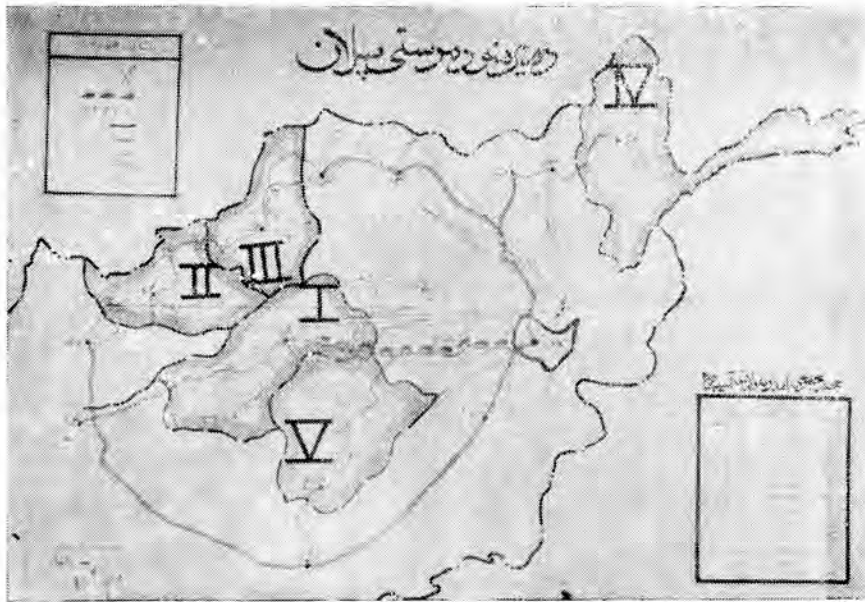
در جمله این هیأت دگرمین فضل احمد صالحی مدیر عمومی اکمال البسه مؤظف گردیده و دو نفر دیگر تورن سید نجم الدین و بریدگی عبدالغفور باوی مساعدت مینمایند .

دگرمین صالحی ضمن مصاحبه گفت : اموالیکه بصورت امدادی از هر طرف وهم توسط صندوق مادر، شاگردان و سیرمن های رضا کار و سایر خیرخواهان، مؤسسات عسکری و ملکی جمع آوری میشود توسط هیأت ما پلان گذاری، تنظیم، ترتیب و بحال پیکنگ آورده شده و توسط وسایط نقلیه لوژستیک بولایات مصیبت رسیده انتقال داده شده و میشود .

دگرمین صالحی افزود : کمکهای جمع آوری شده برای ولایت بادغیس و غور توزیع شده و عملاً مصروف جمع آوری مواد امدادیه برای بدخشان میباشیم که عنقریب بسوی ولایات مذکور حرکت داده خواهد شد . وی افزود :

در کاروان غور ده عرا ده موتر، در کاروان بادغیس ده عرا ده موتر و در کاروان بدخشان در حدود ۱۷ عرا ده موتر از لقلیه لوژستیک استخدام گردیده است و مواد امدادیه که توزیع شده بالای هفده هزار نفر ولایت غور و ده

علاوه بر پلان های فوق الذکر هیأت عسکری روی مساعدت با ولایت هرات، در حدود سی و دو هزار نفر را که در جنوب شهر هرات از ماهها بدینطرف بحیث پناه گزین در کمپ ها بسر میبردند بولایات اصلی شان انتقال داده است . این انتقال ۳۲ هزار نفر آواره از هرات در مدت ۱۵ روز توسط پنجاه عرا ده موتر که سی عرا ده آن از فرقه نمبر ۱۷ هرات و بیست عرا ده دیگر از غله رسانی بین چنچران و شیندند مورد استفاده قرار گرفته بانظم و وسپلین کامل به دهات، شهرها و محلات شان انجام پذیرفته است . آخرین روزیکه کمپ های مذکور



پلان کمکهای خانمهای رضا کار و دمیرمنو تولنه که با همکاری اردو در پنج ولایت آسیب دیده توسط کمیته لوژستیک ترتیب شده و تا حال پلان مذکور در ولایات غور، بادغیس و فاریاب و قسماً بدخشان تطبیق گردیده است و سلسله توزیع امداد هنوز هم دوام دارد.



اعضای دمیرمنو تولنه هنگامیکه البسه امدادی را برای ولایات آسیب دیده آماده میسازند

بصدای دمیرمنو تولنه لیک گفته کمک و مساعدت های قابل تذکری را قرار آتی نمودند.

۱- یکمقدار قابل تذکر پیراهن جمعی، بوت زلانه، بوت اطفال و پیراهن

میرمن صالحه فاروق اعتمادی علاوه کرد:

از همه اولتر وزارت جلیله دفاع ملی با تهرادایت عالیقدر جلالتمآب وزیر دفاع ملی از طریق ریاست لوژستیک

هزار نفر ولایت بادغیس تقسیم گشته است، همچنین هیأت صبحی لوژستیک وزارت دفاع ملی از نزدیک در مناطق مذکور سروی نموده و کمکهای طبی را نیز انجام داده است.

میرمن صالحه فاروق اعتمادی رئیس دمیرمنو تولنه طی یک مصاحبه به خیرنگار ما چنین توضیح داد:

دراثر خشکسالی و سیلابهای اخیر در ولایات غور، هرات، بادغیس، فاریاب، بدخشان و ارزگان یکمقدار زیادی از فامیل هاستی مادی خویش را از دست داده و برای اعاشه خود و فرزندان خود بمشکلات زیادی مواجه بودند.

دمیرمنو تولنه بحیث یک مؤسسه خیریه در راه کمک به فامیل های بی بضاعت و بی سرپرست و مصیبت رسیده ولایات تصمیم گرفت تا عواید سال ۱۳۵۱ صندوق مادر را برای کمک به مادران و اطفال مستمند ولایات تخصیص دهد و توسط کمیته که در دمیرمنو تولنه تشکیل گردیده مواد امدادیه را تهیه و بخود محل رسانیده به مستحقین آن توزیع نماید.

رئیس دمیرمنو تولنه افزود:

روی همین مفکوره بود که دمیرمنو تولنه توجه وزارت خانه ها، مؤسسات، بانکها و اشخاص سرمایه دار را جهت تقویة صندوق مادر و مساعدت به مردم جلب نمود و از اشخاص بشردوست و نوع پرور امداد جوئید.

همچنین انجمن میرمن های رضا کار نیز درین امداد سهم بارز گرفت و یک مقدار زیاد البسه مستعمل و غیره مواد را جمع آوری نموده و به اختیار دمیرمنو تولنه گذاشت تا توزیع گردد.

مردانه معادل (۲۴۳۷۸۷۰۰) افغانی
 کلوب عسکری وزارت دفاع ملی
 مساعدت کرد .

۲- اعانه شخصی صاحب منصبان
 مربوط ریاست لوژستیک به تعداد مکفی
 کاسه العوام، گیلاس العوام، چایتنک
 العوام معادل (۳۶۷۸۴/۰۰) افغانی
 جهت توزیع به مصیبت رسیدگان ولایات
 غور و بادغیس بدسترس دمیرنوتولنه
 گذاشته است .

۳- یکمقدار قابل ملاحظه صندوق
 چوبی برای مواد امدادیه دمیرنوتولنه
 را وزارت جلیله دفاع ملی مساعدت
 کرده است .

۴- انتقال مواد امدادیه توسط
 هژده موتورلاری باربری وزارت دفاع
 ملی در دو مرتبه بولایات غور، بادغیس
 بادریوران عسکری و یکنفر صاحب منصب
 بقسم کنترلر طور مساعدت به
 دمیرنوتولنه صورت گرفته است .
 رئیس دمیرنوتولنه در اخیر چنین
 گفت :

دمیرنوتولنه این مهم گیری خیر
 الیهشاله و احساسات بشر دوستی و
 ونوع هروری جلالتماب وزیر دفاع
 ملی و حرکات خیرخواهانه دیگر صاحب
 منصبان اردوی شاهانه را به نظر احترام
 اگر بسته تشکرات و تمنیات نیک را
 تقدیم میدارد .

(پایان)



تورن جنرال محمد نذیر کبیر سراج رئیس لوژستیک وزارت دفاع ملی
 با هیات مربوطه حینیکه از جریان توزیع امدادها به مستحقین ولایات آسیب دیده
 بازدید مینمایند



رئیس لوژستیک وزارت دفاع ملی و رئیس دمیرنوتولنه با هیات مربوطه
 از آسیب دیدگان دلجوئی و استمالت مینمایند



کمیته مؤلف اردو با هیات
 میرمن های رضا کار در یکی از
 ولایات مصیبت رسیده کشور .



ملی ناموس

غوک چه خپل سر لکړی قربان له استقلاله غځنی
 کله شی خلاص د غلامی له بده حاله غځنی
 هېښتنو واخلی غه بهر ه زماله قاله غځنی
 شی آزادی په حفظ کی تیر له سرو ماله غځنی
 دلته قائم شی د فولادو له دیواله غځنی

چه استقلال لوی ژوندون لره لذت کله وی
 قوم چه اسیر وی په نړی کی ئی عزت کله وی
 چه له سر تیر نه شی مصئون ئی حریت کله وی
 چه غیرت وی په هغه قوم کی شقاوت کله وی
 وحدت شعار کړی شی خبر ئی له کماله غځنی

ملت صدف وی حریت په کی گوهر اوسی
 دغه گوهر لاتر الما سونه بهتر اوسی
 کوم قام چه دغه پانگه نه لری ابتراوسی
 د ننگیالیو غځنه دا ناموس اکبر اوسی
 محان کړی بتاود دغه پانگی له سمباله غځنی

وطن مو مور او حقیقت کی محبوبه ده هغه
 موږ ته مخ لوشی وله اغهارو محبوبه ده هغه
 دیواد هر زلمی ته ښکلی مطلوبه ده هغه
 په آزادی بان دی مینه مجذوبه ده هغه
 نول شی لوکی د ملی ناوی له جماله غځنی

د سر پر ئی زموږ دمور لنگ و غیرت دی زموږ
 چه استقلال ما تو پر دی کی شهامت دی زموږ
 مادی او معنوی همدلته سلامت دی زموږ
 که حریت لوی بیاضه عسکریت دی زموږ
 له محی په شامیره عسکر له دی جلاله غځنی

چاچه ور کړی دی سرو نه په وطن بان دی
 ملکی ویاړ که دهغو په سره کفن بان دی
 زلمی او پیغلی ئی گلان ږدی په مدفن بان دی
 کړی به ئی نایل پروردگار په خپل د بدن بان دی
 سر بازی هیڅ که میاسی له خیا له غځنی

دوست او دښمن و پېژنی او اتفاق و کړی
 شی سره یو دارو درمل ژر د نفاق و کړی
 ورور سره مینه ود غلیم سره فراق و کړی
 حریت ساتی په وحدت سره میثاق و کړی
 بی زنگ وی غوک چه بیر ته پاتی شی له له غځنی

بری مومی غوک چه وطن بان دی عاشق وی دی
 وی پدارینو کی سر لوری چه صادق وی دی
 خپلو ږدو دوست او دښمنو کی فائق وی دی
 صدق ئی لار د ترقی ده که لائق وی دی
 « سعادت الله » نشی کنار له دی منا له غځنی

د ملی دفاع د هماغه کما تو رئیس
 ډگر جنرال سعدالله صافی